

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام پدیدآورنده: سید مصطفی حسینی سیرت

مشخصات نشر: قم: ذکر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ج.

ISBN: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۸۶۴۲ - ? - ? - ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره: LB ۱۴۰۰

رده بندی دیویی: /

شماره کتابشناسی ملی:

همراه با مبلغان

اربعین

سید مصطفی حسینی سیرت

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه

دفتر مطالعات و تأمین محتوا



انتشارات ذکرئ

«همراه با مبلغان اربعین»

نویسنده: سید مصطفی حسینی سیرت
تهیه و تنظیم: معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
ناشر: ذکرئ
ویراستار: آمنه قربانی
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۶۰۰/۰۰۰ ریال
شابک: ؟ - ؟ - ؟؟؟؟ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مرکز پخش:

قم، جمکران، بلوار انتظار، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه،

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی

قم، خیابان شهید صدوقی، خیابان فجر، خیابان دانش،

مجمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۵۴۴۰ - ۳۲۹۴۰۶۴۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۳
بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین.....	۱۵
آثار زیارت.....	۱۷
زیارت امیرالمؤمنین (ع):.....	۱۸
زیارت اباعبدالله الحسین (ع):.....	۱۹
ثواب زیارت کاظمین (ع):.....	۲۲
زیارت امامین عسکریین (ع):.....	۲۳
زیارت با پای پیاده:.....	۲۳
پیاده روی اربعین در سیره بزرگان.....	۲۸
جابر بن عبدالله انصاری.....	۳۰
عطیه بن سعد عوفی.....	۳۱
محدث نوری (ع):.....	۳۱
آقا نجفی قوچانی (ع):.....	۳۱
میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ع):.....	۳۲
علامه امینی (ع):.....	۳۲
حاج آقا مصطفی خمینی (ع):.....	۳۲
آیت الله مرعشی نجفی (ع):.....	۳۳
شهید صدر (ع):.....	۳۳
آیت الله مدنی (ع):.....	۳۴
امام موسی صدر (ع):.....	۳۵

- ۳۵..... ممنوعیت راهپیمایی در حکومت صدام
- ۳۶..... اهمیت و ضرورت سفر زیارتی اربعین و پیاده‌روی
- ۳۶..... آثار فردی:
- ۴۲..... آثار اجتماعی:
- ۴۷..... پاسخ به شبهات مربوط به زیارت اربعین:
- ۴۷..... بازگشت اسرا از شام و ورود آن‌ها به کربلا در روز اربعین:
- ۴۸..... بازگشت سر امام حسین علیه السلام به کربلا در روز اربعین:
- ۵۰..... بهتر نیست پول این همه غذا و موکب را برای فقرا هزینه کنیم؟
- ۵۳..... توصیه‌ها و رهنمودهای بزرگان برای زائران و مبلغان اربعین
- ۵۴..... آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه:
- ۵۴..... آیت الله العظمی نوری همدانی رحمته الله علیه:
- ۵۵..... آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی رحمته الله علیه:
- ۵۶..... آیت الله العظمی علوی گرگانی رحمته الله علیه:
- ۵۶..... آیت الله العظمی شبیری زنجانی رحمته الله علیه:
- ۵۷..... آیت الله العظمی سید علی سیستانی رحمته الله علیه:
- ۶۱..... آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله علیه:
- ۶۱..... آیت الله العظمی جوادی آملی رحمته الله علیه:
- ۶۳..... بخش دوم: دانستنی‌های سفر
- ۶۳..... قبل از سفر
- ۶۳..... آمادگی‌های روحی و معنوی سفر
- ۶۳..... ۱. مراقبت در اعمال:
- ۶۴..... ۲. اخلاص در نیت:
- ۶۴..... ۳. زاد و توشه حلال:
- ۶۵..... ۴. خداحافظی و حلالیت‌طلبی:
- ۶۵..... ۵. وصیت کردن:
- ۶۶..... ۶. غسل:
- ۶۷..... ۷. صدقه:
- ۶۷..... ۸. آغاز سفر با نماز:
- ۶۷..... ۹. خواندن دعا قبل از سفر:
- ۶۸..... ۱۰. انتخاب همسفر:

فهرست مطالب ۷

۶۹.....	آمادگی تدارکات و لوازم سفر.....
۷۱.....	آشنایی با کشور عراق:
۷۲.....	مرور اجمالی بر تاریخ عراق:
۷۵.....	جریان‌شناسی مرجعیت و حوزه‌های علمیه نجف
۷۶.....	جریان صدر
۷۸.....	مقتدی صدر
۸۰.....	جریان شیرازی.....
۸۲.....	احمد الحسن
۸۳.....	وضع‌شناسی حوزه علمیه و طلاب عراقی
۸۳.....	فرهنگ‌شناسی عراق
۸۴.....	آداب و سنن اربعین
۸۷.....	ایران از نگاه مردم عراق
۸۸.....	مقدمات سفر
۸۹.....	مرزهای خروجی
۹۰.....	زبان‌دانی و قدرت ارتباط اولیه.....
۹۱.....	حین سفر
۹۱.....	احکام سفر زیارتی اربعین.....
۹۴.....	حائر کجاست؟.....
۹۶.....	احکام مخصوص حرم
۱۰۲.....	بی‌احترامی به تربت
۱۰۳.....	حدود برداشت تربت.....
۱۰۴.....	برخی از استفتائات مربوط به زیارت اربعین از مقام معظم رهبری <small>علیه السلام</small>
۱۰۷.....	توصیه‌های زمان پیاده‌روی
۱۰۹.....	شرایط و آداب زیارت
۱۰۹.....	شرایط زیارت:
۱۱۰.....	۱. معرفت
۱۱۰.....	۲. اخلاص
۱۱۱.....	آداب زیارت:
۱۱۲.....	آداب باطنی.....
۱۱۴.....	آداب ظاهری زیارت.....

۸ همراه با مبلغان اربعین

- بهداشت و سلامت سفر اربعین..... ۱۲۶
- پیش از سفر..... ۱۲۶
- هنگام سفر..... ۱۲۷
- بعد از سفر..... ۱۳۲
- بخش سوم: فرصت‌ها و وظایف تبلیغی..... ۱۳۵**
- برخورد در موکب‌های عراقی..... ۱۳۵
- تبلیغ چهره به چهره..... ۱۳۶
- تبلیغ چهره به چهره پنج مرحله دارد:..... ۱۳۶
- مرحله اول: جذب..... ۱۳۶
- مرحله دوم: ارتباط‌گیری..... ۱۳۹
- مرحله سوم: محبت..... ۱۴۳
- مرحله چهارم: اعتمادسازی..... ۱۴۵
- مرحله پنجم: هدایت‌گری..... ۱۴۷
- بخش چهارم: سوژه‌های سخن..... ۱۵۱**
- اثر محبت اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۵۱
- راه‌های کسب محبت اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۵۴
- راه‌های تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام:..... ۱۵۵
- امنیت..... ۱۵۷
- توبه..... ۱۵۸
- تفکر..... ۱۶۰
- زیارت با معرفت..... ۱۶۲
- مضامینی از زیارت اربعین..... ۱۶۳
- بخش پنجم: اماکن زیارتی..... ۱۸۱**
۱. نجف..... ۱۸۱
- حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام..... ۱۸۲
- مساجد نجف..... ۱۸۳
- قبرستان وادی السلام..... ۱۸۴
۲. کوفه..... ۱۸۵
- مسجد کوفه..... ۱۸۵

فهرست مطالب ۹

مسجد حثانه.....	۱۸۶
خانه امیرالمؤمنین (ع).....	۱۸۶
قبر مسلم بن عقیل.....	۱۸۶
قبر مختار بن ابی عبیده ثقفی.....	۱۸۶
قبر هانی بن عروه.....	۱۸۷
مسجد سهله.....	۱۸۷
مسجد صعصعة بن صوحان.....	۱۸۷
مسجد زید بن صوحان.....	۱۸۸
۳. کربلا.....	۱۸۸
حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع).....	۱۸۹
بارگاه حضرت ابوالفضل العباس (ع).....	۱۹۰
تل زینبیه.....	۱۹۰
خیمه گاه (مخیم).....	۱۹۰
کف العباس.....	۱۹۰
مقام صاحب الزمان (ع).....	۱۹۰
مقام حضرت مهدی (ع).....	۱۹۱
۴. طفلان مسلم.....	۱۹۱
۵. کاظمین.....	۱۹۱
۶. بغداد.....	۱۹۱
۷. شهر مداین و قبر سلمان فارسی.....	۱۹۲
۸. سامرا.....	۱۹۲
متن زیارت اربعین.....	۱۹۳
کلمات و عبارات پرکاربرد به زبان عراقی:.....	۱۹۶
راه های کسب اطلاعات.....	۱۹۸
نشانی سفارت و کنسولگری های ایران در کشور عراق:.....	۱۹۹
نقشه کشور عراق.....	۲۰۰
نقشه شهر نجف.....	۲۰۱
نقشه شهر کربلا.....	۲۰۳
فهرست منابع.....	۲۰۵

مقدمه

امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی^۱ یکی از نشانه‌های مؤمنان را زیارت اربعین می‌داند و از آن به عنوان معیاری برای شناسایی افراد با ایمان یاد می‌کند.

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره جایگاه ویژه زیارت اربعین فرمودند: «شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت علیهم السلام دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دل‌شان زنده است. این از آن روز شروع شده است.»^۲

اربعین روز بازگشت به عاشورا و مرور خاطره‌های تلخ آن است. اربعین حسینی روز وحدت امت اسلام برای یاری دین خدا، ابراز عشق و علاقه به دوست‌داران دین و دین‌داری است. اربعین یادآور مظلومیت، شهادت و غربت امام حسین علیه السلام و احیاگر جان‌فشانی در راه دین و آرمان‌های الهی است. اربعین سند رسوایی بنی‌امیه و دشمنان اسلام است. اربعین حسینی روز تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام و روز ایستادگی، مقاومت و از خودگذشتگی در راه حفظ اسلام و ارزش‌های دینی است.

اربعین فرصتی است تا غواصان معارف عاشورایی در دریای بیکران معارف حسینی غوطه‌ور شده و خود را به زلال حقیقت معارف اسلام ناب سیراب نمایند و در جهت اصلاح «بینش»،

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۰۶ و ص ۳۲۹.

۲. www.khamenei.ir، بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی علیه السلام، مورخ:

«منش» و «انگیزه‌ها و گرایش‌های» خود اقدام کنند.

نتیجه زیارت حقیقی اربعین رسیدن به شعور حسینی است و شعور حسینی یعنی اطاعت از امام زمان علیه السلام و یاری ولی خدا در هر زمان تا ریخته شدن آخرین قطره خون. شعور حسینی یعنی «نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» (مفاتیح، زیارت اربعین)، یعنی «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمُمْ وَ حَزْبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» (مفاتیح، زیارت عاشورا)، و یعنی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱. آنان که به معنای واقعی به شعور حسینی رسیده‌اند، هر روزشان عاشورا و هر مکانشان کربلاست.

حضور مبلغانی مخلص در زیارت اربعین و همراه شدن آنان با زائران حسینی می‌تواند این شعور را نهادینه نموده و تداوم بخش حرکت اربعین در مسیر زندگی اقشار مختلف باشد. کتاب پیش رو برگرفته از تجربه مبلغان موفق و زحمات مسئولین اربعین بوده و می‌تواند به عنوان کتاب همراه مبلغ در این سفر با خیر و برکت مورد استفاده قرار گیرد. در این کتاب سعی شده، نکات مهم و کاربردی بیان گردد و در این زمینه از کتب تولیدی برخی سازمان‌های مسئول در برپایی اربعین نیز استفاده شده است.

امید است مورد قبول حضرت حق و خشنودی امام زمان علیه السلام قرار گرفته، مبلغان محترم کمال بهره را از آن ببرند.

در پایان از تلاش‌های ارزشمند کلیه عزیزانی که در تدوین این کتاب نقش داشته‌اند به خصوص حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی حسینی سیرت و ارزیابان ارجمند حجج اسلام و المسلمین محمد غلامرضائی و عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی و ویراستار محترم سرکار خانم آمنه قربانی کمال تقدیر و تشکر را دارم.

حسین ملانوری

معاون تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه

پیشگفتار

اگر در سال‌های گذشته اربعین صرفاً یادآور گذر چهل روزه از زمان شهادت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام بود، اما در این روزها معنای آن بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از گذشته مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک حرکت عظیم و اجتماعی بی‌مثال از دوست‌داران اباعبدالله‌الحسین علیه السلام در سطح جهان شناخته می‌شود. اربعین بدون شک حماسه‌ای بی‌نظیر از قدرت و احاطه معنویت بر جهان زنگار گرفته مادی و بی‌روحو است که جهان غرب در تلاش برای ساختن آن است. مغناطیسی که تمام تلاش مستکبران و دنیاخواهان را از بین می‌برد و نقشه‌ای جدید برای نظم جهانی ترسیم می‌نماید.

حضور در این حماسه عظیم، سازنده و تعالی دهنده روح افراد شرکت‌کننده است. اما در عین حال آمادگی زائران حسینی علیهم السلام در این حماسه چیزی نیست که یک مبلغ دینی که تمام تلاشش جهت هدایت و ارتقای دینی مخاطبان می‌باشد از کنار آن به راحتی عبور کند. حضور در تمام عرصه‌هایی که به نوعی مبلغ می‌تواند در آن جا تاثیرگذار باشد و مانع تحریف از مسیر اصلی آن باشد و بتواند حرکت رو به جلورا در آن سرعت ببخشد وظیفه ذاتی مبلغان دینی بوده و هست.

تحقق چنین فرصت ایده‌آلی در این سال‌ها بهانه‌ای برای فعالان و مسئولین اداره کل مطالعات و پژوهش‌های تبلیغی معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم شد تا جهت راهنمایی و هدایت طلاب و مبلغینی که علاقه‌مند به ایفاء نقش خود در این عرصه هستند توشه‌ای تبلیغی فراهم نمایند تا همراه و رفیق آن‌ها در این سفر تبلیغی باشد. که توفیق جمع‌آوری و تنظیم آن بر عهده این کم‌ترین قرار گرفت تا بدین طریق کمکی برای مبلغان و علاقه‌مندان به

تبلیغ در این عرصه باشد تا در کنار معرفی فرصت‌های مختلف تبلیغی اربعین، محتوای مورد نیاز در این سفر را تا حدودی برای آن‌ها تامین نماید و برخی از روش‌های مورد نیاز مبلغ را در حد مختصر و کوتاه بیان نماید.

به امید آن‌که مورد قبول هدایت‌گر اصلی باشد و این وجیزه را به لطف کثیر خود قبول نماید.

قم المقدّسه

سید مصطفی حسینی سیرت

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین

در زیارت، پیش از آن که استدلال شود که چرا باید رفت و رفتن به زیارت را چه سود؟ اگر اندک شناختی، نسبت به زیارت شونندگان باشد، جایی برای این سؤال و استدلال باقی نمی‌گذارد.

در زیارت بیش از فلسفه و برهان، عشق و شور و محبت، نهفته است. بیش از آن که عقل محاسبه کرده و در یابد که چرا؟ دل فرمان داده و زائر را به مزار رسانده است. زائر اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست، دیگر نمی‌پرسد «کجاست». به راه می‌افتد و هم چون خضر علیه السلام به دنبال آب حیات و هم چون موسی علیه السلام در پی او روان می‌گردد تا برسد و بیابد و بهره بگیرد و کامیاب شود.

آن چه زائر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. شوق، انسان را کد را حرکت می‌بخشد و ساکن را «مهاجر» می‌کند.

مگر می‌توان از دشت‌ها به سوی خانه و دیار محبوب گذر کرد و تیغ بیابان و خار مگیلان را در پای ندید؟

این خصیصه عشق است ... و صد البته که همه این‌ها در راه دوستی، روا و شیرین و هر چه از دوست می‌رسد نیکوست.

اگر محبت آمد به دنبالش طاعت و عبادت و عبودیت و هم‌رنگ شدن با محبوب و سنجیت یافتن با معشوق و حرکت در راستای خواسته او و عمل بر طبق رضای حق و ... همه و همه به دنبال

می‌آید. محبتی کارساز است که از قلب به اندام سرایت کند و از درون، اعمال بیرون را هدایت نماید.^۱ زیارت، شاهد صدقی بر ارادت است.

از مهم‌ترین وظایفی که خداوند متعال در خصوص ائمه علیهم‌السلام به عهده ما گذاشته است موَدّت و محبت آن‌هاست. در سوره شوری خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.^۲

در تبیین «قربی» هم در روایت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این‌گونه آمده است که:

احمد در فضائل الصحابه با سند خود از سعید بن جبیر از عامر چنین نقل می‌کند: «لما نزلت ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قالوا: يا رسول الله! من قرابتك؟ من هؤلاء الذين وجبت علينا مودّتهم؟ قال: علي و فاطمة و ابناهما علیهم‌السلام و قالها ثلاثاً؛ هنگامی که آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نازل شد اصحاب عرض کردند، ای رسول خدا! خویشاوندان تو که موَدّت آن‌ها بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام و دو فرزند علیهم‌السلام آن دو، این سخن را سه بار تکرار فرمود.»^۳

خداوند متعال به پیامبرش فرمود: ای پیامبر اجر رسالت خودت را فقط محبت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام قرار بده. بنا بر اصل مسلم برابری اجر و عمل باید گفت این محبت ارزشش به اندازه رسالت رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

در بیان تفاوت موَدّت و محبت هم علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در تفسیر المیزان می‌فرمایند: کلمه موَدّت به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد.^۴

بنابراین می‌توان گفت یکی از مصادیق روشن ابراز محبت ما نسبت به ائمه علیهم‌السلام حرکت به سمت قبور این ذوات مقدسه، جهت عرض ارادت و محبت است.

۱. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، ص ۱۵.

۲. شوری / ۴۳.

۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۰، ص ۴۱۱.

۴. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۶، ص ۲۵۰.

آثار زیارت

آثاری نیز درخصوص زیارت قبور ائمه علیهم السلام از طریق روایات به ما رسیده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّما زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا...»^۱ هر کس ما را پس از وفاتمان زیارت کند، گویا ما را در حال حیات، زیارت کرده است.

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که آن حضرت فرمود: «مَنْ نَوَى مِنْ بَيْتِهِ زِيَارَةَ قَبْرِ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ وَ أَخْرَجَ لِنَفْسِهِ دِرْهَمًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ كَتَبَ اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ أَسْرَفَ فِي تِلْكَ النَّفَقَةِ أَوْ لَمْ يَسْرِفْ؛^۲ کسی که از خانه‌اش نیت زیارت امام مفترض الطاعة را داشته باشد و برای خرجی اش یک درهم هزینه کند، خداوند متعال برای او هفتاد هزار حسنه می‌نویسد و از او هفتاد هزار گناه پاک می‌کند، و نام او را در دفتر صدیقین و شهدا می‌نویسد، چه برای هزینه‌اش اسراف کند و چه اسراف نکند».

راوی می‌گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَتْ أَيْمَتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ هر امامی بر گردن دوستان و شیعیانش عهدی دارد و به درستی که از علامت تمام وفا به عهد و نیکویی ادا کردن، زیارت قبورشان است، پس هر کس که از روی رغبت و میل و تصدیق آن‌چه در آن رغبت دارند به زیارتشان رود، ائمه علیهم السلام در روز قیامت شفیع آنان خواهند بود».

زید شحام می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که یکی از شما اهل بیت علیهم السلام را زیارت کند چه اجری دارد؟ فرمودند: «مَا لِمَنْ زَارَ وَاحِدًا مِنْكُمْ قَالَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؛^۴ او همانند کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کرده».

۱. مستدرک الوسائل، شیخ حر عاملی، ج ۱۰، ص ۱۸۴.

۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۹۷، ص ۱۲۴.

۳. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۶۰.

۴. همان.

حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می فرمایند: امام مجتبی علیه السلام به جناب رسول صلی الله علیه و آله عرض کردند: «یا اَبْتَاهُ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا بُنْتِي مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُزَوَّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ؛^۱ پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر من، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت پدر یا برادرت آید یا تو را زیارت کند، بر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ أَوْ زَارَ ابْنَتِكَ فِي حَيَاتِهَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهَا صَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شَدَائِدِهَا حَتَّى أُصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي؛^۲ ای علی، هر کس که مرا در زمان حیات یا مرگم، زیارت کند یا تو و فرزندان را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می کنم که او را از احوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آن که او را هم درجه خودم می گردانم».

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ؛^۳ اگر خداوند خیر را برای کسی اراده کرده باشد در قلبش محبت امام حسین علیه السلام را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می اندازد و کسی که خداوند، سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین علیه السلام قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می اندازد».

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام:

درباره فضیلت و ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام روایات بسیاری وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

«قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ علیه السلام فَذَكَرَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ ابْنُ مَارِدٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ جَدَّكَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ: يَا ابْنَ مَارِدٍ مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً

۱. همان، ص ۴۵۹.

۲. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۱۴۲.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۱۹

مَقْبُولَةٌ وَ عُمْرَةٌ مَقْبُولَةٌ وَ اللَّهُ يَا ابْنَ مَارِدٍ مَا يُطْعِمُ اللَّهُ النَّارَ قَدَمًا تَغْيِرَتْ فِي زِيَارَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا شِيئًا كَانَ أَوْ رَاكِبًا يَا ابْنَ مَارِدٍ اَكْتُبْ هَذَا الْحَدِيثَ بِمَاءِ الذَّهَبِ؛^۱ بعضی از اصحاب، روایت کرده‌اند: که گفت در خدمت حضرت صادق عليه السلام بودم نام امیرالمؤمنین عليه السلام به میان آمد، ابن مارد به حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرض کرد: چه پاداشی دارد کسی که جد تو را زیارت کند؟ فرمود ای پسر مارد هر کسی جد مرا زیارت کند و شناسایی به حقش داشته باشد خداوند به هر قدمی که می‌رود برای او ثواب يك حج و يك عمره مقبوله می‌نویسد. به خدا سوگند ای پسر مارد! طعمه آتش نمی‌شود قدمی که در زیارت امیرالمؤمنین عليه السلام تغییر کند، پیاده باشد یا سواره. ای پسر مارد این حدیث را با آب طلا بنویس».

زیارت اباعبدالله الحسین عليه السلام:

روایات درباره اهمیت و فضیلت زیارت اباعبدالله الحسین عليه السلام خارج از شمارش است که همین کثرت روایات، نشان‌دهنده شدت اهمیت آن می‌باشد. در این بخش به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

- از حضرت صادق عليه السلام روایت شده است که فرمودند: «زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَاجِبَةٌ عَلَيَّ كُلِّ مَنْ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ زیارت اباعبدالله الحسین عليه السلام بر هر کسی که اقرار به امامت ایشان از جانب خدا داشته باشد، واجب است».

- در روایتی دیگر از امام صادق عليه السلام نقل شده که می‌فرمایند: «زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَعْدِلُ مِائَةَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ؛^۳ زیارت حسین عليه السلام برابر است با صد حج مبرور (یعنی پاکیزه از گناهان و آلودگی‌ها) و صد عمره پذیرفته شده».

- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ - قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ آتَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ - وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ - وَ

۱. ارشاد القلوب الى الصواب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی اعباد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳. همان.

ثَوَابِ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظًا سَنَّتَهُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَهْوَنُهَا الشَّيْطَانُ وَ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ فَإِنْ مَاتَ سَنَّتَهُ حَضْرَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ - يَحْضُرُونَ غَسْلَهُ وَ أَكْفَانَهُ وَ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يُشَيِّعُونَهُ إِلَى قَبْرِهِ بِالْاسْتِغْفَارِ لَهُ - وَ يَفْسُحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَ يُؤْمِنُهُ اللَّهُ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَنْ يَرُوْعَانَهُ اِيْرُوْعَاءَ - وَ يَفْتَحُ لَهُ بَابَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُعْطَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُورًا اِنُّوْرِيضِيءٌ لِنُورِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يَنَادِي مُنَادٍ هَذَا مِنْ زَارِ الْحُسَيْنِ شَوْقًا اِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى اَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِلَّا تَمَنَّى يَوْمَئِذٍ اَنَّهُ كَانَ مِنْ زُوَّارِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ حضرت ابی جعفر عليه السلام می فرمایند: اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام چه فضل و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق، قالب تهی می کردند و به سبب حسرت‌ها، نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع می شد. راوی می گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد. حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می نویسد، اجر و ثواب هزار شهید از شهدای بدر، اجر هزار روزه‌دار، ثواب هزار صدقه قبول شده، ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کم‌ترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکّل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم، نگهدارش باشد. اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده، کفن نموده، برایش استغفار و طلب آمرزش کرده، تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می دارند و برایش دری به بهشت می گشایند و کتابش را به دست راستش می دهند و در روز قیامت نوری به وی داده می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد و منادی ندا می کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق، حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کرده و پس از این ندا، احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آن که تمنا و آرزو می کند که کاش از زوار حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام می بود.»

- «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ قَالَ أَقُولُ إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَقَّنَا وَاسْتَخَفَّ بِأَمْرِ هُوَ لَهُ وَمَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ - وَكَيْفَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ إِنَّهُ لِيَجْلِبُ الرَّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ وَيُخْلِيفُ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ - وَيَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً وَيَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَمَا عَلَيْهِ وَزُرُّ وَلَا خَطِيئَةٌ إِلَّا وَقَدْ مَحِيَتْ مِنْ صَحِيفَتِهِ فَإِنْ هَلَكَ فِي سَفَرِهِ نَزَلَتِ الْمَلَائِكَةُ فَعَسَلَتْهُ وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَ يَدْخُلُ [وَفُتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ يَدْخُلُ] عَلَيْهِ رُوحُهَا حَتَّى يَنْشُرَ وَإِنْ سَلِمَ فُتِحَ لَهُ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ الرَّزْقُ وَيَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ ذُخْرَ ذَلِكَ لَهُ فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَإِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ وَ ذَخَّرَهَا لَكَ عِنْدَهُ؛^۱ حلبی، از حضرت صادق عليه السلام نقل می کند که: محضر مبارک امام عليه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم چه می فرمایید درباره کسی که با داشتن قدرت، زیارت آن حضرت را ترک می کند؟ حضرت می فرمایند: می گویم: این شخص عاق رسول خدا صلى الله عليه وآله و عاق ما اهل بیت عليهم السلام می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید و نیز زیارت آن حضرت، موجب جلب رزق برای زائر می باشد و آنچه در این راه انفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و هم چنین زیارت آن حضرت موجب می شود، گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد، در حالی که بر عهده اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده، جملگی محو و پاک می شود. اگر زائر در سفر زیارت فوت شود، فرشتگان، نازل گشته و او را غسل می دهند و نیز در بهایی از بهشت به روی او گشوده می شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می گردد. اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند، دربی به روی او گشوده می شود که رزق و روزی وی از آن نازل و در مقابل هر درهمی که انفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می شود در مقابل هر درهمی که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آن ها را نزد خودش برای او ذخیره کرد».

- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنْ كَانَ مَا شِئياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُتَتَجِبِينَ حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفَ الْعَمَلِ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى؛^۱ حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: ای حسین (نام راوی)! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام باشد، اگر پیاده رود، خداوند منان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف، حق تبارک و تعالی او را از مصالحین برگزیده قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین، محسوب می فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید. در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم سلام رسانده و به تو می فرماید: از ابتدا عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد».

ثواب زیارت کاظمین عليهم السلام:

در این باب نیز روایات فراوان است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- امام رضا عليه السلام می فرمایند: زِيَارَةُ قَبْرِ أَبِي مِثْلِ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ؛^۲ زیارت قبر پدرم همانند زیارت قبر اباعبدالله الحسین عليه السلام می باشد.

- سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَمَّنْ زَارَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم قَاصِداً قَالَ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^۳ از حضرت ابی جعفر عليه السلام راجع به زیارت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم پرسیدم؟ حضرت فرمودند: بهشت برای او می باشد و کسی که قبر ابی الحسن عليه السلام را نیز زیارت کند بهشت برای او خواهد بود».

- سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام «مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِيكَ عليه السلام قَالَ فَقَالَ زُوْرُوهُ قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۳۰۰.

۳. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۳۲.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۲۳

فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ فَقَالَ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ كَفَضْلِ مَنْ زَارَ وَالِدَهُ يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُلْتُ فَإِنْ خُفْتُ وَ لَمْ يُمْكِنْ لِي الدُّخُولُ دَاخِلًا - قَالَ سَلِّمْ مِنْ وَرَاءِ الْجِدَارِ؛^۱ از حضرت ابوالحسن الرضا عليه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان را زیارت کند چیست؟ راوی گفت: حضرت عليه السلام فرمودند: به زیارت ایشان بروید. عرض کردم: چه فضیلتی در آن می باشد؟ حضرت فرمودند: فضیلت زیارت او هم چون فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. عرض کردم: اگر خوف و هراسی داشته و برایم ممکن نبود که داخل شوم چه کار بکنم؟ حضرت فرمودند: از پشت دیوار سلام بده». - امام رضا عليه السلام می فرماید: إِنَّ اللَّهَ نَجَّى بَغْدَادَ بِمَكَانِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ الْجَوَادِ؛^۲ به درستی که خدای تعالی، بغداد را به واسطه قبر امام موسی عليه السلام و امام محمدتقی عليه السلام نجات داد».

زیارت امامین عسکریین عليه السلام:

در این باب به روایت امام عسکری عليه السلام اکتفا می کنیم که می فرمایند: «قَبْرِی بِسَرِّ مَنْ رَأَى أَمَانَ لِأَهْلِ الْجَابِئِينَ؛^۳ قبر من در سامرا برای مردم شرق و غرب عالم، امان است».

زیارت با پای پیاده:

آن چه مسلم است و حتی برخی از روایات هم بدان تصریح دارند استحباب زیارت اباعبدالله الحسین عليه السلام با پای پیاده است که نشان می دهد سنت پیاده روی زیارت امام حسین عليه السلام از زمان ائمه عليهم السلام وجود داشته است. در زمانی که امکان زیارت با مرکب هم وجود داشته ولی باین حال بر زیارت با پای پیاده تأکید شده است. نمونه آن، کلام حضرت صادق عليه السلام است که می فرماید: «مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عليه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ؛^۴ هر کسی پیاده به زیارت قبر حسین عليه السلام برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود».

۱. همان.

۲. جامع الأخبار، الشعیری، ص ۲۸.

۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۳۷۲.

۴. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۳۴.

و چندین روایت دیگر که با مضمون مشابه در صدد تشویق افراد به پیاده‌روی در زیارت است.

سنت پیاده‌روی در بعضی از مناسبت‌ها، مثل اربعین، روز عرفه، نیمه شعبان، عاشورا و برخی از اعیاد از گذشته بین شیعیان وجود داشته. برخی از مخالفت‌هایی هم که از جانب حاکمان با زیارت امام حسین علیه السلام ذکر شده مربوط به همین زمان‌ها می‌باشد. نمونه آن مخالفت دستگاه عباسی و در دوره خلافت متوکل در نیمه قرن سوم هجری صورت گرفت.

در تاریخ آمده است که «در سال ۲۴۷ هجری قمری به متوکل خبر رسید که مردم و اهل سواد و کوفه دوباره به سمت کربلا برای زیارت بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام روانه شده‌اند و جمعیت فراوانی بدین منظور گرد هم آمده و کاروان بزرگی به راه افتاده است. او نیز سپاه بزرگی به همراه یکی از سرلشکرانش به سمت آن‌ها فرستاد و دستور داد بین مردم به بیزاری از زائران قبر مطهر امام علیه السلام جار بزنند و یک‌بار دیگر نبش قبر کرد و زمین آن‌جا را شخم زد و مردم را از رفتن به زیارت بازداشت و به تعقیب خاندان ابی طالب و شیعیان پرداخت و تعداد بی‌شماری از آنان را به قتل رساند. چهارمین اقدام متوکل برای تخریب قبر مطهر امام حسین علیه السلام مصادف بود با زیارت نیمه شعبان، همان زمانی که افراد زیادی مشتاقانه برای زیارت در کربلا حاضر شده و بر اساس آن بسیاری از شیعیان و زوّار امام علیه السلام قطع عضو شدند»^۱.

او که به دشمنی با خاندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام شهره بود، در طول دوران خلافتش ۴ بار دستور تخریب حائر حسینی را داد. در یکی از این دفعات، فردی به نام «ابراهیم دیزج یهودی» را مأمور تخریب قبر شریف کرده بود. وی با غلامان خود به سوی مقبره رفت و درون حائر شریف را آب بست تا در آن‌جا زراعت کنند. آنان تصمیم داشتند با گاوهایی زمین را شخم بزنند که به امر خدا گاوها پیشروی نکردند.^۲

متوکل که قبر امام حسین علیه السلام را پایگاهی علیه حکومت خود می‌دید، متوجه شد که مردم، شبانه به زیارت می‌روند. از این رو پاسگاه‌هایی را نزدیک شهر کربلا ایجاد کرد. مأموران متوکل به محض این‌که

۱. برای اطلاع از جنایات متوکل عباسی، نک: تاریخ طبری، ۶۰۳۶/۱۴؛ البدایة و النهایة فی تاریخ، ابن‌کثیر، ج ۱۰، ص ۳۱۵.

۲. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۳۹۴.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۲۵

متوجه می‌شدند شخص برای زیارت می‌رود، او را دستگیر می‌کردند.^۱ چندی بعد مردم را تهدید کرد که اگر بعد از سه روز کسی را اطراف قبر بینم، او را دستگیر می‌کنم و به غل و زنجیر می‌کشم. علاوه بر این در برخی نقل‌های تاریخی آمده^۲ اگر زائری را در مسیر می‌یافت، او را می‌کشت یا به شدت مجازات می‌کرد. سرانجام متوکل دستور داد زیارت قبر امام حسین علیه السلام به شرط قطع دست راست، آزاد است! در اندک زمانی صف مشتاقان زیارت با وجود این شرط نیز طولانی شد!

علامه مجلسی داستانی را از عالمی به نام زید مجنون نقل می‌کند که گفته شده عشق و علاقه او به امام حسین علیه السلام، عامل آزادی زیارت قبر آن حضرت شد، ایشان می‌فرمایند:

خبر جنایات متوکل به گوش زید رسید که او را مجنون می‌گفتند. ولی او صاحب عقلی کامل و نظریه‌ای عالی بود. هنگامی که زید، خبر جنایات متوکل را شنید، این عمل به نظرش بزرگ آمد و حزن او شدید و مصیبت امام حسین علیه السلام برایش تجدید شد. زید در آن روز ساکن مصر بود و از شدت ناراحتی از مصر درحالی که پیاده و حیران بود خارج شد و از این مصیبت به پروردگار خویشتن شکایت می‌کرد. وی هم‌چنان حزین و مغموم بود تا وارد کوفه شد.

با شخصی به نام بهلول ملاقات کرد، بهلول به زید گفت: تو از کجا مرا می‌شناسی، در صورتی که هرگز مرا ندیده‌ای؟ زید گفت: قلوب مؤمنین همه زیر یک پرچم هستند. آن قلب‌هایی که یکدیگر را بشناسند نسبت به یکدیگر الفت دارند و قلب‌هایی که یکدیگر را نشناسند با یکدیگر اختلاف خواهند داشت. بهلول به زید گفت: چه چیزی باعث شد که تو از شهر خود با پای پیاده خارج شوی؟! زید گفت: به خدا قسم من از شدت غم و اندوه خارج شدم. زیرا شنیده‌ام این لعین یعنی متوکل دستور داده: قبر امام حسین علیه السلام را شخم بزنند و ساختمان آن را خراب و زائران آن حضرت علیه السلام را شهید کنند. این موضوع است که مرا از وطن خود خارج، زندگی را بر من تلخ، اشک مرا جاری کرده و خواب را از چشمانم گرفته است. بهلول گفت: به خدا قسم من نیز همین‌طور شده‌ام. زید گفت: برخیز تا به کربلا برویم و قبرهای فرزندان علی مرتضی علیه السلام را مشاهده کنیم.

۱. همان، ج ۴۵، ص ۴۰۴.

۲. از ظهور اسلام تا سقوط بغداد (تاریخ تحلیلی اسلام و ایران)، علی محمد بشارتی، ج ۱.

ایشان دست یکدیگر را گرفتند و آمدند تا نزد قبر امام حسین علیه السلام رسیدند و دیدند:

آن قبر به حال اولیه خود باقی مانده و تغییر نکرده است. ولی ساختمان‌های آن را خراب کرده‌اند. هر چه قدر آب بر آن قبر مبارک می‌بستند آب فرومی‌رفت و به قدرت خدای توانا حیران می‌شد و در اطراف قبر دور می‌زد. یک قطره از آن آب به قبر امام حسین علیه السلام نمی‌رسید. زید از آن منظره تعجب کرد و گفت: ای بهلول، نگاه کن! می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند. خدا نمی‌پذیرد؛ مگر این که نور خود را کامل کند، ولو این که برای مشرکین ناپسند باشد.

مدت‌ها بود که به دستور متوکل قبر امام حسین علیه السلام را شخم می‌زدند ولی قبر آن بزرگوار هم چنان به حال خود بود و تغییری نمی‌کرد و قطره‌ای از آب بر بالای آن قبر مقدس نمی‌رفت. کشاورزی که در حال زراعت بود با دیدن آن منظره گفت: به خدا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردم. من سر به بیابان‌ها می‌گذارم و می‌روم.

ولی قبر حسین علیه السلام را که پسر دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است شخم نمی‌زنم. سال‌هاست که به قدرت و آیات خدا نظر می‌کنم و دلیل و برهان‌های آل پیغمبر صلی الله علیه و آله را مشاهده می‌کنم و باز هم عبرت نمی‌گیرم!!

سپس آن کشاورز، یوغ را از گردن گاوها برداشت و گاوها را رها کرد و متوجه زید مجنون گردید و به زید گفت: ای شیخ از کجا آمدی؟ وقتی زید انگیزه حرکت خودش را تعریف کرد، آن کشاورز به قدم‌های زید افتاد. پاهای او را بوسید و گفت: پدر و مادرم به فدای تو باد، از آن موقعی که تو نزد من آمدی، رحمت به من روی آورده و قلبم به نور خدا نورانی گردیده است. من به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌ام. سال‌هاست که من این زمین را شخم می‌زنم. هرگاه آب به قبر حسین علیه السلام می‌بندم آب فرو می‌رود و حیران می‌شود و در اطراف قبر حسین علیه السلام دور می‌زند و یک قطره از آن به قبر حسین علیه السلام نمی‌رسد. گویا: من در حال مستی بودم و اکنون به برکت قدم تو به هوش آمدم.

آن کشاورز گریان شد و گفت: ای زید! تو مرا از خواب غفلت بیدار و هدایت کردی. من اکنون به سامرا نزد متوکل می‌روم و این قضیه را برایش شرح می‌دهم.

اگر خواست که مرا می‌کشد و الا آزادم می‌کند. زید گفت: من هم با تو می‌آیم و سخن تورا تأیید می‌کنم. هنگامی که آن کشاورز نزد متوکل آمد و جریان معجزات قبر حسین علیه السلام را شرح داد،

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۲۷

غیظ و بغض متوکل لعین نسبت به اهل بیت علیهم السلام شدید شد و دستور داد تا آن کشاورز را به قتل برسانند. امر کرد تا طناب به پای او بستند و او را از ناحیه صورت در میان بازارها کشیدند. سپس جسد پاکش را در محل اجتماع مردم، دار زدند تا برای دیگران عبرت باشد و ابداً کسی باقی نباشد که اهل بیت علیهم السلام را به خوبی یاد کند! موقعی که زید مجنون با این منظره مواجه شد، غم و عزا و گریه او شدت یافت صبر کرد تا جنازه آن کشاورز را از بالای دار فرود آوردند و در محل خاکروبه‌ها انداختند. زید آمد و جنازه او را به دجله حمل کرد. سپس آن را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرد و مدت سه روز از قبر او جدا نشد. برایش قرآن تلاوت می‌کرد. در یکی از روزها که زید نزد آن قبر بود ناگاه صدای شیون و نوحه‌ای دل‌خراش و گریه‌ای فراوان شنید. زنان فراوانی را دید که با موهای پریشان و دامن‌های چاک‌زده و صورت‌های سیاه می‌آیند. مردانی را دید که صدا به او ایلا بلند کرده بودند و مردم، عموماً دچار اضطراب و ناراحتی شده‌اند. ناگاه دید جنازه‌ای را روی دوش مردان می‌آورند که پرچم‌های فراوانی برایش برافراشته‌اند و مردم در اطراف آن جنازه گروه‌گروه می‌آیند و از کثرت مردان و زنان راه‌ها بسته شده‌اند! زید می‌گوید: من گمان کردم متوکل فوت شده است. نزدیک یکی از آن مردها رفتم و به او گفتم: این میت کیست؟ گفت: این جنازه کنیزک متوکل است.

او کنیزکی حبشی و سیاه چهره بود که نامش ریحانه و متوکل فوق‌العاده به او محبت داشت، سپس آنان برای آن کنیزک سیاه، فوق‌العاده تشریفات قایل شدند و او را در قبر جدیدی به خاک سپردند. در میان قبرش گل و ریاحین و مشک و عنبر ریختند و یک قبه عالی بر فراز آن ساختند. موقعی که زید با این منظره مواجه شد غصه‌اش افزون و آتش غضبش شعله‌ور شد. لطمه به صورت خود می‌زد. لباس‌های خود را پاره می‌کرد. خاک غم به سر خویشتن می‌ریخت و می‌گفت: وا ایلا! وا حسیناه! یا حسین! آیا جا داشت تو در کربلا درحالی که غریب و تنها و تشنه باشی شهید شوی؟ زنان و دختران و عیال تو اسیر شوند؟ کودکان تو ذبح گردند؟ و احدی برای تو گریه نکند. تو بدون غسل و کفن به خاک سپرده شوی و قبر تو را شخم بزنند تا نور تو را خاموش کنند. در صورتی که تو پسر علی مرتضی علیه السلام هستی. تو پسر فاطمه زهرا علیها السلام هستی. ولی برای فوت یک کنیزک سیاه این همه تجملات بر پا شود. اما برای پسر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله غم و اندوهی در کار نباشد. زید هم چنان گریه و زاری می‌کرد تا این که غش نمود و مردم به او نگاه

می کردند. قلب بعضی برایش رقت کرد و برخی او را مجنون می دانستند... هنگامی که به هوش آمد این اشعار را خواند:

أَيُّحَرِّثُ بِالطَّفِّ قَبْرَ الْحُسَيْنِ وَيَعْمُرُ قَبْرَ بَنِي الزَّائِنَةِ...

آیا جا دارد که قبر امام حسین علیه السلام در کربلا کشت و زرع شود ولی قبر فرزندان زنا تعمیر گردد. زید این اشعار را در یک ورقه نوشت و به بعضی از دربانان متوکل داد. وقتی متوکل آن اشعار را خواند، غضبش شدید شد و زید را احضار کرد. زید نزد متوکل آمد و سخنانی راجع به توبیخ و موعظه بین آنان رد و بدل شد.

آخراً امر متوکل به غیظ آمد و دستور قتل زید را صادر کرد. موقعی که زید در مقابل متوکل قرار گرفت وی از زید پرسید: ابوتراب کیست؟ منظور متوکل از این پرسش حقارت او بود.

زید گفت: به خدا قسم که تو ابوتراب را می شناسی. تو از فضل، شرف، حسب و نسب او آگاهی. به خدا قسم غیر از شخص کافر و شکاک، کسی منکر فضیلت علی علیه السلام نمی شود و غیر از منافق کسی بغض علی علیه السلام را ندارد. سپس به قدری فضایل و مناقب علی علیه السلام را شرح داد تا این که متوکل را خشمناک کرد و متوکل دستور زندانی کردن او را صادر کرد.

هنگامی که شب فرارسید و متوکل به خواب رفت، هاتفی نزد متوکل آمد و با پا به او زد و گفت: برخیز زید را از زندان خارج کن. و آلا خدا تو را هلاک خواهد کرد. متوکل شخصاً برخاست و زید را از زندان نجات داد و خلعت نیکویی به وی بخشید و گفت: هر چه می خواهی بخواه. زید گفت: خواسته من این است که قبر امام حسین علیه السلام ساخته شود و احدی متعرض زوار آن حضرت نشود، متوکل این پیشنهاد را پذیرفت. زید از نزد متوکل درحالی که خوشحال بود خارج شد. در شهرها گردش می کرد و می گفت: هر کس می خواهد به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در هر زمان در امان خواهد بود.^۱

پیاده روی اربعین در سیره بزرگان

پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین و غیر آن را در سنت گذشتگان می توان

۱. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۴۰۴.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۲۹

مشاهده کرد. برخی از بزرگان، اصرار بر این نوع از زیارت در اربعین داشته‌اند و حتی در برهه‌ای از زمان، برخی از فقها چنین زیارتی را واجب شرعی دانستند!

در کلمات شیخ طوسی اعلی‌الله مقامه الشریف جمله‌ای هست که نشان‌دهنده عمق تاریخی سنت زیارت اربعین می‌باشد. ایشان در مسئله بازگشت سرهای مقدس امام علیه السلام و سایر شهدا به کربلا در روز اربعین و علت این که سر مبارک امام حسین علیه السلام و سایر شهدا همراه بدن‌های مطهرشان دفن شده است به زیارت اربعین استناد می‌کنند^۱ و می‌فرمایند: علت سنت شدن زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین تنها انجام مراسم تدفین سرهای مطهر امام علیه السلام و سایر شهدا در کربلا می‌باشد.

از این تعبیر ایشان به دست می‌آید که زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین از سنت دیرینه شیعه بوده است؛ به طوری که شیخ طوسی متوقای قرن پنجم هم از این زیارت با عنوان سنت شیعه یاد می‌کند.

شیخ جعفر کاشف الغطاء علیه السلام (متوفای ۱۲۲۷ ق): از شاگردان سید بحرالعلوم علیه السلام بود. اولین کسی که علیه وهابیت و در ردّ این فرقه ضالّه کتاب نوشت. او در یکی از پیاده‌روی‌هایش به کربلا به حضور حضرت ولی عصر علیه السلام شرفیاب شد و حضرت، ایشان را به سینه خویش چسباند و فرمودند: «خوش آمدی ای زنده‌کننده شریعت ما»^۲.

شیخ مرتضی انصاری علیه السلام که از او به عنوان احیا کننده سنت پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام یاد می‌شود. در دوره‌ای که پیاده‌روی کم رونق شده بود ایشان رونق دوباره‌ای به آن بخشیدند.^۳

در احوال مرحوم آخوند خراسانی علیه السلام (متوفی سال ۱۳۲۹ ق) نیز آمده است که ایشان به همراه اصحابش با پای پیاده به زیارت کربلا مشرف می‌شده است.

در این جا به برخی موارد از زیارت اصحاب و بزرگان در ایام اربعین اشاره می‌کنیم:

۱. تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا علیه السلام، سید محمد علی قاضی طباطبایی، ص ۱۸۷.
۲. مجله فرهنگ زیارت، دی ماه ۱۳۹۲، ش ۱۹، فضیلت پیاده‌روی برای زیارت معصومین علیهم السلام.
۳. همان.

جابر بن عبدالله انصاری

اولین زائران پیاده اربعین، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه هستند.

جابر از انصار و از اصحاب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است و در برخی از جنگ‌ها در رکاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. او بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توفیق همراهی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام را داشته است. در جنگ صفین نیز همراه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بود.

کسی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این‌گونه درباره او پیش‌بینی کردند و فرمودند تو زندگی خواهی کرد تا این‌که یکی از فرزندان من به نام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام را زیارت کنی. در آن حال سلام من را به او برسان و ...

جابر از علمای مدینه بود. به‌گونه‌ای که کرسی درسی در مسجدالنبی داشت و او را از اجلاء مفسرین می‌دانند. در اواخر عمرش بینایی اش را از دست داد و چه بسا همین باعث شد که نتواند امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را در کربلا یاری کند. او در سن ۹۴ سالگی ترک دنیا نمود.

جابر اولین کسی است که قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را زیارت کرد.^۱ در بیستم صفر همراه با عطیه بن سعد عوفی به کربلا آمد. عطیه دیدار جابر با مولایش را این‌گونه ترسیم می‌کند: «همراه با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام حرکت کردیم؛ وقتی به کربلا رسیدیم، جابر وارد رودخانه فرات شد و غسل (زیارت) کرد؛ آنگاه ننگی بر کمر بست و حوله‌ای بر دوش انداخت (همانند لباس محرم) و سپس خود را خوشبو کرد و به سمت قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام حرکت کرد. به هنگام حرکت همواره ذکر می‌گفت، تا آن‌که به قبر نزدیک شدیم. در آن هنگام به من گفت: دستم را روی قبر بگذار. هنگامی که دستش را روی قبر گذاشتم، جابر بی‌هوش بر روی قبر افتاد. من آب به صورت جابر پاشیدم تا به هوش آمد. آن‌گاه سه بار صدا زد «یا حسین» و ادامه داد: «حَبِيبٌ لَا يُحِيبُ حَبِيبَهُ»؛ آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟ سپس با خودش گفت: «چگونه (حسین) پاسخ را بدهد، در حالی که به خون آغشته شده و بین بدن و سرش جدایی افتاده است؟^۲

۱. موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، ج ۱، ص ۶۱.

۲ بحالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

عطیه بن سعد عوفی

همراه و دوست جابر بود که همراه او به کربلا آمد. نام او در تاریخ به نیکی یاد شده است. او در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمد که نشان می‌دهد وقتی به کربلا آمد جوان بوده است. در قیام مختار و عبد الرحمن بن محمد بن اشعث، علیه حجاج قیام کرد و به سبب این که حاضر نشد لعن امیرالمؤمنین علیه السلام کند از حجاج تازیانه خورد. او از محدثین و فقها و مفسرین زمان خود بوده است.^۱

محدث نوری علیه السلام

صاحب الذریعه درباره استادش، محدث نوری علیه السلام این گونه می‌فرماید: از سنت‌هایی که شیخ ما در سال‌های اقامت خود در عتبات، پایه‌گذاری و رایج کرد، پیاده‌روی از نجف به کربلا برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام بود. پیاده‌روی به کربلا در دوران شیخ انصاری علیه السلام رایج بود و شیوه و روش بزرگان و اخیار بود. ولی پس از چندی این سنت ترک شد و از نشانه‌های فقر و تنگ‌دستی و از ویژگی‌های انسان‌های کم مایه شمرده می‌شد و هر که می‌خواست پیاده به کربلا برود، به این دلیل که عار و علامت ذلت تلقی می‌شد، پنهانی می‌رفت.

استاد ما چون وضعیت را این گونه دید بدین شیوه خدا پسندانه همت گماشت و به آن ملتزم گشت و در عید اضحی (قربان) برای حمل اثاث و بار سفر حیوان کرایه می‌کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده راه می‌پیمودند. ایشان به دلیل ضعف مزاج نمی‌توانست مسافت از نجف تا کربلا را با گذراندن یک شب (چنانچه مرسوم آن روزگار بود) طی کند و سه شب را در راه می‌گذراند. بر اثر این اقدام در سال‌های دوم و سوم، رغبت مردم و صالحان بدین امر افزون گشت و دیگر عار محسوب نمی‌شد و بدین گونه این سنت والا، معمول و مرسوم گشت.^۲

آقا نجفی قوچانی علیه السلام

مرحوم آقا نجفی قوچانی علیه السلام در کتاب سیاحت شرق روزگار زندگی در نجف را این گونه بیان

۱. موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، ج ۱، ص ۴۶۳.

۲. سیمای فرزنانگان، ص ۱۹۳.

می‌کند: در هر سال زیارت اربعین، نیمهٔ رجب، نیمهٔ شعبان و عرفه از واجبات من و نوع طَلَّاب نجف بود که به کربلا می‌رفتیم. و ایام دیگر مثل اول رجب و عید فطر و عاشورا از مستحبات بود که گاهی طَلَّاب به کربلا می‌رفتند و گاهی نیز نمی‌رفتند.^۱

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی علیه السلام

میرزا جواد ملکی تبریزی علیه السلام (متوفی سال ۱۳۴۳ ق) یکی از مراجع عالی‌قدر جهان تشیع که خود بارها با پای پیاده از عتبهٔ علویه، رهسپار عتبهٔ حسینی شدند، دربارهٔ مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می‌گوید: «به هر روی بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش زیارت کند، هرچند تنها یک‌بار در تمام عمرش باشد...»^۲

علامه امینی علیه السلام

مرحوم شیخ عبدالحسین امینی علیه السلام (متوفی سال ۱۳۹۰ ق) صاحب اثر نامدار و دائرةالمعارف «الغدیر» در زیارت‌هایی که به کربلای معلّی داشته، برای کسب پاداش بیش‌تر، بارها مسیر بین نجف تا کربلا را با پای پیاده پیموده است. ایشان در طول راه، به هر آبادی و روستایی که می‌رسید، از امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و تبلیغات دینی نسبت به مردم آن‌جا فروگذار نمی‌کرد.

پیاده‌روی ایشان، چنان بر روحانیون ساکن نجف اثر کرده بود که بیش‌تر طَلَّاب، حتّی در غیر زمان اربعین و عرفه، بارها مسیر این شهر تا بارگاه امام حسین علیه السلام را پیاده می‌پیمودند.^۳

حاج آقا مصطفی خمینی علیه السلام

یکی از خصوصیات مرحوم حاج آقا مصطفی علیه السلام، فرزند شهید امام علیه السلام این بود که ایشان مقید

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، اعمال روز اربعین.

۳. جرعه نوش غدیر، ص ۴۰.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۳۳

بود به پیاده‌روی کربلا، در تمام زیارت‌های مخصوص امام حسین علیه السلام. در سال معمولاً چند مناسبت بود مثل نیمه شعبان، عرفه، اربعین، اول و نیمه رجب که مردم از نجف به کربلا پیاده می‌رفتند و ایشان نیز هر سال در این مناسبت‌ها به کربلا می‌رفتند. گاهی می‌شد که کف پای او تاول‌هایی می‌زد که خونابه از آن، راه می‌افتاد و کاملاً مجروح می‌شد، ولی باز هم به راه رفتن ادامه می‌داد.

با این‌که شخص خوش مجلسی بودند اما در وقت دعا و عزاداری که می‌شد نظیر نداشت. هنگامی که دعای توسل شروع می‌شد، همان‌طور که به پیاده‌روی خود ادامه می‌داد، با کمال توجه دعا می‌خواند و تمام مدت دعا اشک می‌ریخت و تا ذکر مصیبت می‌شد، زارزار گریه می‌کرد و شانه‌هایش از شدت گریه به لرزه می‌افتاد.^۱ وی بدون توجه به این‌که فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی علیه السلام است، مانند یک طلبه ساده در خدمت هم‌سفران بود و از کمک به آنان دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت.

آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام

سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی علیه السلام فقیه و مرجع تقلید شیعه، بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد.^۲

شهید صدر علیه السلام

سید محمد صدر علیه السلام نیز در این پیاده‌روی شرکت می‌کردند. ایشان حتی فتوا به وجوب پیاده‌روی به سوی حرم‌های امیرمؤمنان علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام را صادر کرد و با این فتوا به مبارزه با سیاست ضد دینی حزب بعث رفت و در برخی از خطبه‌های جمعه‌اش در نجف اشرف بر این موضوع تأکید می‌کرد.^۳

۱. سیمای فرزندگان، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. علوی، سید عادل، «فضیلت پیاده روی برای زیارت معصومین»، ترجمه: حسین شهرستانی، فرهنگ زیارت: فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری، سال پنجم، شماره نوزدهم و بیستم، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، ص ۵۶.

۳. همان.

آیت الله مدنی رحمته

شهید محراب، آیت الله سید اسدالله مدنی رحمته، یکی از استادان سرشناس حوزه نجف و از عاشقان پرو پا قرص مراسم پیاده روی نجف به کربلا و زیارت حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام و یارانش بود. عالمان و استادان حوزه علمیه نجف، خاطرات خوشی از این شهید بزرگ در این مراسم باشکوه معنوی دارند. حجّت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از همراهان وی در یکی از این سفرها، می گوید:

یک سالی که ماه ذیحجه مصادف با زمستان بسیار سردی بود، همراه شهید آیت الله مدنی رحمته از نجف عازم کربلا شدیم تا در روز عرفه، به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شویم. در این سفر، مرحوم شیخ علی حجّتی کرمانی و مرحوم شیخ احمد کافی رحمته نیز آقای مدنی را همراهی می کردند. ما چند فرسخی رفتیم تا این که به یکی از روستاهای عشایر نشین رسیدیم؛ سپس شخص عربی جلو آمد و از آیت الله مدنی رحمته استقبال کرد و به او احترام گذاشت و وی و همراهان را به مهمانی خود دعوت کرد؛ چون همه به ویژه سران و شیوخ عشایر، او را به خوبی می شناختند و احترام زیادی برایش قائل بودند. ما شب را هم آن جا استراحت کردیم و فردا صبح، به راه خود ادامه دادیم؛ تا این که به شهر «طویرج» در ۲۰ کیلومتری اطراف کربلا رسیدیم.

در طول مسیر، هر کجا برای استراحت توقف می کردیم، آقای مدنی رحمته چند حدیث می خواند و نکاتی اخلاقی می گفت و گاهی یک بحث علمی مطرح می کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشت و شروع به صحبت کرد. نخست در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام سخن گفت و حرم امام علیه السلام را به کعبه آمال و آرزوها تشبیه کرد و بعد فرمود: از این جا تا حرم را خوب است به صورت پا برهنه و هروله کنان ادامه بدیم. با این که او درد پا و کسالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می شود، هروله کنان، می خواند و جلو می رفت و ما نیز به دنبالش جواب می دادیم. وقتی وارد شهر کربلا شدیم، شهید مدنی رحمته فرمود: باید با همین حال خسته و پای تاول زده به حرم مشرف شویم و باز خودش جلو افتاد و با حالت گریه و فریاد «یا حسین»، حرکت کرد و ما نیز به دنبالش حرکت می کردیم و با همین حال،

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۳۵

وارد حرم حسینی شدیم. در این حال، مراسم زیارت را مرحوم کافی^{علیه السلام} بر عهده گرفت و با اشعار و نوحه خوانی جان گذار، همه را به فیض رساند.^۱

امام موسی صدر^{علیه السلام}

امام موسی صدر^{علیه السلام}، رهبر شیعیان لبنان که در شهریور ۱۳۵۷ توسط صهیونیست‌ها ربوده و ناپدید شد، یکی از شیفتگان مراسم پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر^{علیه السلام} هم‌بحث بود، می‌گوید:

وقتی که امام موسی صدر^{علیه السلام} همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه با حال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد و وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشعار و نوحه‌سرایی به او می‌رسید، با حال جان‌کاهی در مصیبت اهل بیت^{علیهم السلام} اشعار فارسی و عربی فصیحی می‌خواند و هنگام کار و حمل اثاثیه سفر، وی بیش از همه کار می‌کرد و هنگام شوخی و مزاح، مزاح‌هایی بیان می‌کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشت.^۲

ممنوعیت راهپیمایی در حکومت صدام

در اواخر قرن ۱۴ قمری حزب بعث عراق، با برگزاری مراسم راهپیمایی اربعین مخالفت کرد و گاه با راهپیمایان با خشونت رفتار می‌شد که موجب کم‌رونق شدن این مراسم شد. این مخالفت در سال ۱۹۷۷ میلادی با تیر اندازی به زائران در نزدیکی کربلا به اوج رسید. اما با وجود ممنوعیت راهپیمایی اربعین، برخی شیعیان، مخفیانه خود را در روز اربعین به کربلا می‌رسانند. در همان سال‌ها آیت‌الله سید محمدصادق صدر پیاده‌روی به کربلا را واجب اعلام کرده بود.

۱. به نقل از حجة الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از روحانیون سرشناس و از بزرگان شهر گناوه. پایگاه اینترنتی: www.hawzah.net.

۲. امام موسی صدر امید محرومان، عبدالرحیم اباذری، ص ۱۷۸ - ۱۷۶.

با سقوط حزب بعث، مراسم راهپیمایی اربعین بار دیگر در عراق احیا شد. از آن سال به بعد هر ساله جمعیت بیش تری نسبت به سال قبل در آن شرکت می‌کند.^۱ در آغاز این حرکت دو تا سه میلیون نفر در آن حضور داشتند؛ ولی در سال‌های بعد تعداد زائران شرکت کننده در این راهپیمایی به بیش از ده میلیون نفر رسید.^۲ و این رشد جمعیت راهپیمایان، هر سال ادامه پیدا کرده است. در سال ۱۳۹۲ ش (۱۴۳۵ ق) برخی گزارش‌ها از مشارکت ۱۵ میلیون زائر شیعه در این راهپیمایی خبر دادند.^۳ این تعداد در سال ۱۳۹۳ حدود ۲۰ میلیون گزارش شده است^۴ و در سال ۱۳۹۴ ش این تعداد به ۲۷ میلیون نفر رسیده است.^۵

اهمیت و ضرورت سفر زیارتی اربعین و پیاده‌روی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام رهبر معظم انقلاب، درباره اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی در اول فروردین سال ۱۳۸۵ چنین فرمودند: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است، جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست». زیارت اربعین و پیاده‌روی آن از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد: یکی از جهت تربیت فردی و دیگری از حیث اجتماعی و نتایج جهانی آن.

آثار فردی:

شکی نیست که حضور در چنین حرکت عظیمی، لحظه‌لحظه‌اش برای زائر درس آموز است. این سفر چند روزه را می‌توان یک سیر تربیتی ویژه دانست. تربیتی ماندنی و سازنده با محوریت امام حسین علیه السلام. یک اردوی تربیتی که در کنار تمام پاداش‌های اخروی که وعده داده شده است، افراد را برای یاری امام زمانشان و زمینه‌سازی ظهور حضرت آماده می‌کند. یک دوره آموزشی که

۱. فرهنگ سوگ شیعی، مظاهری، ص ۱۰۲.

۲. اربعین، شکوه بیعتی مجدد با امام حسین علیه السلام، منتشر شده در «خبرگزاری تسنیم» مورخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۹.

۳. منتشر شده در سایت «فردا» مورخ: ۱۳۹۲/۱۰/۰۲.

۴. خبرگزاری ابنا مورخ: ۱۳۹۳/۰۹/۲۲.

۵. پایگاه خبری سازمان حج و زیارت مورخ: ۱۳۹۴/۰۹/۱۲.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۳۷

در آن، زائر زندگی در مدار امام را آموزش می‌بیند. آنچه تا به حال از زبان‌ها شنیده را در واقع می‌بیند. آنچه از لذت معنویت و با امام بودن را شنیده است خودش در این سفر می‌چشد. شنیدن کی بود مانند دیدن!

برخی از آثار این اردوی تربیتی را در این جا یادآور می‌شویم:

دستیابی به ثواب عظیم زیارت:

در روایات متعدد، ثواب‌های بی‌شماری را برای زیارت امام حسین علیه السلام خصوصاً زیارت با پای پیاده ذکر می‌کنند که از زیباترین آثار این سفر، بهره‌مندی از اجرهایی است که از کلمات ائمه معصومین علیهم السلام برای آن به ما رسیده است.

بخشش گناهان و احساس سبکی از بار گناهان:

از جمله آثار معنوی این سفر احساس سبکی از گناهان است. تجربه این حس برای هر کسی که فیض حضور داشته باشد، چشیدنی است. در واقع بر اساس روایات رسیده در این باره می‌توان گفت آن قدر برای این زیارت خدای متعال ارزش قرار داده که وقتی زائر به کربلا می‌رسد به جرأت می‌توان گفت که از گناهان پاک شده است.

لسان روایات در این باره، این گونه به مخاطب القا می‌کند که تو در این مسیر نباید غصه گناهانت را داشته باشی چون در همان ابتدای راه خداوند متعال گناهان انسان را پاک کرده است و زائر، باید خودش را برای اهداف بالاتر و مهم‌تری آماده کند.^۱

افزایش معرفت زائر نسبت به امام:

این سفر به خودی خود معرفت‌زا است. هر انسانی وقتی این عظمت حضور را ببیند پی به یک جاذبه فوق طبیعی خواهد برد، درک خواهد کرد که به صورت عادی چنین اتّفاقی ممکن نخواهد بود؛ بلکه پای جاذبه‌ای ماورایی در میان است که در وجود مقدّس امام علیه السلام می‌باشد. علاوه بر این که در مدّت چند روزی که زائر در این سفر می‌باشد با قرائت ادعیه، قرآن، زیارات و نشستن پای سخنان بزرگان دین و حضور در گفتمان‌های دینی سواد دینی اش را افزایش می‌دهد.

۱. کامل زیارات، شیخ صدوق، ص ۲۹۴ - ۲۹۶؛ نور العین فی المشی الی زیارت الحسین، محمد حسن اصفهانی، ص ۱۵۷، باب ۱۷۵، ح ۱۱.

افزایش محبت به امام:

رابطه‌ای مستقیم بین معرفت و محبت وجود دارد. به نحوی که وقتی زائر معرفتش به امامش افزایش بیابد محبت او نیز افزایش خواهد یافت.

یکی از راه‌های افزایش محبت، ابراز محبت است. پیاده‌روی اربعین برخاسته از محبت و علاقه زائر به امامش می‌باشد و وقتی این محبت ابراز شود، تشدید خواهد شد.

نکته دیگر در این رابطه این است که زائر وقتی بداند که این زیارت، منشأ محبت امام به اوست و در حقیقت حضور او به سبب دعوت امام از اوست و وقتی او محبت امام علیه السلام را به خودش می‌بیند شیفتگی و دلدادگی‌اش به امامش بیش‌تر خواهد شد.

چه خوش بی‌مهربونی هر دو سربی که یک سر مهربونی درد سربی
اگر مجنون دل شوریده‌ای داشت دل لیلی از او شوریده‌تر بی

دیدن عشق بازی‌ای که خادمین در این مسیر با امام حسین علیه السلام دارند و شدت محبتی که بقیه زوار از خود بروز می‌دهند، هر زائری را تشویق به این محبت می‌کند و او را شرمنده از بی‌تفاوتی‌ها خواهد کرد. هر کسی به هر نحوی تلاش می‌کند که او هم به نوعی محبت خودش را به امام حسین علیه السلام ابراز کند. اربعین، تبلور همه زیبای‌های محبت حسین علیه السلام است. دیدن این عشق‌ورزی‌ها، شوق محبت را در دل ایجاد می‌کند.

تجربه زندگی بدون گناه:

گاهی کسانی که به برخی از گناهان عادت دارند تصوّر این که بتوانند بدون برخی از گناهان زندگی کنند برایشان سخت است و گاهی آن را غیرممکن می‌دانند. این سفر نشان می‌دهد که می‌شود چند روزی را به‌گونه‌ای زندگی کرد که نه تنها در آن گناه نیست بلکه زندگی همراه با معنویت و انجام تکالیف الهی است.

تجربه سبک زندگی جدید:

سبک زندگی که به یکی از مسائل مهم اجتماعی در دوران حاضر تبدیل شده است در واقع ظواهری‌اند که باطن و حقیقت افراد را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد و بسیاری از کارشناسان، خصوصاً مقام معظم رهبری علیه السلام در چند سال اخیر تذکرات جدی در خصوص توجه به مسئله سبک زندگی اسلامی داشته‌اند که نمونه عملی آن را می‌توان در این سفر تجربه کرد. زندگی‌ای

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۳۹

که در آن مصرف‌گرایی جایی ندارد، زمان در آن به بهترین وجه مدیریت می‌شود، پوشش افراد هرچند شاید خیلی تمیز و اتوکشیده نیست، اما افراد هم‌دیگر را به سبب زیبایی‌های ظاهری نمی‌خواهند بلکه آن‌چه به همه گرایش‌ها و رفتارها سمت و سو می‌دهد امام علیه السلام و رسیدن به امام علیه السلام می‌باشد. زندگی با محوریت امام علیه السلام و سبک زندگی با محوریت امام علیه السلام در این سفر عملاً تجربه می‌شود.

فرصت توبه و بازگشت:

مهم‌ترین مانع توبه غفلت است، غفلتی که به سبب درگیری‌های روزمره زندگی، انسان را فرا می‌گیرد. مشکلاتی که در این سفر از آن‌ها خبری نیست و منبّهاتی که در طول سفر به بهانه‌های مختلف از گوشه و کنار به گوش زائرین می‌رسد و گاهی هر کدام از این‌ها به تنهایی برای بازگشت هر انسان بیداردلی کافیست.

یک‌رنگی و یک‌دلی:

در این سفر همه با هم یک‌دل و هم مسیر هستند و هر کس سعی می‌کند به نوعی خودش را در این عرصهٔ تجمیع مهربانی‌ها و از خود گذشتگی‌ها سهیم گرداند. شاید نمونهٔ هم بستگی با این گستردگی را در جای دیگر نتوان یافت.

رقت قلب و گریه کردن:

اشک از توفیقاتی است که در این سفر به برکت پاکی از گناه و سبکی روح، رزق کثیر این سفر می‌باشد. اشکی که گاهی به اندازهٔ بال مگسی از آن غنیمت است و خاموش کنندهٔ آتش جهنم. قطرات اشکی که گاهی از خشیت الهی و پشیمانی از گناه است و گاهی برای مصیبت و عزای حسین فاطمه علیهم السلام است.

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دربارهٔ ارزش این قطرات اشک می‌فرماید:

«لَا تَرَى النَّارَ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَلَا عَيْنٌ سَهَرَتْ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَلَا عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛^۱ چشمی که از خشیت خدا بگرید و شب را در طاعت خدا صبح کند و از محرّمات الهی خود را بپوشد، آتش جهنم را نمی‌بیند».

۱. ارشادالقلوب الی الصواب، دیلمی، ج ۱، ص ۹۷.

«مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَةٍ دَمَعٍ خَرَجَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؛^۱ محبوب‌ترین قطره نزد خدای متعال قطره‌ی اشکی است که از خشیت خدا جاری شود».

هم‌چنین امام صادق علیه السلام درباره اشک برای سیدالشهدا علیهم السلام می‌فرماید:
 «مَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ [عَيْنِيهِ] مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ دُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ؛^۲ کسی که یادی از حضرت حسین بن علی علیه السلام نزدش بشود و از چشمش به مقدار بال مگس اشک خارج شود اجر او بر خدا است و حق تعالی به کم‌تر از بهشت برای او راضی نیست».

ایثار و ازخودگذشتگی:

تماشای ایثارگری و اوج ازخودگذشتگی از جانب مردم عراق که در عین مشکلات اقتصادی و کمبودهایی که دارند ولی باز با همه وجود در این مراسم با شکوه شرکت می‌کنند و سعی دارند که سهم خودشان را در این مهمانی بزرگ ادا کنند، بیش از همه در این سفر به چشم می‌آید. کسانی که بدون هیچ چشم داشتی خانه و دارایی خود را در این مسیر هزینه می‌کنند. این روحیه در دنیای مصرف‌گرایی امروز که متأسفانه در کشور ما هم کم و بیش رشدی داشته است، بسیار تأثیر گذار است و زائر را به فکر فرو می‌برد و مسلّم انگاشتن مصرف‌گرایی را زیر سؤال می‌برد و او را به سمت این زیبایی معنوی سوق می‌دهد. تا جایی که در این چند سال اخیر شاهدیم که در برخی از شهرهای کشور ما هم این سنت پذیرایی از زائرین کربلا به راه افتاده و مردم گاهی خانه‌های خود را در اختیار زائران قرار می‌دهند.

سادگی و بی‌آلایشی:

در این سفر همه مانند هم هستند. کسی وسیله نقلیه و یا محل زندگی اش را به رخ دیگری نمی‌کشد، غالباً با لباس‌های متحدالشکل و ساده و خاکی در این سفر حضور دارند. فقیر و غنی، رئیس و مرئوس در این سفر یک عنوان بیش‌تر ندارند، همه فقط زائرالحسین علیه السلام هستند.

۱. ارشادالقلوب الی الصواب، دیلمی، ج ۱، ص ۹۷.

۲. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۰۰.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۴۱

در این جا کسی به عنوان دنیایی اش افتخار نمی کند، کسی به مدرک و دارایی اش نمی نازد، این جا افتخار و سربلندی برای کسی است که روح او به امامش نزدیک تر باشد.

تقویت عزت نفس:

درک این مسئله که اگر به کسی زائرالحسین علیه السلام بگویند همه برای خدمت به او از هم سبقت می گیرند و هر کس که خدمت بهتری به او بنماید، بیش تر احساس افتخار و عزت می کند به زائر می فهماند که آنچه ارزشمند است و محبوبیت می آورد پول و امور دنیایی و مادی نیست بلکه بودن در مسیر حسین علیه السلام و ولایت است که به انسان آبرو می دهد و انسان را حقیقتاً عزیز می گرداند.

عزتی که در آن حقارت دیگران نیست. عزتی که به سبب پول و دارایی و منزلت به دست نیامده بلکه با حسین علیه السلام بودن انسان را به عزت واقعی می رساند.

تمرین زندگی با محوریت امام:

حضرت آیت الله جوادی آملی رحمته الله بعد از نقل روایت امام عسکری علیه السلام این گونه می فرمایند: طبق این روایت، اهمیت زیارت اربعین در ردیف نمازهای واجب و مستحب است. بر پایه این روایت، همان گونه که نماز، ستون دین و شریعت است زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.^۱

در این سفر، زائر خودش را به ریسمان ولایت وصل می کند و از بند و جبل شیطان جدا می شود.

آثار دیگری نیز در این سفر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

- حرکت به سمت هدف واحد؛

- امید به زندگی؛

- سبک جدید نشاط و شادی؛

- چشیدن لذت معنویت؛

- تعامل با دیگران؛

۱. شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، عبدالله جوادی آملی، ص ۲۸.

- تقویت هویت دینی؛

- فرصت فکر کردن بر جریان زندگی؛

آثار اجتماعی:

علاوه بر آثار فردی، در این زیارت آثار اجتماعی بسیاری نهفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود که در روایتی از امام صادق علیه السلام به آن اشاره‌ای شده است.

«یا حُسَيْنَ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُنتَجِبِينَ حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ آتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُفْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفَ الْعَمَلُ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى^۱؛ ای حسین (نام راوی)! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام باشد اگر پیاده رود خداوند مَنان به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از مصلحین برگزیده قرار می‌دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می‌فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته‌ای نزد او آمده و می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله سلام رسانده و به تو می‌فرماید: از ابتدا عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد».

در این روایت امام صادق علیه السلام یکی از آثار اجتماعی زیارت امام حسین علیه السلام را بیان کرده و می‌فرماید: وقتی زائر به حائر حسینی می‌رسد، خداوند متعال او را از مصلحین برگزیده قرار می‌دهد! کسی که صلاحیت اصلاح پیدا می‌کند. در واقع اثر زیارت این است که زائر، اصلاح‌گر جامعه خود می‌شود. حضرت صادق علیه السلام به روشنی بیان می‌کنند زائری که با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رود، رسالتی از طرف خدای متعال به او داده می‌شود که آن رسالت، اصلاح جامعه خواهد بود. مصلح برگزیده شاید زیباترین و بالاترین مقام یک زائر در اربعین باشد که خدای متعال این مدال را به او می‌دهد. بنابراین این زیارت بیش از آن‌که تأثیر در تربیت افراد

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۳۲.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۴۳

داشته باشد اثرش در اصلاح جوامع خواهد بود. نگاه به زیارت امام حسین علیه السلام در بهترین حالت آن یعنی با پای پیاده باید یک حرکت اجتماعی اثرگذار و سازنده در جهان باشد.

حتی در این روایت به نوعی جمع بین آثار فردی و اجتماعی کرده است؛ چراکه می‌فرماید وقتی شخص با هر قدم گناهایش پاک شد و توفیق پاکی از گناهان را پیدا کرد؛ زمان آن فرا می‌رسد که بعد از رشد فردی به او مقام مصلح اجتماعی داده شود. به دیگر بیان، اگر این سفر دارای آثار فردی هم می‌باشد به جهت این است که زائر را به مقصد مهم‌تری برساند و آن هم رسیدن به جایگاه جامعه سازی است. همه آثار فردی برای این است که با این زیارت به آثار اجتماعی آن برسیم و لذا نباید تأثیر زیارت اربعین را صرفاً به آثار فردی آن تقلیل دهیم. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

وحدت جهان اسلام:

مهم‌ترین عامل برای تضعیف یک گروه و اجتماع، ایجاد تفرقه بین آن‌هاست. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «إِيَاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ ... أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتِ عِمَامَتِي هَذِهِ؛^۱ از پراکندگی بپرهیزید ... آگاه باشید هر کس که مردم را به شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد».

ضرورت و اهمیت وحدت و جدایی از تفرقه بر هیچ کسی پوشیده نیست و شیعیان جهان در سالیان متمادی تحت ظلم و ستم ظالمین بوده‌اند. در یک دوره استثنایی اقتدار و عزتمندی قرار دارند و برای تقویت این اقتدار باید با اتحاد حرکت کنند و از تفرقه بپرهیزند. یکی از عوامل ایجاد اتحاد که اخیراً برای شیعیان فراهم شده است، پیاده‌روی اربعین است.

هر چند، حج، مهم‌ترین عامل اثرگذار در وحدت جهان اسلام است اما متأسفانه با وجود حکومت سعودی و محدودیت‌هایی که برای زائران خانه خدا در ایام حج قرار می‌دهد، این هدف اساسی و مهم حج، کمرنگ شده است.

اما حادثه اربعین در چند سال اخیر توانسته است جامعه اسلامی را با خود همراه کند و عامل وحدت بخش مسلمین جهان شود.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

همان‌گونه در سال ۶۱ هجری، کربلا محلّ اتّحاد مسلمین آزادی‌خواه بود و حتّی کسانی مانند زهیر بن قین با گرایش عثمانی در صف اصحاب ابا عبدالله الحسین علیه السلام بودند. امروز هم کربلا محلّ تجمّع تمام مسلمین آزادی‌خواه و بدون تعصّب است که صورت واقعی جهان اسلام را در این روز به جهان نمایش می‌دهند.

به فرموده مقام معظم رهبری علیه السلام خلاً وجود اجتماعی عظیم و بین‌المللی در میان شیعیان را حضور میلیونی در ایام اربعین، پر می‌کند. کربلا می‌تواند «نماد» تبلور وحدت و بیعت با امام باشد که نمودی جهانی خواهد داشت. شروع جاذبه مغناطیس حسینی در روز اربعین است، این همان مغناطیسی است که امروز با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست.^۱

رفع غربت شیعیان:

شیعیان با این که جمعیت زیادی را در اختیار دارند؛ اما این جمع چند صد میلیونی آن‌ها نتوانسته تأثیر چندانی در جامعه جهانی خود داشته باشد. حتّی در برخی از کشورهایی که درصد بالایی از شیعیان در آن زندگی می‌کنند اما جایگاه شیعه در آن کشورها مانند اقلیت است. اربعین که زمینه ساز حضور شیعیان در یک میدان واقعی است، قوّت قلبی به تمام شیعیان جهان خواهد بود تا بدانند تنها نیستند و عقبه پر شور و گسترده‌ای همواره برای آن‌ها وجود دارد.

در واقع این سنت حسنه، زمینه تحقق تشکیل امت واحده اسلامی است. حتی می‌توان گفت از آن جایی که بزرگ‌ترین اجتماع انسانی در جهان در چند سال اخیر مربوط به شیعیان و پیاده‌روی اربعین است؛ نه تنها شیعه دیگر در جهان احساس غربت نخواهد کرد بلکه با این واقعه، ابراز قدرت می‌کند و عزّتی مضاعف را در بین کشورهای جهان کسب می‌کند.

ایجاد روحیه مبارزه با کفر و استکبار:

وقتی شیعیان، چنین عظمتی را مشاهده می‌کنند برای مبارزه با ظالمین و مستکبرین جهان روحیه مضاعفی پیدا می‌کنند و به پیروزی امیدوارتر خواهند بود.

۱. www.khamenei.ir، بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی علیه السلام، مورخ:

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۴۵

نابودی ظلم و ریشه‌کنی استکبار از اعتقادات مسلم شیعه است که در طول تاریخ همواره وجود چنین قدرتی برای از بین بردن ظلم، سؤال بوده است که جواب آن را در پیاده‌روی اربعین می‌توان پیدا کرد.

شکست دشمن در القاء نا امیدی از دین داری:

دشمن بسیار تلاش می‌کند که این‌گونه به مردم القا کند که دین در جهان، دیگر طرفداری ندارد و دین‌داران در اقلیت و انزوا هستند. حرکت خود جوش و مردمی اربعین این دسیسه و بازی تبلیغاتی دشمن را نقش بر آب می‌کند.

افزایش قدرت سیاسی شیعیان و مظلومین جهان:

دنایای امروز مبارزه قدرت‌هاست. حتی سیاست هم متأثر از قدرت جوامع است. کشور قدرتمندتر نفوذ بیشتری هم خواهد داشت. قدرت در مرحله اول مربوط به جامعه‌ای است که از حمایت مردمی بیشتری برخوردار باشد. حضور حماسی در اربعین این قدرت را به رخ ابرقدرت‌های پوشالی جهان می‌کشانند و این اقتدار قدرت، چانه‌زنی و نفوذ جریان شیعی را در دنیای سیاست نیز بالا می‌برد و کشورهای دیگر را مجبور به احترام نسبت به این قدرت می‌کند.

زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام

آیت‌الله محمدتقی بهجت علیه السلام درباره نقش پیاده‌روی روز اربعین می‌گوید: روایت است زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور فرمود، پنج ندا می‌کند به اهل عالم. «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا، أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عِدْوَانًا...». امام زمان علیه السلام خودش را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می‌کنند... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند...؛ اما الآن هنوز همه مردم عالم، حسین علیه السلام را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سید الشهداء علیه السلام طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده‌روی اربعین، بهترین فرصت برای معرفی حسین علیه السلام به عالم است.^۱

زمینه‌سازی ظهور با نشستن و صرفاً دعا کردن محقق نخواهد شد؛ برای ظهور باید

حرکت کرد و باید جهان را برای تحقق این آرمان جهانی آماده کرد. باید دل‌ها برای این نهضت عظیم با هم متحد شوند، باید نشان داد که انتظار منجی، یک واقعیت محقق شدنی است.

ایجاد وحدت در بین مردم عراق

با وجود این که ۷۰ درصد مردم عراق شیعه هستند، اما متأسفانه بین شیعیان وحدت نیست و شاید تنها کاری که همه اقوام متعدد شیعه در عراق با هم آن را انجام می‌دهند همین پذیرایی از زائرین اربعین است.

اقامه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و جلوه‌ای از عصر ظهور امام زمان علیه‌السلام:

ویژگی این زیارت این است که اقامه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و جلوه‌ای از عصر ظهور امام زمان علیه‌السلام است. البته بین اقامه، اشاعه و عمل، فرق است. چنان که گاهی فرد، خودش نماز می‌خواند؛ گاهی مسجد می‌سازد و گاهی، فرهنگ نماز خوانی را ایجاد می‌کند و دیگران را نماز خوان می‌کند. زیارت و به‌ویژه زیارت اربعین، اقامه فرهنگ ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است که در این زیارت، مؤمنان عهدهای ازلی خود را تجدید می‌کنند. نکته دیگر این که زیارت اربعین، جلوه‌ای از عصر ظهور است که در آن نمونه‌هایی از اخلاق و فداکاری‌های عاشقان حسینی، حول محور عشق و ارادت به امام معصوم علیه‌السلام شکل می‌گیرد.^۱

تبعیت ظاهری و باطنی از امام علیه‌السلام:

نتیجه زیارت اربعین نیز آن گونه که در انتهای این زیارت آمده است؛ تسلیم قلب، تبعیت محض رأی انسان و آماده بودن نصرت زائر برای پیروزی حضرت است. یعنی انسان باید به جایی برسد که هیچ رأیی در برابر امر و نظر امام معصوم علیه‌السلام نداشته باشد. کسی که در عرض نظر معصوم علیه‌السلام رأیی دارد در برابر معصوم علیه‌السلام، برای خود دستگاه و دعوتی نیز می‌سازد. همه این آمادگی‌ها بر اساس آخرین عبارات زیارت اربعین، انسان را به دو همراهی با معصوم می‌رساند، همراهی در ظاهر و همراهی در باطن. یعنی انسان هم باید در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام با امام

۱. روزنامه قدس، مصاحبه با آیت الله میرباقری، ۹۶/۰۸/۲۰.

باشد و هم در زمان ظهور ولایت امام علیه السلام ایشان را یاری و همراهی کند.^۱

پاسخ به شبهات مربوط به زیارت اربعین:

بازگشت اسرا از شام و ورود آن‌ها به کربلا در روز اربعین:

از جمله سؤالاتی که درباره اربعین وجود دارد و در روضه‌ها زیاد به آن اشاره می‌شود این است که کاروان اسرا در مسیر بازگشت از شام به سمت کربلا آمدند و روز اربعین، زینب کبری علیها السلام و جمع اسرا برای زیارت شهدا به کربلا رسیدند.

عده‌ای هم البته می‌گویند که امکان ندارد کاروان اسرا بتوانند بعد از توقف در شام در روز اربعین خودشان را به کربلا برسانند.

قائلین هر دو قول مستندات برای قول خود نقل می‌کنند. مثلاً شهید قاضی طباطبایی رحمته الله در جواب کسانی که می‌گویند مسیر بازگشت از شام تا کربلا زیاد بوده و امکان ندارد کاروان اسرا بتواند در این فاصله خود را به کربلا برساند، هفده نمونه از مسافرت‌ها و مسیرها و زمان‌هایی را که برای این راه در تاریخ آمده به تفصیل نقل کرده‌اند. در این نمونه‌ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و بالعکس از یک هفته تا ده یا دوازده روز طی می‌شده. بنابراین ممکن است در چهل روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین علیه السلام روز اول صفر وارد دمشق شده، می‌توان اظهار کرد که ۲۰ روز بعد، اسرا می‌توانستند در کربلا باشند. [اولین اربعین حضرت سیدالشهدا]

البته مخالفینی هم در جواب گفته‌اند این که چنین سفری در این بازه زمانی ممکن است، یک مسئله است و این که این بازگشت در کتب تاریخ وارد شده باشد، مسئله دیگری است و ادعا می‌کنند که دلیل معتبری برای این ادعا در تاریخ وجود ندارد. محدث نوری رحمته الله از جمله کسانی است که این مسئله را تحلیل کرده و رسیدن اسرا در اربعین اول به کربلا را رد کرده است.

این دسته می‌گویند آن چه در تاریخ وجود دارد این است که اسرا روز اربعین از شام به سمت

کربلا حرکت کردند نه این که روز اربعین به کربلا رسیده باشند!^۱
گذشته از این اختلاف، به نظر می‌رسد مسئله اربعین وابسته به این واقعه تاریخی نیست. آنچه مسلم است این است که اولاً، جابر همراه عطیه در این روز به کربلا رسیده‌اند و روایت امام عسکری علیه السلام نیز مهم‌ترین دلیل بر تکریم و تعظیم اربعین است. از طرفی هم وجود زیارت اربعین در بین ادعیه است که به مناسبت این روز وجود دارد.

بازگشت سر امام حسین علیه السلام به کربلا در روز اربعین:

با توجه به آنچه در سؤال قبل پاسخ داده شد، این که سر مطهر حضرت در روز اربعین به کربلا رسیده باشد معلوم نیست خصوصاً این که محل دفن سر مبارک سیدالشهدا علیه السلام نیز محل اختلاف است.

مرحوم محدث قمی علیه السلام در نفس المهموم می‌نویسد:

در محل دفن سر مقدس آن حضرت اختلاف نظر است. گروهی گفتند: یزید آن سر مقدس را نزد عمرو بن سعید فرماندار مدینه فرستاد. عمرو گفت: من هرگز نمی‌خواستم یزید این سر را برای من بفرستد؛ سپس دستور داد آن را در بقیع کنار قبر مادرش حضرت فاطمه علیه السلام دفن کنند.^۲
بعضی می‌گویند: یزید آن سر مقدس را در خزانه خود نگه داشت، تا آن که شخصی به نام منصور بن جمهور آن را گرفت و در نزدیکی باب الفرایس (در دمشق) دفن کرد.

برخی گویند: آن سر در خزانه یزید بود، تا آن که سلیمان بن عبدالملک در زمان خلافتش آن را یافت و در پنج جامه دیا کفن کرد و با گروهی از اصحاب بر آن نماز گذارد و دفن کردند.

برخی مدعی این هستند که سر مطهر امام علیه السلام و سایر شهدا در قاهره در مسجدی به نام مسجد مشهد الحسین علیه السلام مدفون است که قاضی طباطبایی علیه السلام در این باره می‌فرماید: مدفون شدن رأس مطهر سیدالشهدا علیه السلام در قاهره در مسجد مشهد الحسین علیه السلام ثابت نیست بلکه به اعتقاد ما امامیه، عدم دفن رأس مطهر در آن مکان، محقق است.^۳

۱. مراجعه شود به کتاب: تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، سید محمد علی قاضی طباطبایی.

۲. در کربلا چه گذشت، ترجمه کتاب نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ص ۴۲۳.

۳. تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، سید محمد علی قاضی، ص ۱۸۰.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۴۹

ولی مشهور علمای امامیه معتقدند که آن سر شریف را امام سجّاد علیه السلام به کربلا بازگرداند و کنار جسد شریف به خاک سپرد و یا نزدیک قبر امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف دفن کرده است.^۱

سید بن طاووس رحمته الله نیز می نویسد: روایت شده است که سر مقدّس آن حضرت به کربلا بازگردانده شده و کنار پیکر شریف آن حضرت به خاک سپرده شده است.^۲

بنابراین، مشهور و معروف میان عالمان امامیه آن است که سر مقدّس آن حضرت در کربلا کنار پیکر شریفش دفن شد. این نظر با شواهد و شرایط تاریخی آن زمان سازگارتر است. زیرا بعد از خطبه‌های امام سجّاد علیه السلام و زینب کبری علیه السلام در شام و تغییر اوضاع شهر شام و افکار عمومی مردم آن سامان و تلاش یزید برای جلب نظر امام سجّاد علیه السلام طبیعی است که آن سر شریف را در شام باقی نگذارد و به امام علیه السلام تحویل دهد.

مرحوم «مقرّم» نویسنده کتاب مقتل الحسین علیه السلام نیز می نویسد: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام موافقت یزید را به دست آورد، همه سرهای شهدا را از او طلب کرد تا آنها را در کربلا به خاک بسپارد و یزید نیز سرها را به آن حضرت سپرد و امام علیه السلام آنها را به بدن‌های شریفشان ملحق کرد.^۳ رسیدن حضرت علیه السلام به کربلا اگر در اربعین باشد الحاق سر به بدن مبارک حضرت علیه السلام نیز در اربعین است و اگر رسیدن کاروان اسرا به کربلا را در اربعین ندانیم، الحاق سر شهدا به بدن‌های مطهرشان نیز در زمان دیگری بوده است.

در کتب قدیمی بسیاری بر این مسئله تصریح شده است. از جمله آن کتاب الآثارالباقية ابوریحان بیرونی، عجایب المخلوقات از زکریا بن محمد قزوینی، روضه الواعظین از شیخ شهید ابن فتال نیشابوری، فقیه ابن نما در مثير الاحزان، ابن طاووس رحمته الله در لهوف و شیخ طبرسی رحمته الله در اعلام الوری و کتب دیگری که در آنها بر مسئله دفن مطهر امام و شهدا به بدن‌های مطهر، تصریح شده است. این قول مشهور بین امامیه و شیعیان است و عمل علما نیز بر همین بوده است.^۴

۱. در کربلا چه گذشت، شیخ عباس قمی، ص ۴۲۳.

۲. لهوف، سید بن طاووس، ص ۲۲۵.

۳. مقتل الحسین مقرّم، عبدالرزاق موسوی مقرّم، ص ۳۶۲.

۴. تحقیق درباره اول زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، سید محمد علی قاضی، ص ۱۸۷.

بهتر نیست پول این همه غذا و موکب را برای فقرا هزینه کنیم؟

در پاسخ به این سؤال باید به چند نکته توجه کرد:

اولاً: اگر از کسانی که نوعاً این اشکال را طرح می‌کنند پرسیم که شما درباره بقیه مناسبت‌های ملی مانند عید نوروز و ... هم همین عقیده را دارید؟ فوراً پاسخ می‌دهند که نباید جلوی تفریح مردم را گرفت! درحالی‌که در سفر اربعین هم انسان با شرکت در پیاده‌روی جان دوباره‌ای گرفته و پس از آن با قوای روحی و فکری بیشتری می‌تواند زندگانی خود را به پیش برد. در واقع تقویت روح معنوی و بندگی است.

معمولاً در این نوع از اشکالات، شیطنتی وجود دارد که بیش از آن‌که به دنبال یافتن پاسخ باشد به دنبال تضعیف این حرکت ارزشی است؛ زیرا موارد مشابه زیادی وجود دارد که هزینه‌هایی صورت می‌گیرد ولی کسی نمی‌گوید جلوی این هزینه‌ها را بگیرد و آن را برای فقرا تقسیم کنید برخی از آن‌ها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

- بر اساس آماری که از سوی معاونت گردشگری کشور اعلام شده در سال (۱۳۹۵) ۹ میلیون و ۱۹۶ هزار و ۱۴۰ ایرانی به دیگر کشورها سفر کرده‌اند.^۱ این آمار در ۵ ماهه ابتدای سال ۹۶ رشد قابل توجهی داشته است که بیش‌ترین سهم را در این سفرها کشور ترکیه دارد. این در حالی است که کشور ایران از کشورهایی است که دارای جاذبه‌های متعدد گردشگری در جهان می‌باشد.

- این سفرها که عمدتاً جهت تفریح صورت می‌گیرد به جهت خروج فراوان ارزی از کشور ضربه محکمی به اقتصاد کشور وارد می‌کنند. آسیب‌های فرهنگی آن هم جای خود دارد.

- هزینه‌های زیادی که گاهی در برخی از جشن‌ها صورت می‌گیرد و خارج از حد متعارف می‌باشند. هزینه‌هایی که برای تنوع غذاها، آتلیه‌های خارج از کشور و ... پرداخت می‌شود. هیچ وقت از زبان کسانی که به هزینه سفر اربعین اشکال وارد می‌کنند به این موارد اشاره‌ای نمی‌شود.

بنا به روایات متعدد، کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام برود، اولاً هزینه‌ای که صرف کرده

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۵۱

برمی‌گردد، ثانیاً رزق و روزی‌اش زیاد می‌شود. بنابراین با رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام، بیش‌تر می‌توانیم به فقرا کمک کنیم.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیارت امام حسین علیه السلام رزق را زیاد می‌کند و آنچه برای زیارت هزینه کرده باشید، برمی‌گردد.^۱ امام باقر علیه السلام فرمود شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید. زیارت قبر حسین علیه السلام، روزی را زیاد و بلاهای سخت را دفع می‌کند.^۲

ثالثاً با شرکت در «اردوی افزایش قدرت و موفقیت»، بیش‌تر می‌توانید به فقرا کمک کنید! افراد موفق برای کسب درآمد بیش‌تر و موفقیت در زندگی، مهارت‌ها و توانایی‌های خود را با شرکت در دوره‌های آموزشی افزایش می‌دهند. آن‌ها می‌دانند چند برابر وقت و هزینه‌ای که برای این دوره‌ها صرف می‌کنند، به زودی برمی‌گردد.

از جمله ویژگی‌های کلیدی برای موفقیت در هر کاری، «حُسن خُلُق، خستگی ناپذیری و سخت‌کوشی» است. امیرالمؤمنین علیه السلام: خوش خلقی روزی را زیاد می‌کند.^۳

ما در زیارت امام حسین علیه السلام به بالاترین الگوهای فداکاری و خستگی ناپذیری، احترام، توجه و ابراز محبت می‌کنیم و اراده و انگیزه ما برای فداکاری و... تقویت می‌شود و به این صفات نزدیک می‌شویم. در اربعین، علاوه بر این‌ها، زیباترین جلوه‌های این صفات را در مسیر پیاده‌روی تماشا می‌کنیم و لذت می‌بریم و کمی هم از خودمان خجالت می‌کشیم؛ آن‌گاه با انگیزه و اراده بیش‌تری برای بهتر شدن، تلاش و تمرین می‌کنیم. پیاده‌روی اربعین یک دوره ویژه، برای زندگی و کسب و کار موفق است. با یک زندگی موفق‌تر، حتماً به دیگران هم، بیش‌تر می‌توانیم کمک کنیم.

رابعاً: بعد از زیارت، مهربان‌تر می‌شوید و به فقرا بیش‌تر کمک می‌کنید! امام حسین علیه السلام زیباترین و دیدنی‌ترین جلوه و نماد ایثار، از خود گذشتگی و مهربانی است. حماسه‌های بی‌نظیر ایثار، سخاوت، مهربانی و برادری که در مسیر پیاده‌روی اربعین می‌بینید، ثمره توجه مردم به حسین علیه السلام است. با مطالعات تجربی و نیز تفکر و تحلیل‌های روان‌شناسانه، می‌توان توضیح داد که چرا هیچ چیزی مثل توجه به امام حسین علیه السلام، موجب کاهش

۱. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. «فی سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ». اصول کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۳.

خودخواهی‌ها و افزایش مهربانی و مهر ورزی در جامعه و به تبع آن افزایش «از خودگذشتگی و تلاش برای کمک به نیازمندان» نمی‌شود. به خصوص زیارت اربعین که در آن، لذت، شکوه و زیبایی‌های ایشار و بخشندگی را از نزدیک حس می‌کنید.

لذت بردن از تماشای جلوه‌های ایشار، فطرت‌ایثارگری ما را شکوفاتر می‌کند و در نتیجه، از خدمت به دیگران بیش‌تر لذت می‌بریم و از خودخواهی بیش‌تر فاصله می‌گیریم.

با زیارت هر ساله امام حسین علیه السلام در اربعین، فرهنگ بخشندگی و خدمت در خود ما و جامعه ما بیش‌تر می‌شود. امامان ما بی‌جهت این همه تأکید بر لزوم زیارت هر ساله حسین علیه السلام نکرده‌اند! خامساً: هزینه‌کردن برای زیارت حسین علیه السلام، هزینه‌کردن برای ریشه‌کن کردن فقر است!

یکی از عوامل اصلی فقر و بی‌عدالتی، ظلم زورگویان، قلدرها و مفسدان است؛ چه داخلی و چه بین‌المللی. سکوت و عافیت‌طلبی در مقابل ظلم و ترس از ایستادگی، مانع از اتحاد علیه زورگویان می‌شود. هیچ چیزی مثل توجه به عالی‌ترین نماد ایستادگی، یعنی حسین علیه السلام، مردم و نخبگان را برای مقابله با مفسدان خودخواه، متحد نمی‌کند. هزینه‌کردن برای زیارت حسین علیه السلام، هزینه‌کردن برای ریشه‌کن کردن فقر است.

از قدیم گفته‌اند: «اگر می‌خواهی کسی را یک وعده سیر کنی، به او ماهی بده، ولی اگر می‌خواهی یک عمر سیرش کنی، به او ماهیگیری یاد بده.» افزایش روحیه استقلال، آزادگی و استقامت در مردم، باعث می‌شود جلوی زورگویی بایستند و به حق خودشان برسند. خودمان هم وقتی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رویم و به یاد شجاعت و فداکاری حسین علیه السلام و بارانش می‌افتیم، خجالت می‌کشیم که عافیت‌طلب و ترسو باشیم و در مقابل ظلم به انسان‌ها سکوت کنیم.

این‌که امام صادق علیه السلام فرمودند زیارت امام حسین علیه السلام مثل تجهیز ۱۰۰۰ مجاهد به اسب جنگی است!^۱ یک وجهش می‌تواند این باشد که زیارت حسین علیه السلام فرهنگ ایستادگی در مقابل ظلم را در جامعه، ترویج می‌دهد و تقویت می‌کند و باعث تولید هزاران مبارز شجاع علیه ظلم می‌شود.

امام خمینی علیه السلام: «در قضیه امام حسین علیه السلام، باید این نکته را به مردم بفهمانیم، همه‌اش قضیه

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۵۳

این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می‌خواهیم «پیشرفت» کنیم!.^۱ سادساً: بسیاری از فقرا و قشرهای محروم در برگزاری این مراسم‌ها دخیل هستند، برخی از آنان در طول سال درآمدهای خود را پس‌انداز می‌کنند تا در این مراسم با شکوه شرکت کرده و گاهی در هزینه‌های آن سهم باشند. برای کسانی که در این راهپیمایی عظیم، حضور داشته‌اند، حضور فقرایی که در طول سال امکان مسافرت ندارند، پذیرایی از آنان و پذیرایی آنان با حداقل امکانات (و لو با آب رسانی یا هدیه دستمال کاغذی) تصویری است که فراوان به چشم می‌خورد.

توصیه‌ها و رهنمودهای بزرگان برای زائران و مبلغان اربعین

مقام معظم رهبری علیه‌السلام درباره زائرین اربعین می‌فرماید:

«پدیده بی‌نظیر وبی‌سابقه‌ای در سال‌های اخیر به وجود آمده که پیاده‌روی کربلاست. این حرکت، حرکت «عشق و ایمان» است. ما هم از دور نگاه می‌کنیم و غبطه می‌خوریم به حال کسانی که این توفیق را پیدا کردند. گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم، بعد منزل نبود در سفر روحانی. کسانی که این راه را طی کردند، حرکت «عاشقانه» و «مؤمنانه» را انجام می‌دهند این‌ها واقعاً حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این حرکت بلاشک جزء شعائر الله است. جا دارد امثال بنده که محروم از این حرکت هستیم بگوییم: یا لیتنی کنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».^۲ ایشان فرصت ارتباط معنوی و عاشقانه با خاندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زیارت این عناصر ممتاز، برجسته، نورانی و ملکوتی را از امتیازات تفکر شیعی در میان فرق اسلامی دانستند و گفتند: حرکت عظیم مردم از ایران و سایر کشورهای جهان برای حضور در راهپیمایی اربعین، جلوه‌ای از ویژگی‌های برجسته مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است که در آن، هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می‌زند و هم «عشق و محبت».^۳

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۹.

۲. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری علیه‌السلام: leader.ir.

۳. همان.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله:

ایشان می‌فرمایند: خدمت به زائران امام حسین علیه‌السلام توفیقی ارزشمند و افتخاری والا است که امیدواریم بتوانیم به وظیفه خود در برابر زائران عمل کنیم. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام افتخار ما شیعیان است و این سیل عاشقان روز به روز افزایش می‌یابد. شکوه راهپیمایی اربعین در همه جا انعکاس می‌یابد و دنیا با مشاهده آن بیش از گذشته به عظمت اسلام پی می‌برد و برنامه‌ای الهی و خالصانه است که موجب می‌شود حقیقت قیام سیدالشهدا علیه‌السلام بیش از پیش روشن شود. ایشان، خدمت‌رسانی به زائران حسینی علیهم‌السلام را دارای اجر عظیمی دانست که باید تلاش کرد تا هرچه باکیفیت‌تر انجام شود. در این راهپیمایی باید به معرفی اهداف امام حسین علیه‌السلام پرداخته شود تا مسائلی چون امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده نشود.^۱

آیت‌الله العظمی نوری همدانی رحمته‌الله:

جریان عاشورا و کربلا یک تاریخ مقطعی نیست بلکه مانور و مکتب و مدرسه‌ای است که تا قیامت به همین ترتیب باقی و برقرار است. شعار «هیئات منّا الذلّة» مانور و نمایش بزرگی است. به اندازه‌ای این دانشگاه ظرفیت دارد که می‌تواند ۲۰ میلیون انسان را در یک نقطه جمع کند؛ درحالی‌که هیچ قدرتی در دنیا این‌طور نیست. چون این مکتب یک مدرسه با این عظمت است، همیشه قدرت‌های کفر و نفاق و صهیونیسم با این‌ها مخالف بودند. در زمان رضا شاه راه بسته بود و کسی حق رفتن به کربلا را نداشت و روضه‌خوانی هم ممنوع بود. متوکل ۱۷ بار قبر امام حسین علیه‌السلام را خراب کرد و آن‌جا را به آب بست. لذا ببینید این چه موضوع مهمی است که راز و رمز و روح قضیه، بزرگ و تأثیرگذار و نقش آفرین است و از طرفی، حکومت‌های ظالم چقدر حساسیت دارند که می‌خواهند چراغ آن را خاموش کنند؛ لذا مراسم اربعین سال به سال باید رونق یابد.^۲

۱. پایگاه اطلاع رسانی: <http://www.shia-news.com>

۲. پایگاه اطلاع رسانی: <http://www.shia-news.com>؛ سایت خبر آنلاین، «دیدگاه تعدادی از علما و مراجع تقلید

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی رحمته الله علیه نیز بر بُعد تبلیغی زیارت اربعین اشاره نموده، پیاده روی این موسم را با احترام به امام حسین علیه السلام پیوند می زند و تأکید دارند که: پیاده رفتن، یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله علیه السلام است؛ لذا پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می کند و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است؛ یکی از مبلّغ های بسیار خوب است. ایشان توصیه هایی را هم برای برگزاری هر چه بهتر این مراسم به زوّار دارند، ایشان می فرمایند:

۱. نظم را در همه حال رعایت کنند که سبب نجات از هرگونه حادثه ناگواری است.
۲. رعایت نظافت، سبب آبرومندی این مراسم و نجات از انواع بیماری هاست.
۳. زوّار عزیز وقت نماز را کاملاً رعایت کنند، چراکه نماز ستون خیمه دین و شرط قبولی زیارت و همه اعمال است.
۴. از ورود در عراق بدون پاسپورت و ویزا جداً پرهیزند که این کار شرعاً جایز نیست و برای انجام زیارت مستحب هر چند بسیار مؤکّد باشد نمی توان مرتکب حرام شد.
۵. همگی مراقب افراد ناتوان، بیماران، سالمندان و کودکان باشند و از هرگونه کمکی به آنان دریغ نکنند.
۶. در اهداف این قیام پر شکوه حسینی زیاد بیندیشند و روح و جان خود را با آن هماهنگ سازند.
۷. ان شاء الله سعی کنند این مراسم، انسان تازه ای از آن ها بسازد و هرگونه خلق و خوی بد و عمل نادرست را از خود دور سازند و با آب توبه روح و جان خود را بشویند.
۸. از هرگونه اهانت به مقدّسات دیگران پرهیز کنند، به خصوص این که گروه هایی از مذاهب گوناگون در این مراسم شرکت دارند.
۹. زیارت خود را در کنار مرقد نورانی سالار شهیدان طولانی نکنند و جای خود را به سرعت

به دیگران بدهند تا در ثواب آن‌ها نیز شریک باشند.

۱۰. برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نجات همه کشورهای اسلامی از شرّ اشرار و برای سعادت و سربلندی مسلمین دعا کند.^۱

آیت الله العظمی علوی گرگانی علیه السلام:

ایشان می‌فرمایند: محبت به اباعبدالله الحسین علیه السلام شاه و گدا و کوچک و بزرگ نمی‌شناسد و همه با عشق و علاقه، سر و جان فدا می‌کنند.

حضور مردم برای خدمت‌رسانی به زوّار از نشانه‌های ارادت به حضرت علیه السلام می‌باشد. بعضی مردم با شور و اشتیاق برای واکس زدن کفش‌های زوّار خدمت می‌کنند.

در محفلی از علما فردی در خواست و سؤال کرد امام حسین علیه السلام در کربلا هر چه داشت با اخلاص فدا کرد حال اگر خدا بخواهد عوض عمل امام حسین علیه السلام را بدهد چه بدهد خوب است؟ علمای حاضر در جلسه، نظرات متفاوتی دادند؛ اما جوانی از گوشه مجلس گفت اگر خدا به عوض فداکاری امام حسین علیه السلام به او هر چه دهد تازه با امام حسین علیه السلام برابر می‌شود. ناگهان اشک آیت الله مقدّس اردبیلی علیه السلام سرازیر شد و گفت: این جواب، جواب تو نیست این سخن را خدا در دهان تو قرار داده است و من گریه‌ام از این گرفت.

این حرکت، حرکت سازنده‌ای است و هر چه این حرکت را در سطح مردمی نگه داریم، جنبه تبلیغی آن خیلی زیاد است و بگذارید به همین حالت سادگی بماند البته مقرّرات هم باید رعایت شود.^۲

آیت الله العظمی شبیری زنجانی علیه السلام:

ایشان در سخنانی ضمن ابراز علاقه برای شرکت در راهپیمایی اربعین فرمودند: پیاده‌روی اربعین تبلیغ شریعت و تبلیغ ولایت حضرات معصومین علیهم السلام است. دشمنان و

۱. شبکه خبری: isna.ir.

۲. شبکه اطلاع‌رسانی: <http://www.shia-news.com>.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۵۷

ظالمان و این گروه‌های تکفیری در مقابل این قدرت، وحشت می‌کنند. این پیاده‌روی نشانه عظمت تشیع است و من آرزو داشتم توان جسمی ام به قدری بود که می‌توانستم در پیاده‌روی شرکت کنم.

در روایات بسیاری بر زیارت آن حضرت تأکید شده، حتی در پاره‌ای از این روایات، از وجوب و فرض بدن این زیارت یاد شده، تا جایی که برخی علما هم‌چون مرحوم علامه مجلسی^ع و پدر بزرگوارشان به این نظر متمایل شده‌اند؛ اگر کسی توانایی انجام زیارت آن حضرت را دارد این زیارت در عمر یک بار بر او واجب است. اما امروز این پیاده‌روی تبدیل به یکی از شعائر اسلامی و وسیله ترویج مذهب است و از این باب، مصداق روایات مربوط به تعظیم شعائر الله است. محدث جلیل‌القدر مرحوم حاجی نوری^ع با پیاده‌روی مستمر خود در ایام اربعین از نجف به کربلا، به همراه بزرگان علما، به این مراسم، شکوهی ویژه بخشید و سرانجام در مسیر بازگشت پیاده‌روی به دیار باقی شتافت.^۱

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی^ع:

آیت‌الله سیستانی^ع در پیامی خطاب به زائران اربعین که حاوی نکات ارزشمندی درباره زیارت می‌باشد می‌فرماید:

در دعای امام صادق^ع برای زائران حسین^ع آمده است: «خداوندا دشمنان ما به سبب خروج شیعیان برای زیارت، بر آن‌ها عیب می‌گیرند؛ اما برخلاف میل دشمنان، این دشمنی‌ها مانع حرکت و خروج شیعیان به سوی ما نشد؛ پس بر آن صورت‌هایی که تابش خورشید، رنگ آن‌ها را تغییر می‌دهد، رحم کن».

اکنون شیعیان، ماه محرم را پشت سر گذاشته و خود را در معرض وزش نسیم حسینی قرار داده‌اند و ده‌ها میلیون از آن‌ها در نقاط مختلف جهان از توصیه‌های دینی و موعظه‌های منابر حسینی بهره بردند و بر محبت و ولایت‌پذیری خود و مشارکت خود در برپایی عزاداری‌ها افزودند؛ اما این پایان برکت‌های امام حسین^ع نیست.

جمعیت انبوهی که در مجالس و عزاداری‌های حسینی مشارکت کردند، این روزها خود را برای رفتن به زیارت او آماده می‌کنند تا مسافت زیادی را بپیمایند و با پای پیاده عازم زیارت اربعین شوند. گویی جهان شاهد رقم خوردن محشری به سوی کربلا است و قیامتی در سرزمین حسین علیه السلام رقم خورده است. خداوند به این گام‌ها برکت دهد و سلام خداوند بر آن‌که عامل و منشأ این حرکت عظیم است.

در این مناسبت عظیم، لازم است نکاتی را متذکر شویم که البته بر بسیاری از زائران پوشیده و پنهان نیست، اما توصیه به خیر از ویژگی‌های مؤمنان است.

۱. زیارت برای رضای خدا باشد

نیت: این زیارت عبادتی است که با نیت، ارزش می‌یابد و میزان قبولی آن بستگی به نیت زائران دارد و از این‌رو پاداش زائران نیز نزد خداوند متفاوت خواهد بود و ما از خداوند می‌خواهیم فراوان‌ترین بهره را از این زیارت، روزی شما بگرداند. در این راه، اخلاص فراوان برای خداوند باعث می‌شود زیارت شما در بالاترین درجه قرار گیرد. قدم نهادن و گام برداشتن ما در این راه برای این نباشد که فلان شخص ما را ببیند یا این‌که پس از بازگشت برای دیگران بازگو کنیم یا برای تأیید فلان جریان و مبارزه با فلان جریان باشد. در این راستا انسان باید در تمام حالات خود، فداکاری و جان فشانی امام حسین علیه السلام را به یاد داشته باشد و ندای «هل من ناصر ینصرنی» او را به گوش جان بشنود تا حضور و پیاده‌روی او برای لیبیک گفتن به این ندای حسینی باشد. بر خلاف این‌که سید الشهداء علیه السلام با آبرویی که نزد خداوند دارد، حاجات زائران خود را برآورده می‌سازد؛ اما شایسته نیست که زیارت انسان برای حاجت‌ها و تجارت‌های دنیوی باشد. نباید هدف زائر از زیارت، رسیدن به حاجت خود باشد؛ به گونه‌ای که اگر بداند حاجتی از او برآورده نمی‌شود زیارت را ترک کند!

۲. اهتمام به نماز و حجاب و هم‌کاری با مسئولان انتظامات

مؤمنانی که در راه زیارت سید الشهداء علیه السلام خود را به سختی می‌اندازند، باید در این راه ارزش‌ها و مبانی کربلا را با التزام به نماز و اوقات آن زنده کنند و خواهرانی که در این پیاده‌روی حضور دارند حجاب و عفت و وقار خود را حفظ کنند و به قهرمان کربلا حضرت زینب علیه السلام اقتدا کنند که حجاب و عفت و شکوه او کامل بود.

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۵۹

تمام زائران باید خوش رفتار بوده و ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند و با مسئولان انتظامات و مدیران موبک‌ها هم‌کاری کنند و غذاهایی را که با سخاوت و کرم به آن‌ها تقدیم می‌شود حفظ کنند تا به دور از اسراف، میان زائران توزیع شود.

۳. استفاده از حضور مبلغان دینی

مراجع عظام تقلید چند سالی است که در این راهپیمایی میلیونی، صدها مبلغ دینی را برای نشر معارف و احکام دین به مناطق مختلف اعزام می‌کنند. از زائران، انتظار می‌رود به این افراد مراجعه کنند و ارتباط داشته باشند و البته امسال نیز تعداد مبلغان بیش‌تری در این مراسم حضور خواهند داشت تا خدمات فکری و فقهی خود را به زائران ارائه کرده و به وظیفه تبلیغ دین عمل کنند.

۴. پرهیز از بدعت در عزاداری

زائران باید عزاداری‌های تأیید شده توسط علما و عزاداری‌های متعارف میان شیعیان را که نسل پس از نسل به ما منتقل شده، اجرا کنند و اقداماتی را انجام ندهند که متناسب با عظمت این مناسبت نیست؛ زیرا اهداف بلند قیام حسینی همواره باید بلند و پاک و تأثیرگذار باقی بماند.

۵. ضرورت تقویت وحدت و پرهیز از اختلافات

تمرکز بر وحدت. خطبای جمعه و نمایندگان مراجع عظام، بارها بر ضرورت اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات داخلی تأکید کرده‌اند؛ زیرا امروز امت اسلام، به‌ویژه شیعیان در شرایطی سخت و خطرناک به سر می‌برند و توطئه‌هایی علیه آن‌ها جریان دارد. از این‌رو لازم است، اولویت شیعیان در رفتار خود این باشد که به اختلافات دامن نزنند؛ به‌ویژه در ایام عاشورا و عزاداری حسینی.

تمام مسلمانان، به‌ویژه پیروان مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام وظیفه دارند برای نشر مبانی قیام حسینی علیه‌السلام و تحکیم و تقویت آن در میان نسل‌های آینده تلاش کنند؛ زیرا امام حسین علیه‌السلام و یاران برگزیده او جان خود را برای رسیدن دین به همین نسل‌ها فدا کردند و فرزندان مجاهد ما نیز در این راه جان و مال خود را در میدان شهادت و کرامت فدا می‌کنند.

۶. به یاد داشتن فداکاری رزمندگان اسلام و قدردانی از شهدا

در روزهای زیارت سید الشهداء علیهم‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام و یاران ایشان شایسته است همه ما به یاد

رزمندگان و مجاهدان و طلاب حوزه علمیه باشیم که در این روزگار به حسین علیه السلام اقتدا کردند و در جبهه نبرد با دشمنان دین و مقدّسات، جان خود را بر کف دست گرفتند و ثابت کردند به حق، یاوران حسین علیه السلام هستند. آن‌ها مردانی هستند که بر پیمان خود با خداوند، ثابت قدم و وفادار ماندند و برخی از آن‌ها به شهادت رسیده و برخی در انتظار شهادت به راه خود ادامه می‌دهند. از این‌رو لازم است به یاد آن‌ها باشیم و برای آن‌ها دعا کنیم تا خداوند آن‌ها را محفوظ و پیروز گرداند و برای شهدا، طلب رحمت و آمرزش کنیم و قبور آن‌ها را زیارت کنیم و به مجروحان و خانواده‌های شهدا سر بزیم و در حدّ توان خود به آن‌ها رسیدگی کنیم که آن‌ها حق بزرگی بر گردن ما دارند و من گمان نمی‌کنم، بتوانیم این حق را ادا کنیم. پس خداوند به آن‌ها بهترین پاداش‌ها را عنایت کند.

۷. پرهیز از اختلاف‌افکنی و اهانت به مراجع و علما

شایسته است برادران حسینی ما در این فضای معنوی و ولایی و سایر مناسبت‌های مربوط به اهل بیت علیهم السلام به نشر و تحکیم معارف دینی و اعتقادی و فقهی و نشر ارزش‌های اخلاقی بپردازند و سرگرم اختلافات جزئی نشوند؛ زیرا اختلافات در برخی نظرهای فقهی نمی‌تواند مجوزی شرعی برای تخریب و کنایه زدن و عیب جویی از مؤمنان باشد چه رسد به این‌که به بهانه‌ای برای اهانت به مراجع و استادان حوزه علمیه و بزرگان اهل منبر و علما تبدیل شود؛ چراکه آن‌ها عمر و وقت و فکر خود را در راه نشر ارزش‌های حسینی سپری کرده‌اند.

۸. زیارت باید موجب تغییر در زندگی زائران باشد

برای زائران محترم شایسته است روزی که از زیارت بازمی‌گردند حال آن‌ها هم‌چون روز آغاز زیارت نباشد و پس از زیارت به درون و رفتار و اعمال خود بنگرند و ببینند آیا تغییری در رفتار و اخلاق و ارتباطات اجتماعی و خانوادگی و معاملات آن‌ها رخ داده و بهتر شده است یا خیر؟ تمام زائران باید این سؤال را از خود بپرسند تا مبدا از مصادیق این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام باشند که فرمود: چه بسا روزه‌داری که از روزه‌داری خود بهره‌ای جز تشنگی و گرسنگی ندارد و چه بسا نمازگزاری که جز شب زنده‌داری و رنج، بهره‌ای از نماز و عبادت خود ندارد. از خداوند

بخش اول: اهمیت زیارت و پیاده روی اربعین ۶۱

سبحان می‌خواهیم از کسانی باشیم که به سخن حق، گوش فراداده و از بهترین سخن پیروی می‌کنند.^۱

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی رحمته‌الله:

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی رحمته‌الله، انجام زیارت به نیابت معصومان علیهم‌السلام را به زائران توصیه می‌نمایند.

سزاوار است کسانی که از ایران مشرف می‌شوند، به نیابت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بروند و کسانی که از بلاد دیگر به آن حرم شرفیاب می‌شوند، به نیابت سایر معصومین علیهم‌السلام مشرف شوند و در این سفر پر برکت چون نائب آن مقام رفیع هستند، نظر عنایت حضرت سید الشهدا علیه‌السلام به آن نانبان، به رعایت منوب عنه آنان موجب سعادت دنیا و عقبی است.

ایشان بر قدر شناسی از نعمت زیارت اربعین تأکید داشته و به زائران سفارش می‌کنند، مراقب باشند که خود را آلوده نکنند و خدا و امام زمان علیه‌السلام را هرگز فراموش نکنند.^۲

آیت‌الله العظمی جوادی آملی رحمته‌الله:

ایشان در باب اهمیت زیارت اربعین می‌فرمایند:

امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمودند: «نشانه‌های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنج‌جا و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی علیه‌السلام، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم». مراد از نماز پنج‌جا و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به‌ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز پنج‌جا و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. شاید سر ستودن نماز به

۱. پایگاه خبری: hawzahnews.com.

۲. پایگاه خبری: www.shafaqna.com.

وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می‌برد. موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه است که یا «بسم الله الرحمن الرحیم» را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. هم چنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می‌داند.

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان‌گونه که نماز، ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عصارة رسالت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن و عترت است؛ «إنی تارک فیکم الثقلین... کتاب الله و... عترتی اهل بیتی».

عصارة کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصارة عترت نیز ستونش، زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که در یابیم نماز و زیارت اربعین، انسان را چگونه متدین می‌کنند.^۱

۱. شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، جوادی آملی، ص ۲۲۷.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر

مجموعه‌ای از دانستنی‌هایی که قبل، حین و بعد از سفر برای زائر لازم است در این بخش بیان می‌شود.

قبل از سفر

آمادگی‌های روحی و معنوی سفر

در برنامه‌های معنوی، کسانی موفق‌تر و بهره‌مندتر خواهند بود که قبل از شروع زمان زیارت، آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشند. زائری که خودش را از مدت‌ها قبل، برای زیارت آماده کرده است، زیارتی متفاوت از کسانی خواهد داشت که برای چنین سفری برای خود آمادگی روحی فراهم نکرده‌اند. آن چه برخی از بزرگان برای درک شب‌های قدر انجام می‌دادند که گاهی از روز اول ماه شوال برای درک شب قدر سال بعد مراقباتشان را آغاز می‌کردند، نشان از اهمیت آمادگی‌های قبلی برای ورود به عرصه‌های مهم معنوی است.

برخی از مقدّماتی که قبل از سفر شایسته است انجام شود در این جا ذکر می‌شود:

۱. مراقبت در اعمال:

شایسته است که زائر درباره‌ی اعمال و رفتارهایش توجهی جدی و مراقبت داشته باشد. زمینه‌های روحی افراد در جلب توفیقات الهی بسیار اهمیت دارد. گناه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین

مانع برای رشد و تعالی روح می‌باشد و برای رشد چاره‌ای جز از بین بردن گناهان وجود ندارد. چند روایت در این زمینه ذکر می‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا جَفَّتِ الدَّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَمَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ؛ اشک چشم خشک نمی‌گردد مگر به واسطه قساوت قلب و کسی قسی القلب نمی‌شود مگر از زیادی گناهان».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: گناه و معصیت مانع از اجابت دعا می‌شود. [المعصية تمنع الإجابة].^۲

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي الْحَمِّ؛^۳ آدمی گناهی می‌کند و بدان سبب از نماز شب محروم می‌شود؛ همانا تأثیر کار بد در صاحب آن، سریع‌تر از تأثیر کارد در گوشت است».

۲. اخلاص در نیت:

اخلاص شرط اساسی تمامی عبادات است، کسی که عبادت خود را برای خودنمایی و ریا و یا دست‌یابی به امور مادی و دنیایی انجام دهد از آن عمل هرگز بهره و نصیبی نخواهد برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید: «أَخْلَصُ قَلْبِكَ يَكْفِكَ الْقَلِيلَ مِنَ الْعَمَلِ؛ دلت را خالص کن. عمل کم، تو را کفایت می‌کند».

۳. زاد و توشه حلال:

زائر باید هزینه سفر و زاد و توشه خود را از مال حلال برگیرد تا توفیق عبادت یابد و بتواند شیرینی مناجات و زیارت را حس کند و از عبادت خود لذت ببرد. کسانی که اموالشان را از راه حرام و یا شبهه‌ناک به دست آورده‌اند، باید پیش از سفر، دارایی خود را تزکیه کنند، خمس و

۱. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۸۱.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۳.

۳. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۰، ص ۱۷۰.

زکات و دیگر حقوق مردم را به صاحبانشان بپردازند و سپس ره به سوی دیار دوست آغاز کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَرْبَعٍ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَعٍ مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَاً أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرِقَةٍ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاتٍ وَلَا فِي صَدَقَةٍ وَلَا فِي حَجٍّ وَلَا فِي عُمْرَةٍ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَجًّا وَلَا عُمْرَةً مِنْ مَالٍ حَرَامٍ؛ هر که مال از چهار راه به دست آرد در چهار چیز از او قبول نیست! هر که مال از اختلاس یا ربا یا خیانت در امانت یا دزدی به دست آرد در ادای زکات و نه در صدقه و نه حج و نه عمره پذیرفته نباشد، فرمود خدای عزوجل مال حرام را در حج و عمره نپذیرد».

۴. خداحافظی و حلالیت‌طلبی:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يَعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ حَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ^۲؛ شایسته است مسلمان، هنگام مسافرت برادرانش را مطلع گرداند و برادرانش نیز هنگام بازگشت، به استقبال او بروند».

از اثرات این کار این است که تیرگی‌ها و کدورت‌ها را از دل انسان‌ها دور می‌کند. اگر کسی به دیگری ظلمی روا داشته، غیبتی کرده، حقوقی از دیگری پایمال کرده و ناسزا و دشنامی داده و ... لازم است پیش از سفر به‌عنوان خداحافظی نزد آنان رفته و از آن‌ها حلالیت بطلبد. بنابراین لازم است زائر از اقوام و دوستان و همسایگان و همکاران خود حلالیت بطلبد و سپس عازم زیارت شود.

۵. وصیت‌کردن:

از مستحبات قبل از سفر وصیت کردن است. هیچ مسافری از آینده خود خبر ندارد و نمی‌تواند پیش‌بینی کند که سالم از سفر بازمی‌گردد یا نه؟ از این‌رو سفارش شده است که وصیت‌نامه‌ای را تنظیم و مسائل خود را به‌صورت شفاف در آن بیان کند.

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۴۴۲.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۷۴.

امام صادق علیه السلام در سفارش به مسافران می فرماید: «من ركب راحلة فليوص؛ کسی که بر وسیله ای سوار شود باید وصیت کند».

امام رضا علیه السلام در توصیه ای به زائران خانه خدا می فرماید: «أَحْسَنْتَ الْوَصِيَّةَ لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَسَى أَنْ لَا تَرْجِعَ مِنْ سَفَرِكَ؟» وصیت نامه را دقیق تنظیم کن؛ چراکه تو از آینده خبر نداری و نمی دانی چه اتفاقی رخ خواهد داد، شاید از این سفر برنگستی».

۶. غسل:

مستحب است انسان قبل از شروع سفر و زیارت، غسل کند.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت علیه السلام به او فرمودند: «إِذَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ علیه السلام فَمَا تَقُولُ قُلْتَ أَشْيَاءَ أَسْمَعُهَا مِنْ رِوَاةِ الْحَدِيثِ مِمَّنْ سَمِعَ مِنْ أَبِيكَ قَالَ أَفَلَا أُخْبِرُكَ عَنْ أَبِي عَنْ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَيْفَ كَانَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَصُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِذَا أَمْسَيْتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ ثُمَّ قُمْ فَانْظُرْ فِي نَوَاحِي السَّمَاءِ وَاغْتَسِلْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ قَبْلَ الْمَغْرَبِ ثُمَّ تَتَامُ عَلَى طَهْرٍ فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشَى إِلَيْهِ فَاغْتَسِلْ وَلَا تَطْيِبْ وَلَا تَدْهِنْ وَلَا تَكْتَحِلْ حَتَّى تَأْتِيَ الْقَبْرَ؛ هنگامی که نزد قبر امام حسین علیه السلام می روی چه می گویی، عرض کرد: چیزهایی می گویم که از روایان حدیث شنیده ام از آنانی که از پدر بزرگوارتان شنیده اند. فرمودند: آیا تو را با خبر نسازم از پدرم از جدم علی بن حسین علیه السلام چگونه آن جا به اعمال می پرداخت؟ عرض کردم: آری فدایتان شوم. حضرت فرمودند: هر گاه خواستی برای زیارت حسین علیه السلام بروی، قبل از این که خارج شوی، سه روز (چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه) را روزه بگیر. هنگامی که شب جمعه فرا رسید نماز شب بخوان پس برخیز و به اطراف آسمان نظاره کن و در آن شب، قبل از مغرب غسل کن پس بخواب. در حالی که با طهارت باشی پس هنگامی که خواستی پیاده به سوی قبرش روی، غسل کن و خود را خوشبو مکن و از روغن نیز استفاده مکن و سرمه نیز استفاده نکن تا این که به سمت قبر بروی».^۳

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۴۲.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۱۲۲.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶.

۷. صدقه:

امام صادق علیه السلام در روایتی درباره صدقه قبل از سفر می‌فرمایند: «تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ؛^۱ صدقه بده و هر روزی خواستی حرکت کن.» از جمله اثرات صدقه که در روایات بر آن تأکید شده است جلوگیری از مرگ بد است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مَيِّتَةَ السُّوءِ؛^۲ صدقه از مرگ بد جلوگیری می‌کند.»

۸. آغاز سفر با نماز:

مستحب است که سفر را با نماز آغاز کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مردی که عازم سفر است هیچ چیزی برای خانواده‌اش از خود باقی نمی‌گذارد. بهتر است هنگام سفر دو رکعت نماز بخواند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي فَمَا قَالَ ذَلِكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا سَأَلَ.»^۳

۹. خواندن دعا قبل از سفر:

در روایات معصومین علیهم السلام برای سفر، ادعیه‌ای ذکر شده است که به یکی از این روایات اشاره می‌شود: صباح حذاء می‌گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر یکی از شما قصد مسافرت کرد، هنگام خروج از منزل رو به سمتی که به قصد آن در حرکت است بایستد و سوره حمد را در چهار سوی خود بخواند، هم‌چنین «معوذتین» (سوره‌های ناس و فلق) و «قل هو الله احد» و «آیت الکرسی» را در پیش رو و سمت راست و پشت سر بخواند و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ عَلَيَّ وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِلَاغًا حَسَنًا.»^۴

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۲۸۳.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۴۰.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۱.

۴. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۵۴۳.

۵. اقتباس از کتاب آداب سفر و زیارت عتبات عالیات، علی قاضی عسکر.

۱۰. انتخاب همسفر:

از مسائل مهم در این سفر همراهی با همسفران خوب می‌باشد. هم باید در انتخاب همسفران دقت کرد و هم این‌که هر زائر باید سعی کند برای همراهانش همسفر خوبی باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرمودند: «الرَّفِيقُ تُمُّ السَّفَرِ؛^۱ اول انتخاب رفیق و همراه سپس مسافرت».

امیرالمؤمنین علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ؛^۲ پیش از حرکت از همراه سؤال کن». در حدیث بسیار زیبایی خصوصیات همسفر را امام صادق علیه السلام از زبان لقمان این‌گونه بیان می‌دارند: لقمان به فرزندش فرمود: هرگاه با عده‌ای همسفر شدی: در کارهای مربوط به خودت و آن‌ها با ایشان مشورت کن؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لُقْمَانَ لِأَبْنِهِ إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَهُمْ فِي أَمْرِكَ وَأُمُورِهِمْ».

- به آنان بسیار تبسم کن (وَأَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ)؛

- در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش (وَكُنْ كَرِيمًا عَلَى زَادِكَ بَيْنَهُمْ)؛

- اگر تو را دعوت کردند قبول کن (وَإِذَا دَعَوْكَ فَأَجِبْهُمْ)؛

- اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن (وَإِذَا اسْتَعَاثُوا بِكَ فَأَعِزَّهُمْ)؛

- در سه چیز از آنان برتر باش. خاموشی، کثرت نماز و بخشنده‌گی در مرکب یا دارایی و یا توشه‌ای که همراه داری (وَاسْتَعْمِلْ طَوْلَ الصَّمْتِ وَكَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَسَخَاءَ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ أَوْ مَاءٍ أَوْ زَادٍ)؛

- اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند شهادت بده (وَإِذَا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَى الْحَقِّ فَأَشْهَدْ لَهُمْ)؛

- اگر از تو مشورت و نظر خواستند با تمام توان اندیشه‌ات را برای آنان به کار گیر (وَاجْهَدْ رَأْيَكَ لَهُمْ إِذَا اسْتَشَارُوكَ ثُمَّ لَا تَعْزِمُ حَتَّى تَتَبَّتْ...)؛

- اگر همسفرانت راه افتادند تو نیز با آنان به راه بیفت (وَإِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ فَامْشِ مَعَهُمْ)؛

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۲۸۶.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۰۵.

بخش دوم: دانستی‌های سفر ۶۹

- اگر دیدی کاری می‌کنند تو نیز با آنان مشغول کار شو (وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَأَعْمَلْ مَعَهُمْ)؛
- اگر صدقه یا قرضی دادند، تو نیز با آنان همراهی کن (وَ إِذَا تَصَدَّقُوا وَ أَعْطُوا قَرْضًا فَأَعْطِ مَعَهُمْ)؛

- از کسی که سنش از تو بیش‌تر است حرف شنوی داشته باش (وَ اسْمِعْ لِمَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ سِنًّا)؛

- اگر تو را به کاری امر کردند و از تو درخواستی داشتند اجابت کن و «نه» نگو... (وَ إِذَا أَمْرُوكَ بِأَمْرٍ وَ سَأَلُوكَ شَيْئًا فَقُلْ نَعَمْ وَ لَا تَقُلْ لَا فَإِنَّ لَا عِيَّ وَ لُؤْمٌ)؛

- هرگاه اتراق کردی، بیش از آن‌که بنشینی دو رکعت نماز بگذار (فَإِذَا تَزَلَّتْ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ...)

- هرگاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان و آن‌گاه با سرزمینی که در آن فرود آمده‌ای خداحافظی کن و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است.
وَ إِذَا أَزْتَحَلَّتْ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ وُدِّعِ الْأَرْضَ الَّتِي حَلَلْتَ بِهَا وَ سَلِّمْ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا فَإِنَّ لِكُلِّ بُقْعَةٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.^۱

آمادگی تدارکات و لوازم سفر

این سفر به سبب ویژگی‌های خاص خود، لوازم ویژه‌ای را هم می‌طلبد که در این قسمت لوازم مورد نیاز زائر ذکر می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «تَخَفُّوا تَلَحُّقًا؛^۲ سبک‌بار باشید تا برسید».

لوازمی که در این سفر مورد نیاز زائر می‌باشد باید کم و سبک باشد، این لوازم عبارت‌اند از:

کوله پشتی

بهترین وسیله برای حمل بار در این سفر، کوله پشتی می‌باشد. برخی از زائرین با کاروان همراه هستند و از آن‌جایی که محل‌های اسکان آن‌ها از قبل، مشخص شده است مسئولین کاروان

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۵۲.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۳.

از قبل، وسایل اضافه را با ماشین به کربلا می‌رسانند که این افراد برای وسایل کلّ سفر محدودیتی ندارند ولی بیش‌تر زائرانی که کاروانی ندارند بهترین وسیله برای آن‌ها کوله پشتی است.

یک کوله خوب باید سبک باشد و کامل روی دوش شخص، قرار بگیرد. در کوله دو دسته وسیله باید قرار داشته باشد؛ یک سری برای کلّ سفر و یک سری وسایل مربوط به پیاده‌روی.

کفش مناسب:

کفش مناسب برای این سفر کفشی است که:

تنگ یا گشاد نباشد، سنگین نباشد، محکم و با دوام باشد، پوشیدن و بیرون آوردن آن از پا به راحتی انجام شود، دمپایی سبک و نرم از کفش نامناسب بهتر است. قبل از شروع سفر حتماً برای مدّت نسبتاً طولانی، کفشتان را امتحان کنید و سعی کنید از کفشی استفاده کنید که مدّتی آن را پوشیده‌اید و در آن راحت بوده‌اید.

وسایل بهداشتی (صابون و مسواک و ...)

پتوی مسافرتی

ماسک یا چفیه جهت محافظت از گرد و غبار و نور خورشید

خانم‌ها بهتر است پارچه مشکی نرمی که جلوی صورت را بگیرد تهیه کرده و با کش به چادرشان بدوزند (مانند پوشیه) تا در طول مسیر جلوی تابش نور خورشید، گرد و غبار و ... را بگیرد.

کرم مناسب برای رفع تاول و عرق‌سوز شدن

کیسه خواب

پاسپورت و مدارک مورد نیاز سفر

شارژر موبایل و پاوربانک

مقدار مورد نیاز پول عراقی

تهیه پول عراقی در سفر بر پول ایرانی ترجیح دارد؛ زیرا برخی از عراقی‌ها پول ایرانی قبول

نمی‌کنند و تبدیل پول عراقی به ایرانی در کشور عراق گاهی گران‌تر تمام می‌شود.

مواد خوراکی:

از آنجایی که در طول مسیر پیاده‌روی غذا به مقدار کافی توسط موکب‌ها تهیه شده است، بهتر است صرفاً مقداری غذای فاسد نشدنی و بادوام مانند خرما، بادام، انجیر و نان خشک همراه زائر باشد.

رادیو جیبی:

از اپلیکیشن‌های رادیو هم می‌توان در گوشی‌های اندروید استفاده کرد، جهت مطلع شدن از اخبار اربعین که توسط رادیو اربعین صورت می‌گیرد.

لباس مناسب:

متناسب با آب و هوای عراق باید تهیه شود.

برخی وسایل مانند: دستمال کاغذی، دستمال مرطوب، لیوان کوچک دسته دار، قاشق، چاقو، شامپوی کوچک، مهر و جانماز، کتب ادعیه و زیارت.

نقشه سفر

از نقشه‌های اندرویدی نیز می‌توان استفاده کرد.

از همراه داشتن وسایلی از قبیل لپ تاپ، تبلت و هر گونه اشیای قیمتی باید پرهیز کرد. چراکه حفظ و نگهداری از آن‌ها هنگام بازرسی‌ها و تحویل به امانات و ... دردسر زیادی برای زائر ایجاد می‌کند.

آشنایی با کشور عراق:

جمهوری عراق (الجمهورية العراقية) از کشورهای جنوب شرق آسیاست. همسایه‌های این کشور از سمت شمال، ترکیه و جنوب، عربستان و شرق، ایران و غرب، اردن و سوریه است.

بیش‌تر این کشور، پست و گرمسیری است. غرب آن کویر است و شرق آن جلگه‌های حاصل خیز است. ولی بخشی از کردستان عراق کوهستانی و سردسیر می‌باشد. نفت، از مهم‌ترین منابع این کشور می‌باشد.

عراق با جمعیتی حدود ۳۷ میلیون نفر (در سال ۲۰۱۶) در گذشته، محل زندگی و شهادت

شش تن از امامان شیعه بوده است. شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا شهرهای زیارتگاهی این کشور می‌باشند.

دو رود دجله و فرات که از شمال تا جنوب این کشور کشیده شده‌اند و فرهنگ و تاریخ این کشور را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. نام آشنای بین‌النهرین در تاریخ، یادآور این منابع جغرافیایی می‌باشند.^۱

مرور اجمالی بر تاریخ عراق:

حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، سومریان، اکدی‌ها، آشورها، اموری‌ها و کلدانی‌ها نخستین اقوامی بودند که حکومت‌هایی را در بین‌النهرین تشکیل دادند. از پادشاهان نامدار این دوره، حمورابی است. قانون‌نامه او نخستین قانون مکتوب و مدون جهان محسوب می‌شود. پایتخت حمورابی شهر بابل بود که بزرگ‌ترین و آبادترین شهر دنیای باستان به‌شمار می‌رفت.

حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد، کوروش شاهنشاه هخامنشی مرکز و شمال بین‌النهرین را به قلمرو ایران ملحق کرد و عراق کنونی یکی از ایالات ایران شد. بعد از هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بر عراق حکومت کردند.

در دوره ساسانی، عراق اهمیت بسیاری یافت و پایتخت شاهنشاهی ایران، یعنی تیسفون در بین‌النهرین قرار داشت. ایوان مداین (طاق کسری) از آثار این دوره است.

سال ۱۷ ه.ق به هنگام ظهور اسلام، فاتحان مسلمان در زمان خلیفه دوم، حکومت ساسانی را از بین بردند و عراق جزئی از قلمروی اسلامی شد.

سال ۳۵ ه.ق امیرالمؤمنین علیه السلام مرکز حکومت اسلامی را از حجاز به کوفه انتقال داد. به این ترتیب، عراق اهمیت بسیاری یافت. سه جنگ بزرگ جمل، صفین و نهروان در این زمان به وقوع پیوست.

سال ۴۰ ه.ق امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه به شهادت رسیدند.

سال ۶۱ ه.ق در دهم محرم (عاشورا) واقعه طفّ اتفاق افتاد و امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از بستگان و یارانشان در کربلا به شهادت رسیدند.

۱. راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، ص ۵۸.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۷۳

از سال ۴۱ تا ۱۳۲ ه.ق، سرزمین عراق، زیر سلطه حکومت امویان قرار گرفت. در سال ۱۳۲ هجری، عباسیان جای حکومت بنی امیه را گرفتند. پس از سرنگونی امویان و ظهور عباسیان پایتخت خلافت اسلامی از شام به عراق (شهر بغداد) منتقل شد. ابوالعباس نخستین خلیفه عباسی بود که در سال ۱۳۲ در کوفه به خلافت نشست. منصور در سال ۱۴۵ پایتخت عباسی را به شهر نو بنیاد بغداد انتقال داد. بغداد روستایی در کنار رود دجله و در نزدیکی تیسفون (مداین) بود که به معنای داده بغ (خدا داد) است. پس از آن بغداد، مهم‌ترین شهر اسلامی و مرکز دانش و فرهنگ و علوم شد. اوج شکوفایی خلافت عباسی در عصر هارون الرشید (اواخر سده دوم هجری) بود.

از آغاز خلافت عباسی تا اوایل سده سوم هجری قمری، ایرانیان نفوذ زیادی در حکومت عباسی داشتند. خلافت معتصم سرآغاز دوره تسلط ترکان بر خلافت عباسی است. در دوران عباسی، امامان شیعه به شدت زیر نظر بودند و پس از مدتی به دست آنان به شهادت می‌رسیدند. گفتنی است که از دوره عباسی تا پایان دوره قاجاریه به مناطق بزرگی از مرکز و غرب ایران امروزی (مانند اراک، اصفهان، ری، قم، لرستان و...) نیز واژه عراق اطلاق می‌شد و این نواحی از ایران را عراق عجم می‌گفتند و کشور عراق امروزی را عراق عرب می‌خواندند.

در سال ۳۳۴ هجری قمری بود که با تصرف بغداد توسط آل بویه، بنی عباس بیش‌تر مالکیت خود را بر این منطقه از دست داد و بخش اعظم این منطقه بخشی از قلمرو آل بویه گشت و عضدالدوله دیلمی خود را شاه میان‌رودان نامید. پس از پادشاهی آل بویه، این سرزمین از سال ۴۹۶ تا ۵۷۲ ه.ق به دست شاهان سلجوقی افتاد و بعد از آن نوبت به خوارزمشاهیان رسید.

با حمله مغول به خاورمیانه، بغداد نیز در سال ۶۵۶ ه.ق به تصرفات هلاکوخان پیوست. از این زمان تا ۷۳۶ ه.ق میان‌رودان قسمتی از قلمرو ایلخانان بود. بعد از مغول‌ها نوبت به حکمرانی آق‌قویونلوها رسید. پس از سقوط خاندان آق‌قویونلوها که به شکل دولت واسطه بین امپراطوری صفوی و امپراطوری عثمانی قرار گرفته بود، دو امپراطوری در برابر یکدیگر قرار گرفتند. به مدت ده‌ها سال این سرزمین محل نزاع و درگیری بین آن دو بود. شاه اسماعیل یکم صفوی عراق را مجدداً جزئی از ایران کرد. ولی در زمان شاه تهماسب یکم یعنی در سال ۱۰۴۹ هجری خورشیدی به طور قطع به دولت عثمانی واگذار شد و تا زمان جنگ جهانی اول بخشی از این امپراطوری محسوب می‌شد.

پس از جنگ جهانی اول و با شکست عثمانی، عراق نیز هم‌چون سایر متصرفات متفقین در خاورمیانه به قیمومیت آن‌ها درآمد و عراق، جزئی از قلمرو اشغالی انگلیس شد. یک سال بعد از تشکیل کشور عراق («فیصل اول») با حمایت انگلیس و با رأی‌گیری عمومی به پادشاهی عراق انتخاب شد.

قیام شیعیان عراق برای از بین بردن حکومت دست‌نشانده انگلیس هم موفق نبود ولی در سال ۱۹۳۲م، نهایتاً قیمومیت انگلستان به پایان رسید و عراق رسماً به استقلال دست یافت. حکومت پادشاهی عراق تا سال ۱۹۵۸ میلادی ادامه داشت.

در سال ۱۹۵۷م، شیعیان معترض عراقی توانستند پس از سال‌ها فعالیت سیاسی نظام‌مند، حزب «الدعوه» عراق را تشکیل دهند و اعلام موجودیت سیاسی نمایند. در این زمان بود که با کودتای ضد سلطنتی ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸م، توسط «عبدالکریم قاسم» حکومت پادشاهی عراق به پایان رسید و حکومت جمهوری برقرار شد.

در سال ۱۹۶۸م، حزب بعث در یک کودتای بدون خونریزی، دولت وقت را سرنگون کرد و «حسن البکر» با تشکیل شورای فرماندهی انقلاب، قدرت را به دست گرفت. وی نیز در سال ۱۹۷۹م در اثر فشار صدام حسین مجبور به استعفا شد و صدام رئیس جمهور عراق گردید.

در سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۹) جنگ ایران و عراق با حمله غافلگیرانه صدام به مرزهای ایران آغاز شد که تا سال ۱۹۸۸م، ادامه یافت. در همان دهه در عملیات «انفال» که در مناطق شمالی عراق به اجرا درآمد ۱۸۲ هزار نفر از کردها به قتل رسیدند. از جمله وقایع مرتبط با آن می‌توان به بمباران شیمیایی شهر حلبچه و قتل عام شیعیان توسط صدام در انتفاضیه شعبانیه و کشتار صدها هزار شیعه عراقی و دفن در گورهای دسته جمعی اشاره کرد.

بعد از جنگ عراق با ایران در سال ۱۳۶۹ش، کشور عراق با تحریم‌های اقتصادی روبرو شد و قسمت شمالی و جنوبی آن منطقه پرواز ممنوع اعلام گردید. نهایتاً در پی تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش در سال ۱۳۸۲ش (۲۰۰۳م)، حکومت صدام سرنگون شد. البته غربی‌ها در این حمله، حداقل یک میلیون مسلمان عراقی را با بمب‌های ده تنی و مشکوک به شیمیایی و اورانیوم ضعیف شده، کشتند.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۷۵

در سال ۲۰۰۵م، انتخابات و تشکیل دولت به ریاست جمهوری جلال طالبانی و نخست وزیری ابراهیم جعفری صورت گرفت.

در سال ۲۰۱۴م، بخشی از عراق توسط گروه تروریستی داعش اشغال شد که این توطئه در سال ۲۰۱۷م، با حکم تاریخی جهاد که توسط آیت‌الله سیستانی علیه السلام صادر شد، خنثی گردید.^۱

جریان‌شناسی مرجعیت و حوزه‌های علمیه نجف

سلسله مرجعیت در عراق بعد از مرحوم آیت‌الله خویی علیه السلام تا به امروز به این شکل بوده است: بعد از رحلت ایشان، آیت‌الله سبزواری مرجعیت عام را در عراق به عهده داشتند و بعد از فوت ایشان، حضرت آیت‌الله سیستانی علیه السلام عهده دار مسئولیت مرجعیت در عراق شدند.

مرحوم آیت‌الله خویی علیه السلام در امور سیاسی دخالتی نداشتند، این نوع موضع‌گیری ایشان به دلیل حفظ اصل مرجعیت تشیع بود، چون با ورود به مسائل سیاسی احتمال از بین رفتن کلّ کیان مرجعیت شیعه وجود داشت. البته گاهی در فتاوی به نحو کنایه‌آمیز، مردم را با مسائل سیاسی بیدار می‌کردند، به‌عنوان نمونه ایشان در جواب استفتائی درباره نماز در جنگ ایران و عراق فرموده بودند باید نماز را کامل بخوانند. کنایه از این‌که سفر برای جنگ، سفر معصیت است.

آیت‌الله سیستانی علیه السلام هم در زمان صدام در اکثر قریب به اتفاق مسائل سکوت می‌کردند و موضع‌گیری‌های ایشان بعد از سقوط صدام شروع شد. بعد از نابودی صدام ایشان عملاً وارد میدان شدند. ایشان پیام‌هایی درباره قانون اساسی، انتخابات و سایر مسایل سیاسی صادر کردند. هم‌اکنون رجوع مردم عراق، بیش‌تر به چهار مرجع است: آیت‌الله سیستانی علیه السلام، آیت‌الله سیّد سعید حکیم علیه السلام (که از خاندان شهید حکیم هستند) آیت‌الله اسحاق فیاض (از علمای اهل افغانستان) و شیخ بشیر نجفی (که اهل پاکستان هستند)، البته مراجع دیگری نیز در نجف حضور دارند.

جریان صدر هم طرفداران زیادی دارد ولی از یک مرجع تقلید نمی‌کنند. بعد از شهادت آیت‌الله سیّد محمدصادق صدر، برخی بر تقلید از ایشان باقی ماندند، عده‌ای به سیّد کاظم

۱. برگرفته از کتاب شناخت عراق، کاری از سازمان اوقاف.

حائری رجوع کردند، برخی به آقای یعقوبی، برخی به آیت‌الله شاهرودی، عده‌ای به شیخ اسحاق فیاض و برخی از صدری‌ها هم به آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام رجوع کردند. در حال حاضر سید حسن نصرالله علیه السلام در بین مردم عراق مخصوصاً جوانان از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار هستند، لذا اسم بردن از ایشان در بین مردم عراق حساسیتی ایجاد نمی‌کند.^۱

جریان صدر

مرجع شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر (صدر اول) از نوابغ حوزه نجف و از شاگردان آیت‌الله خویی علیه السلام بودند که نقش عمده‌ای در رشد فکری و بیداری اسلامی مردم عراق و مبارزه با حکومت ظالم بعثی صدام حسین داشتند. ایشان در میان عراقی‌ها به‌عنوان رمز و نماد ایثار و جهاد عالمانه مطرح و مورد احترام تمامی مردم و احزاب شیعی و نیز بسیاری از دیگر گروه‌ها و قومیت‌های عراق می‌باشند. شهادت مظلومانه ایشان و خواهر مکره‌شان شهیده آمنه بنت‌الهدی صدر توسط صدام بر این محبوبیت افزود. ایشان شهید صدر اول خوانده می‌شود. حزب الدعوه اولین حزب سیاسی - شیعی، و امدار تلاش‌های فکری و اعتقادی ایشان می‌باشد. هم‌چنان که شهید سید محمدصادق صدر با عنوان شهید صدر ثانی شاگرد وی و برآمده از حرکت انقلابی وی بوده است. او پسرعموی سید محمدباقر صدر، پدر مقتدی صدر و رئیس حوزه علمیه نجف و از احیاکنندگان نماز جمعه در عراق بود.^۲

در سال ۱۳۷۲ش، برای اولین بار آیت‌الله سید محمدصادق صدر در نجف نماز جمعه برگزار کرد و رسماً اعلام مرجعیت نمود. حرکت آیت‌الله سید محمدصادق صدر در ابتدا با هماهنگی حکومت صدام بود. چون بدون هماهنگی با مسئولین حکومتی برگزاری نماز جمعه ممکن نبود. ولی بعدها موضع‌گیری ایشان در مقابل صدام آغاز شد و نهایتاً سال ۱۳۹۹ق، ایشان به همراه دو فرزندش سید مؤمل و سید مصطفی توسط حکومت بعث شهید شدند.

برخی معتقدند علت همکاری نظام بعث با شهید صدر، مقابله با مرجعیت آیت‌الله

۱. برگرفته از کتاب شناخت عراق، کاری از سازمان اوقاف.

۲. دانشنامه نیکان، بازبینی شده در ۱۳۸۹/۰۲/۱۴.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۷۷

سیستانی رضی الله عنه و نیز دخالت در امور حوزه و به دست گرفتن آن بوده است و همان زمان بود که مرجعیت عربی و مرجعیت عجمی در عراق مطرح شد.

برخی نیز اهداف دیگری را مطرح می‌کنند ولی آنچه مشخص است این است که جریان صدر در ابتدا با حمایت نظام بعث آغاز شد ولی در ادامه، به دلیل مواضع ضدحکومتی که توسط شهید صدر اتخاذ شد حکومت در صدد مقابله با این جریان برآمد.

بعد از شهادت سید محمدصادق صدر، چند شاخه در جریان صدر ایجاد شد. یک شاخه که معروف‌تر هم هست، جریان سید مقتدی صدر است که از ابتدا داعیه‌دار مرجعیت نبوده است و بر مبنای بقاء بر میت، استفتائات پدرشان را بیان می‌کنند. شاخه دوم، جریان شیخ محمد یعقوبی است که هم‌اکنون در نجف اعلام مرجعیت کرده و مبلغانی نیز در میان طلاب عراقی دارد. شاخه سوم جریان «الصرخی» است که مدعی است از شاگردان شهید صدر بوده و ادعای مرجعیت کرد و اکنون مخفی است ولی در شهرهای مختلف عراق طرفدارانی دارد. البته آیت‌الله سید کاظم حائری که در حکم پدر معنوی جنبش صدر می‌باشد، این ادعای شاگردی را تکذیب کرده‌اند.

صرخی در ابتدا شیخ بود، ولی بعدها ادعای سیادت کرد. صرخی کاملاً ضد ایران و مرجعیت ایرانی است. او معتقد است، مرجع باید عراقی و عرب باشد. در هنگام معرفی خود هم می‌گوید: المرجع العراقي السيد محمد الحسنی الصرخی. او در مقابل مرجعیت نجف ایستاد و همین امر سبب طرد او شد. الآن هم محل اختلافی او مشخص نیست و تنها بیانیه می‌دهد و شاگردان و طرفداران او در ایام اربعین فعال هستند و تلاش می‌کنند عقاید خود را ترویج دهند. صرخی در ابتدا خود را طرفدار امام زمان علیه السلام می‌نامید و در ادامه بعد از این که تعدادی به او گرویدند ادعای ارتباط با حضرت و سپس نیابت از حضرت را مطرح کرد. طرفداران صرخی به این بهانه که دولت عراق مانع ظهور است، وارد جنگ مسلحانه با دولت شدند که دولت به سختی آن‌ها را سرکوب کرد، ولی موفق به دستگیری صرخی نشد.

صرخی در زمانی که عراق در اوج درگیری‌ها با گروه تروریستی داعش بود، به مخالفت با فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی رضی الله عنه برای جنگ با داعش نیز برخاست. وی هم‌چنین بارها انقلابیون بحرین را که مشاهده ظلم آل خلیفه علیه آنان، قلب هر شیعه‌ای را به درد می‌آورد، شورش و

فتنه‌گر نامیده است!!

در زمان حضور آمریکایی‌ها و زمانی که نیروهای آمریکایی برای دستگیری او به دفترش حمله بردند، پنهان شد و چندین سال از او خبری نبود و برخی ساده‌لوحان شایعه کردند که او غیبت کرده است و نزد امام زمان علیه السلام می‌باشد! بعد از حدود ۴ سال وقتی او دوباره ظهور کرد، به سرعت مرکز توجه رسانه‌های خبری جهان به ویژه رسانه‌های ضدایرانی و ضدشیعی شد و در مدّت زمان کوتاهی با نام سید حسنی شهرت یافت.

انشقاق دیگری هم در جریان صدر داریم که مربوط به شیخ قیس خزعلی است. ایشان در ابتدا سخن‌گوی جریان صدر بود ولی بعدها از مقتدی صدر جدا شد و هم‌اکنون نیز عصاب اهل حق گروه نظامی وابسته به او هستند که در حشدالشعبی هم جایگاه ویژه‌ای دارند. او معتقد است که وارث جریان صدر ناب است.

موضع‌گیری جریان صدر نسبت به مقوله ولایت فقیه و مقام معظم رهبری علیه السلام متفاوت است. مقتدی صدر و شیخ یعقوبی خیلی حرفی از ایران نمی‌زنند ولی در میان طرفدارانشان کسانی هستند که مخالفت خودشان را با ایران ابراز می‌کنند. اما شیخ قیس خزعلی خودش را مقلد آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام و مدافع ولایت فقیه می‌داند.

گروه «النجباء» هم یکی دیگر از انشقاقات جریان صدر است که از شیخ خزعلی جدا شدند. هم‌اکنون شیخ اکرم کعبی رئیس گروه النجباء است. این گروه منادی ولایت فقیه هستند و هم‌اکنون در حشدالشعبی هم حضور دارند.

مقتدی صدر

مقتدی صدر فرزند آیت‌الله سید محمد صدر می‌باشد و امام موسی صدر پسرعموی پدرش می‌باشد و همسرش دختر آیت‌الله سید محمدباقر صدر است.

مقتدی صدر به پیروی از پدرش آیت‌الله سید محمد صدر، بر این اعتقاد است که مرجع تقلید بر همه امور مقلدانش ولایت دارد (ولایت فقیه) و باید در همه امور سیاسی و غیرسیاسی حضور فعال و تعیین‌کننده داشته باشد، همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام و نسل آنان. مقتدی صدر مقلد آیت‌الله سید کاظم حائری، مرجع تقلید عراقی مقیم قم می‌باشد. مقتدی، چهار سال را برای تکمیل دروس فقهی خود در شهر قم سپری کرد.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۷۹

بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳م، مقتدی صدر، زمانی که جوانی ۳۰ ساله بود اما اعتقادات سیاسی و مذهبی شیعی و سخنرانی‌های آتشین و شخصیت شجاع، مبارز و جذّاب او که همگی علیه اشغالگران و برای برپایی «حکومت اسلامی» در عراق بود، توانست بسیاری از طیف‌های فقیر و محروم، ولی پرشور شهرهای شیعی عراق به‌ویژه «شهرک صدر» در حومه بغداد را به سوی خود جذب کند. مقتدی صدر با برخی اقدامات گسترده، مؤسسات خیریه و دفاتر دینی پدرش را در شهرهای مختلف عراق دوباره فعال ساخت و اشخاص مهم و تأثیرگذاری را که مقلد صدر پدر بودند، سازماندهی و اطراف خود جمع کرد. سپس با تدوین مرام‌نامه‌ای که در آن به لزوم تشکیل حکومتی بر اساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق، تأکید شده با داعیه رهبری عراق وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد. او ضمن مخالفت با تجزیه عراق و حفظ یک‌پارچگی کشور، بر اتحاد همه اقوام شیعه، سنی، کرد، ترکمان حتی غیرمسلمان، تأکید دارد. تشکیلات جریان صدر با محبوبیت میلیونی بین شیعیان و گسترده‌گی بسیار در مسائل اجتماعی، خدماتی، مذهبی، سیاسی، بین‌الملل، رسانه‌ای و نظامیان قدرتمندش به مثابه یک دولت، پهلو به پهلو دولت عراق می‌زند.

مقتدا صدر در تابستان سال ۲۰۰۳م، با تشکیل گروه شبه نظامی شیعه «جیش‌المهدی» مخصوصاً در چند سال اول بعد از صدام، در غیاب دولت مرکزی قدرتمند و حضور اشغالگران، از امنیت عمومی بیمارستان‌ها، مدارس، خیابان‌ها، منازل و اموال مردم محافظت می‌کردند و خدمات عمومی به شهروندان شیعی داده و با احیای مساجد نمازجمعه را با شرکت ده‌ها هزار نفر برگزار می‌کردند.

در سال ۲۰۰۵م، وارد فاز سیاسی شد و اجازه یافت تا در انتخابات حضور یابد. اما در آگوست، همین سال نیروهای آمریکایی با هدف ترور مقتدا، به خانه او حمله کردند که در این عملیات نیز شکست خوردند. در اکتبر ۲۰۰۶م، وی در کنار «جلال طالبانی» رئیس‌جمهور عراق، حاضر شد تا میزان نفوذ خود را در دولت جدید این کشور نشان دهد. جریان او در پارلمان عراق ۲۰ کرسی را در آن دوره از آن خود کرده بود.

جیش‌المهدی تحت فرماندهی صدر در سال ۲۰۰۸م، بعد از تصرف بصره با ارتش حکومت مرکزی وارد جنگ شد و بعد از یک هفته جنگ و خونریزی و بعد از مذاکرات با

حکومت بغداد، نیروی نظامی جیش‌المهدی را منحل کرد. اما بعدها نیروی نظامی دیگری با عنوان سرایا‌الاسلام را ایجاد کرد که از سال ۲۰۱۴م، با هدف دفاع از عتبات و شیعیان، فعالیت خودش را آغاز نمود.

در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰م، نیز جریان صدر بار دیگر حضور یافت و ۴۰ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی پارلمانی عراق را به خود اختصاص داد و سهمیه ۸ وزیر در کابینه جدید نوری مالکی نخست وزیر عراق را از آن خود کرد. این وزارتخانه‌ها عبارت‌اند از: عمران و اسکان، برنامه‌ریزی، کار و امور اجتماعی، منابع آبی و آبرسانی، آموزش و پرورش، حمل و نقل، دادگستری و بهداشت.

مواضع اصلی مقتدا، حول محور مشروعیت قدرت، مخالفت حضور نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق و خدمات رسانی به مردم این کشور می‌چرخد. وی در خطبه‌های نماز جمعه خود در شهر کوفه، بارها اعلام کرده بود که خواستار اسلامی شدن جامعه و ممنوعیت فروش مشروبات الکلی است.

او در سال ۲۰۱۳م، با انتشار بیانیه‌ای اعلام خروج از سیاست کرد و تمام دفاتر مربوط به خود را در عراق تعطیل نمود. اما بعد از مدتی باز به عرصه سیاسی بازگشت.

شیعیان عراق که حدود ۶۰٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در عرصه سیاست با شش قدرت: مالکی، عبادی، صدر، حکیم، حشدالشعبی و علاوی، روبرو هستند. در این میان مقتدی صدر بسیار تأثیرگذار و با نفوذ می‌باشد، هم در شوراهای استانی دارای نمایندگان بسیار بوده و هم در پارلمان عراق با فراکسیون «سائرون» حضور دارد. او ۵۴ کرسی نماینده در آخرین انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ را به دست آورد.

جریان شیرازی

سید صادق حسینی شیرازی در ۱۸ دی ۱۳۲۰ در کربلا متولد شد. او از سن ده سالگی در کربلا زیر نظر پدر خود سید مهدی حسینی شیرازی که آن زمان مرجع تقلید بود، مراحل مقدمات تحصیلات دینی خود را آغاز کرد و سپس وارد حوزه علمیه شد. میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو و از مراجع تقلید شیعه (جد مادری و عموی پدر صادق شیرازی) است. بر

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۸۱

خلاف میرزای شیرازی که با فتوای خود کمر انگلستان را شکست، سید صادق شیرازی با انگلستان همراهی دارد.

برخلاف تصوّر ایرانی‌ها، جریان شیرازی در عراق قوّت چندانی ندارد، به‌ویژه در بحث تقلید از سید صادق شیرازی. برخی تصوّر می‌کنند که ایشان در کربلا مقلّدین زیادی دارند و به همین دلیل جوّ کربلا کلاً موافق ایشان است، ولی این‌گونه نیست. در کربلا شیخ عبدالمهدی کربلایی و سید احمد صافی که مسئولان حرم امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، نفوذ بسیاری دارند و طرفداران سید صادق شیرازی در برابر آن‌ها جایگاهی ندارند.

به‌طورکلی جریان شیرازی در عراق و کربلا طرفدار چندانی ندارد. حتّی این گروه چند بار در انتخابات شرکت کردند و در استان کربلا لیست دادند ولی حتّی یک نماینده هم از این طیف به پارلمان عراق و مجلس راه نیافت.

البته آن‌ها در کشورهای خلیج، طرفدارانی دارند، ولی در عراق جمعیتشان قابل اعتنا نیست. تنها ویژگی این جریان، قدرت رسانه‌ای آن‌هاست. جریان شیرازی بیش از بیست شبکه ماهواره‌ای دارد که تفکّرات و خط مشی این جریان را تبلیغ می‌کنند. علّت این‌که در جریان پیاده‌روی اربعین عکس ایشان زیاد دیده می‌شود به‌دلیل هزینه‌های سرسام‌آوری است که این جریان در اربعین انجام می‌دهد. حتّی به موکب‌داران کمک‌هایی می‌کنند به‌شرط این‌که عکس او را در موکب نصب کنند.

قمه‌زنی در کشور عراق رواج بسیار زیادی دارد و از آن‌جایی که جریان شیرازی هم قمه‌زنی را جایز می‌داند، باعث می‌شود برخی تصوّر کنند هر که قمه می‌زند، طرفدار شیرازی ست.

لذا بهتر است در این سفر معنوی از ورود به مسئله جریان شیرازی و قمه‌زنی خودداری شود؛ چراکه درخصوص قمه‌زنی شاید جز کدورت، ثمره‌ای حاصل نشود. درخصوص جریان شیرازی، پرداختن به آن صرفاً باعث مطرح‌شدن این جریان خواهد شد.

ازجمله حسّاسیت‌هایی که در سال‌های اخیر ایجاد شده است، لعن فرستادن برخی از افراد در حرم اهل‌بیت علیهم السلام خصوصاً نجف اشرف است که اعتراضاتی از جانب مسئولین و مردم منطقه به همراه داشته است. زیرا فرستادن لعن در بین مردم عراق رایج نیست. علاوه بر این‌که بعد از شروع جنگ داعش، بسیاری از مردم موصل و شهرهای سنی‌نشین برای در امان ماندن از جنگ

به شهرهای نجف و کربلا پناه آورده‌اند که لعن فرستادن باعث ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی خواهد شد.

احمد الحسن

احمد الحسن، رهبر جمعیت مذهبی انصارالمهدی است و مدعی است نسبش به امام مهدی علیه السلام بازمی‌گردد. وی در بصره و جنوب عراق متولد شده است. او ادعا می‌کند از علم امام مهدی علیه السلام بهره برده و در پایان سال ۱۹۹۹م، با دستور امام مهدی علیه السلام دعوت یمانی را آغاز کرده است. وی فارغ التحصیل رشته مهندسی عمران از دانشکده مهندسی نجف است و مقداری نیز تحصیل در حوزه علمیه نجف داشته است. یکی از دو برادر وی دانشمند هسته‌ای است و خود وی به دلیل فتوای برخی از مراجع به حلال بودن ریختن خونش، سال‌هاست که مخفیانه زندگی می‌کند.

وی در سال ۲۰۰۴م، ادعاهایش را آغاز کرد. در این مدت افراد زیادی به او پیوستند و افرادی هم از او جدا شدند. یاران احمد الحسن در سال ۲۰۰۸م، در نواحی بصره و ناصریه در روز عاشورا تظاهراتی را در دو استان آغاز کردند و خود را «انصارالمهدی» نامیدند که پس از حملات پلیس، صدها کشته و مجروح به جا گذاشت و خاتمه یافت. پس از این احمد الحسن ناپدید شد و حامیانش ضمن ادامه دادن تبلیغ برای وی هم‌زمان سعی کردند با نوشتن کتاب‌هایی در تأیید او مبارزه را به عرصه کلامی بکشانند و ادعاهای او را زنده نگه دارند.

از جمله ادعاهای او این است که می‌گوید: همان سید یمانی است که در باور شیعه دوازده‌امامی به‌عنوان یکی از علایم قطعی و زمینه‌ساز اصلی ظهور امام زمان علیه السلام پیش از ظهور قیام می‌کند. وی در بصره ادعا کرد که من با چهار واسطه از اولاد امام زمان علیه السلام و یمانی موعود هستم و قرار است حکومت عصر ظهور را زمینه‌سازی کنم. مدعی است که وقتی مهدی علیه السلام حکومت تشکیل داد و از دنیا رفت، من و یازده مهدی دیگر امامان بعد از امام مهدی علیه السلام خواهیم شد. وی قصه مهدیون را مطرح می‌کند و می‌گوید: بعد از امام مهدی علیه السلام که حکومت انمه علیه السلام تمام شد ۱۲ مهدی می‌آیند و من (احمد الحسن) مهدی اول هستم و جدّم (امام زمان) حکومت را به من خواهد داد.

وضع شناسی حوزه علمیّه و طلاب عراقی

طلاب عراقی تقیّدات خاصی دارند. در عرف طلاب عراقی مشخص بودن موی طلبه از زیر عمامه کار پسندیده‌ای نیست. در بین مردم، طلبه بدون لباس طلبگی حتی برای کارهای کوچک ظاهر نمی‌شود. هنگام راه رفتن با خانواده باید همسر او پشت سر او راه برود. در ارتباط با مردم هم سنگینی در برخورد طلاب عراقی وجود دارد و به نوعی شأن علمایی را در همه برخوردها حفظ می‌کنند. در عرف طلاب نجف، گرم‌گرفتن با جوانان نوعی خلاف مروّت تلقی می‌شود. تحلیل آن‌ها نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی بسیار ضعیف است و بعضاً نگاه مثبتی نسبت به ایران و ولایت فقیه ندارند. ارتباط بین شیعیان و اهل سنت عراق، خیلی خوب نیست به حدّی که در بین برخی از شهرهای اهل سنت تبلیغات زیادی علیه شیعیان صورت می‌گیرد.

فرهنگ شناسی عراق

در این کشور هنوز فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای به شدّت حاکم است. حتی تعصّب به عشیره و قبیله، بیش‌تر از تعصّب به اسلام است. عراقی‌ها در صورت نیکی‌دیدن از کسی در اولین فرصت آن را به بهترین وجه، جبران خواهند کرد. اما اگر هم نخواهند که با کسی رابطه خوبی داشته باشند، تمام سعی خود را می‌کنند که زیر دین طرف مقابل قرار نگیرند. بهترین راه نمک‌گیرکردن آن‌ها این است که در برخورد اول با روی گشاده، کاری برایشان انجام دهید.

ماهواره در بین مردم عراق بعد از سرنگونی صدام رواج بسیاری پیدا کرده است که بسیاری از شبکه‌های آن مروج فرهنگ غرب، ابتدال و معارض با تعالیم اسلامی اند. از جمله اهدافی که در این شبکه‌ها دنبال می‌شود، ایجاد تقابل بین عراقی‌ها و ایرانی‌هاست. عراقی‌ها مردمی ساده‌زیست و قانع هستند که متأسفانه در سال‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری توسط رسانه برای ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در حال رشد است.

جایگاه زنان در عراق نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات اساسی شده است به طوری که در دوره حکومت صدام، زنان مانند برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان، حق مشارکت در

هیچ فعالیتتی را نداشتند، ولی بعد از سرنگونی صدام به طور افراطی به حضور زنان در مناصب اجتماعی پرداخته می شود.

آداب سلام و احوال پرسی عراقیان نیز به این صورت است که با افرادی که بعد از مدت ها می بینند یا تازه آشنا می شوند سه بار روبوسی می کنند و در سلام علیک روزانه یک بار روبوسی می کنند.

آداب و سنن اربعین

- از افتخارات عرب، مهمان نوازی است، خصوصاً اگر مهمان عزیز باشد. درباره زائرین اربعین معتقدند که آن ها مهمان ابوعبداللله الحسین علیه السلام هستند. لذا از هر طریقی که شده تلاش می کنند تا مهمان نوازی خوبی از زائران داشته باشند.

- از سنت های آن ها این است که در پذیرایی، صاحبخانه و فرزندان سر سفره می ایستند و چیزی نمی خورند و تلاش می کنند همه خواسته های مهمانان را بر آورده کنند. آن ها معمولاً اگر کسی سر سفره شان بیاید و چیزی نخورد ناراحت می شوند. یکی از شعائر آن ها در مهمانی ها هم این است که غذا بیش از حد مهمان آماده می کنند و مثلاً برای دو نفر گاهی به اندازه شش نفر غذا آماده می کنند.

- فراموش نکنیم که ما در کشور عراق مهمان هستیم و نباید به دنبال تغییر فرهنگ و رسوم میزبان باشیم و بهتر است خود را با این فرهنگ در این ایام وفق دهیم.

- عراقی ها به شمایل ائمه بسیار اعتقاد دارند و از آن ها در منزل، مغازه و حرم و مسجد و ... استفاده می کنند.

- در عراق فرهنگ مردم بیش تر، تحت تأثیر خطب است نه علما! در بین علمای عراق کسی که خوب درس خوانده و عالم است، منبر نمی رود. اصولاً منبر کاری ساده و به دوراز شأن علما تلقی می شود. به همین دلیل خطب معمولاً بهره علمی بالایی ندارند. همین امر سبب شده که فرهنگ دینی مردم عراق رشد چندانی نداشته باشد.

- در عزاداری ها هم بیش تر به ظواهر توجه می کنند. لذا سینه زنی و قمه زنی در عزاداری ها پررنگ تر از حزن و بکاء است.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۸۵

- متأسفانه در بین مردم، شایعات و شبهات به‌راحتی پخش می‌شود و اثر خودش را نیز می‌گذارد؛ چراکه مراکز پاسخ‌گویی و حلّ شبهات به‌صورت متمرکز وجود ندارد تا اشکالات و شبهات اعتقادی و غیراعتقادی مردم و جوانان را پاسخ گوید.

- گاهی بیش از آن‌که بر اعتقادات تأکید و تکیه شود، تأکیدات بر روی شعائر است و همین باعث می‌شود که خرافات، رواج بیش‌تری پیدا کند. خصوصاً درباره حضرت حجت‌الاسلام در سال‌های اخیر چندین نفر با عنوان نیابت از امام زمان‌علیه‌السلام یا به نوعی ارتباط با ایشان، ادعاهایی را مطرح می‌کنند و در میان مردم نیز طرفدارانی پیدا کردند. مثل صرخی که مدّعی است امام زمان‌علیه‌السلام با خواهر او ازدواج کرده است و احمد بن حسن بن یمانی که حتی برخی از طلاب با او بیعت کردند.

اما صحنه‌هایی از عشق و دلداری و مهمان‌نوازی مردم عراق از زائرین را از زبان بزرگان و

علما:

- آیت‌الله مکارم شیرازی‌علیه‌السلام که در یکی از این پیاده‌روی‌ها حضور داشته، با اشاره به خاطره پیاده‌روی از نجف به‌سوی کربلا، درخصوص پذیرایی مردم از زوّار چنین نقل می‌کنند: وقتی به یکی از این مُضیف‌ها رسیدیم، صاحب مُضیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آن‌جا استراحت کنیم. به او توضیح دادیم که چون امروز کم‌راه رفته‌ایم و باید مسافت بیش‌تری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم. پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مُضیف که معلوم بود چند وقتی است مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است.^۱

- مرحوم آیت‌الله ملکوتی که خود بارها در این پیاده‌روی حضور داشته، در این‌باره می‌گوید: این عشایر از نظر اقتصادی چندان وضع مطلوبی نداشتند و کنار فرات، هرکدام مقدار اندکی برنج‌کاری می‌کردند و غذاهایشان هم اغلب برنج و ماست بود و خورش دیگری نداشتند و با این همه، نسبت به زائران حسینی و طلاب، بسیار سخاوت‌مندانه رفتار می‌کردند و از هیچ چیز مضایقه نمی‌کردند.^۲

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی: www.shia-news.com.

۲. خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی، ص ۱۷۵.

- حَجَّتِ الْاِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ مُحَمَّدٌ حَسَنٌ رَحِيمَانِ از اعضای بیت حضرت امام که سال‌ها در نجف ساکن بود و در این مراسم شرکت می‌کرده، می‌گوید: به هنگام ظهر و مغرب، به هر نقطه که می‌رسیدی، حق عبور از آن‌جا را نداشتی؛ چون مالک و ساکن نخلستان بر سر راه ایستاده بود و زائران را به ضیافت خویش فرا می‌خواند؛ گویی جاده خاکی کربلا را بخشی از حریم خانه خود می‌دانست و خارج شدن مهمانان را در هنگام ظهر و شب، بدون صرف ناهار یا شام، ننگی بزرگ می‌پنداشت و گاهی که قصد داشتیم تا پاسی از شب به راه خود ادامه دهیم، عربی روستایی جلو می‌آمد و اصرار می‌کرد و اگر نتیجه نمی‌گرفت، تهدید می‌کرد و با شدت و غضب، تفنگ خود را آماده شلیک می‌کرد؛ اما نه برای کشتن مهمانان، بلکه آن را به حاج آقا مصطفی می‌داد و می‌گفت: «اگر می‌خواهید بروید؛ بروید اما از روی نعش من!» نشانه بزرگی و بزرگواری این عرب‌ها، بزرگ‌تر بودن سالن پذیرایی شان بود. سالن پذیرایی یا «مُضِيف» از نی و شاخه‌های خرما به صورت کانالی با سقف مدور ساخته می‌شد و دو سوی آن باز بود و در برابر سرما و گرما کاملاً عایق بود و در تابستان با پاشیدن آب روی آن، هوای درون آن خنک می‌شد. معمولاً بزرگ خانواده یا عشیره با مهمانان می‌نشست و جوان‌ها پذیرایی می‌کردند و برای پذیرایی، بهترین چیزهای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشتند؛ گوسفند می‌کشتند و سرشیر گاومیش و ماست بر سر سفره می‌گذاشتند و برای هر نفر کاسه‌ای روغن حیوانی می‌آوردند و خلاصه، گویی همه زندگی و امکانات آنان وقف امام حسین علیه السلام و زوار آن حضرت بود.^۱

- مرحوم حَجَّتِ الْاِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ سَيِّدِ تَقِيٍّ در چه‌ای در این باره می‌گوید: ارادت عراقی‌ها به زائران امام حسین علیه السلام، قابل توجه و تقدیر است. آنان به تمام زائران اباعبدالله علیه السلام، عرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسفند قربانی کرده، آبگوشت می‌پزند. من در این نوع سفرها، صحنه‌های زیبایی از خلوص این مردم را دیدم. گاهی روستای آن‌ها با جاده چند کیلومتر

۱. حدیث رویش، ص ۱۴۹.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۸۷

فاصله دارد، اما با این حال، به کنار جاده می‌آیند و یک منبع یا یک مشک دوغ آن‌جا می‌گذارند و کنارش با نان و پنیر، از زائران پذیرایی می‌کنند. یا در مسیر راه، اسپند دود می‌کنند. گاهی هم زندهای روستایی با وجود دوری راه، شیرینی نذری تهیه کرده و در میان کاروانیان توزیع و تقسیم می‌کنند؛ به‌ویژه قربانی کردن گوسفند در مقابل کاروانیان، بسیار مرسوم است. در یکی از این سفرها، یک خانم و آقایی که با الاغ از مزرعه به کنار جاده آمده بودند، با اصرار زیاد ما را به منزل خود بردند که زندگی فقیرانه‌ای داشتند و با این که هوا سرد بود، اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند. ما هم بدون این که متوجه شویم، شب را خوابیدیم و فردا صبح که بلند شدیم و هوا روشن شد، متوجه شدیم که آن پیرزن و پیرمرد در گوشه‌ای از حیاط در سرما و سوز، شب را به صبح رسانده‌اند و معلوم شد که آن‌ها تنها اتاق خود را در اختیار ما گذاشته‌اند.^۱

ایران از نگاه مردم عراق

متأسفانه بر اساس سیاه‌نمایی‌هایی که در دوران صدّام نسبت به ایران و امام خمینی علیه‌السلام صورت گرفته است، برخی از مردم نگاه خوبی نسبت به امام علیه‌السلام و ایران ندارند. در دوران صدّام در مدارس به امام علیه‌السلام دشنام می‌دادند یا ایشان را لعن می‌کردند. حتّی برخی از آن‌ها تصوّر می‌کنند امام علیه‌السلام اصلاً نماز نمی‌خوانده است!

بحث مداخله ایران در امور عراق از بحث‌های رایج بین مردم است. هر مسئولی که در عراق جابه‌جا می‌شود به سرعت این شایعه که ایران باعث این برکناری است در میان مردم رایج می‌شود. یا مثلاً این که سدهای کارون و کرخه در ایران باعث خشکسالی جنوب عراق است. یا این که ایران اجناس فاسد خود را به عراق صادر می‌کند و... برخی از شبکه‌ها نیز هم‌چون «الشرقیه» و «البغدادیه» در دامن‌زدن به این مسائل بی‌تأثیر نیستند.

۱ در وادی عشق، خاطرات حجت الاسلام سید تقی درچه‌ای، ص ۱۸۵.

البته در این بین کم نیستند افرادی که نگاه مثبت و منصفانه‌ای نسبت به ایران و حکومت ایران در برخورد با کشور عراق دارند. هم‌چنین بعد از ورود داعش و حمایت‌هایی که ایران از حشدالشعبی و ارتش عراق کرد، فضای روانی مردم عراق را نسبت به ایران به مقدار زیادی تلطیف کرده است.

عموم عراقی‌ها، ایرانی‌ها را انسان‌هایی زیرک، با سیاست و با حوصله می‌دانند برخلاف مردم عراق که انسان‌هایی تند و کم‌حوصله‌اند و می‌خواهند زود به نتیجه برسند. این نگاه که هر اتفاقی در عراق می‌افتد، حتماً ایرانی‌ها در آن منفعتی دارند، در میان مردم شیوع دارد.

نگاه عراقی‌ها به توافق هسته‌ای اخیر، پیروزی ایران و غلبه ایران بر شش قدرت برتر دنیاست. بیش‌تر مردم عراق معتقدند ایران در این مذاکرات حرف خود را به کرسی نشاند و قدرت‌های غربی در مقابل خواست ایران تسلیم شدند. لذا مناسب نیست که اختلاف‌نظرهای داخلی ایران را در این باره به بیرون منتقل کنیم.^۱

مقدمات سفر

- طبق مقررات بین‌المللی برای خروج از کشور، هر شخص باید گذرنامه معتبر داشته باشد که از طریق دفاتر پلیس +۱۰ باید تهیه شود.
- هر گذرنامه حداقل باید ۶ ماه از تاریخ خروج اعتبار داشته باشد.
- ثبت‌نام از طریق سامانه سماح صورت می‌گیرد و مشتاقان زیارت قبل از مراجعه به دفاتر زیارتی باید در این سامانه، ثبت‌نام اولیه را انجام دهند.
- همه زائران، ملزم به داشتن بیمه می‌باشند که هزینه آن همراه با صدور روادید اخذ می‌شود.
- روادید (ویزا) توسط سفارت و کنسول‌گری عراق صادر می‌شود که جهت سهولت کار، دفاتر زیارتی این کار را انجام می‌دهند.

۱. برگرفته از جزوه عراق شناسی، ستاد اربعین.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۸۹

- اگر زیارت به صورت گروهی می‌باشد، از آن جایی که امکان جدایی از گروه در این سفر بسیار زیاد است؛ لذا بهتر است که گذرنامه هر شخص نزد خودش باشد.
- برخی از گروه‌ها علاوه بر ویزا نیاز به مجوز خروج نیز دارند، مانند: سربازان وظیفه، نظامیان، طلاب حوزه‌های علمیه، دانشجویان، کسانی که کارت پایان خدمت ندارند.
- چنانچه زائری گذرنامه‌اش گم شد و یا مشکلی در این زمینه برای او به وجود آمد، باید به کنسولگری کشورمان در شهرهای کربلا و نجف مراجعه کند.
- بهترین کار این است که هر کس با گوشی خودش از ویزا و گذرنامه‌اش عکس بگیرد تا در صورت مفقودی گذرنامه مدرکی داشته باشد.
- ورود غیرمجاز به کشور عراق مجازات سنگین و حبس طولانی از ۲ تا ۱۰ سال به دنبال دارد. هم‌چنین زائرین، طبق مدت زمان مندرج در روایید در عراق بمانند و پس از آن، اقامت آن‌ها در عراق غیرقانونی خواهد بود.
- هنگام ثبت نام جهت تورهای سیاحتی و اعزام به عتبات عالیات، صرفاً از آژانس‌های معتبر سیاحتی و زیارتی که دارای مجوز سازمان حج و زیارت می‌باشند، استفاده شود.

مرزهای خروجی

مرز خسروی (منذریه)

خسروی در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی شهر قصر شیرین از توابع کرمانشاه قرار دارد. مرز خسروی، شمالی‌ترین مرز رسمی عبور و مرور زائران ایرانی می‌باشد؛ ضمن این‌که قدیمی‌ترین مرز اعزام زائران به عراق هم هست و در دوران قبل از سقوط صدام نیز، زائران از این طریق به عتبات عالیات اعزام می‌شدند. به این دلیل دارای بهترین امکانات نسبت به سایر پایانه‌های مرزی است.

زائران پس از خروج از ایران وارد منطقه مرزی منذریه و سپس شهر خاتین، مقدادیه، منطقه بعقوبه و سپس وارد بغداد و پس از آن به زیارت کاظمین مشرف می‌شوند. طول مسیر تا شهر کاظمین ۲۰۵ کیلومتر و تا کربلا ۳۱۵ کیلومتر است.

مرز مهران

شهر مرزی مهران در منتهی‌الیه غربی استان ایلام قرار دارد و فاصله آن تا شهر ایلام ۸۵ کیلومتر می‌باشد. زائرانی که از این شهر وارد عراق می‌شوند پس از عبور از منطقه زرباطیه وارد شهر کوت، نعمانیه، شوملی، دیوانیه و شامیه وارد شهر نجف می‌شود. طول این مسیر از پاسگاه مرزی زرباطیه تا بازرسی ورودی نجف، ۳۰۲ کیلومتر می‌باشد.

مرز شلمچه

منطقه مرزی در غرب خرمشهر و نزدیک‌ترین نقطه مرزی به شهر بصره در کشور عراق می‌باشد. مرز شلمچه، جنوبی‌ترین مرز زمینی ایران و عراق بوده و فاصله آن تا خرمشهر ۱۵ کیلومتر و تا بصره ۲۰ کیلومتر می‌باشد. زائرانی که از این مرز وارد عراق می‌شوند پس از عبور از منطقه شلمچه و تنومه وارد شهر بصره شده و پس از آن به سماوه و نجف می‌رسند. طول مسیر از شلمچه تا نجف تقریباً ۴۶۰ کیلومتر می‌باشد.

مرز چزابه

تنگه چزابه در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهر بستان قرار دارد. زائران پس از عبور از منطقه چزابه و شیب، مشرح، وارد شهر العماره، سپس شهر فجر و منطقه عفک، دیوانیه، شافعیه، شامیه و پس از بازرسی ابوصخیر وارد شهر نجف می‌شوند. البته برای این که ازدحام در برخی از مرزها ایجاد نشود، مرزها بین استان‌های کشور تقسیم می‌شود که هر ساله توسط رسانه‌ها در این باره اطلاع رسانی صورت می‌گیرد.

زبان دانی و قدرت ارتباط اولیه

آشنایی با زبان عربی برای همه مسلمانان به جهت این که زبان دین است بسیار مطلوب است؛ خصوصاً داشتن حداقل‌هایی از این زبان در سفر به کشورهای عربی برای برقراری ارتباط می‌تواند بسیار کمک‌کار افراد باشد. بیش‌تر کسانی که در طول مسیر پیاده‌روی با آن‌ها برخورد داریم از مردمی‌اند که اصلاً با زبان فارسی آشنایی ندارند، لذا برخی از کلمات و عبارات پرکاربرد در مکالمات روزانه در انتهای کتاب، جهت استفاده مبلغان آورده شده است.

حین سفر

احکام سفر زیارتی اربعین^۱

توجه: احکام مذکور در این بخش بر اساس فتاوی‌ای امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد و برخی از موارد اختلافی با علامت ستاره (*) نشان داده شده است.

- بر مسافر واجب است نمازهای چهار رکعتی ظهر، عصر و عشاء را با شرایطی که خواهد آمد شکسته در دو رکعت بخواند و نماز صبح و مغرب شکسته نمی‌شود^۲ و در سفر، نافله‌های ظهر و عصر و عشاء ساقط است. البته خواندن نافله عشاء به قصد رجاء اشکال ندارد.

شرایط نماز شکسته:

۱. سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم، هشت فرسخ شرعی باشد، مشروط به این که رفتن او کم‌تر از چهار فرسخ نباشد.*
۲. از اول مسافت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد. بنابراین اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته باشد و یا قصد پیمودن کم‌تر از آن را داشته و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله آن با مکان اول کم‌تر از مسافت شرعی است ولی از منزل تا آن جا به اندازه مسافت شرعی است باید نمازش را تمام بخواند.
۳. در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد. بنابراین اگر در بین راه پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی‌شود هرچند نمازی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده صحیح است.
۴. قصد قطع سفر در اثنا پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که می‌خواهد ده روز یا بیش‌تر در آن جا بماند نداشته باشد.
۵. سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد. بنابراین اگر سفر معصیت و حرام باشد اعم از این که خود سفر حرام باشد مثل فرار از جهاد یا هدف از سفر، کار حرامی باشد مثل سفر برای راهزنی حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

۱. براساس کتاب احکام فقهی مورد ابتلا در سفرهای زیارتی عتبات عالیات، منصور مظاهری، ستاد مرکزی اربعین.

۲. توضیح المسائل، روح الله خمینی، احکام مسافر، ص ۲۷۰.

۶. مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد مانند بعضی صحرانشینان که محلّ زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند می‌مانند.

۷. مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر، راننده و ملوان و ... و کسی که شغل او در سفر است در سفرهای شغلی ملحق به این‌هاست.*

۸. به حدّ ترخص برسد.

حکم کثیرالسّفر:

اگر سفر شغل یا مقدّمه شغل نباشد هرچند کثرت هم داشته باشد موجب شکسته شدن نماز نمی‌شود. به طور کلی عنوان کثیرالسفر حکمی ندارد و موضوع حکم شرعی نیست، بلکه تمام خواندن نماز و صحّت روزه برای کسی است که یا سفر شغل اوست (مانند راننده و خلبان) و یا برای انجام شغل، مسافرت می‌نماید (مثل کارمند و کارگر که به اندازه مسافت شرعی برای کارشان مسافرت می‌کنند که این افراد در مبدأ و مقصد و بین راه نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است).^۱

اگر کسی به هر دلیلی کثرت سفر پیدا کند ولو شغل او نباشد نمازش تمام است.^۲ (آیات عظام سیستانی و مکارم)

حدّ ترخص:

معیار آن شنیده نشدن اذان آخر شهر و ندیدن دیوار شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل می‌شود.^۳

قصد اقامت:

قصد ده روز کامل از اذان صبح روز اوّل تا غروب روز دهم کافی است و اگر از بین روز شروع کند تا همان ساعت از روز یازدهم باید بماند.^۴

۱. www.khamenei.ir، احکام سفر.

۲. استفتانات جدید، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۷۸؛ توضیح المسائل، علی سیستانی، مسأله ۱۲۹۳.

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۰۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۱۷.

شرط تحقق قصد اقامت:

مسافری که قصد اقامت ده روز نماید و از ابتدا قصد خروج از محلّ اقامت را نداشته باشد با خواندن حدّ اقل یک نماز چهار رکعتی در آن جا نماز تمام است و پس از آن، خارج شدن از محلّ اقامت به مقدار کم‌تر از مسافت شرعی به قصد اقامت ضرر نمی‌رساند.^۱

البته اگر هنگام قصد اقامت تصمیم به خارج شدن کم‌تر از مسافت شرعی به میزان بیش‌تر از شش یا هفت ساعت در مجموع ده روز داشته باشد قصد اقامت صحیح نیست. هم‌چنان‌که در صورت اول اگر به مقدار مسافت شرعی یا بیش‌تر سفری پیش آمد، اقامت به هم می‌خورد و زمانی که به محلّ اقامت برگشت اگر قصد اقامت جدید نکند باید نمازها را شکسته بخواند.^۲

اجازه شوهر در سفر:

اگر زن بدون اجازه شوهر، سفری برود که بر او واجب نباشد آن سفر، حرام بوده و نماز او تمام و روزه‌اش را باید به جا آورد، هرچند مسافر باشد.

اجازه پدر و مادر در سفر

اگر فرزند با وجود نهی پدر و مادر، سفری برود که بر وی واجب نباشد در صورتی که موجب اذیت آن‌ها شود، سفرش حرام و نماز او تمام و روزه‌اش صحیح است.

تخیر در نماز بین قصر و تمام:

مسافر می‌تواند در اماکن مذکور، بدون نیت تمام یا شکسته، نماز را شروع کند و در وسط آن، یکی را اختیار کند و بر همان اساس، نماز را به پایان ببرد و حتی در اثنای نماز می‌تواند نیت را برگرداند؛ مثلاً به نیت شکسته خواندن، نماز را شروع کرده، ولی در اثنای نماز قصد کند که نماز را چهار رکعتی تمام کند و هم‌چنین به عکس تا وقتی که محلّ عدول نگذشته باشد. پس اگر به نیت چهار رکعتی نماز را شروع کرده و در رکعت اول یا دوم تصمیم گرفت که نماز را شکسته بخواند، اشکال ندارد.^۳

نمازی که از اماکن مذکور از مسافر فوت شده در قضای آن در صورتی که در آن اماکن به جا

۱. توضیح المسائل محشی، ص ۷۲۱.

۲. توضیح المسائل، روح الله خمینی، ص ۲۹۲.

۳. www.khamenei.ir، احکام مسافر، نماز و روزه در اماکن تخیر.

آورد بین شکسته و کامل خواندن، مخیر است ولی در غیر آن اماکن، احتیاط واجب آن است شکسته قضا کند.^{۱*}

حکم تخییر در اماکن مذکور، اختصاص به نماز دارد و روزه مسافری که قصد ده روز نکرده، صحیح نیست.^۲

به زبان آوردن نیت نماز لازم نیست. بنابراین وقتی که مسافر برای خواندن نماز ظهر یا عصر یا عشا به نماز می ایستد و تکبیر می گوید و به قصد قربت نماز دو رکعتی می خواند صحیح است.^۳ ولی اگر بخواهد نیت را به زبان بیاورد می تواند بگوید: «دو رکعت نماز ظهر به جا می آورم قربه الی الله».

در مسجد کوفه و حائر حسینی، مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.^۴
در حائر حسینی، همه روضه شریفه (زیر گنبد) و مسجد متصل به آن و رواقها داخل در حائر می باشند، ولی مسافر در صحن و شهر کربلا باید نماز را شکسته بخواند.^{۵*}

حائر کجاست؟

حائر در لغت به معنای سرگردان و متحیر است. به مکان گودی نیز که وسط آن صاف و اطرافش بلند است و آب جمع شده در آن، راه خروج ندارد، حایر می گویند. حائر از نامهای سرزمین کربلا نیز است.^۶ اشخاص منسوب به این سرزمین، حائری یا حایری خوانده می شوند.^۷ درباره سبب نامگذاری حرم حسینی به حائر و رواج این واژه، چند قول مطرح شده است،

۱. همان.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، روح الله خمینی، ص ۲۰۹.

۴. همان، ص ۲۹۶.

۵. همان.

۶. رهبر انقلاب نیز در پاسخ به استفتائی در مورد حائر حسینی می فرماید: «تمام روضه شریفه داخل حرم را که از طرف بالای سر و پایین پا، منتهی به پنجرهها و درها و رواق می شود و نیز از طرف پشت سر تا مسجد امتداد دارد، شامل می شود». (www.leader.ir).

۷. لسان العرب، ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ذیل واژه «حیر»؛ تاج العروس، زبیدی، ۱۳۸۵ ق، ذیل واژه «حیر».

۸. تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه السلام، کلیدار، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۶.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۹۵

از جمله: پس از فرمان متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷) برای ویران کردن بنای روی قبر و آب بستن به قبر، آب نزدیک قبر ایستاد و آن را فرانگرفت (حار الماء). از این رو این مکان به حائر، شهرت یافت.^۱ برخی این وجه را نپذیرفته‌اند؛ زیرا طبق احادیث امام صادق علیه السلام پیش از زمان متوکل به این مکان، حائر گفته شده است.^۲ دوم آن که در اوایل قرن دوم، پیرامون محوطه مرقد، دیواری بنا شد و به نظر می‌رسد ایجاد این حصار در دوره امویان، برای آن بود که بازرسی زائران حرم، آسان‌تر باشد. وجه سومی که درباره این نامگذاری گفته شده این است که کاربرد این کلمه رمزگونه، از حساسیت بنی امیه درباره زائران حرم حسینی می‌کاست^۳ و با معنای لغوی واژه هم، مطابقت داشت.^۴

نخستین بار واژه حائر در احادیثی از امام صادق علیه السلام درباره آداب و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بر محوطه محصور پیرامون بنای مرقد آن حضرت گفته شد.^۵ به تدریج کاربرد این واژه در میان شیعیان رواج یافت و مرقد مذکور و محدوده پیرامون آن به حائر حسین و حائر حسینی معروف شد.^۶

نماز قضا در سفر

اگر مسافر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر از وی فوت شده، به جا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا نماید و اگر در سفر، این نمازها از او فوت شده، باید قضای آن را دو رکعتی به جا آورد؛ هر چند در وطن، آن‌ها را قضا کند.^۷

خواندن نماز قضا به جماعت اشکال ندارد و تفاوتی ندارد که نماز امام جماعت ادا باشد و یا

قضای حتمی.^۸

۱. ذکری الشیعة، شهید اول، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۲۹۱.

۲. شفاء الصدور، طهرانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۹۴.

۳. شهر حسین علیه السلام یا جلوه‌گاه عشق، مدرس بستان آبادی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۴. تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه السلام، کلیدار، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۳.

۵. کامل الزیارات، ابن قولویه، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۵۴-۲۵۵، ۳۵۸-۳۶۲.

۶. تاریخ المراقده الحسین، کرباسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۲۵۹.

۷. تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه السلام، کلیدار، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۱-۷۲.

۸. توضیح المسائل، روح الله خمینی، ص ۲۹۸.

۹. همان، ص ۳۰۱.

اقتدای مسافر در نماز جماعت

مسافر اگر به امام جماعت که نماز را تمام می خواند اقتدا کند هر چند ثوابش از نماز جماعتی که هر دو (امام و مأموم) نمازشان تمام باشد یا هر دو نمازشان شکسته باشد کم تر است، ولی از نماز فرادا ثواب بیش تری دارد.^۱

مسافر که بعد از اتمام دو رکعت سلام می دهد، می تواند در دو رکعت دیگر به امام جماعت، نماز دیگری را (ادا یا قضا) اقتدا نماید.^۲

در دو رکعت آخر که مسافر نماز دیگری را اقتدا می کند، لازم نیست آن نماز دو رکعتی باشد، لذا می تواند نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی را هم اقتدا نماید.^۳

در رکعت سوم که مسافر اقتدا می کند، اگر فرصت خواندن حمد و سوره یا لا اقل حمد تنها را داشته باشد، می تواند قبل از رکوع امام اقتدا نماید ولی اگر چنین فرصتی را ندارد؛ بنا بر احتیاط واجب صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، آنگاه می تواند تکبیر بگوید و به رکوع امام جماعت برسد و صحیح است.^۴*

اگر مسافر به تصوّر این که فرصت حمد و سوره را دارد اقتدا نماید، ولی قبل از تمام شدن حمد، امام جماعت به رکوع رود باید حمد را به پایان ببرد و اگر به رکوع امام جماعت هم نرسد ولی به سجده برسد نمازش به جماعت صحیح است.^۵*

مسافری که در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت اقتدا نموده، باید حمد و سوره را آهسته بخواند.^۶

احکام مخصوص حرم

وضو

- برای رفتن به حرم امامان علیهم السلام و حتی امامزادگان، مستحب است انسان وضو بگیرد.^۷

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۵ (فصل فی الجماعة و مکروهاته).

۲. همان، مسأله ۳.

۳. همان، مسأله ۴.

۴. همان، فصل فی احکام الجماعة، مسأله ۱۸.

۵. همان، مسأله ۲۱.

۶. همان، مسأله ۲۲.

۷. همان، فی الوضوءات المستحبه.

غسل زیارت

- غسل زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام مستحب است و با غسل‌های دیگر تفاوتی ندارد و کفایت از وضو نمی‌کند.*

- با غسل زیارت نمی‌توان نماز خواند باید وضو هم گرفت.

- اگر بعد از غسل، کاری کند که وضو را باطل می‌کند (مثلاً بخوابد) غسل باطل می‌شود. مستحب است دوباره غسل را به جا آورد.

نماز در حرم

- نماز در حرم امامان علیهم‌السلام مستحب و نسبت به مساجد افضل است، بلکه در حدیث آمده نماز در کنار قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام برابر با دویست هزار نماز است.^۱

- انسان باید ادب را رعایت کند و جلوتر از قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علیه‌السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن، بی‌احترامی به صاحب قبر باشد، حرام است ولی باطل نیست.^۲*

- مسجد و حرم از اماکن مشترک و عمومی مسلمانان است که همه در استفاده از آن مساوی هستند. پس اگر شخصی قبل از دیگری جایی برای نماز یا عبادتی دیگر یا قرائت قرآن یا خواندن دعا در اختیار گرفت، دیگری نمی‌تواند آن جا را از او بگیرد.

- اگر شخص، جایی از مسجد یا حرم را برای تلاوت قرآن و خواندن دعا اشغال کرده و شخص دیگری بخواهد در آن جا نماز بخواند و جای دیگری برای نماز خواندن نباشد یا بخواهد به جماعت ملحق شود و جای دیگری برای فرادا خواندن نماز هست ولی برای شرکت در جماعت نیست، بر شخصی که قرآن یا دعا می‌خواند واجب است جای خود را به نمازگزار بدهد.^۳

- کسی که در مسجد یا حرم نشسته است اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن جا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محلّ دیگری بخواند.^۴*

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. توضیح المسائل محشی، مسأله ۸۸۴.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴. توضیح المسائل محشی، مسأله ۸۶۸.

- گذاشتن اثاث مانند سجّاده و عبا برای نشستن در حرم یا مسجد، مانند نشستن است و صاحب آن حقّ اولویّتی به آن مکان پیدا می‌کند و دیگران نمی‌توانند جای او را بگیرند. ولی مهر یا تسبیح که محلّ نماز خواندن و یا قسمت عمده آن را اشغال نمی‌کند، حقّی برای شخص، ثابت نکرده و دیگران می‌توانند آن را بردارند و در آن مکان، نماز بخوانند.^۱

نجس کردن حرم

- نجس کردن حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام حرام است و اگر یکی از این‌ها نجس شود و نجس ماندن آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد آن را تطهیر نمایند.^۲*

- ورود جنب، حائض و مستحاضه به حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام
- بنا بر احتیاط واجب، جنب و حائض و نفساء نباید در حرم امامان علیهم‌السلام و مسجد توقّف کند، ولی در حرم امامزادگان اشکال ندارد. (مراد از حرم همان زیر گنبد متبرک و جایی است که به آن حرم و مشهد شریف گفته می‌شود نه ساختمان‌های ملحق به آن و شبستان‌ها؛ مگر جایی که عنوان مسجد داشته باشد).^۳

- عبور جنب و حائض از حرم معصومین علیهم‌السلام به طوری که از یک در وارد و از در دیگر خارج شوند، اشکالی ندارد.^۴

- ورود و توقّف زن مستحاضه هر چند متوسطه و کثیره در حرم معصومین علیهم‌السلام اشکال ندارد.^۵
- اگر کسی که معذور است از سر ناآگاهی یا فراموشی، داخل مسجد یا حرم امام معصوم علیه‌السلام شود همین که متوجّه شد، باید بیرون رود. اگر به سبب فراموشی باشد گناه نکرده است ولی اگر به جهت ندانستن مسئله باشد و در یادگرفتن مسئله کوتاهی کرده، گنهکار است.

- اگر کسی در مسجد یا حرم مطهر خوابش برد و در خواب جنب شد، باید فوراً از مسجد یا حرم بیرون رود.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. توضیح المسائل محشی، مسأله ۹۰۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۹.

۴. همان.

۵. همان.

سجده بر قبر امام علیه السلام

- سجده کردن برای غیر خداوند متعال، حرام است و بعضی از مردم که در آستانه در حرم امامان علیهم السلام پیشانی بر زمین می‌گذارند، اگر به قصد سجده شکر خدای متعال باشد، اشکال ندارد وگرنه حرام است.^۱

تصرف در اموال حرم

- تصرف در اموال اهدایی، بدون کسب اجازه از متولی شرعی و مسئولین مربوطه جایز نیست.

- بردن مهر و قرآن و کتاب‌های دعای مساجد و حرم‌های مطهر جایز نیست و اگر کسی عمداً یا سهواً برده باشد، به جای آن برگرداند.^۲

احکام عزاداری

- پوشیدن لباس سیاه در عزای اهل بیت علیهم السلام خصوصاً سیدالشهدا علیه السلام کراهتس ثابت نیست، بلکه اگر برای تعظیم شعائر باشد، دارای اجر و ثواب خواهد بود.^۳

- اگر خواندن روضه‌های دروغ و غیر واقعی موجب هتک حرمت و تمسخر باشد جایز نیست.^۴

- نقل مطالب و وقایع در عزاداری‌ها بدون این که مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد وجه شرعی ندارد؛ مگر آن که نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد.^۵

- عزاداری به صورت سنتی اشکال ندارد ولی از اعمال و رفتارهایی که موجب وهن مذهب می‌شود، باید اجتناب شود.

- استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود.^۶

۱. احکام فقهی سفر زیارتی عتبات، محمد حسین فلاح زاده، ص ۴۴.

۲. استفتانات، روح الله خمینی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. www.khamenei.ir، استفتانات، احکام عزاداری.

۴. استفتانات، روح الله خمینی، ج ۳، ص ۵۷۹.

۵. اجوبة الاستفتانات، ترجمه فارسی، ص ۳۲۳، س ۱۴۴۶.

۶. همان، ص ۳۲۲، س ۱۴۴۱.

- مناسب و شایسته است در عزاداری، بدن را برهنه نکنند و طبق شیوه مرسوم و سنتی با لباس انجام گیرد.^۱
- اگر چه اقامه مراسم عزاداری و شعائر دینی در زمان‌های مناسب از بهترین کارها و جزء مستحبات مؤکد است، ولی واجب است برگزارکنندگان مراسم و عزادارن تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای مردم بپرهیزند.^۲
- استفاده از علم در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی نباید این امور جزء دین شمرده شود.^۳
- دور انداختن عکس اماکن متبرکه، اگر بی احترامی محسوب شود، جایز نیست.^۴
- گفتن جملات غلوآمیز جایز نیست و باید از ترویج مدّاحانی که اهل غلو هستند و از جلسات آن‌ها نیز پرهیز شود.
- تکرار بعضی عبارات ادعیه، فی نفسه بدون قصد ورود، مانع ندارد؛ گرچه خوب است ادعیه و زیارات را همان‌گونه که وارد شده، قرائت کنند.
- هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر، سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین شود شرعاً حرام مؤکد است.
- مدّاحی زن در جایی که می‌داند نامحرم صدای او را می‌شنود و موجب جلب توجه و تهییج نامحرم و یا مفسده دیگری شود جایز نیست.^۵
- اختلاط زن و مرد، هنگام زیارت اگر مستلزم مفسده و یا خوف ارتکاب گناه در آن باشد، جایز نیست.
- هدایای مردمی به عزاداری، چنانچه در نوع مصرف آن به مسئول هیئت یا حسینیه اختیار کامل داده شده باشد، طبق اختیار تام در عزاداری مصرف می‌شود.

۱. www.khamenei.ir، استفتانات، احکام عزاداری.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. www.khamenei.ir، استفتانات، احکام عزاداری.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۰۱

و اگر مورد مصرف مشخص شده باشد، فقط طبق مورد مصرف باید هزینه شود. و اگر اموال، باقی می‌ماند و مصرف نمی‌شود در صورتی که اختیار تام در مصرف نداشته باشند:

اگر دسترسی به اهداکننده دارند، باید از صاحبان آن‌ها اجازه و رضایت بگیرند تا در موردی که مد نظر دارند مصرف کنند.

ولی اگر دسترسی به اهداکننده ندارند باید آن را صدقه بدهند؛ مگر آن‌که یقین کنند در مورد مخصوص، راضی به مصرف است که در این صورت باید در همان مسیر صرف شود.

احکام نذر

- در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست که به عربی خوانده شود پس اگر بگوید «لله علیّ أن أعطی عشرة آلاف الی حرم الحسین (علیه السلام)» یا معنای آن «برای خدا بر عهده من است که ده هزار تومان به حرم امام حسین (علیه السلام) بدهم»، نذر او صحیح است و باید مطابق آن عمل نماید. بنابراین اگر صیغه نذر نخوانده باشد عمل به آن نذر، واجب نیست.^۱

- کاری را می‌تواند نذر کند که انجام‌دادن آن برای او ممکن باشد. بنابراین کسی که نمی‌تواند پیاده به نجف یا کربلا برود اگر نذر کند پیاده برود نذر او صحیح نیست.^۲

- اگر نذر کند کاری را انجام دهد باید همان‌طور که نذر کرده عمل نماید. پس اگر نذر کند روز اول ماه به زیارت برود یا به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برود در همان زمان که نذر کرده و به زیارت همان امام فقط باید برود و الا به نذرش عمل نکرده است.^۳

- اگر چیزی را نذر خود امام (علیه السلام) یا امامزاده کند اگر مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن را بسازد و ثواب آن را به امام (علیه السلام) یا امامزاده هدیه کند.^۴

- اگر کسی تخلف از نذر نماید، باید ده فقیر را اطعام کند یا آنان را لباس بپوشاند و در صورتی که مقدور نباشد سه روز پیاپی روزه بگیرد.^۵

۱. توضیح المسائل محشی، مسأله ۲۶۴۱.

۲. همان، مسأله ۲۶۴۷.

۳. همان، مسأله ۲۶۵۱.

۴. همان، مسأله ۲۶۶۳.

۵. Khamenei.ir، احکام نذر.

- اگر شوهر حضور دارد، باید بنا بر احتیاط، نذر زن با اجازه او باشد.^۱

ترت امام حسین علیه السلام

- خوردن تربت حسینی به قصد شفا اشکال ندارد. (قدر متیقن تربت قبر شریف و ملحقات عرفی آن است).

- در حال نماز، سجده بر تربت امام حسین علیه السلام مستحب است.^۲

- بی احترامی به آن مانند نجس کردن آن، جایز نیست.

بی احترامی به تربت

شیخ عباس قمی رحمته الله نقل می کند: استاد ما، محدث ثقه الاسلام نوری رحمته الله در دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والدهام رسید، مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته، مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی به تربت مقدسه است؛ زیرا که در زیر ران واقع شود و شکسته گردد.

برادرم گفت: چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته ام و لیکن عهد کرد که بعد از آن در جیب پایین نگذارد.

پس چند روزی از این قضیه گذشت، پدرم بدون آن که از این مطلب اطلاع داشته باشد در خواب دید که مولای ما حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اتاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود: بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم. پس پدرم پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند، پس ایستادند در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود، پس یک یک را می خواند و چیزی از آنها به او می داد، پس نوبت به برادر مزبور که به تربت، بی احترامی کرده بود رسید. حضرت علیه السلام نظری به او افکند. مانند کسی که در غضب باشد و التفات فرمود به سوی پدرم و فرمود: این پسر تو دو تربت از تربت های قبر من را در زیر ران خود شکسته است. پس مثل برادران دیگر، او را نخواند، بلکه به سوی او چیزی افکند و الآن در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد.

۱. توضیح المسائل محشی، مسأله ۲۶۴۴.

۲. توضیح المسائل محشی، مسأله ۲۶۲۸.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۰۳

پس علامه‌ی والد بیدار شد و خواب خود را برای مادر نقل کرد و والده، حکایت را برای ایشان بیان کرد. پدرم از صدق این خواب تعجب کرد.^۱

حدود برداشت تربت

یکی از مسائلی که باید به آن توجه داشت این است که این تربت که باید از قبر امام حسین علیه السلام باشد چه خاکی جزء تربت امام حسین علیه السلام است؟

آن چه از لسان ائمه‌ی معصومین علیهم السلام در روایات معلوم می‌شود به این شرح است:
در حدیثی از عبدالله بن سنان است که «بیست زراع مساحت کن؛^۲ حدود ده متر از چهار جانب قبر شریف».

- در حدیثی دیگر از اسحاق بن عمار آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند از محلّ قبر امام حسین علیه السلام از چهار جانب، بیست و پنج زراع^۳ مساحت کن، جزء قبر و حرم امام علیه السلام است.

در روایتی از حضرت صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: «یؤخذ طین قبر الحسین علیه السلام من عند القبر علی سبعین ذراعاً؛^۴ تربت امام حسین علیه السلام شامل ۷۰ زراع اطراف قبر امام علیه السلام که حدود سی و پنج متر می‌شود».

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام است که «علی قدر سبعین باعاً؛^۵ به قدر هفتاد باع که حدود هفتاد متر می‌شود».

برخی دیگر از روایات اشاره به چهار میل دارد «مقدار اربعة أمیال»^۶ میل چهار هزار زراع است که حدود دو کیلومتر است.

۱. داستان‌های مفاتیح الجنان، اسماعیل محمّدی، ص ۳۸؛ کرامات الحسینیه، علی میرخلف زاده، ص ۱۱۶؛ حکایاتی از عنایات حسینی، حسین زاده کرمانی، ص ۳۷.

۲. مصباح المتجهّد، ص ۵۱۱.

۳. زراع حدود نیم متر است و زرع حدود یک متر است که دو زراع می‌شود یک زرع.

۴. اصول کافی: ج ۴، ص ۵۸۸؛ کامل الزیارات، ص ۴۸۶؛ المزار، ص ۱۲۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۴.

۵. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱.

۶. کامل الزیارات، ص ۲۸۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱.

گروهی دیگر از روایات تا پنج فرسخ را می‌گوید.^۱

مرحوم شیخ طوسی در توجیه این روایات، ترتب در فضیلت را دلیل این تفاوت می‌داند که بالاترین حدّ برداشت تربت، پنج فرسخ است و کم‌ترین، عندالرأس است یعنی هر چه نزدیک‌تر به قبر مطهر امام علیه السلام و یا بدن مطهر باشد، فضیلت آن بیش‌تر است.

کمک به متکدیان

اگر کمک به متکدیان، ترویج دروغ، بیکاری و تکدی‌گری و تخلف از قانون باشد باید از آن اجتناب شود و انسان می‌تواند به مؤسّسات مورد اطمینان که در این زمینه فعال هستند، کمک کند.

اشیای پیدا شده

اگر صاحب شیء پیدا شده معلوم نیست و نشانه‌ای ندارد که بتواند صاحب آن را پیدا کند و قیمت آن به ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار^۲ می‌رسد، بنا بر احتیاط واجب از طرف صاحبش به فقیر صدقه دهد.*

اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، چنانچه بداند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده (در صورتی که از پیداشدن صاحبش مأیوس شود و یا برایش مشقّت داشته باشد، می‌تواند به جای کفش خودش بردارد ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیش‌تر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیداشدن او ناامید شود باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر احتمال دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده، باید با آن معامله مجهول المالک نماید؛ یعنی از صاحبش تفحص کند و چنانچه از پیدا کردن او مأیوس شود از طرف او به فقیر صدقه بدهد.^۳*

برخی از استفتائات مربوط به زیارت اربعین از مقام معظم رهبری علیه السلام^۴

سؤال: با توجه به مسایل روز، آیا زیارت اربعین در این برهه از زمان واجب است؟

۱. همان، ص ۲۷۲؛ مصباح‌المتبجد، ص ۵۱۱. «قال الصادق علیه السلام حرّم الحسین علیه السلام خمس فراسخ من اربعة جوانب القبر».

۲. تقریباً ۲/۵ گرم نقره می‌باشد.

۳. توضیح المسائل محشی، مساله ۲۵۸۱.

۴. پایگاه اطلاع رسانی leader.ir، احکام مناسبتی، احکام اربعین.

جواب: زیارت اربعین، مستحب است.

سؤال: حکم اخذ روادید برای زیارت اربعین چیست؟

جواب: در هر صورت، رعایت قوانین و مقررات لازم است.

سؤال: ایام زیارت اربعین نزدیک است و فرصت کافی برای گرفتن گذرنامه موجود نیست. آیا بنده می‌توانم با گذرنامه برادرم با رضایت او به زیارت اربعین بروم؟ آیا رفتن به این زیارت منع شرعی دارد؟

جواب: در هر صورت رعایت قوانین و مقررات، لازم است و تخلف از آن جایز نیست.

سؤال: دیده شده در ایام اربعین یا غیر آن، زائرین از صرافی‌های غیرمجاز اقدام به خرید ارز می‌کنند، آیا خرید از صرافی‌های غیرمجاز حرام است؟

جواب: تابع قوانین مربوط است.

سؤال: آیا سفر زیارت اربعین برای طلاب و دانشجویان در ایام تحصیلی، اشکال دارد؟

جواب: تابع قوانین و مقررات مربوط است.

سؤال: با توجه به فضای معنوی سفر و زیارت اربعین آیا بنده به‌عنوان مدیر دبیرستان می‌توانم به دانش‌آموزانی که قصد عزیمت به زیارت اربعین دارند، اجازه بدهم یا نه؟

جواب: تابع قوانین مربوط است.

سؤال: با توجه به سفارشات ائمه علیهم‌السلام و ثواب زیارت اربعین، مادر ۶۵ ساله این جانب علاقه‌مند به سفر زیارت اربعین است. اما از آن‌جا که اخیراً بیمار بوده‌اند به‌علت ضعف جسمی و به‌علت احتمال عود بیماری و سخت‌تر شدن بیماری در صورت عود آن، اطبا ایشان را از این سفر منع کرده‌اند. حکم سفر ایشان برای زیارت اربعین چیست؟

هم‌چنین مادر بزرگ این جانب نیز علاقه‌مند است ولی زانودرد دارد. آیا در صورت احتمال عقلایی تشدید درد پا این سفر جایز است؟

جواب ۱ و ۲: اگر ضرر قابل توجه برای ایشان داشته باشد، جایز نیست.

سؤال: من دانشجوی ترم آخر دانشگاهم. دوست دارم برای اربعین عازم کربلا شوم؛ مطمئناً پدرم به‌سبب شلوغ بودن در حین اربعین و برخی مسایل دیگر اجازه نمی‌دهد. آیا می‌شود بدون اطلاع خانواده حرکت کرده و در حین سفر به آن‌ها اطلاع دهم؟

جواب: اجازه گرفتن از پدر واجب نیست، ولی نباید به گونه‌ای عمل کنید که موجب ایذاء ایشان شود.

سؤال: فردی که به خویشان و یا دوستان بدهکار است آیا می‌تواند به زیارت اربعین مشرف شود؟

جواب: اگر زمان ادای قرض نرسیده و یا قرض دهنده به شما مهلت برای پرداخت قرض بدهد، اشکالی ندارد و در صورتی که زمان ادای آن رسیده و بتوانید بدهی خود را بدهید و طلبکار هم مطالبه کند، اول، قرض خود را پرداخت نمایید. و اگر مکلف به قصد ترک واجب مثل نپرداختن دینی که وقت پرداختش رسیده است به سفر برود، نمازش تمام است؛ اما اگر بدون این قصد، سفر می‌رود هر چند مستلزم ترک واجب می‌شود، نماز شکسته است.

سؤال: آیا وضوگرفتن با آب معدنی که برای زوّار اربعین نذر شده و مشخص نشده که برای خوردن است یا کار مشخص دیگر و نذر عام زوّار می‌باشد، اشکال دارد؟

جواب: در فرض سؤال جایز نیست، مگر این که بداند مالک آب، رضایت دارد.

سؤال: در اربعین حسینی در موکب‌هایی که در نجف، کربلا و مسیر حرکت زائران حسینی برپا می‌شود تعدادی از زائران به‌عنوان خدمه به‌صورت ثابت در این موکب‌ها جهت خدمت‌رسانی انجام وظیفه می‌کنند. از آن‌جا که این افراد غالباً از اقشار کم درآمد بوده و از طرفی زائر اربعین نیز محسوب می‌شوند، سؤال موکب‌داران این است که آیا می‌توان برای اعزام نیروهای خدمه بابت تهیه ویزا، هزینه رفت و برگشت آن‌ها را از نذورات مردمی که در خصوص مراسم اربعین حسینی اهدا می‌گردد تأمین کرد؟

جواب: تابع نیت اهداکنندگان است و اگر قصد آنان مطلق باشد مشکلی ندارد.

سؤال: در خصوص زیارت اربعین آیا باید روز اربعین در کربلا حضور داشت یا این که روز قبل یا بعد نیز ثواب اربعین را دارد؟

جواب: انجام زیارت سیدالشهدا علیه السلام در هر زمان، مستحب و دارای ثواب عظیم است؛ ولی ثواب زیارت زمان خاص، مختص، به انجام زیارت در همان، زمان خاص است؛ البته انجام زیارت، قبل یا بعد از آن موقع به قصد رجاء آن ثواب مخصوص، مانعی ندارد.

سؤال: مدیر کاروان پیاده اربعین حسینی هستیم، مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی می‌کنیم و

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۰۷

قبل از اربعین، وارد کربلا می‌شویم. آیا ماندن در روز اربعین برای زیارت اربعین ضروری است یا این‌که به سبب ازدحام جمعیت در کربلا می‌شود قبل از اربعین، زیارت انجام داد و روانه ایران شد؟

جواب: شرعاً اشکال ندارد، مگر عقدی بین مسئولین کاروان و افراد کاروان بسته شده باشد که روز اربعین در کربلا باشند.

سؤال: در ایام اربعین به علت ازدحام شدید، ورود به حرم حسینی علیه السلام و گاهی بین الحرمین بسیار دشوار و برای برخی ناممکن است و گاهی موجب اذیت دیگران می‌شود. در این شرایط آیا خواندن زیارت از محدوده اطراف حرم کافی است؟

جواب: در فرض مذکور، کفایت می‌کند.

سؤال: تشریف بانوان به مشاهد مشرفه در زمان عادت ماهانه چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب توقف حائض در حرم حضرات معصومین علیهم السلام یعنی زیر گنبد و رواقی که ضریح مطهر در آن واقع شده است، جایز نیست؛ ولی توقف در رواق‌ها و قسمت‌های متصل به حرم اگر مسجد نباشد، اشکال ندارد.

سؤال: آیا پوشیدن لباس مشکی تا اربعین حسینی اشکالی دارد؟ (کراهت دارد؟)

جواب: پوشیدن لباس مشکی در ایام عزاداری خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به منظور تعظیم شعائر الهی و اظهار حزن و اندوه، موجب ترتب ثواب الهی است.

توصیه‌های زمان پیاده‌روی

ویژگی مهم این سفر این است که مسیر پیاده‌روی نیز جزء سفر است و هدف، فقط رسیدن به مقصد نیست. بنابراین زائران باید از فرصت پیاده‌روی، بهترین استفاده را ببرند و برای رسیدن عجله نداشته باشند. توجه به مسایل زیر می‌تواند بر معنویت پیاده‌روی زائران بیافزاید.

- تفکر، شاید چنین فرصتی کم‌تر برای فکرکردن در زندگی برای انسان پیش بیاید. بهانه‌های زیادی برای فکرکردن در این راه وجود دارد که در قسمت سوژه‌های سخن، اشاره‌ای به آن‌ها شده است؛

- دائم‌الوضو بودن در طول پیاده‌روی؛

- خواندن اذکاری مثل: استغفرالله ربی و اتوب الیه، صلوات، لا إلهَ إِلَّا اللهُ، سبحانَ اللهُ، خواندن سورة توحید، قدر و... .
- خواندن نماز اول وقت و به صورت جماعت؛
- خواندن نوافل؛ نوافل را می توان در حال راه رفتن هم خواند، به این صورت که حرکات رکوع و سجود را با حرکات چشم انجام دهد؛
- نافله نماز صبح دو رکعت قبل از نماز صبح؛
- نافله نماز مغرب ۴ رکعت بعد از نماز مغرب؛^۱
- نافله شب ۱۱ رکعت که ۴ تا دو رکعتی به نیت نماز شب، ۲ رکعت به نیت نماز شفع و ۱ رکعت به نیت نماز وتر که بعد از حمد ۳ مرتبه، سورة توحید و یک مرتبه، سورة فلق و ناس خوانده می شود؛
- مهربانی با خادمان و قدردانی از موکب داران؛
- کمک به افراد ناتوان اعم از کودکان و افراد مسن؛
- در صورتی که گروهی حرکت می کنید، حال ضعیف ترین افراد گروه را رعایت بکنید؛
- کم بخورید و سالم بخورید؛
- کم صحبت کردن؛
- بر مسئله ملیت ها تأکید نداشته باشید، مثل غذای ایرانی، چای ایرانی، موکب ایرانی و...؛
- به مسائل اختلاف افکن پرداخته نشود، مثل قمه زنی، فرقه شیرازی و...؛
- در موکب ها رعایت حق الناس بشود و از سر و صدا و صحبت کردن با صدای بلند پرهیز شود و زائران از موکب فقط برای استراحت استفاده کنند؛
- برای خواب حتماً قبل از غروب، جایی را انتخاب کنید خصوصاً اگر خانم همراه دارید، زودتر اقدام کنید؛
- از کسانی که شما را برای پذیرایی به خانه شان دعوت می کنند استقبال کنید و دعوتشان را رد نکنید؛

۱. در سفر، نافله های ظهر و عصر و عشا ساقط است، البته خواندن نافله عشا به امید ثواب (رجاء) اشکال ندارد.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۰۹

- معمولاً بعد از ساعت ۹ شب، مسیر پیاده‌روی خلوت‌تر می‌شود و برخی از موکب‌داران برای این دسته از زائران، خدماتی ارائه می‌دهند؛
- از آن‌جاکه در شرایط حاضر هیچ‌کس پاسخ‌گوی حوادثی نظیر سرقت، زورگیری و حتی قتل که برای خارجی‌ان اتفاق می‌افتد نیست، بهتر است از تردد در بیراهه‌ها و مناطق خارج از مسیر، مخصوصاً در هنگام شب اجتناب شود؛
- در زمان خوابیدن در موکب‌ها حواستان به وسایل خود مثل کوله پشتی، گذرنامه (پاسپورت) و تلفن همراهتان باشد. مطلع باشید که در صورت مفقود یا سرقت شدن گذرنامه (پاسپورت) امکان خروج از مرز عراق و بازگشت به کشور برای شما بسیار مشکل و دردسرساز خواهد بود.
- برای جلوگیری از سرقت، از به همراه بردن پول زیاد، خودداری کنید؛ چراکه معمولاً به سبب رایگان بودن خدمات در طول این سه روز، شما هزینه‌ای نخواهید داشت. اما حمل مقدار کمی پول برای پرداخت کرایه اتومبیل و یا دیگر موارد، ضرر ندارد و بهتر است از پول ملی عراق (دینار عراقی) استفاده کنید.
- هر چند که لحظه رسیدن به کربلا به صورت پیاده لحظه فوق‌العاده‌ای است و تجربه طول مسیر باعث می‌شود خستگی از یاد انسان برود؛ اما اگر زائری به هر دلیل قادر به طی کردن راه به صورت پیاده نباشد، می‌تواند، به وسیله خودروهایی که بین راه وجود دارد، بقیه مسیر را با ماشین طی کند.
- هر چند که بهترین راه برای قرارگذاشتن با دوستان به وسیله شماره ستون‌هاست ولی از قرارگذاشتن در ستون‌های با شماره ژند پرهیز کنید. زیرا در ستون‌های با شماره‌های ژند ۱۰۰، ۲۰۰ و... ازدحام جمعیت بسیار زیاد است.

شرایط و آداب زیارت

شرایط زیارت:

بهره‌مند شدن از زیارت، متوقف بر رعایت شرایط آن است، این شرایط با استفاده از روایات عبارت است از:

۱. معرفت

معرفت به مقام امام علیه السلام مهم‌ترین شرط بهره‌مندی از زیارت می‌باشد. حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَ عَفَّرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛^۱ هر که حسین علیه السلام را با معرفت به حق و مقام او، زیارت کند، خداوند ثواب هزار حجّ پذیرفته و هزار عمره پذیرفته را برایش بنویسد و گناهان گذشته و آینده او را ببخشد».

در این روایت، شرط بهره‌مندی از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معرفت به حضرت بیان شده است. در واقع معرفت به مقام و هدف حضرت، مهم‌ترین قدم برای بهره‌مندی از زیارت خواهد بود. قطعاً بیش‌ترین استفاده را زائری خواهد داشت که معرفت بیش‌تری از امام خود داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «المعروفُ بقدر المعرفة؛^۲ خوبی‌ها به اندازه معرفت انسان است». هرچه معرفت انسان، بیش‌تر باشد بهره‌اش از امام، بیش‌تر خواهد بود. کسی که امام علیه السلام را فقط برای حلّ مشکلات دنیا می‌خواهد به همان مقدار هم از امام استفاده می‌کند. ولی کسی که مقام و جایگاه امام را بشناسد جز خود امام را از امام نخواهد خواست.

این یک قاعده ثابت و مسلم نزد عقلاست که هر کس به اندازه معرفتش از اطراف خودش بهره‌مند می‌شود. کسی که طلاشناس است وقتی کنار یک معدن طلا باشد از آن بهره می‌برد. ولی کسی که طلاشناس نباشد و ارزش طلا را نداند، بدون توجه به معدن طلا از کنار آن به راحتی عبور می‌کند! مانند بچه‌ای که چون ارزش یک چک پول با ارزش را نمی‌داند آن را با یک شکلات عوض می‌کند، چون معرفت به ارزش آن پول ندارد. کسی که امام‌شناس نباشد بهره‌اش از امامش نیز کم خواهد بود.

۲. اخلاص

اخلاص، پس از معرفت، اساسی‌ترین شرط بهره‌گیری از هر عبادت و زیارت است. اخلاص نیز مانند معرفت، مراتبی دارد که به میزان آن، زائر از برکات بی‌شمار زیارت، برخوردار می‌گردد.

۱. امالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶.

اخلاص، شرط قبولی هر عملی است. همان‌گونه که از رسول مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده است که می‌فرماید: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا - لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا»^۱ یا بن مسعود زمانی که عملی را انجام می‌دهی آن را فقط برای خدا انجام بده؛ چراکه خداوند، عمل را از بندگانش قبول نمی‌کند مگر این‌که آن عمل را خالص انجام داده باشند».

هم‌چنین در خصوص اخلاص در زیارت، این روایت نورانی از وجود مقدس نبی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هست که می‌فرماید: «مَنْ أَتَانِي بَعْدَ وَفَاتِي زَائِرًا لَا يُرِيدُ إِلَّا زِيَارَتِي فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲ کسی که بعد از وفات من به زیارت من بیاید و قصد او فقط زیارت من باشد بهشت بر او واجب می‌باشد».

آداب زیارت:

آداب، هیئت‌های زیبایی است که اعمال و رفتار آدمی بدان متّصف می‌گردد که نحوه‌ی صدور این اعمال به صفات روحی شخص بستگی دارد.^۳ درحقیقت ادب به آن ظرافت، دقت و زیبایی خاصی می‌گویند که شخص به عملش می‌دهد.

رعایت آداب در هر کاری، از جهتی سبب دست‌یافتن بهتر به هدف آن کار می‌شود و از جهتی هم عامل زیبایی و دل‌نشینی بیش‌تر آن خواهد شد. هر کاری دارای آدابی است؛ مثل آداب تجارت، آداب معاشرت، آداب کسب علم، آداب جنگ و مبارزه، آداب نماز و قرائت و ... که شناخت و مراعات آن‌ها، آن امر را موفقیت‌آمیزتر می‌سازد.

برای زیارت هم آدابی ذکر شده است که مراعات آن‌ها هم ثواب بیش‌تری دارد، هم زائر را در دستاوردهای معنوی زیارت، کامیاب‌تر می‌سازد و هم تربیت‌کننده و مایه‌ی ارتباط روحی بهتر است. این آداب، برخی ظاهری و برخی باطنی است. در کتب حدیث هم عنوان آداب ظاهری و آداب باطنی برای برخی از اعمال و سنن، مطرح شده است. بی‌شک رابطه‌ای دوطرفه بین آداب ظاهری و باطنی برقرار است و هرکدام بر دیگری تأثیرگذارند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱.

۳. المیزان، ج ۶، ص ۲۵۵.

زائر در این سفر، توفیق زیارت شش امام واجب‌الاطاعة و تعدادی از امامزادگان واجب‌التعظیم را خواهد داشت و لازم است آداب تشرّف به قبور این انوار مقدّسه را بداند.

آداب باطنی

آدابی که در روح و باطن اثر گذاشته و رغبت درونی زائر را فراهم می‌کنند. این آداب عبارت‌اند از:

حضور قلب و تسلّی

برخی از حالات درونی که در روایات نسبت به زیارت امام حسین علیه السلام ذکر شده برای زائر، محقّق نمی‌شود مگر با حضور قلب و توجّه به مقام و جایگاه امام علیه السلام و زیارت. عارف کامل، مرحوم حسنعلی نخودکی در بیانی می‌فرماید: «هرگاه قصد زیارت دارید، باید چنین فرض کنید که آن حضرت، حیات ظاهری دارند و در ضریح نشسته‌اند؛ پس با کمال ادب مشغول سلام شوید. این که در روایات آمده است که در حرم معصومین علیهم السلام صدتکبیر بگویید، مراد آن نیست که صرفاً وردی گفته شود؛ بلکه منظور آن است که معنا و مفهوم آن فهمیده شود؛ بلکه بالاتر از آن، زائر باید در اثر ذکر، عظمت خدا را در ذهن تجسّم کند و بداند که کجا می‌رود و چه می‌کند؛ زیرا این حضرات همگی مظهر صفات الله هستند و اگر این مقام در او نیست، [یعنی اگر مقام درک این حقیقت در زائر نیست] باید لااقل ظاهر را درست کند [و در ظاهر متوجّه مقام امام علیه السلام باشد].^۱

اشتیاق

شوق و رغبت، ریشه در محبّت و معرفت زائر دارد. هر چه معرفت انسان نسبت به سیدالشهدا علیه السلام بیش تر شود، محبّت به او افزون تر می‌گردد و اشتیاق بیش تری به زیارت او پیدا می‌کند.

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَيَعْرِضُ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ كَانَ لَنَا مُحِبًّا فَلْيُرْعَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام. فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام زَوَّارًا،

۱. نشان از بی‌نشان‌ها، علی مقدادی اصفهانی، ج ۲، ص ۵۰۹.

عَرَفْنَاہُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زَوَّارًا، كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ؛^۱ کسی که می‌خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حبّ و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن است و کسی که محب و دوست‌دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السلام راغب باشد، بنابراین شخصی که زائر امام حسین علیه السلام باشد، ما او را محبّ خود می‌دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوّار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نباشد ناقص الایمان است».

حزن

روایات بسیاری تأکید بر این دارند که حالت درونی زائر امام حسین علیه السلام باید همراه با حزن و ناراحتی باشد.

در شماری از روایات، تأکید شده که زائر امام حسین علیه السلام باید با قلبی اندوهناک و چهره‌ای ژولیده و غبارآلود که نشانه افراد مصیبت‌زده است، او را زیارت کند. این ادب درحقیقت، حاصل معرفت و محبت است. کسی که امام علیه السلام را می‌شناسد و نسبت به او احساس محبت می‌کند، طبعاً هنگامی که به دیدار او می‌رود و صحنه شهادت او را در نظر مجسم می‌کند در هاله‌ای از غم، فرو می‌رود و آثار اندوه بر چهره‌اش پدیدار می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا زُرْتَ الْحُسَيْنَ علیه السلام فَزُرْهُ وَ أَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ أَشَعْتُ مُعْبَرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ وَ اسْأَلُهُ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا؛^۲ هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی او را زیارت کن درحالی که محزون و مکروب و ژولیده موی و غبارآلود و گرسنه و تشنه لب باشی و از اباعبدالله علیه السلام حوائج را بخواه و برگرد و کربلا را وطن خود مگیر».

تضرّع

تضرّع، خواری و ذلّت است. حالت درونی زائر در برابر امام، باید تواضع درونی و قلبی باشد. نه تنها در ظاهر باید با حالت خشوع و افتادگی به زیارت برود بلکه قلباً و حقیقتاً نیز باید این حالت را نسبت به امام علیه السلام داشته باشد. این حالت از معرفت و محبت به یک مقام در دل

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۹۳.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶.

ایجاد می‌شود. تأثیر عظمت او در قلب، حالتی پدید می‌آورد که رعایت احترام در ظاهر را در پی خواهد داشت. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: یکی از چیزهایی که بر زائر امام حسین علیه السلام لازم است، خشوع هنگام زیارت است. (يَلْزِمُكَ الْخُشُوعُ وَ...) ^۱ در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام می‌خوانیم «وَارْحَمَ ... تَصَرُّعِي؛^۲ خدایا به افتادگی و ذلّت من رحم کن». در روایتی، رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِذَا ضَرَعَ الْقَلْبَ حَشَعَتِ الْجَوَارِحُ؛^۳ هرگاه دل متأثر شود اعضای بدن فرمانبردار و خاشع می‌شود».

خشوع همان حالت تواضع و فروتنی است که در رفتار زائر باید وجود داشته باشد، حتی نوع ایستادن، نشستن، نگاه‌کردن، سخن‌گفتن، وارد و خارج شدن، همه، تحت‌تأثیر این حالت است. تضرّع قلب، خشوع و خضوع اعضا و جوارح را پدید می‌آورد.

آداب ظاهری زیارت

اهمیت این آداب، هرچند به اندازه اهمیت آداب باطنی نیست؛ لیکن رعایت آن‌ها زمینه‌ساز تحقق شماری از آداب باطنی و کمال بهره‌برداری از برکات آن‌هاست. مهم‌ترین این آداب، از این قرار است.

۱. غسل

برای حضور در حرم‌ها، زائر باید پاک باشد، هم پاکی ظاهری، هم درونی. غسل زیارت از آن‌جا که به‌عنوان یک عمل عبادی انجام می‌گیرد، علاوه بر طهارت جسم، طهارت روح و روان

۱. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ إِذَا حَرَجْنَا إِلَى أَبِيكَ أَفَكُنَّا أَمْ فَلَسْنَا فِي حَجِّ قَالَ بَلَى قُلْتُ فَيَلْزِمُنَا مَا يَلْزِمُ الْحَاجَّ قَالَ مِنْ مَا دَا قُلْتُ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْزِمُ الْحَاجَّ قَالَ يَلْزِمُكَ حُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ يَصْحَبُكَ وَ يَلْزِمُكَ قَلَّةُ الْكَلَامِ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ يَلْزِمُكَ كَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ وَ يَلْزِمُكَ نَظَافَةُ الثِّيَابِ وَ يَلْزِمُكَ الْعُسْلُ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ الْحَائِرَ وَ يَلْزِمُكَ الْخُشُوعُ وَ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَلْزِمُكَ التَّوَقُّيرُ لِأَخِيذِ مَا لَيْسَ لَكَ وَ يَلْزِمُكَ أَنْ تَعْصُ بَصْرَكَ وَ يَلْزِمُكَ أَنْ تَعُودَ إِلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ إِخْوَانِكَ إِذَا رَأَيْتَ مُنْقَطِعاً وَ الْمُوَاسَاةَ وَ يَلْزِمُكَ التَّقِيَّةَ الَّتِي قَوَامُ دِينِكَ بِهَا وَ الْوَرَعَ عَمَّا نَهَيْتَ عَنْهُ وَ الْخُصُومَةَ وَ كَثْرَةَ الْإِيمَانِ وَ الْجِدَالَ الَّذِي فِيهِ الْإِيمَانُ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ تَمَّ حَجُّكَ وَ غُمْرَتُكَ وَ اسْتَوْجِبْتَ مِنَ الَّذِي طَلَبْتَ مَا عِنْدَهُ بِتَفْقِيَّتِكَ وَ اغْتِرَابِكَ عَنْ أَهْلِكَ وَ رَغْبَتِكَ فِيمَا رَغِبْتَ أَنْ تَنْصَرِفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ». (کامل‌الزیارات، ص ۱۳۱).

۲. همان، ۲۳۶.

۳. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۱۲۵.

را هم در پی دارد. انجام غسل هم قبل از آغاز سفر زیارتی و هنگام بیرون رفتن از خانه، مستحب است و هم قبل از تشرّف به حرّمهای مطهّر معصومان علیهم‌السلام.

از آداب زیارت همه معصومین علیهم‌السلام این است که با غسل به زیارت آنها برویم و در صورتی که امکان غسل کردن نیست با وضو در محضر آنها حاضر شویم.

و در خصوص زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام غسل در فرات، سفارش شده است و از آنجایی که آب لوله کشی کربلا از آب فرات است، نیاز نیست زائرین برای غسل در فرات، خودشان را به زحمت بیندازند.

چه بسا در ایام اربعین، امکان غسل، اصلاً فراهم نباشد که در این صورت باید به وضو اکتفا کرد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که به زیارت حسین بن علی علیه‌السلام برود و وضو گرفته و در فرات غسل نماید، قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی‌گذارد مگر آن که حق تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می‌فرماید.^۱

ایشان در روایت دیگری می‌فرمایند: وقتی نزدیک آن حضرت (یعنی حضرت امام حسین علیه‌السلام) شدی، اگر به آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضو بگیر و سپس به زیارت حضرت برو.^۲

۲. پوشیدن لباس طاهر

پوشیدن لباس طاهر برای زیارت امام حسین علیه‌السلام مورد تأکید است. نباید بر لباس، اثری از نجاست و آلودگی باشد. در زیارت امام حسین علیه‌السلام سفارش شده که با لباس غبارآلود به حرم بروید ولی همان لباس غبارآلود، نباید نجس باشد.

قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: «إِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاعْتَسِلْ ثُمَّ الْبَسْ أَتْوَابِكَ الطَّاهِرَةَ [تَوَيْبِكَ الطَّاهِرِينَ] ثُمَّ تَمَرُّ يَأْرَاءِ الْقُبْرِ»^۳ وقتی به فرات رسیدی غسل کن سپس لباس‌های طاهر بپوش سپس به سمت قبر (برای زیارت) برو.»

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع فَتَوَضَّأَ وَاعْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَ لَمْ يَضَعْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً». (کامل الزیارات، ص ۱۸۶).

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ إِذَا كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَعْنِي الْحُسَيْنَ علیه‌السلام فَإِنْ أَصَبْتَ غُسْلًا فَاعْتَسِلْ وَ إِلَّا فَتَوَضَّأْ ثُمَّ انْتِهِ». (کامل الزیارات، ص ۱۸۸).

۳. کامل الزیارات، ص ۱۲۶.

۳. استفاده نکردن از زینت در زیارت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، او را زیارت کن در حالی که محزون و مکروب و ژولیده موی و غبارآلود و گرسنه و تشنه لب باشی و از اباعبدالله علیه السلام حوائج را بخواه و برگرد و کربلا را وطن خود مگیر.^۱

این ادب، مخصوص زیارت قبر اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد، اما درباره بقیه ائمه علیهم السلام سفارش شده است که در زیارت از بوی خوش و زینت استفاده کنید. «هرگاه به زیارت مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتی، غسل زیارت کن، پاکیزه ترین جامه هایت را بپوش، بوی خوش و عطریات استعمال کن...».

۴. سکوت

در هیاهو و شلوغی قطعاً توجه زائر برای زیارت کم تر خواهد بود، بنابراین شایسته است زائر جهت استفاده بقیه زوار از فضای معنوی، اعمالش را با سکوت و حضور قلب انجام دهد. در حدیثی امام صادق علیه السلام توصیه کرده اند که هنگام زیارت سیدالشهدا علیهم السلام زائر برای تأسی به فرشتگان حاضر در حرم مطهر آن امام علیه السلام شایسته است که سکوت را مراعات کند و جز خیر و نیکی، بر زبان جاری نسازد.

ظاهراً مقصود از «خیر» در این روایت، خواندن زیارتنامه و نماز و دعا و ذکر و مانند آن است.^۲

صحبت های بلند بلند هم، علاوه بر این که خلاف ادب در محضر ولی خداست، برای دیگران نیز مزاحمت و حواس پرتی می آورد. مستند این نکته، به گفته بعضی از علما آیه شریفه «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ»^۳ است؛ یعنی «صداهايتان را از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله بلندتر نکنید». رعایت این نکته یک ادب اجتماعی و معاشرتی است؛ حتی نه حرف های عادی، بلکه

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا زُرْتَ الْحُسَيْنَ علیه السلام فَزُرْهُ وَأَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ أَشَعْتُ مُعَبَّرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ وَاسْأَلُهُ الْخَوَائِجَ وَانْصَرِفْ وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطْناً» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶).

۲ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا زُرْتُمْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَالزُّمُوا الصَّمْتَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَإِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ - تَخْضُرُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ بِالْحَائِرِ فَتُصَافِحُهُمْ فَلَا يَجِيبُونََهَا مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ». (کامل الزیارات، ص ۸۶).

۳. الحجرات / ۲.

زیارت‌نامه را هم بلندبلند خواندن، به نحوی که تمرکز روحی و حضور قلبی دیگران را به هم بزند، مناسب نیست.

آنچه در این اماکن مطلوب است، آرامش و فضای آرام است تا برای پیدایش حضور قلب و روح عبادت و زیارت، مؤثر باشد. سر و صداهای بسیار یا صلوات و زیارت بلندبلند، مخّل این حالت است و رشته پیوند و اتصال زائران دیگر را از هم می‌گسلد.

۵. آرامش و وقار

آرامش و وقار ظاهری، نشانه طمأنینه درونی است. رفتار شتاب‌زده هم گویای باطن آشفته و نابسامان است. در توصیه‌ای مربوط به زیارت آمده است که با آرامش و وقار^۱ راه بروید، قدم‌ها را کوچک بردارید، حالت طمأنینه داشته باشید، با پای برهنه و حالت ذکر و تسبیح و تکبیر، وارد حرم و مزار شوید^۲.

این‌ها جهات شکلی و آداب ظاهری است که در باطن و درون زائر هم اثر می‌گذارد و رعایت این ادب، موجب تقویت حضور قلب در زائر می‌شود.

۶. تسبیح و تکبیرگفتن:

از آدابی که برای زیارت مرقد‌های مطهر بیان شده، گفتن تکبیر و تهلیل هنگام تشرّف است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^۳ [این نور] در خانه‌هایی است که خدا اذن داده [شان و منزلت و قدر و عظمت آن‌ها] رفعت یابند و نامش در آن‌ها ذکر شود، همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند. یاد خدا و حمد و ستایش او و ذکر توحید و تسبیح و تنزیه، هم توجه‌دادن به عظمت خداوند است؛ چراکه عظمت چنین شخصیت‌هایی در عبودیت و تواضع در پیشگاه خداست، هم نوعی تعدیل نگاه و توجه انسان زائر است تا درباره این پیشوایان الهی، دچار غلو نشود و نسبت‌های غلوآمیز ندهد و محوریت توحید در همه مسایل حفظ شود؛ مثلاً در زیارت امام حسین علیه السلام روایت شده که قبل از زیارت و در بدو ورود، حتی وقتی به فرات می‌رسد تا غسل زیارت کند،

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۲۶.

۲. تهذیب‌الأحكام، شیخ طوسی ج ۶، ص ۹۵؛ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۱۳.

۳. النور / ۳۶.

صدمرتبه الله اكبر، صدمرتبه لا اله الا الله و صدمرتبه صلوات بگويد. نیز در روایت است: هنگام زیارت وقتی مقابل قبر امام معصوم علیه السلام قرار گرفت، بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له»، ثواب بسیار برای او نوشته می شود.^۱

«إِذَا أَتَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَاعْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ حَافِيًا فَإِنَّكَ فِي حَرَمٍ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ عَلَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّمْجِيدِ وَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتَّى تَصِيرَ إِلَى بَابِ الْحَائِرِ [الْحُسَيْنِ علیه السلام] ثُمَّ قُلِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ».^۲

۷. اجازه ورود خواستن

خواندن «اذن دخول» هنگام زیارت، یکی دیگر از آداب است. این اقتضای ادب است که بی اجازه وارد حریم حرم نشویم و با خواندن اذن ورود، هم ادای احترام کنیم، هم دل را آماده‌تر سازیم. شهید اول در این باره می فرماید: زائر، بر درگاه حرم بایستد، دعا کند و اذن بطلبد و اگر در دل خود خشوعی احساس کرد و رقت قلب حاصل شد، وارد شود. وگرنه بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند تا رقت قلب و خشوع حاصل شود.

در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمته الله به نقل از شیخ کفعمی می فرماید: هنگام زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و هر یک از معصومان علیهم السلام این گونه اذن دخول بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابِ مَنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ علیهم السلام أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْقُونَ يَرْوُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يُرَدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْتَ حَاجِبْتَنِي عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِهِ لَذِيذِ مَنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صلی الله علیه و آله ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْرُوضَ [الْمُفْتَرَضَ] عَلَى طَاعَتِهِ فَلَانَ بَنَ فُلَانٍ (و به جای «فلان بن فلان؛ آن امام را که می خواهد زیارت کند و پدرش را نام ببرد، مثلا اگر زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید، الحسين بن

۱. کامل الزیارات، ص ۱۹۸: «امش حافياً و عليك السكينة و الوقار بالتكبير و التهليل...»

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۳۲.

علی، و اگر زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید: علی بن موسی الرضا علیه السلام همچنین امامان دیگر). سپس بگوید: «و الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثاً أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَخِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ؛ خدایا بر دری از درهای خانه‌های پیامبرت، (درود تو بر او و خاندانش) ایستاده‌ام، تو مردم را از اینکه بدون اجازه‌اش وارد شوند منع کرده‌ای، در قرآن فرمودی: ای آنان که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر وارد نشوید، مگر به شما اجازه دهند. خدایا من حرمت صاحب این زیارتگاه شریف را در غیابش مانند حضورش، باور دارم و می‌دانم که رسالت و جانشینان (درود بر آنان باد) همواره زنده‌اند و نزد تو روزی داده می‌شوند، محل ایستادنم را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و به سلامم پاسخ می‌دهند، ولی تو گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب کرده‌ای و فهم مرا به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده‌ای، من از تو ای پروردگارم اجازه می‌خواهم اولاً و از پیامبرت اذن می‌خواهم ثانیاً و از خلیفه‌ات امامی که اطاعتش را بر من واجب کرده‌ای اجازه می‌خواهم و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک ثالثاً، آیا وارد شوم ای رسول خدا! آیا وارد شوم ای حجت خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرب خدا، که در این زیارتگاه اقامت دارید، پس مرا برای وارد شدن ای مولایم اجازه ده، به بهترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانت داده‌ای، چنانچه من لایق آن اجازه نیستم ولی تو لایق آنی».

حرم امام علیه السلام، در واقع، خانه خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. از این رو، وارد شدن به آن بدون اجازه، شایسته نیست. لذا ادب، ایجاب می‌کند که پیش از ورود به آن از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، اذن دخول، گرفته شود. درباره تأثیر خواندن اذن دخول، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «فَإِنْ خَشَعَ قَلْبُكَ وَ دَمِعَتْ عَيْنُكَ، فَهُوَ عَلَامَةٌ الْإِذْنِ؛ فَادْخُلْ؛ پس اگر دلت خاشع (تسلیم) و اشکت سرازیر شد، نشانه صادر شدن اذن است. پس داخل شو».

داشتن حالت خشوع و تضرع، هنگام ورود به کربلای حسین علیه السلام نشانه پذیرش امام و اذن اوست. اگر چنین حالی به زائر دست داد، خوشا به حالش! در غیر این صورت، شایسته است که به حال اضطرار، قدری توقف کند، شاید که مشمول عنایت‌های آن بزرگوار شود.

قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤَدِّنَ لَكُمْ^۱؛ «ای اهل ایمان! به خانه‌های پیامبر ﷺ وارد نشوید مگر آن‌که به شما اذن دهند».

۸. پیش گذاشتن پای راست

مقدم داشتن پای راست، ادب ورود به مکان‌های مقدّس است و در خصوص ورود به حرم سیّدالشّهید علیه السلام در روایت صفوان از امام صادق علیه السلام به این ادب، تصریح شده است.^۲

۹. حضور در کنار قبر و بوسیدن ضریح

ادب دیگر در زیارت، که نشانه محبّت و ارادت بیش‌تر است، نزدیک شدن به قبر، دست نهادن به آن، بوسیدن و ابراز اشتیاق است. داستان زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری و عطیه بن سعد عوفی گواه این زیارت عاشقانه است که دست روی قبر سیّدالشّهید علیه السلام نهاد و بر او درود و سلام داد.

مرحوم شیخ عبّاس قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان، ضمن بحث از آداب زیارت به این نکته اشاره می‌کند که برخی می‌پندارند رعایت ادب به حریم امامت، به آن است که زائر هر چه دورتر بایستد و به قبر و ضریح نزدیک نشود. ایشان، این را وهم و اشتباه می‌دانند و تأکید می‌کنند که نزدیک شدن به قبر و ضریح و بوسیدن آن یکی از آداب است.

در برخی توصیه‌ها آداب بوسیدن قبر را از آداب مهمّ زیارت دانسته‌اند و به آن اهمیّت فراوانی داده‌اند. به عنوان نمونه، سیّد بن طاووس درباره زیارت ابالحسن امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «ثُمَّ قَبْلَ الْعُتْبَةِ وَ قَدَّمَ رِجْلَكَ الْيَمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى».^۳ و همین عبارت درباره زیارت امام حسن عسکری علیه السلام نیز ذکر شده است.^۴

البته رعایت این ادب و استحباب وقتی است که ازدحام جمعیت نباشد و عمل به آن مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد و فشار نیابد یا حال معنوی زائر را به هم نزنند. چه بسا یک

۱. الاحزاب / ۵۳.

۲. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۴؛ دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱۱، ص ۱۶۷. «ثم قبل العتبه و قدم رجلک الیمنی قبل اُسیری».

۳. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۵.

۴. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۳، باب ۴، زیاراته صلوات الله علیه.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۲۱

کار مستحب، در شرایطی تبدیل به امر غیرمطلوب می‌گردد؛ مثل بوسیدن حجرالاسود که در شرایط خلوت و عادی بسیار پسندیده است، ولی در ازدحام جمعیت بوسیدن یا لمس آن به قیمت له کردن دیگران یا اذیت و آزار، روا نیست. در شرایط ازدحام خصوصاً در ایام اربعین سیدالشهدا علیه السلام بهتر است که انسان، کناری بایستد و با فاصله و حالت آرامش خود و راحتی دیگران، زیارتنامه را بخواند و این تصوّر عوامانه را که اگر دست به ضریح نرسد، زیارت قبول نیست از ذهن خود بیرون کند.

کسی که کنار ضریح می‌رود و لمس می‌کند یا بوسه بر آن می‌زند، خوب است که توقّف نکند و فرصت و امکانی به دیگران نیز بدهد که به این فیض برسند و استفاده از ضریح را حق اختصاصی خویش نشمارد.

بوسیدن ضریح، نوعی ابراز عشق و علاقه به صاحب قبر است. بوسه بر درگاه و درها و دیوارها و ضریح و سنگ قبر، به سبب انتساب این‌ها به آن چهره‌های محبوب است و گرنه سنگ و چوب و آهن، خود به خود قداستی ندارند.

۱۰. پرهیز از حرف‌های بیهوده و کارهای لغو

ادب دیگر در تشرّف به حرم‌های مطهّر، پرهیز از هر کاری است که مغایر با ادب حضور است؛ از جمله کلمات لغو و حرف‌های بیهوده و حرکات سبک و ناپسند و دور از شأن زیارتگاه. محدّث قمی در مفاتیح الجنان می‌گوید: «ترک نمودن سخنان ناشایست و کلمات لغو و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم است و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است، خصوصاً در این بقاع مطهّره».^۱

هدف از زیارت، بهره‌وری از فیض‌های معنوی است. پرداختن به سخنان و کارهای لغو، مانع آن فیضها می‌شود و چه بسا، اوقات کسی در داخل حرم‌ها به چنین حرف‌ها و کارهایی سر می‌شود و از مانده معنوی گشوده در آن ضیافت‌خانه‌های آسمانی بی‌بهره بماند. به علاوه، این‌گونه حرف‌ها و حرکات و رفتارها، توجّه و حضور قلب زائران دیگر را بر هم می‌زند و بیهوده‌گوی غافل، هم خودش محروم می‌ماند، هم مانع بهره‌وری روحی دیگران می‌شود.

۱. مفاتیح الجنان، آداب زیارت.

۱۱. خواندن زیارت مأثوره

تأکید بر آن است که در زیارت‌ها، بیش‌تر از متون زیارتی نقل شده از ائمه معصومین علیهم‌السلام استفاده شود که به آن‌گونه دعاها و زیارت‌های مستند، مأثوره گفته می‌شود. زیارت اربعین، زیارت جامعه کبیره، زیارت امین‌الله، زیارت حضرت معصومه علیها‌السلام و بسیاری از زیارتنامه‌ها از ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل شده و کلام امام است. خواندن این‌ها بهتر از متون زیارتی دیگر است. مضامینی هم که در این‌گونه زیارتنامه‌ها است، متعالی‌تر است زیرا از زبان اولیای الهی، تراویده است.

۱۲. دعا و تلاوت و عبادت کنار قبر

نماز در برخی مکان‌ها فضیلت و ثواب بیش‌تری دارد، یکی از این مکان‌ها، حرم‌های مطهر معصومان علیهم‌السلام است. غیر از اصل نماز خواندن که مطلوب است، خواندن نماز و اهدای آن به روح امام علیه‌السلام یا شخصیتی که مورد زیارت است، فضیلت دارد و به آن نماز زیارت گفته می‌شود که دو رکعت، گاهی هم چهار رکعت یا شش رکعت (دو رکعت دو رکعت) است و اغلب توصیه شده، پس از زیارت خوانده شود و بعد از آن نماز، حاجتها را از خدا بطلبند.

به هر حال، خواندن نماز و دعا در حرم‌های مطهر، پس از زیارتنامه مطلوب است. در روایات متعددی آمده است که پس از زیارت و نماز، دست به دعا بردار و هر چه می‌خواهی، از خداوند بطلب. امام هادی علیه‌السلام فرمود:

«إِنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرِّضَا بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ وَ لِيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَ لِيَسْأَلَ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ، فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَاثِمًا أَوْ قَطِيعَةً رَحِمٍ...»^۱

هر کس به درگاه خدا حاجتی دارد، قبر جدّم حضرت رضا علیه‌السلام را در طوس زیارت کند؛ درحالی‌که غسل کرده باشد، بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش، حاجتش را از خدا بخواهد، خداوند اجابت می‌کند، تا وقتی که خواسته‌اش گناه یا قطع رحم (نفرین به خویشاوندان) نباشد.

امام باقر علیه‌السلام هم درباره زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و دعا در حرم ایشان می‌فرماید: «مَا مِنْ

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۲۳

آتِ أَنَاةٍ يُصَلِّيْ عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَّتَهُ إِلَّا قَضَاهَا؛^۱ هیچ کس نیست که کنار قبر آن حضرت برود و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند و از خداوند حاجتش را بطلبد، مگر آن که خداوند آن را برآورد».

دعا در قبور مطهر ائمه اطهار علیهم‌السلام مقبولیت و ثواب بیش‌تری دارد. نماز فریضه و مستحب هم در حرم‌ها از فضیلت بسیاری برخوردار است. امام باقر علیه‌السلام به شخصی فرمود: چه مانع دارد که هر وقت حاجتی داشتی، نزد قبر حسین بن علی علیه‌السلام بروی و چهار رکعت نماز بخوانی و حاجت خود را از خدا بخواهی؟ سپس اضافه فرمود: نماز فریضه در کنار قبر او برابر است با حج و نماز نافله معادل عمره است.^۲

شیخ عباس قمی رحمته‌الله از قول سید بن طاووس می‌فرماید: «اگر به زیارت امام حسین علیه‌السلام مشرف شدی، جدّ و جهد کن که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حائر شریف حسینی که ثواب بسیار دارد».^۳

بسیاری از اهل دل و مجاوران اعتاب مقدّسه، مقید بوده‌اند که هر سه وعده نماز خویش را در حرم‌های مطهر بخوانند، به‌خصوص در حرم سیدالشهدا علیه‌السلام که هم نماز، ثواب بیش‌تری دارد و هم دعا در زیر قبة حرم آن شهید، مستجاب است. محدّث قمی می‌نویسد: «بدان که عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین علیه‌السلام دعاست؛ زیرا اجابت دعا تحت آن قبة سامیه، یکی از چیزهایی است که در عوض شهادت، حق تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته و در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجت کوتاهی نکند و در طیّ زیارات آن حضرت، ادعیه بسیاری با مضامین عالیه وارد شده است. بهتر آن است که از دعاهای صحیفه کامله آن چه تواند بخواند که بهترین دعاهاست».^۴

متن دعاهایی که از ائمه علیهم‌السلام پس از زیارت، نقل شده، بسیار است. کافی است کتاب‌های دعا و زیارات را مطالعه کنید و با این دعاهای گوناگون و ژرف و زیبا که پس از

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۵۱.

۳. مفاتیح الجنان، آداب زیارت امام حسین علیه‌السلام.

۴. مفاتیح الجنان، آداب زیارت امام حسین علیه‌السلام.

زیارت پیامبر ﷺ، ائمهٔ بقیع ﷺ، امام حسین ﷺ، روز غدیر، زیارت امام رضا ﷺ و ... توصیه شده، آشنا شوید.

تلاوت قرآن در حرم‌های مطهر نیز از جمله کارهای با فضیلت است. خواندن قرآن، هم برای بهره‌بردن خود انسان می‌تواند باشد، هم برای اهدای ثواب آن به روح پیامبر ﷺ یا امام مورد زیارت یا هدیه به ارواح مؤمنان و درگذشتگان. و چه خوب که تلاوت قرآن نیز همراه با تدبیر و تأمل باشد تا انس با کلام الهی در اماکن مقدّس، تأثیر معنوی بیش‌تری داشته باشد.

۱۳. تکریم خادمان

خادمان حرم‌ها، با سرمایهٔ عشق و محبت در آستان اهل بیت ﷺ خدمت می‌کنند و انتظار می‌رود که برخوردشان با زوّار، بر اساس محبت و دلسوزی و راهنمایی باشد. در مقابل این خدمات و حسن خلق، زائران نیز، برخورد کرامت‌آمیز و همراه با احترام و ادب و همکاری با خدمتگذاران آستان اولیای خدا داشته باشند و مسئولان، مأمور نظافت و شستشو و انتظامات، پذیرایی‌کنندگان، نگهبانان، کفشداری‌ها، امانت‌داران، راهنمایی‌کنندگان و خدّام رسمی و افتخاری و هر کس را که به نوعی افتخار خدمت دارد، تکریم کنند و از احسان و نیکی متناسب با شأن آنان دریغ نوززند.

این تکریم، ناشی از مقام و منزلت خدمتگذاری در این حرم‌های شریف است. خادمان علاوه بر تحمّل رنج‌ها و زحمت‌ها که تکریمشان را لازم می‌کند، خود نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. سیرهٔ علما و بزرگان در خدمت به زوّار نشان می‌دهد خادمان نزد ایشان منزلت و جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و خود نیز در هر فرصتی برای خدمتگذاری اقدام می‌کردند. در زندگانی امام خمینی ﷺ نمونه‌ای از این خدمتگذاری‌ها دیده می‌شود

«یکی از علما نقل می‌کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام و چند تن از روحانیان به مشهد مُشرف شدیم، در مشهد برنامه‌مان چنین بود که بعد از ظهرها پس از کمی استراحت، به‌طور دسته جمعی به حرم می‌رفتیم و بعد از زیارت و نماز و دعا به خانه برمی‌گشتیم. ما می‌دیدیم که امام ﷺ دعا را خیلی مختصر می‌خواندند و تنها به منزل برمی‌گشتند و ایوان منزل را آب و جارو می‌کردند، فرش پهن می‌کردند، سماور را روشن می‌کردند و چایی را آماده می‌کردند. وقتی ما از حرم برمی‌گشتیم برایمان چای می‌ریختند. یک روز من از ایشان سؤال کردم این چه کاری است

که شما می‌کنید؟ حضرت امام علیه السلام فرمودند: من ثواب این کار را کم‌تر از آن زیارت و دعا نمی‌دانم.^۱

۱۴. زیارت وداع و خداحافظی

از آداب زیارت، وداع در آخرین روز یا آخرین لحظات است. برای زائری که ایامی در جوار یک مرقد مقدّس به‌سر برده و بارها به زیارت، مشرف شده است، دل‌کندن از شهر محبوب، دشوار است. حسّ و حال زائر، هنگام وداع، باید به‌گونه‌ای باشد که دستاوردهای نفیسی از این زیارت برداشته و حال او بهتر از گذشته شده باشد و با انسی که به حرم و صاحب حرم پیدا کرده، وداع برایش مشکل باشد. ولی به هر حال خداحافظی هنگام برگشت، جزء آداب مسافرت و زیارت است و نشانه احترام به صاحب‌خانه و صاحب مرقد است. امام صادق علیه السلام درباره زیارت خانه خدا فرموده است: «إِذَا فَرَعْتَ مِنْ نُسُكِكَ فَارْجِعْ، فَإِنَّهُ أَشْوَقُ لَكَ إِلَى الرَّجُوعِ؛^۲ وقتی از اعمال و عبادت‌های فارغ شدی، برگرد، تا شوق دوباره آمدن را در تو بیش‌تر کند».

دو دوست قدر شناسند حق محبت را که مدّتی بیریدند و باز پیوستند. ادب، اقتضا دارد که زائر پس از اتمام ایام زیارت، برای خداحافظی به حرم، مشرف شود و ضمن سپاس، آرزوی خود را برای بازگشت دوباره اعلام کند و از خدا بخواهد.

از خواسته‌های زائر هنگام وداع، این است که آخرین زیارت نباشد و دوباره برگردد؛ مثلاً در زیارت وداع قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه دیگر آمده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ...»، یا «اسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ» یا «لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ» یا «جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبُورِكُمْ وَاتِيَانِ مَشَاهِدِكُمْ» یا «رِزْقِي الْعَوْدُ ثُمَّ الْعَوْدُ ثُمَّ الْعَوْدُ مَا أَبْقَانِي رَبِّي»^۳ و ... که همه حاکی از این درخواست است که آخرین نوبت زیارت نباشد، بازهم قسمت شود، آخرین سلام نباشد، برگشت همراه با سلامتی و بهره و فضل و کامیابی و رضایت‌مندی باشد.^۴

برخی از مردم تصوّر می‌کنند که اگر با امام وداع کنند دیگر قسمتشان نمی‌شود به زیارت آن

۱. در رثای نور، حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی، ص ۱۳.

۲. الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، ص ۲۴۸.

۳. مفاتیح الجنان، اواخر مفاتیح، زیارت وداع، نیز در وداع ائمه بقیع علیهم السلام، وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم.

۴. تلخیص از مقاله آداب زیارت، جواد محدثی، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۱.

امام بروند. درحالی که چنین تصویری هیچ پایه و اساس روایی و دینی ندارد و از ساخته‌های ذهن خود مردم است. این که زیارت وداع برای تمام ائمه علیهم‌السلام و حتی خانه خدا نیز وجود دارد، نشان‌دهنده اهمیت این ادب، برای زائر است.

خداحافظی از یک شخصیت محبوب، هنگام پایان دیدار و ترک حضور نیز یکی از آداب دیدار و نشانه‌های حرمت نهادن به طرف مقابل است. مهمان اگر بدون خداحافظی از میزبان خود و تقدیر و تشکر از پذیرایی و ضیافت او، خانه میزبان یا مجلس مهمانی را ترک کند، کم توجهی و بی ادبی به شمار می‌رود. لحظه‌ای که برای زائر به میزان محبت و عشقش به امام سخت خواهد بود و البته همراه با لحظه‌های ناب معنوی.

بگذار تا بگیریم، چون ابر در بهاران
 هر کس شراب فرقت، روزی چشیده باشد
 کز سنگ ناله خیزد، روز وداع یاران
 داند که سخت باشد، قطع امیدواران
 با ساربان بگویند، احوال آب چشمم
 تا بر شتر نبندد، محمل به روز باران^۱

بهداشت و سلامت سفر اربعین

از مسایل مهم در این سفر رعایت مسایل بهداشتی است؛ زیرا حال خوش زیارت برای زائر به سلامت جسمانی او بستگی دارد. از طرفی هم زائر بیمار زحمتی برای بقیه همسفران و باعث محرومیت‌هایی برای آن‌ها نیز خواهد بود.

پیش از سفر

- پیاده‌روی منظم، چند روز قبل از سفر، کمک می‌کند تا زائر به پیاده‌روی‌های طولانی عادت کند.

- زائرانی که مبتلا به بیماری مزمن از قبیل صرع، دیابت، فشارخون و ... هستند، حتماً پزشک معالج خود را در جریان قرار دهند. این زائران باید سوابق پزشکی خود را به‌طور کامل همراه داشته باشند.

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۲۷

- لازم است به موقع جهت تزریق واکسن مننژیت اقدام شود و حداًقل ده روز قبل از سفر تزریق شود تا مؤثر باشد.

- در طول مسیر جایگاه‌هایی از طرف هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق تعبیه شده که به صورت رایگان خدمات بهداشتی و پزشکی را به زائران ارائه می‌دهد. با این وجود همراه داشتن برخی اقلام دارویی، مفید است. از قبیل: قرصهای سرما خوردگی، ضدحساسیت، ضدالتهاب پوستی (برای جلوگیری از عرق‌سوز شدن) از قبیل پودر تالک، پماد کالاندولا، هیدروکورتیزون جلدی یا ویتامین AD.

علاوه بر این زائران باید داروهای اختصاصی خود را حداًقل برای مصرف ده روز به همراه نسخه‌های مربوط و نظر پزشک معالج همراه داشته باشند.
در صورت نیاز به صندلی چرخ دار، بایستی آن را با خود بیاورند.

هنگام سفر

- به علت کثرت زائران، وضعیت بهداشتی مناسبی وجود ندارد و سرویس‌های بهداشتی (حمام و توالت) خیلی تمیز نیست. لذا همراه داشتن صابون در سفر ضرورت دارد. باید توجه داشت، شستن دست به تنهایی مهم‌ترین گام در پیش‌گیری از انواع بیماری‌هاست.

- از آنجایی که گاهی برای شستن دست‌ها بعد از استفاده از سرویس‌های بهداشتی، آب کم و یا سرد است و بعضاً مایع دست‌شویی نیست، بهتر است تعدادی دستکش یکبار مصرف همراه باشد تا در صورت نیاز از آن‌ها استفاده شود.

- اگر از بخش کناره و غیرآسفالت جاده حرکت شود، کم‌تر خسته کننده است و پای زائران هم کم‌تر اذیت می‌شود؛

- از پرخوری و خوردن غذاهای ناآشنا پرهیز شود؛

- از مصرف غذاهای خیلی چرب یا خیلی سرخ‌شده و نیز نوشیدنی‌های خیلی سرد اجتناب شود؛

- گرم نگهداشتن سر در هوای سرد به شکل گذاشتن کلاه و بستن سر با چفیه یا دستار، مخصوصاً موقع خواب توصیه می‌شود؛

- از لیوان شخصی یا یکبار مصرف استفاده شود؛
- از آب‌های موجود در ظرف‌های روباز و آلوده استفاده نشود بلکه باید از آب‌های سالم و بسته‌بندی شده استفاده کرد؛
- استراحت بعد از غذا به مدت یک ساعت سفارش می‌شود، چون پیاده‌روی زیاد بعد از صرف غذا موجب ضعف دستگاه گوارش و سوءهاضمه می‌شود؛
- جهت پیش‌گیری از انتقال بیماری و هم‌چنین مشکلات تنفسی ناشی از هوای آلوده از ماسک استفاده شود؛
- حتماً بعد از صرف غذا، ظروف یکبار مصرف در سطل زباله قرار داده شود.

تاول پا:

- کفش باید اندازه پا باشد هم‌چنین برای اطمینان از صاف و بدون برجستگی بودن سطح داخلی کفش یا پوتین، درون آن دست کشیده شود. حتی الامکان کفشی که مدتی از آن استفاده شده، بپوشید؛
- پای مرطوب، زودتر تاول می‌زند، پس باید پا و کفش را خشک نگه داشت. حتماً از جوراب استفاده کنید؛
- اولین نشانه شروع تاول پا، قرمز شدن پوست است. با دیدن این علامت، روی پوست آزرده باندپیچی شود تا از سایش بیش‌تر کفش با پوست جلوگیری کند؛
- اگر پای زائری زیاد تاول می‌زند، سعی کند دو جوراب روی هم بپوشد.
- چسب زدن روی پوست جاهایی که احساس تاول می‌شود، به‌عنوان پوست دوم، پوست اصلی را حفاظت می‌کند. مراقبت شود چسب در حین چسبیدن به پوست، چروک بر ندارد یا دو نوار چسب کنار هم، روی یکدیگر نیفتد، زیرا برجستگی‌های به‌وجود آمده می‌تواند موجب تاول شود؛
- اگر تاول، کوچک باشد بهتر است کاری به آن نداشته و جهت کم کردن اصطکاک، روی آن با کمی پماد چرب شود. اگر تاول کمی بزرگتر است، کافی است روی آن پانسمان شود؛
- تاول بعد از مدتی خود به خود پاره می‌شود، ولی نباید با دست آن را پاره کرد؛
- اگر تاول پاره شد، باید پوست را بر روی آن برگرداند تا از زخم آن محافظت کند سپس کمی پماد ضد عفونی‌کننده بر روی آن بمالد و آن را با پارچه تمییز، باندپیچی کند.

عرق سوزی پا:

- لباس زیر مناسب، گشاد و با الیاف نخی به تن شود؛
- قبل از حرکت، موضع در معرض عرق سوزی با پماد زینک اکساید، چرب یا از پودر بچه یا پماد کالاندولا استفاده شود؛
- هرگز محلّ سوزش با صابون شسته نشود، چراکه چربی پوست را از بین برده و مشکل را تشدید می‌کند.

گرمزدگی:

- گیجی، عدم تعادل، سردرد، تهّج و بالا بودن دمای بدن از علائم گرمزدگی است؛
- در صورت گرمزدگی باید سریعاً خود را به جای خنک رساند و مایعات خنک نوشید و در صورت وجود اسهال، ضعف و بی‌حالی به اولین مرکز بهداشتی درمانی مراجعه کرد.

وبا:

- نوعی بیماری حادّ اسهالی است و در برخی از موارد باعث ازدست رفتن سریع آب بدن می‌گردد. در صورتی که درمان نشود باعث شوک و سرانجام منجر به مرگ می‌شود.

راه‌های انتقال:

- تماس مستقیم دست با مدفوع و استفراغ فرد بیمار یا جابه‌جایی وسایل و لوازم آلوده بیمار مبتلا به وبا؛

- خوردن آب و غذای آلوده؛

- خوردن سبزی و میوه که با آب آلوده شسته شده؛

- شست و شوی لباس و ظروف غذا در آب‌های آلوده؛

- استحمام و شنا در آب‌های آلوده.

علائم و نشانه‌ها:

- افزایش حرکات دودی روده که اولین علامت بیماری است و بیمار، آن را به صورت احساس پری و سرو صدا (غرغر) در شکم بیان می‌کند؛
- مدفوع شل و آبکی؛
- استفراغ بدون حالت تهوع قبلی؛

- عطش و تشنگی شدید؛

- افزایش ضربان قلب، کاهش فشارخون و غیرقابل لمس بودن نبض مچ دست. در این مرحله بدن بیمار به ویژه دست و پای او سرد و نوک انگشتان، زبان و لب‌ها کبود می‌شود.

راه پیش‌گیری:

- استفاده از آب لوله کشی تصفیه شده در تمام مواقع؛

- جوشاندن و سپس سردکردن آبی که از سلامت آن اطمینان نیست؛

- شستن دقیق و صحیح دست‌ها با آب و صابون، قبل از دست زدن به مواد غذایی و خوراکی و هم‌چنین قبل از غذا خوردن و بعد از رفتن به توالت؛

- شستن دست‌ها با آب و صابون، قبل از تهیه و دادن غذا یا شیردادن به کودک و بعد از

تعویض کهنه یا تمیزکردن کودک؛

- اجتناب از آشامیدن آب‌های مشکوک در اماکن و فضاهای عمومی؛

- خودداری از مصرف مواد غذایی، آب‌میوه و دیگر مواد خوراکی و نوشیدنی‌های غیربهداشتی.

آنفولانزا:

این بیماری یک عفونت ویروسی است که بینی، گلو و ریه را درگیر می‌کند. آنفولانزا با سرماخوردگی متفاوت است و علائم شدیدتری دارد.

علائم و نشانه‌ها:

علائم این بیماری شامل تب، درد بدن، سردرد، خستگی، بی‌اشتهایی، سرفه خشک،

احساس خشکی یا زخم در گلو می‌باشد که به‌صورت ناگهانی ایجاد می‌شود.

پیش‌گیری:

فرد بیمار تا هفت روز می‌تواند باعث پخش ویروس در فضا شود. پس باید این توصیه‌ها را

حداقل یک هفته رعایت کرد تا احتمال ابتلا به آنفولانزا کاهش یابد؛

- شستن مکرر دستان، شایع‌ترین علت ابتلا به آنفولانزا لمس چشم، دهان یا بینی با دستان آلوده

به ویروس می‌باشد. پس باید دست‌های خود را تمیز شست و از صورت خود دور نگه داشت؛

- فاصله از فرد مبتلا به آنفولانزا؛

- دوری از دیگران در صورت ابتلا به بیماری؛

- گرفتن دستمال‌کاغذی جلوی دهان، هنگام عطسه و سرفه برای جلوگیری از پخش قطره‌های آلوده به ویروس در فضا.^۱

مسیرهای حرکت:

مسیرهای پیاده‌روی که در عراق برای مشتاقان پیاده‌روی به سوی کربلای معلّاً تعیین شده، «نجف - حیدریه - کربلا»، «کوفه - سهله - کربلا»، «بغداد - مسیب - کربلا» و «حله - طویریج - کربلا» است.

مسیر انتخابی زائران ایرانی برای پیاده‌روی «نجف - حیدریه - کربلا» است که خدمات ارائه‌شده در قالب طرح ساماندهی نیز تنها در همین مسیر ارائه می‌شود.

«نجف - حیدریه - کربلا» کوتاه‌ترین، پرتددترین، امن‌ترین و مشهورترین مسیر دسترسی از نجف به کربلا و محور اصلی پیاده‌روی زائران اربعین است که امتداد آن از سمت جنوب به شمال است. این مسیر به مسیر «یا حسین» مشهور است.

در سمت راست این جاده تعداد زیادی حسینیه (موکب ثابت) وجود دارد که در اربعین، نیمه شعبان و مناسبت‌های دیگر، تعداد بیشتری از این چادرها (موکب متغیر) در این مسیر برپا می‌شود.

برخی از ویژگی‌های این مسیر عبارت‌اند از:

- میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر؛
- تعداد ستون‌ها: ۱۴۵۲ ستون. البته از میدان «ثوره العشرین» شهر نجف تا خروجی شهر نیز ۱۸۲ میله شماره‌گذاری شده که پس از پایان آن‌ها میله‌های اصلی آغاز می‌شود؛
- فاصله بین هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)؛
- زمان لازم برای پیاده‌روی کل مسیر: ۲۰ تا ۲۵ ساعت (متوسط روزی ۷ تا ۸ ساعت)؛
- زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز؛
- بهترین زمان شروع سفر: ۱۶ صفر؛
- انتظار می‌رود در این تاریخ سفر تمام شود: ۱۸ صفر؛
- مسیر حرکت: مسیر با خیل جمعیت پیاده کاملاً مشخص است و فقط کافی است باقی زائران را دنبال کنید.

۱. راهنمای زائر، کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین.

- از درب ساعت (باب الساعه) حرم حضرت علی علیه السلام خارج شده و پیاده‌روی را مستقیم از کنار خیابان امام زین العابدین علیه السلام یا خیابان امام جعفر صادق علیه السلام شروع کنید. این مسیرها را مستقیم بروید تا به بزرگراه کربلاً برسید. به سمت چپ رفته، جایی که هزاران نفر به صورت پیاده به سمت کربلا در حال حرکت هستند. به آن‌ها ملحق شوید و بعد حدود ۷۵ کیلومتر در ستون ۱۴۵۲ شما به حرم حضرت عباس علیه السلام خواهید رسید.

بعد از سفر

بازگشت

از ویژگی‌های سفر اربعین این است که علاوه بر مقصد، خود مسیر هم هدف است. هدف این است که در مسیر پیاده‌روی قرار بگیریم. هم مسیر حرکت به سمت کربلا و هم مسیر بازگشت از کربلا به سمت کشور خودمان. از آن جایی که این سفر به منزله یک اردوی تربیتی است، تمام لحظاتهش برای زائر مهم است. هر قدمی که زائر به سمت کربلا برمی‌دارد، اهمیت دارد. بازگشتش نیز چون باید در صدد تثبیت دستاوردهای او باشد اهمیت می‌یابد. ایثار و گذشت و مهربانی با دوستان و همراهان و بقیه زائران، فقط برای رسیدن به کربلا نیست؛ بلکه هدف این سفر این است که روحیات و رفتارهای حسنه‌ای که زائر چند روزی با آن‌ها مانوس بوده، برای او باقی بماند و در طول سال بتواند از آن‌ها بهره ببرد.

با توجه به این که اغلب زوار در مسیر رسیدن به کربلا در روز اربعین در کربلا گرد هم خواهند آمد، این انبوه جمعیت، مشکلات زیادی برای بازگشت خواهند داشت؛ زیرا همه آن‌هایی که در طول چند روز خودشان را به کربلا رسانده‌اند، قصد دارند در یک روز از کربلا خارج شوند. از همین رو توجه به چند نکته برای بازگشت، اهمیت می‌یابد؛ از جمله:

- از بازگشت در روز و شب اربعین خودداری کنید. با توجه به بازگشت زائران عراقی در غروب روز اربعین و ازدحام جمعیت، از بازگشت در شب اربعین خودداری نمایید و هم‌چنین در طول مسیر بازگشت، ممکن است چندین ساعت در صفها و ترافیکهای طولانی بمانید؛ لذا صبر و حوصله داشته باشید و خونسردی خود را حفظ کنید تا این شاء الله زیارت و سفر را خوب به پایان رسانید.

- مسافرینی که از مرزهای مهران و چزآبه و شلمچه وارد عراق شده‌اند در مسیر بازگشت از

بخش دوم: دانستنی‌های سفر ۱۳۳

نجف عبور می‌کنند، پس یکی از پیشنهادهایی که به آن‌ها می‌شود این است که اگر تمایل دارند روز اربعین در کربلا باشند به نحوی برنامه‌ریزی کنند که زیارت نجف را بعد از بازگشت از کربلا قرار دهند تا در زمان بازگشت در مرزها با انبوه جمعیت و مشکلات ناشی از آن مواجه نشوند.

- اگر اصراری بر بودن در کربلا در روز اربعین ندارید حتماً بعد از رسیدن به کربلا بعد از یک استراحت کوتاه، بازگشت خود را آغاز کنید تا از انبوه جمعیت حاضر در شهر کربلا در روزهای منتهی به اربعین کاسته شود.

- کسانی که محدودیت زمانی ندارند، با توجه به امکان توقف ۱۵ روزه زوار ایرانی در عراق، بهتر است برای جلوگیری از بی‌نظمی و ازدحام جمعیت برای بازگشت عجله نکنند و چند روزی را در کربلا بمانند تا از سیل جمعیت در حال برگشت در امان باشند.

- توجه به این مسئله، اهمیت دارد که در طول مسیر برگشت از موکب‌ها خبری نیست. موکب‌ها، فردای اربعین جمع‌آوری می‌شود، وقتی که ما همین مسیر را بر می‌گردیم به ندرت، موکبی سرپاست. - از حرکت در شب خودداری کنید. بسیاری از راننده‌های عراقی به سبب کثرت کار علاوه بر روز، شب‌ها هم اقدام به جابه‌جایی مسافر می‌کنند که به علت خستگی و خواب‌آلودگی، باعث ایجاد خطراتی برای زائرین می‌شوند.

حفظ دستاوردهای سفر

در بخش‌های قبلی، آثاری که در زیارت اربعین به دست زائر می‌رسد، بیان شد. شاید سخت‌ترین قسمت زیارت این باشد که چگونه می‌توان چنین دستاوردهایی را حفظ کرد؟ دستاوردهایی هم‌چون ایجاد روحیهٔ ایثار، مهربانی با هم‌نوعان، توجه به اوقات نماز و ... امتداد این دستاوردها نیاز به برنامه‌ریزی دارد. چند نکته در این باره:

- اولاً باید توجه داشت که فضای حاکم بر پیاده‌روی در شهر و محلهٔ ما وجود ندارد و نمی‌توان انتظار داشت که همان حال و هوای معنوی بعد از زیارت هم برای ما باقی بماند. اما می‌توان با شدت کم‌تری آن را حفظ کرد.

- در این سفر، زائر به‌خوبی متوجه می‌شود که توانایی‌های بالایی در عبادت و کسب معنویات دارد و آنچه مانع بروز این توانایی‌ها در غیر این سفر می‌شود، نبودن زمینه‌های آن است. مهم‌ترین کاری که بعد از سفر می‌توان انجام داد، این است که عوامل زمینه‌ساز تربیت

دینی را اگر نیست برای خود به وجود بیاوریم و اگر نقش آن‌ها در زندگی کمرنگ است به آن رنگ و روی بیش‌تری بدهیم. از طرف دیگر، موانع این تربیت را هم از بین ببریم.

برخی از عوامل تأثیرگذار در تربیت معنوی:

- ارتباط روزانه با مسجد و خواندن حدّ اقل یک وعده از نمازهای روزانه در مسجد؛
- حضور هفتگی در جلسات روضه و هیئت؛
- تداوم دوستی‌های دوستان اربعینی؛
- در هر هفته حدّ اقل یک‌بار در یک جلسه اخلاقی شرکت کنیم؛
- مطالعه روزانه کتاب زندگی‌نامه علما و شهدا. با مطالعه روزانه ۲۰ تا ۳۰ دقیقه می‌توانیم، تأثیر شگرف آن را در تربیت دینی خود احساس کنیم؛
- مجالست و همنشینی با علما و کسانی که خودشان تربیت یافته‌اند؛
- مراقبه در طول روز و مشارطه در پایان هر روز؛ قبل از این که اعمال ما را حسابرسی کنند، بهتر است خودمان حسابرسی از اعمال را شروع کنیم.

برخی از موانع دستیابی به تربیت دینی:

- دوستانی که انسان را از یاد خدا دور می‌کنند و به گناه دعوت می‌کنند؛
- ماهواره و اینترنت و رسانه‌های جمعی‌ای که مروج گناه و بی‌بندوباری هستند. سعی کنید اعضای خانواده را هم در این باره، متقاعد کنید و آن‌ها را متوجه آثار مخرب وجود ماهواره در خانه بکنید؛
- محدودیت در ارتباط با کسانی که باعث غفلت و محرومیت از معنویات و عبادت می‌شوند؛

- پرهیز از حضور و رفت و آمد به اماکنی که زمینه گناه را فراهم می‌کنند؛
- مدیریت اوقات فراغت با ورزش و شرکت در برنامه‌های جمعی سالم، بهترین زمان برای وسوسه‌های شیطان، اوقات بیکاری است. حتماً برای این اوقات برنامه‌ای داشته باشید؛
- گوش‌ندادن به موسیقی غیرمجاز؛
- فکر گناه، هرچند که فکر گناه، گناه نیست ولی مهم‌ترین زمینه‌ساز ارتکاب گناه می‌باشد.
- بدانید جرّقه‌های ابتدایی عمل ناپسند، فکرکردن درباره آن عمل است. آن‌چه را زمینه‌ساز ایجاد چنین افکاری در ذهن می‌شود، از بین ببریم.

بخش سوم: فرصت‌ها و وظایف تبلیغی

برخورد در موکب‌های عراقی

همان‌طور که عراقی‌ها خود را برای پذیرایی از شما از مدّت‌ها قبل آماده می‌کنند، شما هم برای تأثیرگذاریِ بیشتر، روی آن‌ها و بالابردن سطح علاقه و هم‌چنین فکر آن‌ها کار کنید. به‌عنوان مثال تجربه ما در سنوات گذشته نشان داد، بچه‌هایی که در طول مسیر ایستاده‌اند و به زائرین نگاه می‌کنند و گاهی حتّی با اصرار به شما خوراکی تعارف می‌کنند با یک اسباب‌بازی کوچک یا حتّی یک بسته خوراکی، چقدر به سر شوق آمده و مطمئناً در درازمدّت، تأثیر این حرکت در ذهن و تصوّرشان، راجع به شیعیان و حتّی ایرانیان چقدر مثبت خواهد شد. حتّی آماده‌کردن بسته‌های فرهنگی به زبان‌های عربی یا انگلیسی و توزیع آن بین مردمی که پیاده می‌روند تأثیرگذار است. گاهی یک پوستر یا یک عکس کوچک مذهبی با یک جمله عمیق، تأثیر شگرفی بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت. روی تأثیرگذاری متقابل چه برای موکب‌دار، چه برای سایر زائران از سراسر جهان، برنامه‌ریزی کنید.

اگر در طول مسیر با هم‌کاروانی‌ها به‌صورت گروهی اُتراق می‌کنید، بهتر است که برنامه‌ای برای آن محل در نظر بگیرید؛ مثلاً ذکر مصیبت یا مدّاحی و... چون هم بعضی از موکب‌ها، سیستم صوتی دارند که در اختیار می‌گذارند، هم این‌که در طول مسیر، به‌سبب صدای زیاد بلندگوها که دائماً در حال پخش نوای مدّاحی عربی هستند، احتمالاً نمی‌توان مراسم یا مدّاحی داشت و گوش‌کردن به همین نواها و دیدن صحنه‌هایی که از جلوی چشم انسان در حال عبور

است، برای آماده‌شدن دل و توجه آدمی، کافی است.

زیارت حسین علیه السلام با خستگی پیاده‌روی، گویی مزه‌ای دوچندان دارد و این جاست که پا و دل باهم ارتباط پیدا می‌کنند! در طول مسیر، هنگامی که پاهایمان خسته یا حتی در مواردی جراحی کوچکی پیدا می‌کند، برای آماده‌شدن دل، کافیست.

تبلیغ چهره به چهره^۱

در پیاده‌روی اربعین، فرصت تبلیغی به صورت سخنرانی و ارتباط جمعی کم‌تر برای یک مبلغ فراهم است. در واقع، بهترین راه برای انجام رسالت طلبگی در این سفر، ارتباط چهره به چهره و فردی است. تبلیغی که در آن مخاطب، بهتر می‌تواند با شما انس بگیرد و فقط شنونده سخنان شما نباشد؛ بلکه به راحتی بتواند سؤالات و مشکلاتش را با شما در میان بگذارد. برای این که بتوانیم از این شیوه تبلیغی به بهترین وجه بهره ببریم، نکاتی را در این باره، تقدیم می‌کنیم:

قبل از هر کاری باید بدانیم که این شیوه تبلیغی با منزوی بودن و دوری کردن از مردم صورت نمی‌گیرد. لذا برای موفقیت در این کار، مبلغ باید کم‌تر در فضاهای خصوصی و انزوا بسر ببرد و بیش‌تر وقت خود را در بین مردم و در معرض سؤال آن‌ها قرار دهد.

تبلیغ چهره به چهره پنج مرحله دارد:

مرحله اول: جذب

طلایی‌ترین مرحله یک ارتباط، چند ثانیه اول آن است. برای این که بتوانیم در این مرحله موفقیتی داشته باشیم، توجه به چند نکته، حائز اهمیت است که در ادامه، بیان می‌کنیم:

۱. آراستگی ظاهری:

البته در سفر اربعین، اتوکشیده بودن و پوشیدن لباس شیک، خیلی تناسبی با این سفر ندارد؛ اما گاهی ظاهر انسان به نحوی است که در همان شرایط پیاده‌روی باعث دفع افراد می‌شود. لذا بهتر است برای جذب زوار و برقراری ارتباط با آن‌ها:

۱. برگرفته از جزوه تبلیغ چهره به چهره روش‌های تعامل با زائران اربعین، هادی صالح پرور، کمیته فرهنگی آموزشی ستاد اربعین.

- لباس ما، پارگی نداشته باشد؛
- همیشه دکمه‌های قبا یا پیراهن بسته باشد؛
- سائز لباس‌هایمان خیلی گشاد یا خیلی تنگ نباشد؛
- جلو و عقب عمامه حتی المقدور مرتب باشد؛
- رنگ لباس‌ها با هم تناسب داشته باشد؛
- نوع کیف دستی یا کوله‌پشتی، مناسب شأن مبلّغ باشد، کثیف و پاره و بدشکل نباشد؛
- گاهی استفاده از چفیه، شال سفید یا مشکی یا سبز باعث جذّابیت می‌شود؛
- محاسن را مرتب نگه دارید.

۲. معطر بودن:

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيْبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدَعُ؛^۱ شایسته نیست انسان، هیچ روزی عطر و بوی خوش را ترک کند. اگر هر روز برایش ممکن نیست، لااقل یک روز در میان عطر بزند. اگر این مقدار هم نمی‌تواند، هفته‌ای یک بار (یا در هر جمعه) عطر بزند و این کار را ترک نکند».

در باور بسیاری استفاده از عطر، مناسب حُزن و عزا نیست و بسیاری استفاده از عطر در اربعین را به همین دلیل مناسب نمی‌دانند؛ اما وضعیت مبلّغ باید به نحوی باشد که لااقل بوی بد از او ساطع نباشد.

۳. لبخند:

چهره مبلّغ باید بشاش و باز باشد و عبوس و گرفته نباشد. درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که ایشان، هنگام سخن گفتن، همیشه لبخند بر لبان مبارکشان بوده است.

«عن ابی الدرداء قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ؛^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره هنگام سخن گفتن تبسم می‌کرد».

قدرت لبخند، فوق‌العاده زیاد است. لبخند شما پیام‌آور خیرخواهی شماست. توجه به این نکته لازم است که حزن در این ایام توصیه شده و قاعدتاً منظور از حزن، اخم و عبوسی نیست و

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸.

از طرفی منظور از لبخند، خنده‌های فراوان و با صدا نیز نیست. بلکه در مواجهه با مخاطبین با چهره‌ای باز برخورد کردن، می‌تواند علاوه بر از بین بردن خستگی خود و دیگران، زمینه ارتباط خوب را فراهم آورد.

۴. سلام کردن:

درواقع با ابتدا به سلام، سدّ بین خود و مخاطب را می‌شکنیم. سدّی که مانع از این می‌شد، مخاطب خودش را به ما نزدیک کند. در بسیاری از اوقات، یک سلام کوچک و ساده، بانی یک ارتباط عمیق و سازنده می‌شود.

۵. حاضر جوابی متواضعانه:

منظور این نیست که قصد روکم کردن طرف مقابل را داشته باشیم. بلکه منظور حاضر جوابی مؤدبانه، بانمک و بامزه است. این حاضر جوابی نباید ضد اخلاقی یا ضد انسانی باشد. همین که در یک برخورد کوتاه چند ثانیه‌ای، کاری کنید یا حرفی بزنید که باعث لبخند جماعت یا فرد مقابل شما شود، عامل جذب مخاطب خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما من مؤمنٍ إلاّ وفيه دُعاةٌ. قُلْتُ وما الدُّعاة قال المِزاح؛^۱ هیچ مؤمنی نیست مگر این‌که در او دعابه هست. عرض کردم دعابه چیست؟ فرمودند: مزاح».

۶. نگاه با محبّت و معنادار:

نباید خود را بهتر از دیگران بدانیم و باید متواضعانه و نگاهی محبّت‌آمیز به مخاطب داشته باشیم. هرکسی که در این مسیر، قدم برداشته است قطعاً مورد توجّه امام حسین علیه السلام است، پس آن کسی که محبوب اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌باشد، باید برای ما نیز محبوب باشد؛ با هر شکل و قیافه‌ای که هست.

۷. نماز شب و توسّل

در قرآن کریم در ابتدای سوره «مزمل» بعد از این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله را امر به قیام در شب می‌کند، علّت آن را این‌گونه بیان می‌دارد: «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا»^۲ تفسیر نمونه، منظور از این آیه قرآن را این‌گونه بیان می‌کند: «احتمالی که در تفسیر آیه وجود دارد و

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲. مزمل / ۷.

از جهاتی جالب‌تر و با آیات قبل و بعد هماهنگ‌تر است، این است که می‌فرماید: چون در طول روز، وظایف سنگین و تلاش و کوشش فراوان بر دوش داری، باید با عبادت شبانه، خود را تقویت کنی و آمادگی لازم برای این فعالیت‌های بزرگ و گسترده را از آن قیام شب، به‌دست آوری»^۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی، می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاةٍ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛^۲ آن‌که میان خود و خدا را به صلاح دارد، خدا میان او و مردم را به صلاح آرد و آن‌که کار آخرت خود را درست کند، خدا کار دنیای او را سامان دهد و آن‌که او را از خود بر خویشتن واعظی است، خدا را بر او حافظی است».

از آن‌جایی که حقیقت کار تبلیغی و غایت آن رساندن به نور و خروج از ظلمت است، مبلّغ در درجه اول، باید بتواند این نور را خودش کسب کند. بهترین راه برای رسیدن به این توفیق، توسّل به ائمه اطهار علیهم السلام و درخواست از خدای متعال در بهترین لحظات یعنی نیمه‌های شب است.

مرحله دوم: ارتباط‌گیری

بعد از این‌که مرحله جذب، به‌خوبی انجام شد و شخص، علاقه‌مند بود برای لحظاتی با شما صحبت کند، نوبت به مرحله ارتباط‌گیری می‌رسد. در این مرحله برخی روش‌هایی که برای برقراری ارتباط می‌تواند به شما کمک کند، ذکر خواهد شد:

- به دیگران صمیمانه علاقه نشان دهید.

علاقه صمیمانه به مردم باعث می‌شود، دوستان زیادی پیدا کنید. اگر می‌خواهید ارتباط مؤثری داشته باشید، باید با شور و اشتیاق با مردم سخن بگویید. طوری سلام کنید که مخاطب، احساس کند از صحبت با او بسیار مشغوف شده‌اید.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۷۷.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۸۳.

۳. آئین دوست‌یابی، دلیل کارنگی، ص ۹۲.

- سلام و احوال‌پرسی

نوع سلام کردن با اصل سلام کردن فرق می‌کند. اصل سلام کردن، مخاطب را جذب می‌کند؛ ولی نوع سلام کردن در ایجاد ارتباط، هرچند کوتاه مدت، مؤثر است. همچنین می‌تواند اثر جذبی هم داشته باشد.

منظور از نوع سلام کردن، این است که نحوه سلام کردن شما، متناسب با مخاطب باشد. به‌عنوان نمونه، سلامی که به یک نوجوان می‌کنید باید با سلامی که به یک انسان میان‌سال یا پیر مرد یا یک استاد دانشگاه و یا یک مهندس و یا یک روحانی دیگر می‌کنید، متفاوت باشد. مثلاً برای سلام به یک دانش‌آموز، می‌توان این‌گونه گفت: سلام به روی ماهت به چشمون سیاهت.

یا برای سلام کردن به افراد مذهبی می‌توانیم به شکل طنزگونه‌ای بگوییم: سلام علیکم حال شما چطور است؟ خداوند بر طول محاسن شما بیفزاید! البته این‌ها به‌عنوان نمونه است. خود شما نیز می‌توانید متناسب با مخاطب‌های مختلف، از سلامهای جذابی که به ارتباط‌گیری در این زمینه کمک می‌کند، استفاده کنید. سلام و احوال‌پرسی‌های مسجع و موزون، خیلی زیباست و موجب برقراری ارتباط می‌شود.

- با اسم کوچک صدازدن:

وقتی طرف مقابل را با اسم کوچک صدا می‌زنید، احساس می‌کند که شما با او صمیمی هستید و می‌تواند با شما وارد صحبت شود. صدازدن با اسم کوچک، آن غریبگی ابتدای آشنایی را خیلی زود از بین می‌برد. اصلاً با اسم کوچک صدازدن طرف مقابل، نوعی تحویل‌گرفتن آن شخص، در جمع است که این برای فضای تبلیغ چهره به چهره بسیار مؤثر است.

چنانچه کسی برای پرسیدن سؤالی نزد شما می‌آید، بهتر است ابتدا نامش را پرسید و برای پاسخ‌گفتن، این‌گونه بگویید: «بین محمد آقا اگر شما امروز عصر که وارد نجف شدی، قصد ده روز کردی...» و در ادامه، سؤال او را جواب دهید. این کار برای برقراری ارتباط بیش‌تر به شما کمک می‌کند.

نام یک فرد از نظر او زیباترین و خوش‌لحن‌ترین چیزی است که می‌شنود. بردن نام یک فرد او

بخش سوم: فرصت‌ها و وظایف تبلیغی ۱۴۱

را از دیگران جدا می‌سازد و به او احساس منحصر به فرد بودن می‌بخشد. نام، اثری معجزه‌آسا در ارتباطات اجتماعی دارد.^۱

در برخی از موارد، وقتی شخصی سؤالی از شما می‌پرسد و بچه‌اش نیز همراه اوست، توجه کردن به این بچه که چه پسر خوبی! اسم شما چیه؟... تأثیر بسیار خوبی در این ارتباط دارد.

- دست دادن و معانقه کردن

در خصوص دست دادن و مصافحه کردن در شریعت اسلام، بسیار تأکید شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «با یکدیگر دست بدهید که باهم دست دادن کینه را از بین می‌برد. «تَصَافَحُوا فَإِنَّ التَّصَافِحَ يَذْهَبُ السَّخِيمَةَ».^۲

هنگامی که با کسی دست می‌دهید کمی دست او را بفشارید و بگویید: می‌دونی این دست دادن چقدر ثواب داره؟ می‌دونی دست که می‌دی تا وقتی دستامون تو دست همدیگر است چقدر از گناهان ما ریخته می‌شه و کینه رو از بین می‌بره؟

با این جملات، ارتباط با مخاطب برقرار شده و کافی است که مخاطب کمی از لحاظ سنی از شما کوچک‌تر باشد در این صورت بیش‌تر متمایل به برقراری ارتباط می‌شود.

- بهانه‌گویی:

در این روش به دنبال این هستیم که از هر بهانه‌ای در ارتباط‌گیری برای صحبت کردن و تبلیغ استفاده کنیم.

انواع روش بهانه‌گویی:

الف) روش سؤالی:

مانند پرسیدن از سن، تأهل یا تجرّد، شغل و ...

البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که وقتی طرف مقابل، با ما صحبت می‌کند، ما باید به دقت و همان‌گونه که نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مردم برخورد می‌کرد و با تمام مقادیم بدن به آن‌ها رو می‌کردند به صحبت‌های او گوش دهیم. حتی اگر موضوع صحبت‌های او برای ما فایده‌ای

۱. همان، ص ۱۲۰.

۲. تحف العقول، ص ۵۵.

نداشته باشد و مورد علاقه ما هم نباشد. این کار باعث ایجاد محبت طرفینی می‌شود. خیلی بد است که اگر شخص مقابل در حال صحبت با شماست، شما مشغول کارهای متفرقه یا مثلاً مشغول گوشی همراه خود باشید.

مسئله دیگر این است که درست است که ما به دنبال بهانه‌ای هستیم تا با مخاطب صحبت کنیم، ولی این بهانه هم نباید طوری باشد که مصنوعی جلوه کند.

وقتی شما در موبک یا صف نماز جماعت و یا در صف گرفتن غذا هستید می‌توانید با استفاده از یکی از روش‌های جذب با یک سؤال از سنّ او یا تحصیلات و شغل و... با او ارتباط برقرار کنید. سعی کنید سؤالی که از مخاطبتان می‌پرسید، مناسب با علاقه و نیاز او باشد تا علاقه‌مند شود برای شما صحبت کند و از چیزی که مورد علاقه خود اوست، صحبت شود. چراکه اگر سؤالاتی که از او می‌پرسید، نسنجیده باشد و مورد علاقه‌اش نباشد او هم علاقه‌ای برای پاسخ ندارد و برقراری ارتباط شما با او را دچار اختلال می‌کند.

یکی از سؤال‌هایی که می‌تواند شما را در برقراری ارتباط کمک کند، این است که بپرسید: «چی شد اومدی کربلا؟ تا حالا چند دفعه اومدی کربلا؟ تا حالا اربعین اومده بودی؟ و...».

ب: روش روایت خوانی:

شما می‌توانید همان‌طور که داخل صفوف توزیع غذا هستید یا در یک ازدحام به‌طور خیلی آرام با انبوه مردم در حال حرکت هستید یا در صفوف مرز مهران در مسیر رفت یا برگشت هستید یا در موبک در حال استراحت هستید، به‌طور خیلی طبیعی به شخص بغل دستی خود رو کنید و بعد از سلام و احوال‌پرسی بگویید: «دوست داری برایت یک روایت بخوانم جگرت حال بیاد؟» و یکی از روایاتی را که درباره زیارت کربلا وارد شده است، برای او بخوانید.

ج: روش استفاده از بهانه‌های طبیعی

منظور این است که بتوانید بین یک اتفاق و یک مفهوم دینی ارتباط و پیوندی برقرار کنید. مثلاً می‌بینید در بین زائرین چند نفر جوان در حال سیگارکشیدن هستند یا هوا خیلی گرم است یا مسیر خیلی شلوغ است یا صف خیلی طولانی است یا صوت زیبایی پخش می‌شود و اتفاقات دیگری که در پیاده‌روی امکان دارد اتفاق بیفتد می‌توانید آن‌ها را بهانه‌ای قرار دهید تا درباره آن موضوع با شخص کناری خود ارتباط بگیرید و با او صحبت کنید.

- وجه اشتراک سازی

در این روش همان‌طور که شما به دنبال بهانه‌ای برای شروع صحبت با مخاطب هستید سعی می‌کنید از هر صحبت و یا پاسخی که مخاطب به شما می‌دهد وجه اشتراکی را استخراج کرده و راجع به آن صحبت کنید.

به عنوان نمونه اگر شما آذری هستید و طرف مقابل هم یک مقدار لهجه آذری دارد دیگر با او فارسی صحبت نکنید. یا مثلاً اگر گفت از همدان آمده‌ام اتفاقاً شما هم چند بار به همدان رفته‌اید از این فرصت استفاده کنید و بگویید، من چند بار همدان رفته‌ام و... مواردی مثل شغل، علاقه به رشته ورزشی، شغل پدر، تاریخ تولد و... می‌توانید برای وجه اشتراک‌سازی استفاده کنید. کوچک‌ترین وجه اشتراکی می‌تواند بین شما سنجیتی ایجاد کند و بهانه‌ای برای یک ارتباط تأثیرگذار باشد.

- استفاده از ابزار ارتباطی

گرفتن عکس و فیلم با موبایل و دوربین شخصی و تحویل دادن تصاویر و فیلمها به مسئول مربوطه، بلافاصله پس از رسیدن به کربلا.

یکی از نکات کلیدی در نهاده‌سازی فعالیت‌های جهان اسلام در سفرهای بعد، نقش فوق‌العاده‌ای دارد، مستندسازی مناسب و انعکاس آن پس از سفر است. اگر فردی از مردم عراق را علاقه‌مند و مستعد ارتباط داشتن می‌بینید، می‌توانید شماره‌اش را بگیرید و شماره بدهید. در سفرهای قبلی، افرادی بوده‌اند که دوستان بسیار خوبی پیدا کرده‌اند و ارتباطشان را ادامه داده‌اند.

مرحله سوم: محبت

در این مرحله بعد از این که مخاطب، جذب شد و ارتباط کلامی هم برقرار شد، باید محبتی در دل او نسبت به شما ایجاد شود. شاید شما محبت آن شخص سنی را نسبت به امام هادی علیه السلام شنیده باشید که شخص سنی به سبب دیدن چهره امام هادی علیه السلام محبت امام در دلش افتاده بود. درحالی که پیش‌تر اصلاً امام را ندیده بود. حضرت به سبب همین محبتی که در دلش ایجاد شد برایش دعا کردند و دعایشان مستجاب شد. این که می‌گوییم باید در دل او محبتی نسبت به شما ایجاد شود، فقط به غرض تبلیغ و هدایت شخص است و نه چیز دیگر.

برخی از روش‌هایی که می‌تواند شما را در این مرحله یاری کند ذکر می‌کنیم:

الف) رعایت ادب مخاطب

به این معنا که اگر با مخاطب طلبه صحبت می‌کنید، باید صحبت‌ها و ادبیات شما عالمانه باشد. اگر با دانش‌آموز صحبت می‌کنید، باید سنّ خود را پایین بیاورید و متناسب با ادبیات دانش‌آموز صحبت کنید. اگر مخاطب شما دانشجویست تمیز و متین و مستند و امروزی صحبت کنید و اگر مخاطب شما یک هیتی است باید شما هم هیتی و دلی و احساسی صحبت کنید. با هر مخاطبی متناسب با خصوصیات خودش سخن بگویید. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ما گروه پیامبران با مردم به اندازه عقل خودشان سخن گوئیم». [إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ قَدْرَ عُقُولِهِمْ].^۱

ب: لحن دوستانه و محبت‌آمیز همراه با محتوای مورد علاقه مخاطب

علاوه بر پرسیدن اسم کوچک، دست دادن، نگاه محبت‌آمیز داشتن، محبت‌داشتن نسبت به مخاطب، لحن و محتوای مورد استفاده برای صحبت کردن با مخاطب خیلی مهم است. در این مرحله بیان می‌شود که مخاطب به چه محتوایی در هم‌صحبتی، علاقه دارد تا بیش‌تر از همان محتوا استفاده کنیم.

ما با آن‌چه مخاطب دوست دارد شروع می‌کنیم، اما به چیزی که مد نظر دین است ختم می‌کنیم. بنابراین ابتدا باید مزاج مخاطب را به دست بیاوریم.

گاهی اوقات نیاز است که شما در یک ارتباط کلامی، چند محتوا را امتحان کنید تا ببینید مخاطب نسبت به کدام یک عکس‌العمل بهتری نشان می‌دهد. بعضی از خاطرات شهدا، بعضی به مطالب علمی، بعضی به شعر، بعضی به داستان و ... علاقه‌مندند.

این نکته نیز مهم است که وقتی ارتباط کلامی با مخاطب برقرار شد، برای این‌که محبت طرفینی اضافه شود، باید لحن و محتوای ما نیز دوستانه و محبت‌آمیز باشد. مثلاً وقتی مخاطب را با اسم کوچک صدا زدید از عباراتی مانند داداش، اخوی، برادر و ... استفاده کنید.

ج) ادب و تکریم شخصیت طرف مقابل

بخش سوم: فرصت‌ها و وظایف تبلیغی ۱۴۵

هر چقدر شما بیش‌تر به مخاطب احترام بگذارید او نیز بیش‌تر شما را دوست خواهد داشت و به شما احترام بیش‌تری می‌گذارد.

نوع نگاه‌کردن، لبخندزدن، تأییدکردن و گوش‌دادن به صحبت شخص مقابل نیز نوعی احترام و تکریم اوست که در جلب محبت، نقش مهمی ایفا می‌کند.

ه) هدیه‌دادن

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ سِئَتْ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ؛^۱ به هر که می‌خواهی احسان کن، تو (به‌واسطه احسانت) امیر و مولای او می‌گردی».

هدیه فقط به‌صورت مادی نیست، بسیاری از مواردی که تا این‌جا ذکر شده است نوعی هدیه معنوی به مخاطب است».

و) شنونده خوبی باشید

تصویرش را هم نمی‌توانید بکنید افراد از کسی که خوب به حرف‌هایشان گوش می‌دهد چه حال خوبی بهشان دست می‌دهد. سعی کنید شنونده علاقه‌مندی باشید. البته شنونده خوبی بودن، خودش هنری است!

مرحله چهارم: اعتمادسازی

بعضی از روش‌هایی که در این مرحله می‌توانند به کمک شما بیایند را ذکر می‌کنیم:

الف) تشویق‌کردن

«بارک‌الله» گفتن از نظر روانشناسی خیلی تأثیر دارد. به‌عنوان نمونه اگر وقتی شخصی می‌گوید اسم دخترم فاطمه است، شما به او بگویید «بارک‌الله» که اسم دخترت را فاطمه گذاشتی. یا اگر در بین صحبت‌هایش متوجه نکته مثبتی در کار یا سخنش شدید، بلافاصله او را تشویق کنید. این کار باعث می‌شود او به شما اعتماد کند.

ب: شاکی شدن از مخاطب

بعد از نیم ساعت صحبت‌کردن با مخاطب از او می‌پرسیم رابطات با خانواده‌ات چطور

۱. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۹.

است؟ او می‌گوید با پدرم خوب هستم ولی با مادرم قهرم! شما در این جا باید با ناراحتی به او بفهمانید که از چشم افتادی، در این جا مخاطب حالش گرفته می‌شود و می‌خواهد این مشکل را حل کند. بنابراین او از شما سؤال می‌کند که چطور می‌شود مشکل را حل کرد؟ و این یعنی که مخاطب به شما اعتماد کرد.

در این روش باید خیلی مراقب باشیم که در این شاکی شدن طوری نشود که رابطه ما با طرف مقابل قطع شود. به عنوان نمونه وقتی متوجه شدیم که شخص مقابل، دوست دختر دارد یا موسیقی گوش می‌دهد، نباید طوری رفتار کنیم که او بی‌خیال ما شود و بگوید که حتماً حاج آقا می‌خواهد ما را از دوست دخترمان منع کند یا بگوید موسیقی گوش نده. پس شکایت نباید به نحوی باشد که شخص را از شما دور کند.

ج: کلمه مقدّس «نمی‌دانم»

لازم نیست که ما همیشه همه سؤالهای مخاطب را بلد باشیم، البته این خیلی خوب است که ما بتوانیم به همه سؤالهای مخاطب به درستی جواب بدهیم؛ ولی وقتی جواب سؤال را نمی‌دانیم، خیلی راحت بگوییم نمی‌دانم. اتفاقاً وقتی شما به مخاطب می‌گویید نمی‌دانم، او به این فکر می‌کند که هر چه را که به او جواب می‌دهید، مطمئن و درست است.

ارجاع به موبک‌های مراکز فرهنگی که در مسیر راه یا شهرهای نجف و کربلا برپا شده از اقداماتی است که می‌توان انجام داد. به همین منظور در ابتدای حرکت در مسیر، درباره شماره عمودهایی که مراکز فرهنگی کشور در آن موبک برپا کرده‌اند، اطلاعاتی کسب کنیم. ارائه برخی شماره‌ها و یا معرفی سایت برخی از مراکز فرهنگی کشور نیز می‌تواند به مخاطبین ما کمک کند. به همین منظور از قبل شماره برخی از آنان را به یاد داشته باشید.

د: قضاء حاجت برادر دینی

بازکردن گره از مشکلات زائرین فی نفسه مطلوب است و کار تبلیغی بزرگی است. به سبب ازدحام جمعیت، همه زوّار سیدالشهدا علیهم‌السلام در معرض نیازهای مختلف هستند از جمله:

- هر موقع در خصوص ایاب و ذهاب زائرین مشکلی را دیدید سعی کنید به آن‌ها کمک کنید؛
- اگر صف موبک طولانی است و زائرین در تهیه غذا دچار مشکل هستند به آنان کمک

کنید؛

بخش سوم: فرصت‌ها و وظایف تبلیغی ۱۴۷

- اگر کسی در حمل وسایلش دچار مشکل است به آنان کمک کنید؛
- اگر شخصی را دیدید که گمشده یا کسی را گم کرده، تلاش خودتان را برای رهایی از مشکل انجام دهید و یا حداقل او را مشورت و دل‌داری دهید؛
- گاهی در حمل وسایل می‌توان افراد را یاری داد؛
- همراهی کردن با فردی که توان راه رفتن ندارد و به‌سختی حرکت می‌کند، برای این که سختی حرکت برای او آسان‌تر شود.

مرحله پنجم: هدایت‌گری

مرحله آخر، هدایت‌گری است. هدایت‌گری حداقل و حداکثری دارد: از جواب‌دادن به سؤال شرعی تا مسیر زندگی کسی را عوض کردن.

در یک تبلیغ چهره به چهره که ممکن است از چند دقیقه تا چند ساعت طول بکشد یکی از این سه اتفاق می‌افتد که هرکدام یک سطح از هدایت است: سطح اول پاسخ‌گویی، سطح دوم مشاوره یا دست‌گیری و سطح سوم هدایت‌گری. گاهی پاسخ به یک سؤال، زمینه را برای برقراری ارتباط عمیق‌تر و فراتر از این فراهم می‌کند که او گناهی را که مدتی درگیرش بوده است، ترک می‌کند و کنار می‌گذارد.

بسترهای تبلیغی

بسترهای تبلیغ چهره به چهره در ایام اربعین و روش‌هایی درخصوص آن بسترها:

اتوبوس‌ها و کاروان‌ها

برخی از مبلغین از ابتدا تا انتهای سفر، همراه با یک کاروان مشخص حرکت می‌کنند که باید به نکاتی توجه داشته باشند از جمله:

- همکاری با مسئولین اردو؛
- کمک به مسئولین اردو؛
- مدیریت اعتراضات احتمالی شرکت‌کنندگان: گاهی در سفر مشکلاتی ایجاد می‌شود که باعث غرزدن زائرین شود که مبلغ می‌تواند با حفظ نشاط معنوی، فضای اردو را مدیریت کند؛

- پرهیز از شوخی کردن: منظور شوخی‌های نامناسب است. خصوصاً جاهایی که بانوان نیز حضور دارند؛
- حلّ و فصل امور؛
- اقامه نماز؛
- انجام برنامه‌های فرهنگی؛
- حفظ حجاب؛
- پرهیز از خرافات: مثلاً آب‌هایی که در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام یا مقام امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود، هیچ ریشه تاریخی و شرعی ندارد و صرفاً برای کسب درآمد است؛
- ارتباط دائمی با زائرین؛
- توجه و تحویل گرفتن راننده: راننده سهم بسیار زیادی در سفر دارد، بهتر است تعامل خوبی با او داشته باشید.

بسترهای دیگر تبلیغی که می‌توان از آن‌ها استفاده برد عبارت‌اند از:

- موبک‌ها و چادرها و لابی‌های هتل؛
 - حرم‌ها و مشاهد مشرفه و تکایا؛
 - مساجد و حسینیه‌ها و تکایا؛
 - منزل‌های شخصی عراقی‌ها که مردم در آن‌جا استراحت می‌کنند.
- فعّالیت‌هایی که می‌شود با هماهنگی مسئولین هر مکان در این بسترها انجام داد عبارت‌اند از:

- اقامه نماز و مراسم مذهبی؛
- سخنرانی کوتاه یا بیان مسایل شرعی، البتّه کوتاه؛
- پخش کلیپ صوتی یا تصویری در صورت امکان؛
- تشکیل حلقه معرفتی با جوانان؛
- برقراری ارتباط با افراد کنار دستی و برقراری ارتباط با توجه به نکاتی که در تبلیغ چهره به چهره گفته شد.

اما بسترهای سیّال و در حرکت:

- مسیرهای پیاده‌روی بین شهرها؛

- موکب‌های تغذیه؛

- فرودگاه‌ها و ترمینال‌ها؛

مرزهای مهران، شلمچه، چزابه.

در این مکان‌ها هم با اقامه نماز و گاهی بیان چند نکته مختصر، مسئله شرعی یا روایت کوتاه، می‌تواند بسیار مفید باشد. درنهایت نیز استفاده از روش‌های بیان‌شده در تبلیغ چهره به چهره، بهترین کاری است که مبلغ می‌تواند از آن‌ها استفاده ببرد.

نکته پایانی:

درنهایت فراموش نکنیم که در این سفر از آن جایی که بیش‌ترین ارتباط را ما با مخاطب خود داریم. چه بسا ساعت‌ها در کنار او باشیم، با او غذا بخوریم و حتی در استراحت کردن، نیز همراه او هستیم و همه رفتارهای ما در مرآی و منظر بقیه زوار نیز هست. توجه به این حدیث شریف امام صادق علیه السلام مهم خواهد بود که حضرت می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَسْرُوا مِنْكُمْ اَلْاِجْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ؛ مردم را غیر از طریق سخن‌گفتن به‌سوی ما دعوت کنید تا این‌که مردم از شما تلاش و صداقت و ورع را ببینند».

بنابراین بهترین تبلیغ، عمل و رفتار ماست.

بخش چهارم: سوژه‌های سخن

اثر محبت اهل بیت علیهم‌السلام

این پیاده‌روی و تحمل سختی‌ها و شور هرساله زائران، نشان عشق و علاقه آن‌ها به سیدالشهدا علیه‌السلام است. در این سفر به خوبی می‌توان مشاهده کرد که عشق و محبت چگونه انسان را به سمت معشوق می‌کشاند و سختی‌های راه را برای او هموار می‌کند. تبعیت و اطاعت، لازمه محبت است و جدای از آن نیست.

قرآن: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾^۱

نکته: محبت، امری است که دارای شدت و ضعف می‌باشد و به میزان محبت، تبعیت هم حاصل خواهد شد. هر چه محبت بیشتر، تبعیت بیشتر تر.

روایت: امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند: «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مِنْ عَصَاهُ؛ کسی که گناه می‌کند خدا را دوست ندارد».

مردی حضور امام صادق علیه‌السلام آمد و آن حضرت علیه‌السلام فرمودند: این مرد از چه کسانی است؟ (خودش) در پاسخ گفت: از دوستان و موالیان شما. امام صادق علیه‌السلام فرمود: خدا بنده‌ای را دوست ندارد مگر این که او را به خود راه دهد و او را به خود راه ندهد مگر این که بهشت را برایش واجب کند. سپس به او فرمود: تو از کدام دوستان ما هستی؟

آن مرد ساکت شد و سدیر (نام یکی از اصحاب است) پاسخ داد: دوستان شما چند طبقه‌اند یا ابن رسول‌الله؟

حضرت علیه السلام فرمود: سه طبقه: یک طبقه که ما را آشکارا دوست دارند و نهانی دوست ندارند و یک طبقه که ما را نهانی دوست دارند و آشکارا دوست ندارند و یک طبقه که ما را هم در نهان و هم آشکارا دوست دارند. اینان طراز اولند. از آب زلال و گوارا نوشیده‌اند و تفسیر و تأویل کتاب را دانستند و فصل الخطاب و سبب سبب‌ها را دانستند و اینان طراز اولند. فقر و نیازمندی و انواع بلا شتابان‌تر از دویدن اسب بر سرشان بریزند و سختی و تنگدستی آن‌ها را فراگیرد و پریشان شوند. زخمی و سر بریده در هر دیار دور افتاده‌ای پراکنده شوند. به وسیله آن‌ها خدا بیمار را شفا دهد و ندار را توانگر کند و به وسیله آن‌ها شما یاری شوید و باران می‌بارد و روزی می‌خورید و آن‌ها کم‌اند و نزد خدا قدر و منزلتِ بیش‌تری دارند.

و طبقه دوم طراز پائینند؛ ما را در عیانی دوست دارند و به روش پادشاهان زندگی می‌کنند، زبانشان با ما است و شمشیرشان علیه ما.

و طبقه سوم حدّ وسط باشند که از دل، دوست ما هستند و در عیانی دوست ما نیستند. به جان خودم که اگر با ما دوستی محرمانه داشتند، روزه‌داران و عبادت‌کننده‌های شب بودند و اثر عبادت را در چهره آن‌ها می‌دید، اهل سازش و اطاعت بودند.

آن مرد گفت من از دوستان نهانی و عیانی شما هستم. امام صادق علیه السلام فرمود: دوستان نهان و عیان ما نشانه‌ها دارند که با آن‌ها شناخته می‌شوند. آن مرد گفت آن نشانه‌ها چیست؟ حضرت فرمود:

چند خصلتند: توحید را به حق فهمیده‌اند و علم توحید را خوب آموخته‌اند و پس از آن ایمان دارند به آن‌چه ذات او است و آن‌چه صفت اوست. سپس ایمان و حقایق و شروط و تأویلش را دانسته‌اند.^۱

داستان:

آیت‌الله سید عباس کاشانی رحمته الله علیه که امام جماعت صحن کربلای آقا اباعبدالله علیه السلام بودند، می‌فرمود: پیرمردی در کربلا بود به نام حاج عباس رشتی که خیلی به امام حسین علیه السلام علاقه داشت. عشق امام حسین علیه السلام او را به کربلا کشیده بود و زندگی خیلی ساده‌ای داشت. یک اتاقی هم اجاره کرده بود، گاهی کارهای دستی انجام می‌داد. مثلاً یک چیزی خرید و فروش می‌کرد. یک کارش خدمت به مجالس امام حسین علیه السلام بود و آب به عزاداران می‌داد.

آن عالم می‌گفت این پیرمرد زیلوهای حرم را جمع می‌کرد و پهن می‌کرد و برای نماز جماعت خیلی هم سر حال و بانشاط بود. زمان وفات یکی از امامان علیه السلام از خانه بیرون آمدم. در بین راه یکی از وعاظ کربلا به من گفت حاج عباس رشتی مریض و در حال جان دادن است و در کربلا غریب است اگر می‌شود از ایشان عیادتی داشته باشید و ما چهار نفر بودیم وارد اتاق شدیم، دیدیم که یک زیلو کف اتاق است و پتوی کهنه‌ای رویش کشیده و یکی از رفقاییش هم از او پرستاری می‌کند. حاج عباس که هر وقت ما را می‌دید سلام می‌کرد و دست به سینه می‌شد و خیلی سر حال بود، اما دیدیم الآن در رختخواب افتاده و در حال جان دادن است. دیگر نه می‌تواند بنشیند نه می‌تواند جواب سلام بدهد. دیدم حالش خیلی وخیم است و در حال سکر است. مرگ است. دور بسترش نشستیم و به رُفقا گفتم لحظه آخر خیلی مهم است که به چه حالت بمیرد عبرت بگیریم قبل از این که دیگران از ما عبرت بگیرند به این واعظ گفتم که الآن فرصت خوبی است تا یک روضه برای امام حسین علیه السلام بخوانیم. این هم که نوکر امام حسین علیه السلام است. واعظ گفت چشم و شروع کرد: «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» هنگام روضه خواندن همه با چشم خود دیدیم حاج عباس پتو را کنار زد و بلند شد و مؤدب نشست. ما هم با تعجب نگاه می‌کردیم، رویش را به طرف راست چرخاند و شروع به گریه کرد و گفت: «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» قربان قدمهایتان من پیرغلام چه لیاقتی داشتم که به عیادت من بیایید. «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا امیرالمؤمنین، السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ» همین طور سلام داد تا رسید به امام زمان علیه السلام به آقا هم سلام داد. گفت: قربانتان بروم من کجا و عیادت شما؟ و از همه تشکر کرد و بعد دراز کشید مثل این که صد سال است که مرده باشد و قلبش از کار ایستاد و به رحمت خدا رفت. بعد از این که به رحمت خدا رفت، من به رفیقش گفتم که آقا شما جنازه را بردارید گفت چرا؟ گفتم این پیر غلام امام حسین علیه السلام بوده، امام حسین علیه السلام به او نظر کرده و قبولش کرده است. چهارده معصوم علیهم السلام به دیدارش آمده‌اند. باید مثل یک مرجع تقلید، تشییع جنازه‌اش کنیم. گفت ما آمدیم به منزل به وعاظ گفتیم که بالای منبر بگویند. به علمای نجف هم گفتیم که درستان را تعطیل بکنید. به بازاری‌ها گفتیم بازار را ببندید. به هیئت‌ها گفتیم که فردا باید یک دسته‌ای مثل عاشورا برای یک عاشق امام حسین علیه السلام راه بیندازید. می‌گفت کربلا یک حالت عجیبی پیدا کرده بود، هیئت‌ها می‌آمدند به سر و سینه‌شان می‌زدند. یا حسین یا حسین می‌گفتند و گریه می‌کردند.

برای یک غلام غریب امام حسین علیه السلام غوغایی برپا شد. به متولی حرم زنگ زد و بهترین جای حرم، برایش یک قبر آماده کردیم و در حرم دفنش کردیم.

در حوزه هم برای حاج عباس مجلس ختم گرفتیم. یکی از علمای کربلا به نام آیت الله سیبویه که حدود نود سال داشت هم در مجلس ختم شرکت کرد. به من فرمودند که منبر ختم این آقا را من می‌روم. همه تعجب کردند. ایشان عصازنان آمدند در پله اول منبر نشستند. بعد از قرائت قرآن گفت که مردم می‌دانید که من اهل منبر و سخنرانی نیستم ولی آمده‌ام جریانی از حاج عباس رشتی برایتان بگویم. گفت فلانی به من زنگ زد و گفت، من در موقع جان دادن کنار بسترش بودم و چهارده معصوم علیهم السلام به دیدنش آمدند. وقتی تلفن را قطع کردم خیلی گریه کردم دلم شکست که من این قدر در حوزه بودم در حرم آقا علیه السلام امام جماعت بودم، نکند من را قبول نکرده باشند من به حال خودم گریه کردم. خسته شدم، خوابم برد. خواب دیدم، حاج عباس در باغی از باغ‌های بهشت است خیلی سرحال و خوشحال، جوان و زیبا. گفتم حاج عباس چطوری؟ گفت وقتی که من را در قبر گذاشتید قبر من وسیع و باز و نورانی شد. دیدم آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام تشریف آوردند، فرمودند: تو غلام من بودی. من را آورد در این باغی که می‌بینی از باغ‌های برزخی است این باغ را به من مرحمت کردند. فرمودند حاج عباس همین جا باش. در قیامت هم می‌آیم تو را می‌برم در بهشت کنار خودم قرار می‌دهم. بعد گفت آقای سیبویه برو به مردم بگو هر چه هست در خانه سیدالشهدا علیه السلام است. جای دیگر، خبری نیست. «کل الخیر فی باب الحسین هر خیری است در خانه امام حسین علیه السلام است».^۱

بنیازم به بزم محبت که آنجا گدایی به شاهی مقابل نشیند

راه‌های کسب محبت اهل بیت علیهم السلام

با توجه به این که محبت امری است که دارای شدت و ضعف است و کسی که با آمدن برای زیارت امام حسین علیه السلام قطعاً درجاتی از این محبت را داراست چگونه می‌تواند این محبت را تقویت کند؟

۱. نقل مستقیم حجه الاسلام فرزند از مرحوم آیت الله کاشانی.

راه‌های تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام:

۱. افزایش معرفت به امام.

امام عسکری علیه‌السلام: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱.
رابطه معرفت و محبت یک رابطه تکوینی است. علم به کمالات و بزرگی امام علیه‌السلام محبت او را در دل ایجاد خواهد کرد.

۲. توجه به محبت امام علیه‌السلام به شیعیان:

بسیاری از کسانی که یک‌باره مسیر زندگی‌شان تغییر کرد و دوستی دائمی با امام علیه‌السلام برقرار کردند، کسانی‌اند که محبت امام علیه‌السلام را به خودشان دیدند و در برابر آن تسلیم شدند.
نمونه‌ای از محبت امام علیه‌السلام به شیعیان:

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ غَضِبَ عَلَى الشَّيْعَةِ فَخَيْرَنِي نَفْسِي أَوْ هُمْ فَوَقَيْتُهُمْ وَاللَّهِ بِهِ نَفْسِي»^۲ خدای عزوجل بر شیعیان غضب کرد پس مرا مخیر کرد یا من و یا شیعیان فدا شویم. به خدا قسم من جان شیعیان را با جانم حفظ کردم».
شخصی به خدمت امام رضا علیه‌السلام رسید و عرض کرد برای من و خانواده‌ام دعایی فرما. فرمود مگر من دعا نمی‌کنم؟ «وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، بِهِ خُذُوا سَوْگَند، أَعْمَالَ شَمَا هِر شَب وَ رُوز بَر مَن عَرَضَهُ مَي شُود»^۳.

نکته: توجه هر روز و شب نسبت به اعمال شیعیان، نشان از شدت اهتمام آن‌ها بر رشد و ترقی شیعیان است. در توقیع شریف امام زمان علیه‌السلام هم این‌گونه آمده است که حضرت علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چراکه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان، شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند»^۴.

۱. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

توفیق حضور در زیارت اربعین

قطعاً حضور در چنین جایگاهی لطف و عنایت سیدالشهدا علیه السلام به زائران است.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

آنچه از خیر روزی ما می شود، همه از طرف خدا می باشد. در قرآن هم می فرماید: ﴿وَمَا

تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾؛^۱ «توفیق من جز به خواست خدا نیست».

۳. انس و ارتباط با امام

از مهم ترین راه های انس با ائمه علیهم السلام زیارت قبور آن ها می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الزَّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ»^۲ زیارت دوستی می آفریند».

۴. اطاعت از امام

حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَمَعِيَ عِتْرَتِي عَلَى الْحَوْضِ، فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ

بِقَوْلِنَا وَلِيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا...»^۳؛ من و پیامبر خدا و خاندان و نوادگان من بر لب حوض [کوثر] هستیم؛

پس هر که ما را خواهان است، باید گفته ما را بپذیرد و به کردار ما رفتار کند...». بنابراین محبت

باید در عمل، جلوه گر شود.

امام باقر علیه السلام نیز در کلامی می فرماید: «يَا جَابِرُ! بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَأَعْلِمُهُمْ أَنَّهُ لَا

قَرَابَةَ بَيْنِنَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ يَا جَابِرُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَأَحَبَّنَا فَهُوَ

وَلِينَا وَمَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا، أَي جَابِرُ! از طرف من، به شیعیانم سلام برسان و به

آنان اعلام کن که هیچ قرابت و خویشاوندی بین ما و خدای عزوجل نیست و فقط با

اطاعت و بندگی به درگاه الهی تقرّب می یابد. ای جابر! هرکس خدا را اطاعت کند و همراه

آن به ما محبت ورزد، دوست و محب ما است و هرکس خدا را معصیت کند، حب ما

برایش نافع نیست».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: یکی از دعاهای حضرت داود این بوده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي

۱. هود / ۸۸.

۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵.

۳. میزان الحکمة، ج ۲، ح ۳۲۱۲.

۴. همان، ح ۳۲۱۱.

اسئَلُكَ... الْعَمَلُ الَّذِي يُبَلِّغُنِي حَبِّكَ...؛^۱ بارالها! از تو آن عملی را درخواست می‌کنم که محبت تو را به من می‌رساند.

بنابراین یکی از راه‌های رسیدن به «محبت»، اصل عمل و اطاعت عملی است.

۵. دعا برای امام:

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به اسحاق بن عمار می‌فرماید:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛^۲

کثرت دعا در حق امام علیه السلام باعث می‌شود حضور امام علیه السلام در زندگی ما بیش‌تر شود و درک حضور ایشان باعث ایجاد محبت نسبت به امام علیه السلام خواهد شد.»

امنیت

از نکات مهمی که در این سفر جای تأمل و تفکر دارد، مسئله امنیتی است که ما در کشور خود به وفور از آن بهره‌مندیم و قدر آن را در کشور همسایه‌مان می‌توانیم به خوبی درک کنیم. امنیتی که به برکت خون شهدا و مجاهدت رزمندگان و رهبری مدبرانه رهبر انقلاب به‌دست آمده است.

نعمت امنیتی از نعمت‌های مغفول ماست و حال آن‌که روایات در این باره بسیار تأکید دارند که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا علي لا خير... في الوطن إلا مع الأمن والسُّرور؛^۳ یا علی! خیری نیست در... وطن مگر با امنیت و خوشی.»

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛^۴ دو نعمت است که شکر آن‌ها گزارده نمی‌شود: امنیت و سلامتی.»

- قال الامام صادق علیه السلام: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛^۵

۱. صحیح ترمذی، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۲.

۴. الخصال، ج ۱، ص ۳۴.

۵. تحف العقول، ص ۳۲۰.

امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که مردم به آن‌ها نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه».

از مهم‌ترین وعده‌هایی که دربارهٔ زمان ظهور داده شده است، مسئلهٔ امنیت است که نشانهٔ شدت اهمیت آن است.

امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ زمان ظهور این‌گونه می‌فرمایند: اگر قائم ما قیام کند، به واسطهٔ ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان‌که باید ببارد، می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل‌های بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام، آشتی برقرار می‌شود. به‌گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و نه دزدی او را آزار دهد و نه بترساند.^۱

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۲ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین [دیگران] کند. همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند».

توبه

یکی از وظایف اصلی زائر از زمان شروع رفتن به زیارت ائمه هدی علیهم السلام مخصوص امام حسین علیه السلام، استغفار از گناهان و پاک وارد شدن در این حرم نورانی است. وقتی که در این مسیر قدم می‌گذاریم و خود را به نزدیکی حرم سیدالشهدا علیه السلام می‌رسانیم، باید با حالت شرم و پشیمانی از اعمال گذشته سرها را به زیر انداخت و با اظهار پشیمانی و واسطه قرار دادن آن حضرت جهت قبول توبه، اقدام به توبه نمود.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲. نور / ۵۵.

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱؛

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: «از این آیه روشن می‌شود که توبه دو قسم است، یکی توبه خدا، که عبارت است از برگشتن خدا به سوی عبد، به رحمت و یکی توبه عبد، که عبارت است از برگشتن بنده به سوی خدا، به استغفار و دست‌برداری از معصیت. توبه بنده، محفوف و پیچیده به دو توبه از خدا است و در بین آن دو قرار می‌گیرد. به این معنا که بنده در هیچ حالی از احوال، از خدای خود بی‌نیاز نیست و اگر بخواهد از لجن‌زار گناه، نجات یافته و توبه کند، محتاج این است که خدا چنین توفیقی به او بدهد و اعانت و رحمت خود را شامل حال او کند تا او موفق به توبه شود و وقتی موفق به توبه شد، تازه باز محتاج به یک توبه دیگری از خداست و آن این است که باز خدا به رحمت و عنایتش به سوی بنده رجوع کند و رجوع او را بپذیرد. پس توبه بنده وقتی قبول شود، بین دو توبه از خدا قرار گرفته است»^۲.

چند راه برای پاک‌شدن از گناهان وجود دارد:

۱. توبه: ﴿هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ﴾؛ «اوست که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد».

مرحوم نراقی در کتاب جامع السعادات در معنای توبه می‌نویسد: توبه ترک گناهان کنونی و عزم بر ترک آن‌ها در آینده و تلافی و تدارک تقصیر گذشته است.^۳

۲. انجام حسنات و کارهای خیر: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾. «همانا کارهای خیر، گناهان را از بین می‌برد».

۳. پرهیز از گناهان کبیره که موجب بخشش گناهان صغیره می‌گردد ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾ «اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم».

۴. تحمّل گرفتاری‌ها و مصائب دنیا، بار گناهان مؤمنان را سبک می‌کند و سختی‌های

۱. بقره / ۱۳۷.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۳، ص ۶۳.

برزخ و مواقف آغازین رستاخیز، ناخالصی‌هایش را می‌زداید. «قال رسول الله ﷺ السُّفْمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ؛^۱ بیماری گناهان را محو می‌کند».

۵. شفاعت: حضرت علی عليه السلام: «سه گروه هستند که از خدای متعال، طلب شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود. الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء».^۲

باید توجه داشت که بخشش همه گناهان به یک صورت نیست، گناهان را می‌شود به سه دسته تقسیم کرد:

۶. حق الناس که بخشش آن به ادای حق مردم می‌باشد؛

۷. حق الله نیز بخشش به ادای واجبات ترک شده و قضاشده است؛

۸. در غیر این موارد و موارد حق الله و حق الناس که امکان ادای آن‌ها برای شخص فراهم نیست از راه‌هایی که گفته شد، می‌توان برای بخشش و پاکی از گناهان استفاده کرد.

تفکر

از بهترین فرصت‌هایی که در این سفر برای زائر فراهم است، فرصت تفکر است.

تفکر راه رسیدن به عقلانیت است. حضرت موسی بن جعفر عليه السلام می‌فرمایند: «يا هِشَامُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلَ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ»؛^۳ ای هشام برای هر چیزی دلیلی و راهنمایی است و دلیل عقل، تفکر است و دلیل تفکر سکوت است».

نکته: سبک زندگی غربی بر اساس احساسات و هیجانات است و زندگی اسلامی به دنبال زندگی بر مبنای تفکر است.

به چه چیزهایی فکر کنیم؟

- به خودمان: مهم‌ترین چیزی که باید با فکر کردن، آن را در مسیر عقلانیت قرار دهیم، خودمان هستیم. باید سعی کنیم با خودمان روراست باشیم و با صداقت رفتار کنیم. تا حال چه

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵.

۳. اصول کافی ج ۱، ص ۱۶.

کردیم؟ فاصله‌مان تا آن‌چه خدا از ما می‌خواهد چقدر است؟ از خودمان پرسیم که من در این مسیر چه می‌کنم و چه شد که به این سفر آمدم؟

- فکر کنیم که چه می‌شود مردمی که خود گاهی در امکانات اولیه زندگی مشکل دارند؛ اما در پذیرایی از زائران امام حسین علیه السلام از هیچ چیز دریغ نمی‌کنند؟ مگر نمی‌گویند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!

- فکر کنیم چرا یک کشوری با همه سابقه تاریخی و منابع عظیمی که داراست باید چنین وضعیتی داشته باشد؟ تفاوت آن با کشورهای امن و آباد منطقه چیست؟ چرا ثروت نفتی و توریستی عراق، رفاه برایشان نیاورده؟

- فکر کنیم چرا این همه زائر حاضرند این همه مشکلات و سختی را هر ساله تحمل کنند؟
- به کودکانی که در طول مسیر با پای برهنه و با عشق و علاقه به زائران آب تعارف می‌کنند نگاه کنیم و فکر کنیم به آینده آن‌ها به زندگی آن‌ها، فرق آن‌ها با کودکان غرق در نعمت در کشورهای دیگر چیست؟

بهبانهای زیادی برای تفکر در این مسیر وجود دارد، راز تغییر نگرش و رفتار انسان بازشدن باب فکر است. حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند:

بدان که برای تفکر فضیلت بسیار است. تفکر مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است.^۱

این‌که در روایات گاهی فکرکردن را از عمل هفتاد ساله نیز بهتر می‌دانند از این‌رو است که چه بسا با ساعتی فکرکردن، انسان، یک عمر از انحراف نجات یابد.

نمونه‌ای از این تفکر را در کربلا آن لحظه‌ای که حرّ بن یزید ریاحی کمی تأمل کرد در این‌که راه را بر چه کسی بسته و در سپاه چه کسی ایستاده، می‌توان مشاهده کرد. در آن لحظه، حر با لحظه‌ای تفکر، خود را از قعر جهنم به بالاترین درجه بهشت رساند.

زیارت با معرفت

در بین روایات مربوط به زیارت ائمه علیهم السلام تعبیر ثابتی وجود دارد. آن هم عبارت است از: «عارفاً به حقه». این تعبیر تقریباً درباره زیارت تمام ائمه علیهم السلام و حتی حضرت معصومه علیها السلام وجود دارد.

معرفت نیز همانند محبت، امری است که دارای شدت و ضعف می باشد. زائر به میزان معرفتش از زیارت، بهره مند می شود. کسی که امام علیه السلام را صرفاً برای حل مشکلات مادی می خواهد به همان اندازه بهره می برد و کسانی که جایگاه حقیقی و واقعی امام علیه السلام را شناخته باشند نیز به حقیقت معنای زیارت دست می یابند. همان گونه که در زمان حیات ائمه علیهم السلام کسانی بیشترین استفاده را بردند که شناخت بیش تری نسبت به امام علیه السلام داشتند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را با معرفت به آن حضرت زیارت کند، برای او اعلی علیین نوشته می شود.^۱

امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که قبر امام علیه السلام را با معرفت زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.^۲

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر کس قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند [در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد] مانند کسی خواهد بود که صد بار در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به حج رفته باشد.^۳

امام صادق علیه السلام در تبیین زیارت با معرفت می فرمایند:

«يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةِ يَقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَايَرِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ؛^۴ نوه من در زمین خراسان در شهری به نام طوس کشته شود. هر که با معرفت به حق او، وی را زیارت کند، روز قیامت دستش را بگیرم و به بهشت برم

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۵ «مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ»

۲. همان، «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

۳. همان، ص ۹۲ «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حَجَّهِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله».

۴. امالی صدوق، ص ۱۲۱.

اگر چه اهل گناه کبیره باشد. عرض کردم شناختن حقّ او چیست؟ فرمود: بدانند که او امام مفترض الطاعه و غریب و شهید است.

خاطره: حجّت الاسلام محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام ماجرای یکی از دیدارهایشان را با مرحوم خوشوقت، این‌گونه بیان می‌کنند: روزی در مشهد مقدّس نزد آیت‌الله خوشوقت تنها بودم و از ایشان سؤال کردم وقتی که به حرم امام رضا علیه السلام مشرفّ می‌شوید، کدام زیارتنامه را می‌خوانید.

فکر کردم ایشان زیارت جامعه و زیارت امین‌الله را مطرح می‌کند، ولی گفتند: هیچکدام و من تعجّب کردم. آیت‌الله خوشوقت گفتند: هیچ زیارتی نمی‌خوانم و من پرسیدم، پس در حرم چه می‌خوانید؟ ایشان در پاسخ گفتند: خودم با حضرت حرف می‌زنم، می‌گویم و می‌شنوم.^۱ یکی از اهداف خواندن زیارات مأثوره نیز رسیدن به این معرفت نسبی است. بهترین و جامع‌ترین زیارت در این خصوص، زیارت جامعه کبیره است که به شناسنامه ائمه علیهم السلام معروف است. بنابراین توجّه به متن زیاراتِ مخصوصِ هر امام و زیارتهای جامع، بهترین راه برای کسب معرفت واقعی به امام می‌شود. در سفر اربعین نیز توجّه به زیارت اربعین می‌تواند در افزایش معرفت، نقش بسزایی داشته باشد.

مضامینی از زیارت اربعین

در روایت مشهوری که از امام عسکری علیه السلام به ما رسیده است یکی از خصوصیات مؤمن را خواندن زیارت اربعین بیان فرموده‌اند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِينَ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْاِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْاَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ».^۲ علامات مؤمن پنج چیز است:

۱- اقامه پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شبانه روز. ۲- زیارت اربعین. ۳- انگشتر به دست راست کردن. ۴- جبین را در سجده بر خاک گذاشتن. ۵- در نماز بسم‌الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۱۲/۰۳.

۲. تهذیب، ج ۶، ص ۵۲.

زیارتی که مقام معظم رهبری علیه السلام درباره آن می فرمایند:

«خوشا به حال آن کسانی که در حال پیاده روی اند و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش مضمون روز اربعین را خطاب به حضرت سیدالشهدا علیه السلام خواهند خواند»^۱.
این زیارت شریف را شیخ طوسی در تهذیب و مصباح از صفوان جمال نقل کرده است. صفوان می گوید: امام علیه السلام به من فرمود، زیارت می کنی جدم را در هنگامی که روز بلند شده باشد و می گویی:

فراز اول: سلام های توصیفی

- السلامُ علی وَلِيِّ اللهِ وَ حَبِيبِهِ؛ سلام بر ولی و حبیب - دوست - خدا.
- السلامُ علی خَلِيلِ اللهِ وَ نَجِيبِهِ؛ سلام و درود بر خلیل و برگزیده خدا.
- السلامُ علی صَفِيِّ اللهِ وَ ابْنِ-صَفِيَّتِهِ؛ درود بر برگزیده خدا و پسر انتخاب شده خدا.
- السلامُ علی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛ درود بر حسین مظلوم شهید.
- السلامُ علی اسِيرِ الْكِرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعِبْرَاتِ؛ سلام بر کسی که اسیر و گرفتار بلایا و اندوهها شد و کشته برای اشکها.

در فراز ابتدایی، حضرت صادق علیه السلام در قالب این سلام ها وصف وجود مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام می کنند. اوصافی که در واقع جمع تمام ویژگی های انبیای الهی ست. هرکدام از انبیا یک صفت مخصوص خود دارند که با آن مشهور شده اند و در لسان روایات هم با این صفات معرفی می شوند. رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله با عنوان حبیب الله، حضرت ابراهیم علیه السلام با عنوان خلیل الله، حضرت موسی علیه السلام با عنوان کلیم الله، حضرت عیسی علیه السلام با عنوان کلمة الله، حضرت نوح علیه السلام با عنوان نبی الله، حضرت آدم علیه السلام با عنوان صفوة الله.

به خلاف زیاراتی که در آن ها ابتدا به انبیای الهی با این اوصاف مذکور، سلام می دهیم در این زیارت خود امام حسین علیه السلام را با این صفات، مخاطب قرار می دهیم.
برای سلام معانی مختلف ذکر کرده اند که به اختصار نام می بریم.
۱- سلام، یکی از نام های خدای عزوجل است و مراد، آن است که خداوند حافظ تو باشد؛

۱ جلسه درس خارج، مقام معظم رهبری علیه السلام، مورخ: ۹۶/۰۸/۱۴.

۲- سلام به معنای تسلیم؛

۳- سلام به معنای سلامتی.^۱

حال که معنای سلام مشخص شد که به معنای آسایش، امنیت و سلامتی است، به تفسیر سلام بر امام حسین علیه السلام می‌پردازیم. سلام بر امام به این صورت است که شخص زائر درحالی که در حضور امام علیه السلام ایستاده یا از دور، ایشان را در ذهن حاضر نموده و به حضرت علیه السلام سلام می‌کند و در دل می‌گذراند که هیچ آزار و آسیبی از ناحیه من به آن امام، نه در آن وقت و نه پس از آن نخواهد رسید؛ زیرا هدف تمامی آن بزرگواران جز هدایت و اصلاح مردم و اعلاهی کلمه توحید و شیوع طاعت خداوند در مردم نیست؛ لذا آن‌ها از معصیت خدا و تخلف از اوامر و نواهی او، از اخلاق ناپسند مردم از قبیل خودبزرگ‌بینی، حرص، ریا، بخل، حب قدرت، غیبت، آزار رساندن و ... اذیت خواهند شد.

شاید یکی از معانی این کلام پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله که فرمودند: «ما اودئی نبی مثل ما اودیت» این باشد که آن چه بیش از همه وجود پیامبر را آزار می‌دهد، گناهانی است که مردم، خصوصاً مؤمنین، مرتکب می‌شوند و ایشان از بابت این گناهان، اذیت می‌شوند.

زائر باید حال خود را به گونه‌ای قرار دهد که مورد رضایت امام باشد نه مایه اذیت آن حضرت. آن وقت است که در گفتن کلام سلام، صادق است. لذا باید دل را با آب توبه شستشو داده و اشک پشیمانی از دیده فروریزد. پس از آن به امام علیه السلام عرض سلام داشته باشد.

زائر با عرض سلام، خود را به آن حضرت نزدیک کرده و با تکرار واژه ادب، روح و روان خود را به لحاظ نزدیکی به ایشان از پستی‌ها و رذایل و آلودگی‌ها پاک می‌نماید و سلام را چنان با ادب و خلوص و اشک و آه بر دل القا می‌کند تا سلامتی کامل حاصل شود و موجب جواب سلام آن بزرگوار گردد.

درواقع زائر با عرض سلام بر آن حضرت علیه السلام و یارانش، چهره اجتماعی - سیاسی خود را نمایان ساخته و اعلان می‌دارد که نه تنها با بُت درون مبارزه می‌کند، بلکه همانند خود آن بزرگوار، با طاغوتیان، ظالمان، مستبدان و خائنین به مردم، مبارزه کرده و با شعار سلام، خود را در زمره یاران آن حضرت، قرار می‌دهد.

۱. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ص ۶۲.

در سلام آخر گفته می‌شود: السَّلامُ عَلٰی اسیرِ الْکُرْبَاتِ وَ قَتیلِ الْعِبْرَاتِ، «کروب» جمع «کرب» به معنی اندوه و غم و اضطراب شدید^۱ ناشی از گرفتاری‌ها و حوادث است و «کُربَات» منتهای آن غم و اندوه و اضطراب را می‌رساند. هیچ قلبی قادر نیست حزن و اندوهی را که عارض امام علیه السلام شده بود، درک کند و هیچ قلمی قادر نیست آن را به تحریر درآورد. اندوهی که ناشی از سقوط انسان‌ها به پست‌ترین درجه ممکن خود بود. اضطرابی که می‌دید، گروه‌گروه از مردمان به قعر جهنم سقوط می‌کنند و او نمی‌تواند کاری برایشان انجام دهد. آن‌هم برای کسی که آمده است تا همین‌ها را به والاترین مقام انسانی خودشان هدایت کند.

اسیر چنین حزن و اندوهی بودن، با شاهد آن بودن فرق می‌کند. هم‌چنان که «اسیر» از همه سو در احاطه مخالفین خود قرار دارد، اسیر کربات نیز از همه سو در احاطه ناراحتی و حزن حاصله از سقوط انسان‌ها قرار دارد. شخص اندوهگین ممکن است پس از مدتی بر اثر حوادث دیگر، اندوه خود را فراموش کرده یا به شادی بدل کند، اما اسیر غم و اندوه، لحظه‌ای نمی‌تواند غم خود را فراموش نماید.

«عبر» از ماده «عبور» به معنی تغییر در حالت و رفتن از حالی به حال دیگر^۲ است. یا تغییر در مکان و رفتن از جایی به جای دیگر است. به اشک از آن جهت «عبر» گفته می‌شود که با آمدن آن، حالت انسان تغییر می‌کند و از حالت شادی یا معمولی به حالت غم و اندوه می‌رود. اشک شادی نیز همین‌گونه است که انسان را از حالت معمولی خارج و به حالت شادی می‌برد. «عبر» یعنی غمگین شد و اشکش جاری گردید که نشان می‌دهد این نوع اشک فقط در حالت غم و اندوه جاری می‌شود.

«السَّلامُ عَلٰی اسیرِ الْکُرْبَاتِ وَ قَتیلِ الْعِبْرَاتِ ...»

این فراز را به دو نحو می‌توان ترجمه کرد:

۱. ای که به مظلومانه‌ترین وجهی کشته شدی و چشمان عالمی را گریان نمودی.

۲. ای کسی که کشته شدی تا عالمی برای تو بگریند.

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۶.

۲. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۴۳.

ترجمه دومی که از جمله «قَتِيلَ الْعَبْرَاتِ» شد این سؤال را پیش می‌آورد که چرا؟ مگر این اشک ریختن‌ها چه نفعی برای او یا برای ما دارد؟ خود را اسیر گُرَبات کرد تا ما برای او گریه کنیم که چه بشود؟

خداوند اشک را مایه نرمی دل و دوری از شقاوت و سختی آن قرار داده است. هر اشکی که در مظلومیت حسین علیه السلام ریخته شود، بابرکت است. از مهم‌ترین برکاتش این است که دل را نرم کرده و از سنگ‌شدن و قساوت و شقاوت دور می‌کند. قلب انسانی به یک‌باره سخت و سنگ نمی‌شود. بلکه ابتدا میل به سخت‌شدن می‌کند. مثل خاکِ نرمی که ابتدا میل به سخت‌شدن کرده و تبدیل به کلوخ می‌شود که اگر ریزش باران، آن را نرم نکند، به‌سوی سنگ‌شدن می‌رود. اشک نیز همین‌گونه است که با ریزش خود، کلوخ جان‌ها و دل‌ها را نرم کرده و مانع می‌شود تا سخت و سنگ شوند. اگر گفته‌اند اشک بر مصیبت حسین علیه السلام ثواب دارد، مهم‌ترین علت آن می‌تواند همین باشد، زیرا دل نرم، هم‌چون خاک نرم، زمینه‌ای مساعد برای شکفتن و رویش استعدادهای فطری انسان است. در دل‌های نرم است که آیات خدا شکوفا می‌شوند و با اشک مجدّد، نهال تازه‌شکفته آبیاری می‌شود.

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾^۱

هنگامی که آن‌چه را بر رسول صلی الله علیه و آله نازل شده، می‌شنوند، چشمان آنان را می‌بینی از این‌که حق را شناخته‌اند، پر از اشک می‌شود [و نتیجه این اشک این می‌شود که] می‌گویند پروردگارا ایمان آوردیم و نام ما را در زمره گواهان بر حقانیت آن ثبت کن.

ملاحظه می‌شود که در این آیه از ریختن اشک به «تفیض» یاد کرده؛ یعنی اشک ریختن، فیضی است که نصیب آنان شده است. در اثر همین فیض است که دل او نرم شده و حقانیت آیات خدا را درک می‌کند. فیض در لغت به معنی پرشدن جاری‌شدن و بخشش و عطا آمده است. چشمی که پر از اشک می‌شود به‌سبب آن است که خداوند، دلی نرم و قلبی رئوف به او عطا کرده است که با شنیدن و یا دیدن آیات خدا، قلبش متأثر شده و چشمش گریان می‌شود.

اشک ریختن بر حسین علیه السلام به واسطهٔ مظلومیتی که بر او رفته و مصائبی که در راه خدا و دین خدا متحمل شده نیز همین خاصیت را دارد و فیضی است که خداوند نصیب دل‌های اندوهگین از مصیبت وارده بر او نموده است. چشم‌های گریان در مظلومیت حسین در حقیقت، نشان می‌دهند که تا چه حد از عمل ظالمین متنفر بوده و چقدر با آن مظلومین احساس هم‌دردی می‌کنند. به بیان دیگر می‌توان گفت: ریختن اشک، همان نمایش برائت و موالات است.^۱

فراز دوم: شهادت و گواهی امام صادق علیه السلام به عظمت و برتری امام حسین علیه السلام

- اللهم انی آشهدُ أنه ولیکَ وَ ابْنُ ولیکَ؛ بار خدایا گواهی می‌دهم که امام حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو است.

- وَ صَفِیکَ وَ ابْنُ صَفِیکَ، الفائز بکرامتک؛ و نیز گواهی می‌دهم که او برگزیدهٔ تو و پسر برگزیدهٔ تو است که به کرم تو دستگزار است.

- أکرمتُهُ بالشَّهادة؛ خدایا گواهی می‌دهم که او را به وسیلهٔ شهادت، گرامی داشتی.

- وَ حَبَوْتُهُ بالسَّعادة؛ و به او سعادت عطا فرمودی.

- وَ أَجْتَبَيْتُهُ بِطِيبِ الْوِلادة؛ و او را از اصل و نسب، پاکي ولادت بخشیدی.

- وَ جَعَلْتَهُ سَیداً مِنَ السَّادةِ وَ قَائداً مِنَ الْقَادةِ؛ او را آقایی از آقایان و رهبری از رهبران قراردادی.

- وَ ذائِدٌ مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتُهُ مَوارِیثَ الانبیاء؛ و او را مدافعی از مدافعان قرار داده و ارث تمام انبیا را به ایشان عطا فرمودی.

- وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَی خَلْقِكَ مِنَ الْاوصیاء؛ و شهادت می‌دهم که او را حجّت بر خلق خود از اوصیا قراردادی.

در این بخش، زائر، اعتقاد خود را خدمت امام علیه السلام عرضه می‌دارد. اعتقاداتی که باید نسبت به امامش داشته باشد، بیان می‌کند که خدایا او ولی تو و فرزند ولی توست. او برگزیده و پسر برگزیده توست. و با تمام عزّت و احترامی که برای ایشان و نسب او قرار دادی ولی به وسیلهٔ شهادت به او عزّت بخشیدی. تو خواستی که امام به وسیلهٔ شهادت، آن هم چنین شهادتی به عزّت برسد.

۱. سفری از عاشورا تا اربعین، عبدالله مستحسن، صص ۲۹۹ - ۳۰۲.

امام حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان در فجیع‌ترین وقایع و جنایت‌ها، قرار گرفته بودند. اگر چه مدّت زمان جنگ کم بوده؛ اما در این مدّت کم، انواع و اقسام جنایت‌ها و پستی‌ها دیده می‌شود. شهید مطهری رحمته الله می‌فرماید: یک وقت حساب کردم و ظاهراً در حدود بیست و یک نوع پستی و لثامت در این جنایت دیدم و خیال نمی‌کنم در دنیا چنین جنایتی پیدا بشود، که تا این اندازه، تنوع داشته باشد.^۱

حقیقت معنای آیه شریفه **﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾**^۲ در شهادت امام حسین علیه السلام تحقق پیدا کرد و باوجود تمام تلاشها و اراده‌ها برای تحقیر و تذلیل ایشان و اهل بیتشان اراده الهی مقدم شد و عزّت نصیب حسین علیه السلام و ذلّت و بدنامی هم سهم دشمنان ایشان گشت. به گونه‌ای که با گذشت بیش از هزارسال از واقعه کربلا از امام حسین علیه السلام و یاران شهید ایشان به نیکی یاد می‌شود و از یزید و اتباعش با لعن و نفرین و بدی نام برده می‌شود.

فراز سوم: اهداف قیام امام حسین علیه السلام

- **فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَتَّحِ النَّصْحَ**؛ پس امام حسین علیه السلام نیز در دعوت، عذری باقی نگذاشت و خیرخواهی نمود.

- **وَ بَدَّلْ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةَ الضَّلَالَةِ**؛ - خدایا جانم را در راه تو بخشید تا بندگان را از نادانی، سرگردانی و گمراهی نجات دهد.

«اعذر» فعلی است که هم به صورت متعدی استعمال شده است و هم لازم. اگر فعل لازم باشد به این معناست که حضرت علیه السلام در دعا معذور شدند. یعنی حضرت علیه السلام نهایت تلاش خودشان را برای دعوت به دین انجام دادند تا جایی که معذور شدند. اگر متعدی باشد باید مفعول به مقدر داشته باشد که شاید معنا این گونه باشد که اعذر (نفسه) فی الدعاء. یعنی آن قدر تلاش در دعوت به دین داشتند که نفسشان را معذور داشتند. در نهایت مراد از معنای لازم و متعدی یکی خواهد بود. می‌خواهد بفرماید که حضرت علیه السلام آن چه در توانشان بود در دعوت در دین انجام دادند و آن چه به عنوان نصیحت و خیرخواهی بود بر مردم عرضه داشتند.

۱. مجموعه آثار شهید مطهری رحمته الله، ج ۱۷، ص ۲۸.

۲. یونس / ۶۵.

«مهجة» به معنای خون قلب است. «مهجة کلی شیء» در عربی به معنای خون خالص است.^۱ مقام معظم رهبری علیه السلام طی سخنی، معنای این فراز از زیارت را این گونه بیان می‌دارند: «با مذاقه در این بیان، انسان احساس می‌کند که نهضت حسینی علیه السلام در واقع با دو نگاه، قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان دهنده ابعاد عظیم این نهضت است. یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی علیه السلام است که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر [یعنی حکومت یزید] است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگ‌تری است که نگاه دوم، انسان را به آن می‌رساند و آن حرکت، علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین علیه السلام اگرچه با یزید مبارزه می‌کند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه عمر بی‌ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین علیه السلام با این‌ها مبارزه می‌کند.

یک حکومت آرمانی به وسیله اسلام به وجود آمد. اگر بخواهیم ماجرای امام حسین علیه السلام را در سطوری خلاصه کنیم، این گونه می‌توان گفت: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است [چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز] حکومت اشرافی‌گیری و حکومت غیرمردمی و حکومت شمشیر بی‌منطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچک‌تر هم [مثل آن‌چه در جزیره العرب بود] از آن‌ها بدتر بودند و مجموعاً، جاهلیتی دنیا را فرا گرفته بود. در این میان، نور اسلام به وسیله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توان فرسای مردمی توانست اول یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد به تدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فراگیرد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا می‌رفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که می‌توانست الگوی همه بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت به همان جهت ادامه پیدا می‌کرد، بدون تردید، تاریخ عوض می‌شد؛ یعنی آن‌چه بنا بود در قرن‌ها بعد از آن [در زمان ظهور امام زمان علیه السلام در وضعیت فعلی] پدید آید، در همان زمان، پدید آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان علیه السلام است که زندگی بشر هم از آن جا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است که خدا می‌داند بشر در آن جا

۱. تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۴۶.

بخش چهارم: سوژه‌های سخن ۱۷۱

به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه حکومت پیامبر ﷺ میسر می‌شد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری مدت‌ها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.^۱

امام حسین علیه السلام قبل از خروج از مکه خطاب به برادرش محمد حنفیه، وصیت‌نامه‌ای نوشتند که ضمن آن اهداف خود را از قیام، اعلام می‌دارند. در آن جا می‌فرماید: من برای اصلاح دین جدّم رسول‌الله صلی الله علیه و آله و امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌نمایم.^۲

با مطالعه تاریخ زمان امام حسین علیه السلام در می‌یابیم که در دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تغییرات بسیاری ایجاد شده و بدعت‌های فراوانی نهاده شده بود. امام برای این که حقیقت دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله حفظ شود و دینی سالم به نسل‌های بعدی رسانده شود هیچ راهی نداشت جز این که قیام کند و بدین وسیله اعلام کند که حقیقت دین اسلام به یغما برده شده. پس امام علیه السلام قیام می‌کند تا پیام دین واقعی را به گوش افرادی که خواهان شنیدن حقیقت هستند، برساند.

جهالت امت، عامل اصلی انحرافات می‌باشد. دشمن زمانی می‌تواند در دین انحرافات ایجاد کند و آن را از مسیر حقیقی خودش خارج کند که مردم از حقایق بی‌اطلاع باشند.

جهل نسبت به جایگاه و مقام امام علیه السلام جهل در تشخیص اهم از مهم، جهل در شناخت دوست و دشمن و جهل در تحلیل مسائل جامعه و ... جهالت‌هایی است که می‌تواند تا کشتن پسر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله نیز پیش برود. لذا بیرون کردن مردم از چنین جهلی، عامل تحقق عاشورا و وقایع آن می‌شود.

فراز چهارم: قاتلان امام حسین علیه السلام

- وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّثَهُ الدُّنْيَا؛ کسانی علیه او (امام) هم‌دست شدند که دنیا آن‌ها را فریب داد.

- وَ بَاعَ حِظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى اخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ؛ و بهره هستی خود را به بهای ناچیز و پستی فروختند و آخرت خود را به بهای کمی دادند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در خطبه‌های نماز جمعه تهران، مورخ: ۷۹/۱/۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

- و تَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ؛ گردن فرازی کرده و خود را در پرتگاه هوس انداختند.

- وَ أَسَخَطَكَ وَ أَسَخَطَ نَبِيكَ؛ و تو و پیغمبر تو را به خشم آوردند.

- وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ؛ و آن (دنیا پرستان) پیروان بنده‌هایت شدند که خلاف‌انگیز و نفاق‌انگیز بودند.

- وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمَسْتَوْجِبِينَ النَّارِ؛ و بار گناه به دوش کشیده و به آتش سزاوار شدند.

- فَجَاهِدُهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا؛ پس (امام) جهاد کرد با آن‌ها در حالی که شکمیا بود.

- حَتَّى سُنِفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَةٌ؛ تا این‌که در (راه) طاعت تو خونس ریخته شد.

- وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَةً؛ هتک حرمت به حرم امام عليه السلام مباح شد.

امام صادق عليه السلام در این فراز از زیارت به توصیف قاتلان می‌پردازد. امثال عمر بن سعد بن ابی وقاص و شمر بن ذی‌الجوشن از فرماندهان و مؤثران در کربلا، همه از سابقه‌داران و مشاهیر جهان اسلام بودند و در جنگ‌های بسیاری برای اسلام جنگیدند. این‌ها نمونه‌هایی از قاتلان امام حسین عليه السلام بودند که حب دنیا و مقام، آن‌ها را وسوسه کرده و با فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنگیدند و امام عليه السلام را به شهادت رساندند.

به گواهی تاریخ، دنیا پرستی از عوامل مهم گمراهی بسیاری از کسانی بود که در سپاه عمر بن سعد بودند. فرزندی شاعر می‌گوید: من در سال شصت هجری که با مادرم از کوفه، عازم مکه و انجام مراسم حج بودم با امام حسین عليه السلام ملاقات کردم. حضرت از من سؤال کرد: از کوفه چه خبر داری؟ گفتم: قلوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَ اسْيَافُهُمْ عَلَيْكَ^۱ و... مردم دل‌هاشان با توست، ولی شمشیرهاشان با بنی‌امیه است و ...

حضرت امام حسین عليه السلام در سخنی فرمودند: إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعِقْقُ عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَاشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛^۲ به راستی که مردم، بندگان دنیا هستند و دین و دینداری بر سر زبان و لقلقه زبان آن‌هاست و دین را فقط زمانی می‌خواهند که

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۶۷.

۲. تحف العقول، ص ۲۴۵.

وسيله‌ای برای تأمین دنیای آنان شود؛ اما وقتی که به گرفتاری و بلا آزمایش می‌شوند، دینداران حقیقی، بسیار اندک هستند.

حبّ دنیا و دنیاخواهی از ریشه‌های اصلی گمراهی انسان‌ها می‌باشد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ».^۱

بسیاری از کسانی که در کربلا مقابل امامشان ایستادند از جایگاه و منزلت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اطلاع داشتند. ولی دنیاخواهی مانع از این بود که بتوانند به آنچه علم و یقین داشتند، عمل کنند. همان‌گونه که مُجَمَّع بن عبدالله عانذی به امام گفت: «أما أشرافُ الناسِ فقد أعظمت رشوئهم و مُلئت غرائزهم»^۲؛ اما رؤسای آن‌ها که رشوة فراوان به آنان داده شده و خورجین‌هاشان پر شده است، همه یک‌دست علیه توهستند.

علاوه بر رؤسای تعدادی دیگر در لشکر دشمن بودند، با وجود آگاهی به حقانیت و مظلومیت حسین عَلَيْهِ السَّلَام به سبب از دست ندادن دنیا و زن و بچه در قتل حسین شرکت نمودند؛ البته آن‌ها کسانی بودند که به ظاهر، نماز می‌خواندند و شهادتین می‌گفتند؛ ولیکن به سبب شکم و ریاست یا ترس از دست دادن جان و دنیای خود، برخلاف اعتقاد خود با حسین عَلَيْهِ السَّلَام جنگیدند. به همین جهت جنگ اصحاب ابن زیاد در راه عقیده و ایمان نبوده؛ بلکه جنگ با عقیده و خود بوده است؛ یعنی آن‌ها کسانی بودند که به سبب شکم با اعتقادات خود جنگیدند. به همین دلیل آن‌ها از کفاری که در راه عقیده خود می‌جنگیدند، پست‌ترند. عقاد در همین باره می‌گوید: در پستی یاوران یزید همین بس که در کربلا به جهت اعتقادی که به کرامت و حقّ آن حضرت داشتند از مقابله رو در رو با وی می‌هراسیدند؛ ولی پس از شهادت، لباس او و اهل بیتش را در میان اموال غارت شده بیرون می‌آوردند و اینان اگر به دین او و رسالت جدّش هم کافر بودند این عمل آن‌ها در مذهب مردانگی، پست‌ترین کار بود.^۳

مگر می‌شود شیعه، در صلح و آرامش همراه با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده و در هنگامی که میدان جنگ به پا می‌شود، بی تفاوت باشد؟ هرگز این چنین نیست؛ زیرا معنای حقیقی شیعه، پیروی در تمام چهره‌ها است و پیرو واقعی، روحش با امام خود، یکی می‌شود.

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۱.

۲. وقعة الطف، ص ۱۷۴.

۳. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۱۴۵.

البته خیانت و فاجعه به این بزرگی را نمی‌توان با عامل دنیاطلبی منحصر کرد. خباثت درونی برخی از به ظاهر مسلمانان را نیز نباید فراموش کرد. کسانی که به سبب کینه‌های قدیمی، دین خودشان را فروختند. آنان مسخ شدگان زشت‌رویی بودند که سینه‌هایشان از کینه فرزندان آدم آکنده بود. به‌ویژه از کسانی که اخلاق استوار و آثار نیکو داشته‌اند و به همین دلیل تمامی کینه‌های خود را از روی دشمنی با وی بر سر آنان ریختند؛ هر چند که از این کار، پاداش و غنیمتی نصیبشان نشد.^۱

فراز پنجم: گواهی دادن به سبک زندگی الهی سید الشهداء علیه السلام

- أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ؛ گواهی می‌دهم که تو امانت‌دار خدا و پسر امانت‌دار او هستی.

- عِشْتَ سَعِيداً وَ مَضَيْتَ حَمِيداً وَ مِتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً؛ گواهی می‌دهم که سعادت‌مند زندگی کردی و ستوده در گذشتی و هنگامی که رحلت کردی از وطن خود دور بودی و در حالی که ستم دیده بودی به شهادت رسیدی.

- وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ؛ و گواهم که خدا وفا کند به آنچه تو را وعده داد.

- وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ؛ و (خدا) هلاک کند هر آن کس را که تو را رها کرده و ترک گفته و عذاب کند کسی که تو را کشت.

- أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ؛ و گواهی می‌دهم که به عهد خدا وفا کردی.

- وَ جَاهِدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى اتَيْكَ الْيَقِينُ؛ و در راه (خدا)، تا رسیدن لحظه مرگ جهاد کردی.

در زیارت عاشورا به یکی از صفات مشترک امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره شده است، آن‌جا که می‌فرماید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ، در زیارت اربعین به یکی دیگر از صفات مشترک اشاره شده است، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ. امام حسین علیه السلام امین‌الله است و فرزند امین‌الله. امین به کسی گفته می‌شود که مورد اطمینان است و اهل خیانت نیست. کسی که نزد خدای متعال، امین است، معنایش این است که خدای متعال به او اطمینان کامل دارد و او

را محرم اسرار قرار می‌دهد. می‌توان به او سنگین‌ترین امانت‌ها را قرارداد و او ذره‌ای در این امانتها خیانت نخواهد کرد.

زندگی ایشان بهترین زندگی و مرگ ایشان نیز بهترین نوع است نه شهادت عادی؛ بلکه شهادت مظلومانه! به‌گونه‌ای که حتی بر بدن مطهر حضرت علیه السلام هم بعد از شهادت رحم نکردند و اوج خباثت و دشمنی‌شان را با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دادند.

فراز ششم: نفرین بر ظالمین و قاتلین امام حسین علیه السلام

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ؛ خدا لعنت کند کسی که تو را کشت؛

وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛ و خدا لعنت کند کسی که به

تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند، جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند.

لعن به معنای طرد است^۱ و وقتی که به خدا نسبت داده شود به معنای دوری از رحمت و قرب

خداوند متعال است.^۲

سه دسته مورد لعن قرار گرفته‌اند، کسانی که شراکت در قتل داشتند، کسانی که به حضرت

ظلم کردند و کسانی که در طول تاریخ، راضی از شهادت امام حسین علیه السلام باشند.

قاتلین، کسانی بودند که در جنگ شرکت کردند و دستشان به خون حضرت، آغشته شد.

ظالمین هم کسانی بودند که با عهد شکنی خودشان به حضرت ظلم کردند و زمینه جنگ را

فراهم کردند و راضیان هم کسانی‌اند که در طول تاریخ با قاتلین و ظالمین در حق حضرت همراه

و ادامه دهنده راه آن‌ها می‌شوند.

هر چقدر دوستی با اهل بیت علیهم السلام سبب سعادت است، برائت از دشمنان آن‌ها نیز اثر دارد.

نمی‌توان از طرفی محبت امیرالمؤمنین علیه السلام را داشت و دست دوستی به سمت معاویه هم دراز

کنیم. چرا که یکی جبهه حق است و دیگری جبهه باطل. یکی سعادت‌مند است و دیگری در قعر

جهنم، راهی بین این دو وجود ندارد. چه بسا لازمه محبت واقعی به اهل بیت علیهم السلام برائت از

دشمنان آنان باشد.

۱. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۷.

۲. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ص ۱۲۳.

فراز هفتم: تجدید بیعت با سرور شهیدان حسین بن علی علیه السلام

- اللهم انی اشهدک انی ولیّ لمن والاه؛ خدایا! من تو را گواه می‌گیرم که هر آن‌که حسین علیه السلام را دوست دارد، دوست می‌دارم.

- و عدوّ لمن عاده؛ و دشمنم با هرکسی که دشمن اوست.

- بابی انت و امی یابن رسول الله؛ پدر و مادرم به فدایت! ای فرزند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

مگر ممکن است پیرو حقیقی، در صلح و آرامش با اهل بیت علیهم السلام بوده و در جنگ و محاربه، بی تفاوت و یا رو در روی آن‌ها باشد و مگر ممکن است شیعه راستین، در جنگ با آن بزرگواران بوده و در صلح به مخالفت با آنان برخیزد. هرگز این چنین نیست؛ زیرا معنای حقیقی شیعه، پیروی در تمام چهره‌ها است و پیرو واقعی، روحش با امام خود، یکی می‌شود، لذا صلح امام صلح او، جنگ امام، جنگ او می‌شود. چنان‌که پیغمبر صلی الله علیه و آله پس از آن‌که خامس آل عبای علیهم السلام را تحت کساء جمع کرد، فرمود: «اللّهُمَّ اِنَّ هُوَ لَآ اهل بیتی وَ خَاصَّتِی وَ حَامَّتِی لِحَمَّتِی لِحْمُهُمْ لِحْمِی وَ دَمُهُمْ دَمِی یُؤْلَمْنِی مَا یُؤْلَمُهُمْ وَ یَحْرُئْنِی مَا یَحْرُئُهُمْ اَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ اِنَّهُمْ مِنِّی وَ اَنَا مِنْهُمْ...»^۱ پس آن زمانی که تمامی آنان (پنج تن) گرد آمدند و تعداد کامل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله طرفین عبای را گرفتند و با دست راست خود به سوی آسمان اشاره فرمودند: پروردگارا! اینان اهل بیت و خاصان و یاوران من هستند، گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است. آن‌چه ایشان را بیازارد مرا آزرده است و آن‌چه آنان را به زحمت افکند، مرا به زحمت افکند. هر که با آنان بجنگد، با من جنگیده و هر که با آنان در سلم و صلح باشد با من در سلم و صلح است و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی ورزیده و هر که آنان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است. من از آنانم و آنان از من. پس پروردگارا صلوات و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر من و آنان قرار بده و پلیدی را از آنان زدوده و پاکشان گردان...» .

۱. «خدایا اینانند خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است می‌آزارد مرا هر چه ایشان را بیازارد و به اندوه می‌اندازد مرا هر چه ایشان را به اندوه در آورد من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و در صلحم با هر که با ایشان در صلح است و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد اینان از منند و من از ایشانم». (عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱، قسم ۲، فاطمه علیها السلام، ص ۹۳۴).

خداوند متعال درباره برائت و دشمنی نسبت به دشمنان خدا و رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند. گرچه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشانان باشند. اینانند که خدا ایمان را در دل‌هایشان ثابت و پایدار کرده و به روحی از جانب خود نیرومندشان ساخته و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درمی‌آورد. در آن جا جاودانه‌اند. خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند. اینان حزب خدا هستند، آگاه باش که بی‌تردید حزب خدا همان رستگارانند.

«بابی انت و امی؛ پدر و مادر من فدای تو باد».

معنای این جمله این است که اگر بلایی متوجه شما بشود من عزیزترین و بهترین افراد نزد خودم را که خدا به من عطا کرده، فدای شما می‌کنم و و از آن جایی که عزیزترین افراد نزد هر انسانی پدر و مادر او می‌باشند در این عبارت می‌گوییم پدر و مادرم به فدایت!

این جمله در واقع برای تعظیم مخاطب استعمال می‌شود و از آن جایی که در بسیاری از مواقع، متکلمی که این جمله را می‌گوید با مخاطبش فاصله زمانی دارد، مراد این خواهد بود که والدین من سزاوارتر به شهادت و مرگ هستند؛ بلکه من آن‌ها را برای دفاع از تو و فداشدن در راه تو تشویق می‌کنم.^۲

فراز هشتم: اصالت خاندان امام حسین علیه السلام

- اَشْهَدُ أَنْكَ كُنْتَ نَوْرًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ؛ گواهی می‌دهم که تو نوری بودی در اصلااب پدران بزرگواریت و ارحام مادران پاک.

۱. مجادله / ۲۲.

۲. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ص ۱۶۴.

- لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا؛ جاهلیت، تو را به پلیدی های خود، آلوده نکرد.
 - وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ و (دوران جاهلیت) جامه های درهم و برهم خود را بر تن تو نکرد.

- وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و گواهم که تو از ستون های دین، ارکان مسلمین و دژ محکم مؤمنین هستی.

- و اشهدُ أنك الامامُ البرُّ التَّقِيُّ - الرِّضَى الرَّكِيُّ الهَادِي المَهْدِي؛ و شهادت می دهم که تو پیشوایی نیکو رفتار، پرهیزکار، پسندیده و پاک، هدایت گر و هدایت شده هستی.

- و اشهدُ انَّ الائمةَ - مِن وُلْدِكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى؛ و گواهی می دهم که امامانی که از اولاد و ذریه تو می باشند، کلمه تقوا هستند.

- و اعلامُ الهُدَى وَ العُرْوَةُ الوَثْقَى وَ الحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا؛ و نشانه های هدایت و حلقه محکم تر و حجّت بر همه اهل دنیا هستند.

فرازهایی که زائر بر ویژگی های امام علیه السلام شهادت می دهد، در واقع بخش امام شناسی زیارت می باشد. از اهداف مهم زیارت های مأثور این است که زائر اگر در شناخت امامش کوتاهی هایی داشته، بتواند با خواندن زیارت، معرفت خودش را نسبت به امامش کامل کند. بنابراین لازم است که زائر بر این فرازهای زیارت، تأمل بیشتری داشته باشد و اعتقادات خود را با آنها اصلاح کند.

فراز نهم: پیمان همراهی با امام علیه السلام و دشمنی با دشمنان آن حضرت علیه السلام:

- وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي وَ حَوَاتِيمِ عَمَلِي، گواهی می دهم که من مؤمن به شمایم و به بازگشتتان یقین دارم؛ بر اساس قوانین دینم و عواقب عملم.

- وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ؛ و قلبم با قلب شما آمیخته است.

- وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حتی یاذنَ اللهُ لکم؛ و در هر کار خود پیرو دستورات شما هستم و آماده یاری و نصرت شما می باشم. تا این که خدا به شما اجازه ظهور دهد.

- فَمَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛ و من با شما هستم نه با دشمنان شما.

از مسلّمات اعتقادی شیعه، مسئله رجعت است و بر اساس روایات متعدّد، اولین کسی که

در زمان ظهور حضرت علیه السلام رجعت خواهند داشت، وجود مقدّس امام حسین علیه السلام می‌باشد. در این فراز، ما به این اعتقاد مسلم تشیع اقرار می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام در کلامی، می‌فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ؛^۱ اولین کسی که قبر او شکافته می‌شود و به دنیا برمی‌گردد، حسین علیه السلام می‌باشد».

ایمان، تسلیم و تبعیت، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خطّ ائمه علیهم السلام است. ما شیعیان به امامت آنان ایمان داریم. «مَوْمِنٌ بِكُمْ» و رجعت آنان را در آخر الزّمان، باور کرده‌ایم «وَيَايَاكُمْ مُوقِنٌ» و با همه آیین‌ها و سنت‌های دینی، آن را ابراز می‌کنیم و تسلیم محض هستیم و تبعیت کامل، نسبت به آنان داریم؛ چه در مرحله قبلی، چه در مرحله عملی «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ». این ایمان و تسلیم و تبعیت، عنصر دیگری را می‌طلبد به نام «نصرت». همان‌گونه که یاران امام حسین علیه السلام در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت ایشان بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند. زائر حسینی علیه السلام نیز در اربعین، همین مراتب و مراحل را ابراز می‌دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه علیهم السلام قرار می‌دهد تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام با رهبری حضرت ولی عصر علیه السلام شکل گیرد. «وَأُنْصَرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ».

این‌که امروز یاری ما به این خاندان چگونه می‌تواند باشد، جای تأمل و سخن بسیار دارد. کدام عمل، در راستای مواضع ائمه علیهم السلام به شمار می‌آید؟ امکانات قابل عرضه ما برای «نصرت» چیست؟ زیرا فقط با شعار «گوش به فرمان تویم»، مشکلی حل نمی‌شود.

در زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت‌های دیگر، از جمله در همین زیارت اربعین، این تعبیر دیده می‌شود «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعٌ عَدُوَّكُمْ»؛ این یعنی داشتن موضع، اعلام موضع، پایداری بر سر موضع، همسوس شدن با دشمنان و حمایت از خطّ ائمه علیهم السلام.

این «معیت» و همراهی با ائمه علیهم السلام چگونه است؟ اگر امامان علیهم السلام در عصر ما حضور داشتند در جناح بندی‌های سیاسی در کدام جهت بودند؟ در مسایل بین‌المللی چه موضعی داشتند؟ با

استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و گروه‌های تکفیری و حکومت‌های مزدور بیگانه و حاکمان وابسته به استکبار، چه برخوردی داشتند و نسبت به مسایلی هم‌چون فلسطین چه موضعی می‌گرفتند؟ شناخت ما از ائمه علیهم‌السلام موضع آنان را به ما نشان می‌دهد.^۱

خطّ ائمه علیهم‌السلام امروز هم جلوه‌ها و نمادهایی دارد؛ هم‌چنان‌که خطّ دشمنان‌شان نیز، در اشکال گوناگون، ظهور و بروز دارد. این فراز زیارت، بازهم تأکیدی بر تولّی و تبرّی است.

فراز دهم: صلوات بر اهل بیت علیهم‌السلام

- صلواتُ اللّٰهِ علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم؛ صلوات خدا بر شما، بر ارواح مقدّستان، بر پیکر پاک شما.

- و شاهدیکم و غائبکم و ظاهرکم و باطنکم؛ و حاضر شما و غایب شما و آشکار شما و نهانتان.

- امین ربّ العالمین؛ به اجابت رسان، ای پروردگار جهانیان.

در این فراز پایانی، اولاً در احترام و بزرگداشت آنان، «صلوات خدا» را بر آنان خواستار شده‌ایم که برتر از دروذهای ما بندگان است. ثانیاً دروذهای الهی را نسبت به همهٔ آنان و همهٔ جوانب حیاتشان خواستار شده‌ایم. چه بر روح و جانشان، چه بر پیکرهای مطهرشان، چه بر آنان که هستند یا نیستند، چه ظاهر و چه باطن، که شامل امامان معصوم شهید علیهم‌السلام نیز می‌شود که آمده‌اند و رفته‌اند، هم بر امام عصر علیه‌السلام که هم «ظاهر» است [هر چند از دید ما غایب است] و هم «شاهد» است. [هر چند ما او را نمی‌بینیم].^۲

۱. بازشناسی مضامین بلند زیارت اربعین، جواد محدثی.

۲. بازشناسی مضامین بلند زیارت اربعین، جواد محدثی.

بخش پنجم: اماکن زیارتی

گاهی زائرانی که فرصت بیش‌تری در اختیار دارند، برای زیارت به اماکن مقدّسه‌ای که در کشور عراق وجود دارد، غفلت می‌کنند. درحالی‌که در زمان اندکی امکان دارد که بتوانند برخی از این اماکن را انتخاب کنند و از اعمال و ثواب‌های آن بهره‌مند شوند. در این بخش به‌صورت مختصر، بعضی از اماکن موجود در شهرهای زیارتی عراق را ذکر می‌کنیم.

۱. نجف

شهر نجف آرامگاه امام علی علیه السلام نخستین امام شیعیان است. این شهر مرکز استان نجف و از مقدّس‌ترین شهرهای شیعیان و مرکز قدرت سیاسی شیعیان در عراق به‌شمار می‌رود. نجف در ۱۶۰ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد. شهر نجف از لحاظ جغرافیایی در نزدیکی شهر کوفه قرار گرفته است. نزدیکی شهر نجف و کوفه به نحوی است که نمی‌توان این دو شهر را از هم‌دیگر مجزا دانست.

در متون تاریخی، اسامی گوناگونی برای نجف ذکر شده است. از جمله غری یا غریان، مشهد، نجف اشرف، الطور، الطهر، الجودی، الربوه، بانقیا و اللسان. نجف، مشهورترین نام شهر است که پس از آن، صفت اشرف نیز اضافه می‌شود و مجموعاً نجف اشرف گفته می‌شود. نجف، واژه‌ای عربی و به معنای منجوف است. منجوف مکانی است مستطیل شکل و مرتفع که آب در اطراف آن جمع می‌شود. ولی بر سطح آن جاری نمی‌شود. وضعیت جغرافیایی شهر

نجف که مستطیل شکل بوده و از زمین‌های پیرامون بلندتر است، موجب شده این نام بر آن نهاده شود.^۱

حرم امیرالمؤمنین علیه السلام

مفضل می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به غری^۲ بروم. حضرت فرمودند: چه اشتیاقی به آن داری؟ عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقه‌مند هستم.

حضرت علیه السلام فرمودند: آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می‌دانی؟ عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، من را از آن مطلع بفرمایید.

حضرت علیه السلام فرمودند: هر گاه اراده زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را کردی بدان که در واقع استخوان‌های حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می‌کنی.

عرض کردم: [مردم می‌گویند] حضرت آدم علیه السلام در سرن‌دیب^۳ محلّ طلوع آفتاب هبوط کرد و عموم معتقدند استخوان‌هایش در بیت‌الله الحرام، دفن شده؛ پس چطور می‌فرمایید در کوفه می‌باشد؟!]

حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام درحالی که در کشتی بود وحی فرمود که هفت بار طواف بیت نماید. آن جناب طبق آن چه به وی، وحی شده بود طواف کرد. سپس از کشتی بیرون آمد و تا زانوهایش در آب فرو رفت. تابوتی را که در آن استخوان‌های حضرت آدم علیه السلام بود از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل کرد و به دنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف کرد و پس از آن وارد درب کوفه که در وسط مسجد کوفه هست، شد. در این وقت بود که حق تعالی به زمین فرمود: آبی که در برداری فرو ببر. پس زمین آبش را از مسجد کوفه فرو برد، همان طوری که قبلاً از همین مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهی که با نوح علیه السلام در سفینه بودند، متفرّق گشته سپس جناب نوح علیه السلام تابوت را در غری دفن کرد [غری

۱. سیمای نجف اشرف، بابایی، سعید، نشر دیجیتالی، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.

۲. نام دیگر شهر نجف، منسوب آن غروی می‌باشد.

۳. نام قدیمی سریلانکا (روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۴۱۲ تاریخ ۹۳/۱۱/۱۵، ص ۳۰ تاریخ و اقتصاد).

بخش پنجم: اماکن زیارتی ۱۸۳

قطعه‌ای از کوهی است که موسی علیه السلام در آن با خدا تکلم کرد و عیسی علیه السلام در آن تقدیس شد و ابراهیم در آن به منصب خلیلی نصب گردید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن حبیب خدا خوانده شد و همین کوه بود که حق تعالی آن را مسکن انبیا قرار داد].

سپس حضرت فرمودند: به خدا قسم بعد از آباء طاهرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام احدی کریم‌تر از امیرالمؤمنین علیه السلام در آن سکونت اختیار نکرده.

سپس فرمودند: و بدین ترتیب هرگاه اراده کردی نجف را، پس استخوان‌های آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کن که زائر آباء اول و گذشته [آدم و نوح علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که خاتم انبیا است و حضرت علی علیه السلام که سید اوصیا بوده، می‌باشی] و باید توجه داشته باشی که برای زائر آن حضرت علیه السلام درب‌های آسمان گشوده می‌شود. پس، از این خیر عظیم غافل مباش.^۱

در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، و اطراف آن عالمانی در صحن مدفون هستند مانند: سید بحرالعلوم، میرزای شیرازی، میرزا حسین محدث نوری، شیخ انصاری، شیخ عباس قمی رحمته الله، میرزای نائینی، مرتضی طالقانی، سید مصطفی خمینی، ابوالحسن اصفهانی، آخوند خراسانی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمدکاظم یزدی، شیخ جعفر شوشتری، شیخ طوسی، علامه حلی، مقدس اردبیلی، ملا احمد نراقی، میرزا حبیب‌الله رشتی، علاءالدین حسین خلیفه سلطان، بیرون از صحن امام علی علیه السلام سید محسن حکیم، شیخ جعفر کاشف الغطا، علامه امینی، آقابزرگ تهرانی و سید محمدباقر صدر و رئیس علی دلواری.

مساجد نجف

مسجد شیخ طوسی: این مسجد ابتدا منزل مسکونی ابوجعفر محمد بن حسن طوسی [۴۶۰ ق] بود. او وصیت کرد که پس از مرگش او را در آن جا به خاک بسپارند و محل آن را به مسجد تبدیل کنند.

مسجد هندی: از بزرگ‌ترین مسجدهای نجف است.

۱. کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، ص ۱۱۴.

مسجد شیخ انصاری و محلّ تدریس امام خمینی علیه السلام: این مسجد با مساعدت و نظارت شیخ انصاری ساخته شده است. در گذشته، محلّ تدریس بزرگانی هم چون سید کاظم یزدی و امام خمینی علیه السلام بوده است.

قبرستان وادی السّلام

أَمَّا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ؛ هیچ مؤمنی در شرق و غرب عالم باقی نمی ماند مگر آن که خدا روح او را به وادی السّلام محشور می کند.

در میان قبور وادی السّلام، مرقد برخی از انبیا و بزرگان و مقام هایی وجود دارد که اشاره ای به آن ها می شود:

مرقد حضرت هود و صالح علیه السلام: این آرامگاه در بخش آغازین گورستان وادی السّلام واقع شده است. بنا بر روایات، این دو پیامبر در این سرزمین مدفونند.

مقام صاحب الزّمان علیه السلام: این مقام در گورستان وادی السّلام قرار دارد و جایگاه مقدّسی است که به آن حضرت، نسبت داده می شود. از این رو مردم به زیارت و نماز خواندن در آن می پردازند.

مقام امام زین العابدین علیه السلام: بنا به گفته روایات، جایگاهی است که امام سجّاد علیه السلام هنگام زیارت قبر جدّ خود در آن جا به نماز ایستاده است و این مقام در مغرب شهر نجف واقع است.

مرقد صافی صفای یمانی: مسجدی است که گفته می شود امیر مؤمنان علیه السلام در آن جا نماز خوانده و در گوشه ای از آن، مدفن یکی از یاران حضرت علیه السلام قرار دارد.

مرقد کمیل بن زیاد: این آرامگاه در میان بزرگراه نجف - کوفه قرار گرفته و دارای صحن وسیع و گنبد بزرگی است. کمیل از یاران با وفای حضرت علی علیه السلام بود و دعای کمیل که حضرت آن را به وی آموخت، مشهور است.

۲. کوفه

شهر کوفه مرکز خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و حکومت اسلامی بوده است. در زمان خلیفه دوم و به هنگام هجوم سپاه اسلام به ایران و تسخیر مداین، این شهر آب و هوای مطلوبی برای حضور دایمی نیروهای جنگ‌جو و غازیان نداشت و چون فتح سایر قسمت‌های ایران، وابسته به ماندگاری نیروی نظامی یا ایجاد اردوگاهی برای حضور مستمر نیروهای جنگ‌جو بود، خلیفه دوم دستور داد تا سرزمینی مناسب پیدا کنند و سلمان فارسی محلّ کوفه را به این منظور انتخاب کرد. سعد بن ابی وقاص که این مکان را برای ایجاد اردوگاه مناسب دید به احداث آن اقدام کرد.^۱

مسجد کوفه

این مسجد شاید نخستین بنایی باشد که به هنگام احداث شهر برپا کردند، زیرا وقتی سعد بن ابی وقاص این منطقه را برای استقرار دائم سپاهیان در نظر گرفت، نخستین اقدام او بنای مسجدی برای عبادت مردم بود. محدوده مسجد را با تیراندازی یک تیرانداز تعیین کردند که در چهار سمت، تیر انداخت. به این دلیل که می‌خواستند مساحت بسیار زیادی را به مسجد اختصاص دهند. به‌گونه‌ای که همه جنگجویان و ساکنان منطقه بتوانند برای نماز در آن حضور یابند.

امام باقر علیه السلام در فضیلت مسجد کوفه می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ لَأَعْدُوا لَهُ الرَّادَّ وَالرَّوَّاجِلَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ إِنْ صَلَاةً فَرِيضَةً فِيهِ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ [صَلَاةً نَافِلَةً] تَعْدِلُ عُمْرَةً؛^۲ اگر مردم به فضیلتی که در مسجد کوفه است واقف بودند از راه دور توشه برداشته و بر مرکب سوار شده و به آن‌جا می‌رفتند. سپس فرمودند: یک فریضه در آن به جا آوردن مساوی با یک حج بوده و یک نافله در آن خواندن معادل با یک عمره می‌باشد».

امام صادق علیه السلام هم در روایتی می‌فرماید: «صَلَاةً فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِأَلْفِ صَلَاةٍ؛^۳ یک نماز در مسجد کوفه، معادل است با هزار نماز».

وصف برخی از اماکن مقدّسه موجود در شهر کوفه به اختصار بیان می‌شود.

۱. عتبات عالیات عراق، اصغر قانطان، ص ۷۶.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۹.

مسجد حنّانه

کاروان کربلا در مسیرشان به سمت کوفه سر مقدّس سیدالشهدا علیه السلام را در این مکان بر زمین گذاشتند. زمین ناله سر داد. بعدها در آن مکان، مسجدی ساخته شد و به یاد آن ناله، مسجد را حنّانه نامیدند.

خانه امیرالمؤمنین علیه السلام

امام علی علیه السلام در اواخر عمر شریفشان به مدّت چهار سال و چند ماه در کوفه زندگی کرده‌اند و مرکز حکومت ایشان نیز در کوفه بوده و به یقین در خانه‌ای سکونت داشته‌اند. ولی این که محلّ سکونت ایشان در کجای کوفه بوده، بیرون یا درون دارالاماره، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ چون به هر حال این احتمال با توجه به شهرت آن، وجود دارد که محلّ فعلی [در مجاورت کاخ دارالاماره کوفه]، خانه آن حضرت باشد، می‌توان این محل را خانه امّ دانست.

ولی تقسیمات درون این خانه قطعاً با روحیات ایشان سازگاری ندارد و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که در سال‌های آخر حکومت صدّام آن را بازسازی کرده‌اند. مواردی مثل مکتب الحسنین علیهم السلام و نمازهایی هم که برای برخی مکان‌ها در این خانه بیان شده، بدعت بوده و هیچ مبنای روایی ندارد.^۱

قبر مسلم بن عقیل

حرم شریف حضرت مسلم علیه السلام یار وفادار و پیک امام حسین علیه السلام به سمت کوفه، در قسمت شرقی مسجد کوفه واقع شده است و با گنبدی که سطح آن کاشی کاری شده است مشخص است.

قبر مختار بن ابی عبیده ثقفی

قبر او در جوار مسجد کوفه، در کنار دو شهید دیگر فدایی امام حسین علیه السلام یعنی مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، زیارتگاه عاشقان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است.

۱. سایت بعثه مقام معظم رهبری علیه السلام.

قبر هانی بن عروة

هانی از بزرگان کوفه و یاران خاص امام علی علیه السلام بود. وی در جنگ جمل و صفین حضور داشت. او از مخالفان بیعت با یزید به شمار می‌رفت. خانه او از زمان ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه مرکز فعالیت‌های سیاسی و نظامی بود. وی نقش مهمی در قیام مسلم بن عقیل داشت. او را پس از شهادت مسلم بن عقیل و به دستور عبیدالله بن زیاد، سر از بدنش جدا کردند. او را در کنار دارالامارة کوفه به خاک سپردند. اکنون مزارش به مسجد کوفه متصل است و پشت قبر مسلم بن عقیل و در جهت شمال آن قرار دارد.

مسجد سهله

بعد از مسجد کوفه با فضیلت‌ترین مسجد در شهر کوفه می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: این جا منزل حضرت ادریس علیه السلام و ابراهیم علیه السلام بوده و محل ورود و مسکن حضرت خضر علیه السلام است. این جا منزل حضرت صاحب الزمان علیه السلام است و با اهل و عیالش در این جا فرود خواهد آمد.^۱ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَا مِنْ مَكْرُوبٍ يَأْتِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَيَصَلِّي فِيهِ رُكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْعِشَاءِ يَنْوِئُ وَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ»^۲ هیچ غم‌زده‌ای به این مسجد نمی‌آید و دو رکعت نماز میان نماز مغرب و عشا نمی‌خواند و از خداوند کمک نمی‌خواهد، مگر این‌که خداوند اندوهش را بر طرف می‌سازد».

مسجد صعصعة بن صوحان

منسوب به یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و یار باوفای امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام است. او در جنگ‌های جمل و صفین در کنار امام علی علیه السلام حضور داشت و در دوران معاویه، وادار شد روی منبر رود و علی علیه السلام را دشنام دهد. اما او علی علیه السلام را به نیکی یاد کرد و بر معاویه لعنت فرستاد و معاویه نیز او را به بحرین تبعید کرد تا در آن جا وفات یافت.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۵، ص ۲۶۶.

مسجد زید بن صوحان

زید، برادر صعصعه، از صحابه رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام بود. او در جنگ نهاوند حضور یافت و ابتدا یکی از دستانش را قطع کردند. او به همان حال به جنگ ادامه داد تا در رکاب مقتدایش به شهادت رسید. مسجدی در جنوب مسجد سهله به نام این صحابه بزرگوار وجود دارد که خودش، آن را بنا کرده است.

۳. کربلا

بارگاه با شکوه سومین پیشوای شیعیان جهان و نواده گرامی رسول خدا ﷺ به شهر کربلا قداستی آسمانی بخشیده است. کربلا قبله‌گاه عاشقان ثارالله و سرزمین خون و شهادت است. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ أَرْضَ الْكُعْبَةِ قَالَتْ مَنْ مِثْلِي وَقَدْ بَنَى اللَّهُ بَيْتَهُ [بَنَى بَيْتَ اللَّهِ] عَلَى ظَهْرِي وَيَأْتِينِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَجُعِلْتُ حَرَمَ اللَّهِ وَأَمْنَهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ كُفِّي وَفَرِّقِي فَوْعَزَّتِي وَجَلَالِي مَا فَضُلُ مَا فَضَّلْتِ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتِ بِهِ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غَرَسَتْ [غُمِسَتْ] فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ لَوْ لَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ وَ لَوْ لَا مَا تَصَمَّنْتَهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي افْتَخَرْتَ بِهِ فَقَرِّي وَ اسْتَقَرِّي وَ كُونِي دُنْيَا مُتَوَاضِعاً ذَلِيلاً مَهِيناً غَيْرَ مُسْتَكْبِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ لِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَ إِلَّا سُحْتُ بِكَ وَ هَوَيْتُ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است. حال آن‌که خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند و حرم خدا و مأمَن، قرار داده شده‌ام؟! خداوند متعال به سویس وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزت و جلال خودم قسم! آن‌چه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلا اعطا کرده‌ام هم‌چون قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بردارد و اساساً اگر خاک کربلا نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آن‌چه این خاک آن را در بردارد تو را نمی‌آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم. بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و

نسبت به زمین کربلا استتکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و آلا تور را فرو برده و در آتش جهنم قرارت می دهیم».

برخی از اماکن مقدسه در شهر کربلا عبارت اند از:

حرم مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام طایفه ای از بنی اسد، پیکر آن امام و یارانش را در همان جایی که محلّ شهادت آنان بود به خاک سپردند. گفته اند امام حسین علیه السلام هنگام ورود به طف، مکان قبر خود و یارانش را به شصت هزار درهم خرید و آن را صدقه قرارداد، به شرطی که آنان قبر او را آباد کرده و از زائران او به مدّت سه روز پذیرایی کنند.^۱

محلّ دفن حضرت علی اکبر علیه السلام جوان شجاع و دلاور امام حسین علیه السلام در پایین پای آن حضرت است. ضریح امام حسین علیه السلام به صورت شش ضلعی است که دو ضلع پایین آن به علی اکبر علیه السلام و شهیدان بنی هاشم تعلق دارد. این قسمت به ضریح بیرونی قبر امام حسین علیه السلام وصل شده است.

مزار شهیدان بنی هاشم در کنار مزار علی اکبر علیه السلام و پایین پای مبارک امام حسین علیه السلام قرار دارد. بر اساس روایات، بنی اسد وقتی شهیدان را به خاک سپردند، جنازه های شهیدان بنی هاشم را که در یک خیمه توسط امام حسین علیه السلام جمع آوری شده بود، پایین پای آن حضرت دفن کردند و سپس چند متر پایین تر از آن، دیگر شهیدان کربلا غیر از بنی هاشم را به خاک سپردند.^۲

این به غیر از بدن مطهر ابالفضل العباس علیه السلام و حرّ بن یزید ریاحی است. بدن مطهر ابالفضل العباس علیه السلام در همان محلّ شهادتشان دفن شد و بدن حرّ بن یزید ریاحی که جنازه آن آزاد مرد را قبیله اش از میدان جنگ خارج کرد و در روستایی در ۹ کیلومتری غرب کربلا به خاک سپرد. آن جا امروزه به سبب وجود قبر او به «روستای حرّ» معروف است.

۱. مجمع البحرین، طریحی، ج ۵، ص ۴۶۲.

۲. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۳.

بارگاه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام علم‌دار کربلا و یار با وفا و برادر فداکار امام حسین علیه السلام در ۳۰۰ متری شمال حرم آن حضرت، قرار دارد؛ یعنی جایی که حضرتش به شهادت رسید.

تلّ زینبیه

مکانی که در روز عاشورا حضرت زینب علیه السلام برای آگاهی بیش‌تر از اوضاع میدان و دیدن صحنه جنگ بارها از خیمه‌ها هراسان و نگران به این تپه که مرتفع و مشرف بر میدان جنگ بود تشریف می‌آوردند.

خیمه‌گاه (مخیم)

محلّ برپایی خیمه‌های یاران و اهل بیت امام حسین علیه السلام

کفّ العباس

دو مقام با این نام وجود دارد که گفته شده یکی محلّ قطع شدن دست راست حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و دیگری محلّ قطع شدن دست چپ ایشان می‌باشد.

مقام صاحب‌الزمان علیه السلام

در اطراف حرم امام حسین علیه السلام در زمین‌های معروف به جعفریات، قبه و زیارتگاهی وجود دارد که گفته می‌شود امام صادق علیه السلام هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در آن مکان با آب نهر فرات غسل زیارت می‌کرد. این نقطه در ساحل غربی نهر علقمه قرار دارد و گنبد این مقام با کاشی مزین است.^۱

۱. عتبات عالیات، اصغر قاندان، ص ۱۷۸.

مقام حضرت مهدی علیه السلام

در سمت چپ نهر حسینیه کنونی، در ورودی کربلا و راه مقام امام صادق علیه السلام بقعه و مقامی است که گنبد بلندی دارد. این بقعه به یاد و نام حضرت بقیه الله علیه السلام بنا شده است.^۱

۴. طفلان مسلم

آرامگاه محمد و ابراهیم دو فرزند مسلم بن عقیل که از زندان ابن زیاد گریختند و توسط یکی از نگهبانان ابن زیاد به قتل رسیدند.

۵. کاظمین

شهر کاظمین در مجاورت شهر بغداد، سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد و مناره‌های طلایی آن از داخل شهر بغداد نمایان است. مرقد شریف امام موسی کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام در این شهر واقع است.

۶. بغداد

مرقد نواب اربعه امام زمان علیه السلام: در زمان غیبت صغری امام زمان علیه السلام چهار نایب خاص داشتند که به آن‌ها نواب اربعه گفته می‌شود. مرقد هر چهار تن آن‌ها در شهر بغداد واقع است. عثمان بن سعید عمری، اولین نایب خاص حضرت بود. قبر وی در شهر بغداد، سمت رصافه، نزدیکی دجله قسمت غرب بازار میدان (سوق المیدان) در مسجدی به نام خودش واقع است.

محمد بن عثمان، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید، دومین نایب حضرت مهدی علیه السلام است. وی پس از وفات پدر به نیابت آن حضرت درآمد و ۴۸ سال، سفارت ایشان را برعهده داشت. مقبره محمد بن عثمان در قسمت رصافه (شرق دجله) در محله‌ای به نام شیخ خلانی در خیابان جمهوری است که در وسط شهر بغداد قرار دارد.

۱. همان.

حسین بن روح نوبختی، سومین نایب حضرت مهدی علیه السلام است که قبرش در بازار شوره‌جّه بغداد واقع است.

علی بن محمد سمّری؛ قبر ایشان به‌عنوان آخرین نماینده امام زمان علیه السلام در رصافه بغداد و غرب مدرسه مستنصریه، داخل بازار کمالیات قرار دارد. مرقد او دارای صحن و مسجد و مناره است و شیعیان زیادی از نقاط مختلف به آن جا می‌آیند.

مسجد برائثا: از مسجدهای قدیم و مشهور کاظمین است که بین محله کرخ بغداد و کاظمین قرار دارد. برائثا نام محله‌ای در غرب بغداد و در جنوب کرخ است. آن را از آن رو برائثا نامیده‌اند که کشیشی به این نام در این محل ساکن بود و به دست امام علی علیه السلام که در جنگ نهروان یک شب در این مکان منزل نمود، مسلمان شده است.

۷. شهر مداین و قبر سلمان فارسی

سلمان فارسی، از یاران جلیل‌القدر و با وفای رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در دوران خلافت خلیفه دوم، حاکم مدائن شد. او در دوران حکومتش زندگی بسیار ساده‌ای داشت و همانند فقیرترین مردم زندگی می‌کرد. سرانجام پس از آن‌که در سال ۳۶ ق وفات یافت، نزدیکی ایوان کسری به خاک سپرده شد. مکان قبر او در سمت چپ کاخ کسری به فاصله چند صد متری قرار دارد.

۸. سامرا

سامرا به‌سبب وجود مرقد مطهر دو پیشوای شیعه، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام مرکز توجه و مد نظر جهان تشیع است. این شهر در کرانه شرقی رود دجله، در میان راه بغداد-تکريت واقع شده است. در حال حاضر، این شهر مرکز استان صلاح‌الدین است که از شرق به استان تمیم (کرکوک)، از شمال به نینوا، از غرب به استان الانبار و از جنوب به بغداد محدود می‌شود.

یادآور می‌شود که قبر مطهر نرجس خاتون مادر امام زمان علیه السلام و حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام نیز در کنار قبر امامین عسکریین علیه السلام واقع است.

در وجه تسمیه این شهر نقل‌های متعددی هست از جمله این‌که: گفته‌اند سام، پسر نوح علیه السلام آن را ساخته و یا از آن گذشته است و یا «سام را»؛ یعنی شهری که برای سام ساخته شده است. برخی گفته‌اند شاید «شام راه» بود؛ یعنی راه شام، زیرا در گذشته اگر کسی قصد سفر به شام داشت باید از عراق، بغداد و سامرا عبور می‌کرد. برخی نیز آن را سُرَّ مَنْ رَأَى می‌دانند. از دیگر اسم‌های این شهر باید به «عسکر»، «زوراء»، «تیرهان» و «ناحیه مقدسه» اشاره کرد. «عسکر» نام محله‌ای خاص در سامرا و به روایتی محلّ حضور لشکریان بود و به همین دلیل کسانی را که در سامرا می‌زیستند گاهی عسکری هم نامیده‌اند؛ اما «تیرهان» در عصر ساسانی و «زوراء» در دوره اسلامی معروف بودند.^۱

سرداب مقدّس: تقدّس این مکان به جهت این است که مسکن و محلّ عبادت سه تن از امامان معصوم [امام هادی و امام عسکری و امام زمان علیهم السلام] بوده است و آن‌چه گفته می‌شود که آن‌جا محلّ غیبت امام زمان علیه السلام بوده، مورد تأیید منابع شیعی نیست.

امامزاده سید محمد: ایشان فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام است و قبل از شهادت امام هادی علیه السلام به شهادت رسید.

متن زیارت اربعین

السَّلَامُ عَلَيَّ وَ عَلَى اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيكَ وَ ابْنُ صَفِيكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتَبَيْتَهُ بِه طيب الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ دَائِدًا مِنَ الدَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَارَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكِسِ وَ تَعَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسَخَطَكَ وَ أَسَخَطَ نَبِيكَ،

۱. عتبات عالیات، اصغر قانطان، ص ۱۹۷.

وَ اطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ لِلنَّارِ فَجَاهَدَهُمْ
فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ
عَذَّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عَشْتِ سَعِيدًا وَ مَضِيَّتِ حَمِيدًا وَ مَتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ
مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِهِ عَهْدَ اللَّهِ وَ
جَاهَدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاةَ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ تُنَجَّسْكَ
الْبَاطِلُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ
أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرْتُقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي
الْمُهْدِي وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ
عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِبِائِبِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ حَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ
قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ
مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ [أَجْسَامِكُمْ] وَ
شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش، سلام بر بنده برگزیده خدا
و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاری ها و کشته
اشک ها.

خدایا من گواهی می دهم که حسین، ولی تو و فرزند ولی تو و فرزند برگزیده توست. حسینی
که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی و به خوشبختی اختصاص دادی و به پاکی
ولادت برگزیدی و او را آقایی از آقایان و پیشروی از پیشرویان و مدافعی از مدافعان حق قراردادی
و میراث های پیامبران را به او عطا فرمودی و او را از میان جانشینان، حجت بر بندگان قراردادی
و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید و جانش را در راه تو بذل
کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که علیه او به کمک هم

بخش پنجم: اماکن زیارتی ۱۹۵

برخاستند. کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه‌تر و پست‌تر چیز فروختند و آخرتشان را به کم‌ترین بها به گردونه فروش گذاشتند. تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو و پیامبرت را به خشم آوردند.

و اطاعت کردند از میان بندگانت، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونش ریخته شد و حریمش مباح گشت. خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین و عذابشان کن عذابی دردناک، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اوئی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم گشته و مظلوم و شهید، گواهی می‌دهم که خدا وفا کننده است آن چه را به تو وعده داده و نابود کننده است کسانی را که از یاریات دریغ ورزیدند و عذاب کننده کسانی که تو را کشتند و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راهش به جهاد برخاستی تا مرگ فرارسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند و به تو ستم کردند و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند.

خدایا من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند و دشمنم با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت! ای فرزند رسول خدا. گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک، نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نکرد و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند و گواهی می‌دهم که تو از ستون‌های دین و پایه‌های مسلمانان و پناهگاه مردم مؤمنی و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده و هدایت شده‌ای و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا و نشانه‌های هدایت و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می‌دهم که من به یقین، مؤمن به شمایم و به بازگشتان یقین دارم، بر اساس قوانین دینم و عواقب عملم و قبلم با قلبتان در در صلح و کارم پیرو کارتان و یاری ام برای شما آماده است تا خدا به شما اجازه دهد. پس با شمایم نه با دشمنانتان، دروهای خدا بر شما و بر ارواح و پیکره‌ایتان و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

کلمات و عبارات پرکاربرد به زبان عراقی:

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أزوح	بروم	جَواز - باسپورت	گذرنامه - پاسپورت
تريد الباص لُو كَيْتَة؟	اتوبوس میخوای یا ون	إِنطِنِي جَوازَكَ	گذرنامه‌ات رو بده
إشگدا؟ - إشگدا الأجرة	کرایه‌اش چنده - چقدر میشه	خَلِّي أَشُوف	بگذار ببینم - نگاه کنم
زِين	خوبه	فِيزَة	ویزا
لا، باهز	نه گرونه!	وِين	کجاست؟
إهْوَی، كَلِّش - باهز	خیلی - گرونه	وِينِ المَرافِق	سرویس بهداشتی کجاست؟
جَماعَتُكُمْ، چَم نفرات؟	گروهتون، چند نفر هستید؟	أرید	می‌خواهم
خِلاص؟	تمام شدید؟ همه سوار شدید؟ تکمیل شد	صَعَد - يا الله صَعَد	بیا بالا - سوار شو
سائق	راننده	جُنْطَة - جمع: جُنَط	چمدان - ساک
حَقْبَة	کیف - کوله	- شيلِ الجُنْطَة	چمدون رو بردار
بَوَابَة	گیت - دروازه - ورودی	سِيطَرَة	ایستگاه پلیس
عَرَبانَة	گاری - ارابه	ضابُط	افسر - مأمور - مسؤل
أَلجَوار حار - حار	هوا گرمه - گرمه	عَرَبنجی	گاری چی - ارابه کش
حُبْر	نان	مايِ الحارّ، مايِ حار	آبجوش
أَكْف	واپستا - نگه دار	صَمّون	ساندویچی
طَفّ - طَفِيَه - طَفِي المُكَيّف	خاموش کن - خاموش کن - کولر را خاموش کن	شَعَلِ المُكَيّف	کولر را روشن کن
تعال	بیا	إهنا - إهناك	این جا - آن جا

بخش پنجم: اماکن زیارتی ۱۹۷

عربی	فارسی	عربی	فارسی
ضَبِيعَت	گم کردم	رُوح (روح)	برو
لَيْش	چرا - برای چه	خَلَى	بگذار - قرار بده
شُورَى، شُورَى - شوى أعرف، شوى أحمى	کم - کمی عربی بلدم	مَأْفَتِهِم (الف خوانده نمی‌شود) - مَفْتَهُم شِتْگول	نمی‌فهمم - نمی‌فهمم چی میگی
شَكَراً	متشکرم	رِجاءاً	لطفاً
مو مشکل	مشکلی نیست	اهلا و سهلا	خوش آمدی
العفو/ آنى آسف	ببخشید، متاسفم	إشوکت	چه وقت؟
چَم؟	چقدر؟	وین	کجا؟
أَكِل	غذا	جسر	پل
افتهم، ما أفتهم	می‌فهمم، نمی‌فهمم	بالسرعة	عجله کن
فلوس	پول	دواء	دارو
جامع	مسجد	یمكن تُساعدنى؟	ممکنه کمکم کنی؟
شُرطَة	پلیس	سوغ	بازار
تعبان	خسته	اوگف	بایست
شِبعان	سیر	جوعان	گرسنه
مستشفى	بیمارستان، درمانگاه	وین الحرم؟	حرم کجاست؟
رخيص	ارزان	غالی	گران
باچر	فردا	أمس	دیروز
اللیل	امشب	اليوم	امروز
خدا شما را سلامت بدارد	الله یسلمکم	خدا نگهدارتون باشه	الله یحفظکم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
خدا کمکتان به کنه	الله یساعدکم	خدا پدر و مادرتان را بیامرزد	رحم الله والدیك
شاحنة	شارژر	شريعة	سیم کارت
گوم	بلندشو	الکراج	ترمینال
بارد	سرد	إِغْعِد	بنشین
الصيرفة	صرافی	حملة	کاروان
شاورما	کباب ترکی	التصريف	پول چنج کردن
دجاج مشوی	مرغ سرخ شده	حليب	شیر
لازم	باید	إبیض	تخم مرغ
یسار	چپ	یمین	راست
خلف	پشت - عقب	گدام	روبرو
یم	کنار	فوک	بالا
جرة	داخل	برة	بیرون
عربنچی	گاری چی	عربانة	گاری

راه‌های کسب اطلاعات

راه‌هایی که می‌توان برای به دست آوردن اطلاعات سفر از آن‌ها استفاده کرد عبارت‌اند از:

- سامانه سماح (<https://samah.haj.ir>) جهت ثبت نام اولیه

- رادیو اربعین در کربلا و نجف روی موج اف ام ۹۰/۹

- سامانه اطلاع رسانی اربعین: <http://alarbaeen.ir>

- سایت‌های خبری معتبر

نشانی سفارت و کنسولگری‌های ایران در کشور عراق:

سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد

نشانی: منطقه صالحیه - کراده مریم - محله ۲۲۲ - کوچه ۱۹ - پلاک ۳۵

کد پستی: ۳۹۹۵

کد کشور عراق: ۰۰۹۶۴

کد شهر بغداد: ۱

تلفن: ۵۳۷۶۳۴۰ - ۵۳۷۶۳۳۹ - ۸۸۵۳۵۷۴ - ۸۸۵۳۷۱۴

سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در بصره

نشانی: عراق، بصره، براضعیه، خیابان السراجی، جاده ابوالخصیب، پلاک ۹۳/۲/۴۱۲/م

کد کشور عراق: ۰۰۹۶۴

کد شهر بصره: ۴۰

تلفن: ۶۱۱۵۷۸۰۱ - ۶۶۷۵۲۲۴۳

سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در کربلا

نشانی: عراق - کربلا - خیابان مرکزی

کد پستی: ۵۶۰۰۱

کد کشور عراق: ۰۰۹۶۴

کد شهر کربلا: ۳۲

تلفن: ۳۲۲۹۰۵

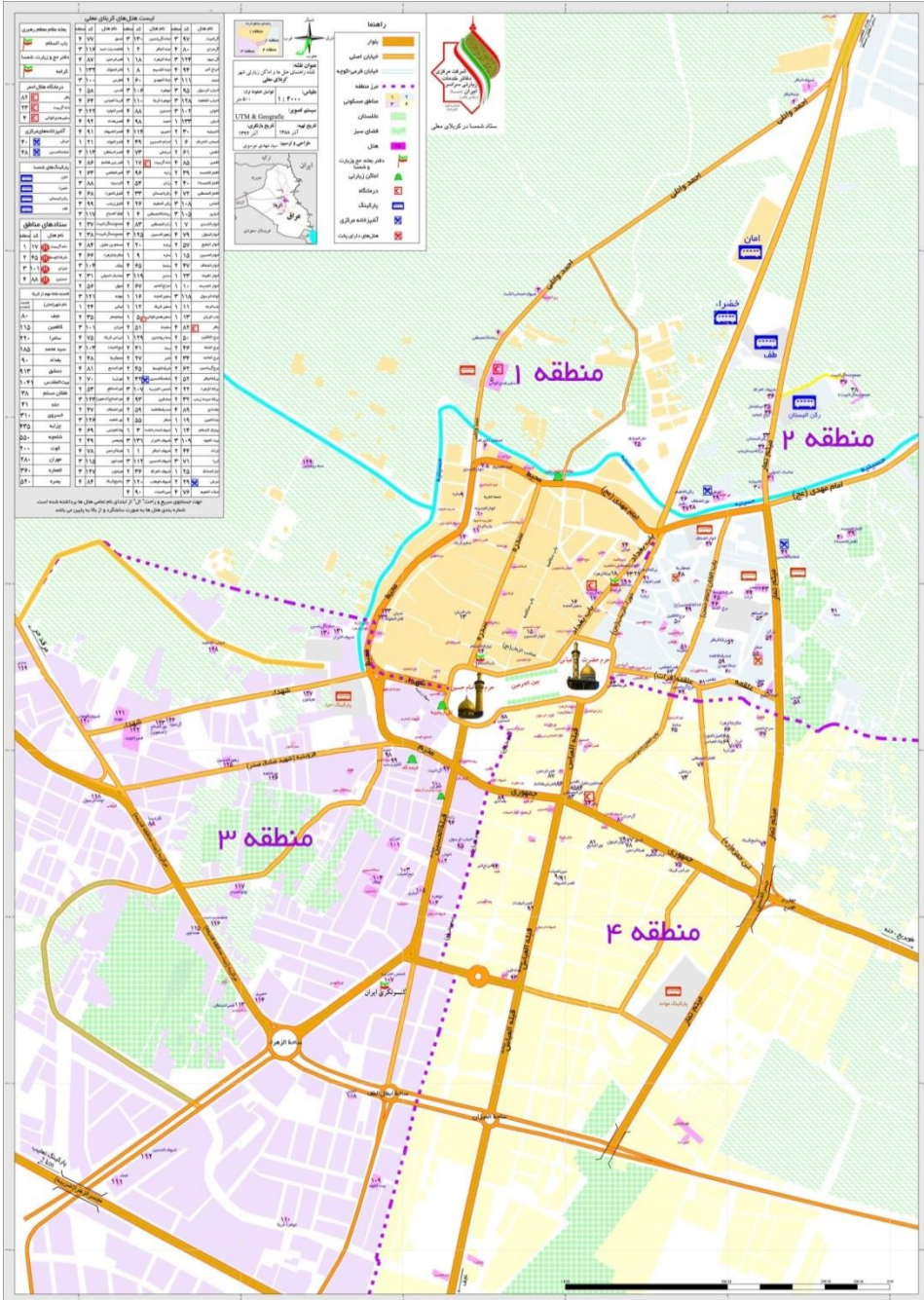
سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نجف

نشانی: عراق - نجف اشرف - منطقه حی السعد - خیابان ۶۰

کد کشور عراق: ۰۰۹۶۴

کد شهر نجف: ۳۳

تلفن نمایندگی: ۷۸۱۴۱۳۲۸۱۹ - ۷۸۱۴۱۳۲۸۲۱



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة.
۳. اباذری، عبدالرحیم، امام موسی صدر امید محرومان، تهران: جوانه رشد، اول، ۱۳۷۴ ش.
۴. اباذری، عبدالرحیم، خاطرات آیت الله مسلم ملکوتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۸۵ ش.
۵. اباذری، عبدالرحیم، در وادی عشق، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیة، دوم، ۱۳۹۵ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۲ ق.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، مترجم، احمد فهري زنجانی، تهران، جهان، اول، ۱۳۴۸ ش.
۹. ابن قولویه، محمد بن جعفر، کامل الزیارات، نجف، دار المرتضویة، اول، ۱۳۵۶ ق.
۱۰. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، قم، جامعه مدرسین، سوم، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، قم، موسسة الامام المهدي، دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. بشارتی، علی محمد. از ظهور اسلام تا سقوط بغداد (تاریخ تحلیلی اسلام و ایران)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی؛ حوزه هنری، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالله الواحد، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، اسراء، چهاردهم، ۱۳۹۳.
۱۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، قم، آل البيت، اول، ۱۴۰۹ ق.

۱۷. بحرانی، ابن شعبه، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. حسینی خامنه ای، سید علی، اجوبة الاستفتانات، قم، دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام.
۱۹. خرماهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود، پیام پیامبر، تهران، نشر منفرد، اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. دیل کارنگی، آئین دوستیابی، ترجمه ریحانه جعفری و پروین قائمی، تهران: نشر پیمان، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
۲۱. دیلمی، شیخ حسن، ارشادالقلوب الی الثواب، قم، نشر شریف رضی، اول، ۱۴۱۲.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. رحیمیان، محمد حسن، حدیث رویش، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۸۲ ش.
۲۴. روزنامه قدس، مصاحبه با آیت الله میرباقری.
۲۵. رئیسی اردلی، محمد نصیر، شناخت عراق، تهران، سازمان اوقاف نشر نیایشگران وحدت، اول، ۱۳۸۵.
۲۶. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، موسسه امام صادق (ع)، اول، ۱۴۱۸.
۲۷. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، رضی، اول، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. شناخت عراق، ستاد اربعین.
۲۹. شیخ صدوق، الخصال، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۶ ش.
۳۰. شیخ صدوق، امالی الصدوق، بیروت، نشر اعلمی، پنجم، ۱۴۰۰ ق.
۳۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالرضی، اول، ۱۴۰۶ ق.
۳۲. شیخ صدوق، علل الشراعی، قم: داوری، اول، ۱۳۸۶ ق.
۳۳. شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، نشر اسلامی، سوم، ۱۳۹۰ ق.
۳۴. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، نشر کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. صالح پرور، هادی، تبلیغ چهره به چهره روش های تعامل با زائران اربعین، ستاد مرکزی اربعین.
۳۶. صدر حاج سید جوادی، احمد، دائرة المعارف تشیع، قم، حکمت، اول، ۱۳۹۲ ش.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

فهرست منابع ۲۰۷

۴۱. طهرانی، ابوالفضل، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. علامه مجلسی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، نشر اسلامیه.
۴۳. علوی، سید احمد، راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، قم، معروف، چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۴۴. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ ش.
۴۵. فلاح زاده، محمد حسین، احکام فقهی سفر زیارتی عتبات، تهران، مرکز تحقیقات حج.
۴۶. قاضی طباطبایی، سید محمد علی، تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۴۷. قاضی عسکر، سید علی، آداب سفرو زیارت عتبات عالیات، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ ش.
۴۸. قاندان، اصغر، عتبات عالیات، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ ش.
۴۹. قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم)، ترجمه محمد باقر کمره ای، قم، جمکران.
۵۰. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۷۹ ش.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. لطفی، مهدی، جرعه نوش غدیر، قم، انصاری، دوم، ۱۳۷۹ ش.
۵۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول، تهران، دارالکتب، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. مجله فرهنگ زیارت، دی ماه ۱۳۹۲، ش ۱۹.
۵۵. مجله فرهنگ کوثر، پاییز ۱۳۸۶، ش ۷۱.
۵۶. محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم آل البيت، اول، ۱۴۰۹ ق.
۵۷. محدثی، جواد، زیارت، سازمان حج و زیارت، تهران.
۵۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹ ش.
۵۹. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۶۰. مستحسن، عبدالله، سفری از عاشورا تا اربعین، قم، سبط النبى، ۱۳۸۹ ش.
۶۱. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، صدرا، ۱۳۹۲ ش.
۶۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۶۳. مظاهری، منصور، احکام فقهی مورد ابتلا در سفرهای زیارتی عتبات عالیات، ستاد مرکزی اربعین، ۱۴۳۷ ق.
۶۴. مقدادی، علی، نشان از بی نشانها، تهران: جمهوری، ۱۳۷۴ ش.

۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب السلامیه، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۶۶. ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، المراقبات، مترجم: کریم فیضی، قم: قائم آل محمد، دوم، ۱۳۹۲ ش.
۶۷. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: موسسه دارالعلم، نشر داوری، اول.
۶۸. موسوی خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، شصتم، ۱۳۹۷ ش.
۶۹. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام خمینی علیه السلام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران.
۷۰. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول، ۱۴۲۶ ق.
۷۱. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل محشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، هشتم، ۱۴۲۴ ق.
۷۲. موسوی مقرر، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین المقرر، مترجم: لولاور، تهران: آرام دل، اول، ۱۳۹۴ ش.
۷۳. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، مترجم: جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
۷۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۸ ق.
۷۵. یزدی، سید کاظم، العروة الوثقی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۹ ق.